



مطالعات شهر ایرانی اسلامی

فصلنامه علمی

شماره پنجاه و چهارم، زمستان ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی

مدیر مسئول: دکتر علی رنجبرکی
ویراستار ادبی: دکتر مرجان خان محمدی
مدیر داخلی نشریه: مریم بایه
صفحه آرا: شهره سلطان محمدی

سر دبیر: دکتر حسین کلانتری خلیل آباد
دستیار علمی: دکتر محمد قاسمی سیانی و
مهندس مسعود دادگر
مترجم: دکتر فاطمه برناکی

هیئت تحریریه

دکتر محمدرضا بمانیان / استاد دانشگاه تربیت مدرس
دکتر مصطفی بهزادفرو / استاد دانشگاه علم و صنعت
دکتر جهانشاه پاکزاد / استاد دانشگاه شهید بهشتی
دکتر احمد پورا احمد / استاد دانشگاه تهران
دکتر محمدرضا پورجعفر / استاد دانشگاه تربیت مدرس
دکتر اسماعیل ضرغامی / استاد دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
دکتر محسن سرتیپی پور / استاد دانشگاه شهید بهشتی
دکتر حسین کلانتری خلیل آباد / استاد جهاددانشگاهی

دکتر یعقوب محمدی / استاد دانشگاه بوعلی سینا همدان
دکتر محمد مسعود / استاد دانشگاه هنر اصفهان
دکتر پروانه شاه حسینی / دانشیار پژوهشگاه تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت»
دکتر ایرج قاسمی / دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی
دکتر ابوالفضل مشکینی / دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

درجه علمی پژوهشی فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی طی نامه شماره ۱۳۸۹/۰۸/۳۰ مورخ ۸۹/۳/۱۱/۵۱۶۶۷ و فنآوری ابلاغ گردیده است.
پروانه انتشار این مجله به شماره ۱۲۶۲۹/۸۹ مورخ ۱۳۸۹/۰۶/۱۳ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.
فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی <http://www.isc.ac> و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) به نشانی www.sid.ir، بانک اطلاعات نشریات کشور (www.magiran.com)، بانک اطلاعات نشریات سیولیکا (www.civilica.com) و برخی پایگاه‌های دیگر نمایه می‌شود.

◆ نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان دانشگاه، خیابان شهید وحید نظری، شماره ۴۷

صندوق پستی ۱۳۱۶-۱۳۱۴۵، اداره نشریات علمی، تلفن: ۲-۶۶۴۹۷۵۶۱-۲، شماره: ۶۶۴۹۲۱۲۹

نشانی اینترنتی: iic@ihss.ir پایگاه اینترنتی: iic.ihss.ac.ir

فرایند چاپ: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی

قیمت: ۱۵۰۰۰۰۰ ریال

راهنمای تدوین و ارسال مقاله‌های علمی - پژوهشی

شرایط ارسال مقاله

- مقاله به زبان فارسی یا انگلیسی بوده، قبلاً در جایی چاپ نشده باشد. داشتن چکیده فارسی و انگلیسی برای مقاله ضرورت دارد.
- هیئت تحریریه پس از داوری، پذیرش مقاله را اعلام خواهد کرد.
- مسئولیت صحت مندرجات مقاله‌های علمی با نویسنده یا نویسندگان آن است.
- همراه مقاله نام و نشانی دقیق، شماره تلفن نویسنده یا نویسندگان و محل خدمت آنان ذکر شود.
- مقاله در برگه‌های A4 و با رعایت ابعاد صفحه فصلنامه (قطع وزیری) تایپ شود. تعداد جدولها در پایین‌ترین حد در نظر گرفته شود. نمودارها واضح و عکس‌ها سیاه و سفید در کاغذ مناسب در اندازه ۱۰×۱۵ سانتی‌متر تهیه گردد.
- مقاله حروف‌چینی شود و به وسیله پست‌الکترونیکی به دفتر فصلنامه ارسال گردد.
- فصلنامه در ویرایش مقالات آزاد است.

نحوه ارائه مقاله

- مقاله علمی - پژوهشی شامل عنوان، نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، چکیده، واژگان کلیدی، مقدمه، روش کار، تجزیه و تحلیل، نتیجه‌گیری و منابع باشد. حجم مقاله نیز نباید از ۱۵ صفحه بیشتر باشد.
- عنوان مقاله گویا و بیانگر محتوای مقاله باشد. نام و نام خانوادگی، درجه علمی و مؤسسه‌ای که مؤلف در آن اشتغال دارد، در زیر عنوان قید شود.
- چکیده مقاله، شرح مختصر و جامعی از محتوای مقاله شامل بیان مسئله، هدف، ماهیت و چگونگی پژوهش، نکته‌های مهم نتیجه و بحث است. تعداد کلمات چکیده از ۱۵۰ کلمه بیشتر نباشد.
- مقدمه مقاله بیانگر مسئله پژوهش است. محقق باید زمینه‌های قبلی پژوهش و ارتباط آن را با موضوع مقاله به اجمال بیان و در پایان به انگیزه تحقیق اشاره نماید.
- روش کار باید به اجمال بیانگر چگونگی و فرایند انجام پژوهش باشد. تحلیل‌های آماری، روش‌های مورد استفاده، به شیوه‌ای مناسب یادآوری شود.
- داده‌ها و نتیجه‌های به دست آمده باید به گونه‌ای منطقی و مفید ارائه شود و به این منظور می‌تواند همراه با جدول، نمودار، نگاره و عکس باشد.
- نویسنده در پایان مقاله راهنمایی و کمک‌های دیگران را یادآوری و از آنها سپاسگزاری کند.
- ارجاع‌های متن مقاله داخل کمان و به این شیوه است: (نام خانوادگی، سال انتشار: شماره صفحه)؛ مانند (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۲۵). شیوه ارجاع به منابعی که بیش از دو نفر نویسنده دارند نیز به این صورت خواهد بود: (اسمیت و همکاران، ۱۹۷۴: ۲۲).
- در ذکر مشخصات انتشاراتی در فهرست منابع پایان مقاله از شیوه زیر پیروی شود:
مقاله: نام خانوادگی، نام (سال انتشار) «نام مقاله»، نام مترجم، نام نشریه، دوره یا سال، شماره.
کتاب: نام خانوادگی، نام (سال انتشار) عنوان کتاب، نام مترجم، مصحح، یا سایر افراد، شماره مجلد، نوبت چاپ، محل انتشار، نام ناشر.

فهرست مطالب

- کتاب تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری ساختار «وید» مؤثر بر تعاملات اجتماعی (بناهای مسکونی دوره پهلوی دوم تا به امروز شهر تهران)..... ۱
سودابه عباسی آذر/سیامک پناهی/حسین کلانتری خلیل آباد
- کتاب تبیین تأثیر مفهوم القاء در نظام محله با تکیه بر آموزه‌های معارف اسلامی..... ۱۹
مجید خرمشاد/رضا خیرالدین
- کتاب بازخوانی مراتب هستی‌صدرايي در سلسله مراتب باغ ایرانی (نمونه موردی: باغ فین کاشان)..... ۴۳
الناز ایمانی/مرتضی شجاری
- کتاب وجوه تمایز مؤلفه‌های محرمیت معماری متأثر از تفاوت سبک زندگی در فرهنگ شرق و غرب..... ۶۳
حسن ناصری ازغندی/محسن طبسی/حسن رضائی
- کتاب مرتبه‌بندی تعاریف و شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی بر پایه شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی..... ۸۳
علی دل‌زنده/حیدر جهان‌بخش/حسین مرادی‌نسب/محمد رضا بمانیان/حسن ذوالفقارزاده
- کتاب تأثیر زنجیره تأمین پویا بر عملکرد خدمات الکترونیک شهری در بافت تاریخی شهر یزد..... ۱۰۱
نجمه رضایی صدرآبادی/حسین معین زاد/محمدعلی کرامتی
- کتاب بررسی نقش حیاط در ارتقاء کارایی عملکردی مدارس ایران (موردکاوی: مدرسه مروی، البرز، کمال و سلمان)..... ۱۱۹
فرزانه نریمانی/ملیحه تقی‌پور/علی اکبر حیدری

داوران این شماره

- دکتر سیمون آیوازیان / استاد دانشگاه تهران
- دکتر محمدرضا بمانیان / استاد دانشگاه تربیت مدرس
- دکتر مینو قره بگلو / استاد دانشگاه هنر اسلامی تبریز
- دکتر علیرضا رازقی / دانشیار دانشگاه هنر
- دکتر آزاده شاهچراغی / دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
- دکتر ایرج قاسمی / دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی
- دکتر زهرا نادعلی پور / دانشیار دانشگاه علم و فرهنگ
- دکتر عباس آذری / استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران
- دکتر محمود ارژمند / استادیار دانشگاه هنر
- دکتر غلامرضا اسکندریان / استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی
- دکتر محمد بهزاد پور / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد هشتگرد
- دکتر فرزانه رزاقیان / استادیار جهاددانشگاهی
- دکتر الهام ضابطیان طرقي / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب
- دکتر عصمت پای کن / استادیار دانشگاه گیلان
- دکتر محمد صالح شکوهی بیدهدندی / استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران
- دکتر بهزاد عمران زاده / استادیار دانشگاه .جامع امام حسین (ع)
- دکتر عباس کریمی / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک
- دکتر علی مشهدی / استادیار دانشگاه علم و فرهنگ جهاددانشگاهی
- دکتر مهتا میرمقتدایی / استادیار مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی
- دکتر محمدرضا نامداری / استادیار دانشگاه علم و فرهنگ
- دکتر حسین نوری نیا / استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی
- دکتر الناز ایمانی / دانش آموزخته دکتری دانشگاه تبریز

تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری ساختار «وید» مؤثر بر تعاملات اجتماعی (بناهای مسکونی دوره پهلوی دوم تا به امروز شهر تهران)^۱

سودابه عباسی آذر*، سیامک پناهی**، حسین کلانتری خلیل‌آباد***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی - ۱-۱۷

چکیده

وید به عنوان یک مفهوم برای تعریف فضاهای خالی یکی از عناصر اساسی در حوزه معماری و شهرسازی است که به عنوان یک مکان رفتاری دارای ابعاد فیزیکی و غیرفیزیکی است. این پژوهش با هدف کاربردی به شناسایی عوامل مؤثر در شکل‌گیری وید در فضاهای مسکونی از دوره پهلوی دوم تا به امروز شهر تهران با نگاه به تأثیرات اجتماعی آن از طریق تحلیل منابع کتابخانه‌ای، مصاحبه از پژوهشگران و معماران طراح می‌پردازد. از دیدگاه روند پژوهش، تحقیق در پارادایم کیفی بوده و با استفاده از رویکرد گراند تئوری و روش کدگذاری داده‌ها، مصاحبه‌ها به صورت نیمه ساختار یافته از متخصصین صورت گرفته و در این راستا از نرم‌افزار MAXQDA جهت تحلیل و آنالیز داده‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها استفاده خواهد شد. یافته‌های پژوهش اثر معنادار مؤلفه‌های مختلف از جمله عوامل اجتماعی، کالبدی، فرهنگی و اقتصادی را بر شکل‌گیری وید مؤثر بر تعاملات اجتماعی ساکنین نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: بناهای مسکونی، تعاملات اجتماعی، مؤلفه‌های فضایی، وید.

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه دوره دکتری تخصصی نویسنده اول با عنوان «تبیین مدل مفهومی جایگاه وید (void) در فرآیند طراحی معماری (با تأکید بر تأثیر اجتماعی آن بر مخاطب در خانه‌های مسکونی - دوره پهلوی دوم تا کنون شهر تهران)»، با راهنمایی نویسنده دوم و نویسنده سوم به عنوان اساتید راهنما در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج می‌باشد، که در سال ۱۴۰۳ انجام گرفته است.

Soudabeh.Abbasi@yahoo.com

* دانشجوی دکتری تخصصی، گروه معماری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

Siamak.Panahi@iau.ac.ir

** نویسنده مسئول: استادیار گروه معماری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

*** استاد گروه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، جهاد دانشگاهی و عضو گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران
H-Kalantari2005@yahoo.com



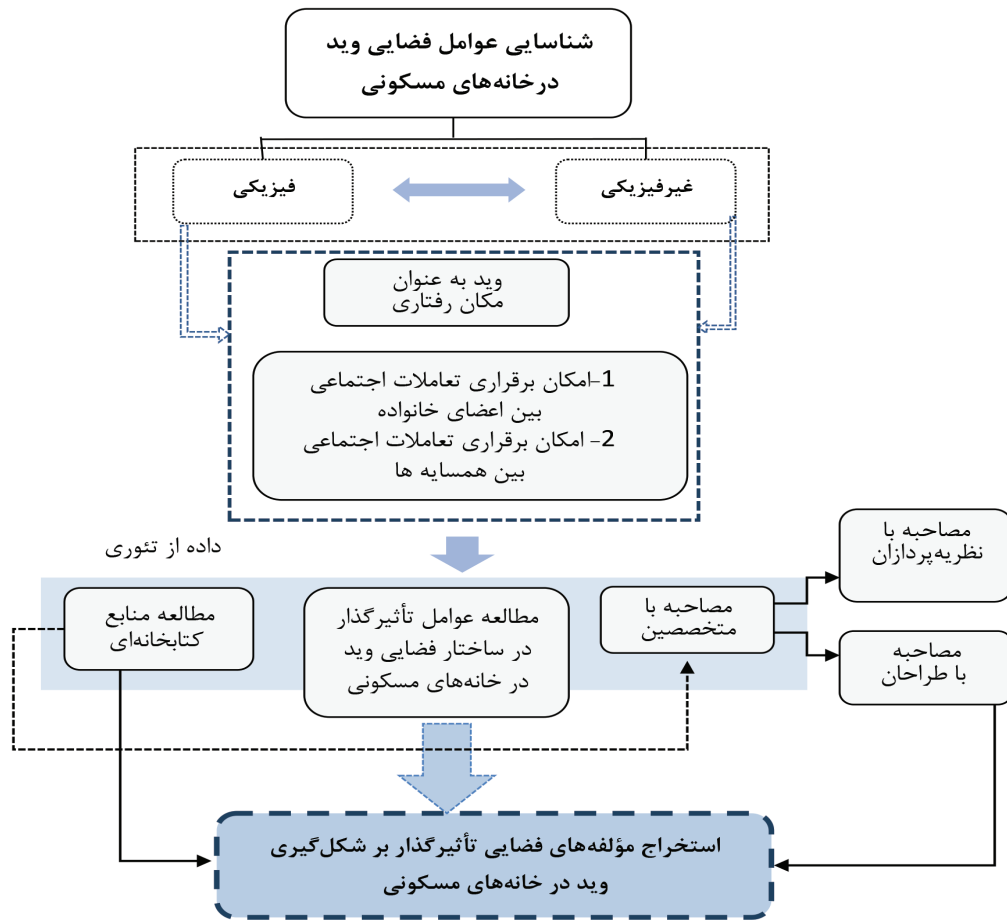
مقدمه

وید^۱ به عنوان فضایی تهی دارای غنای فرمی، مفهومی و عملکردی در زمینه‌هایی گوناگون از جمله معماری و شهرسازی می‌باشد. وید فضایی است که بر اساس عناصر کالبدی که دلالت بر تعیین مرزها و حدود دارد، محصور می‌شود که بایستی آن را از ابعاد فیزیکی و غیر فیزیکی بررسی نمود. در شکل‌گیری ساختار فضایی وید، توجه به زمینه در بازه زمانی و مکانی حائز اهمیت است به طوری که در هر فرآیند طراحی توجه به بستر معماری و داده‌های طرح از ابزار مولد اولیه معماران می‌باشد و رویکرد اصلی طراحی را تعریف می‌کند. این رویکرد به تجلی گسترده‌گزینه‌های طراحی منجر شده است و در نهایت ارزیابی موفق‌تر از راه حل‌ها و طراحی‌های کامل‌تری را به دنبال دارد (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۸: ۶). در مقاله پیشه‌رو منظور از وید عنصری است که در بازیافت و بازخواست یک فضا مؤثر بوده و به عنوان یک فضای خالی تکمیل‌کننده عملکرد می‌شود. چگونگی بهره‌گیری از وید و تأثیرات آن به عنوان یک مکان رفتاری در فضای مسکونی را می‌توان با توجه به تغییرات شیوه زیستن در بستر تاریخ معاصر، مورد مطالعه قرار داد. تحولات و تغییراتی که از دوران پهلوی دوم و در پی افزایش جمعیت شهرها، ایران معاصر و اختصاصاً در شهر تهران شروع شده و تا اکنون ادامه دارد. توسعه شهری نوین تهران، تغییراتی را به نسبت فضاهای باز و نیمه باز، به فضاهای بسته، در واحدهای مسکونی تحمیل کرده است. این تغییرات در سال‌های اخیر شیوه زندگی تهرانیان را به نوعی تحت تأثیر قرار داده است و آپارتمان‌های کوچک‌تر که حداقل دسترسی به فضاهای باز و یا نیمه باز دارند، گسترش یافته‌اند. توجه به مفهوم زندگی جمعی و ایجاد الگوهای رفتاری مطلوب و مرتبط با آن می‌تواند در برقراری تعاملات اجتماعی و ایجاد سرزندگی در محیط مؤثر باشد (اخوت،

۱۳۸۲: ۵۲). محیط به عنوان بستر تعاملات اجتماعی در حوزه مطالعات روان‌شناسی محیطی و معماری حائز اهمیت می‌باشد. در فضاهای جمعی بهتر است، مکانی برای تبادل اطلاعات افراد با یکدیگر فراهم شود زیرا وقایع و رویدادها زمانی اتفاق می‌افتد که افراد بتوانند یکدیگر را ملاقات کنند و یا با یکدیگر صحبت نمایند (همان: ۵۲). هدف پژوهش بر آن است که به بازشناسی شاخصه‌های فضایی در شکل‌گیری فضای تهی در خانه‌های گذشته و امروز شهر تهران در دوره پهلوی دوم تا پس از انقلاب اسلامی با نگاه به تأثیرات اجتماعی آن بر ساکنین پردازد. لویس مامفورد^۲ بر معماری به عنوان محیط انسان‌ساخت در پاسخ‌گویی به اثرات محیطی، اجتماعی و فرهنگی تأکید بسیار نموده است (ر.ک: Markus, 1987). مبتنی بر همین دیدگاه چگونگی تأثیرگذاری هر یک از این اثرات غیر فیزیکی و نیز ابعاد فیزیکی بر شکل‌گیری ساختار وید در بناهای مسکونی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. در پژوهش حاضر «وید» به عنوان یکی از اجزاء معماری و تأثیرگذار بر محیط و نیز رفتار اجتماعی، به عنوان مسئله اصلی پژوهش، مطرح شده است. در همین راستا نحوه شکل‌گیری آن در معماری فضاهای مسکونی در دوره مذکور با توجه به امکان برقراری تعاملات اجتماعی بین اعضای خانواده و همسایه‌ها بررسی می‌گردد. که نتایج بررسی‌ها بازخوردهایی در زمینه شناخت بیش‌تر و بهتر از وید در فضا را به دست می‌دهد که فهم و درک میزان اهمیت آن، منجر به تجربیات فضایی در یک معماری متمایز و شاخص می‌شود. این مقاله کوشیده است از طریق مصاحبه و منابع کتابخانه‌ای به این پرسش پاسخ دهد که: از دیدگاه متخصصین (نظریه‌پردازان و طراحان معمار) مؤلفه‌های فضایی تأثیرگذار در شکل‌گیری وید مؤثر بر تعاملات اجتماعی ساکنین در فضاهای مسکونی چیست؟

2. Lewis Mumford

1. void



نمودار ۱: الگوی مفهومی پژوهش

داده است، در مورد استراتژی شناخته شده وید در فرآیند طراحی معماری مطالعه کرده است (ر.ک: Koolhaas, 2004). مبحث «استراتژی وید» مطرح شده در سال ۲۰۱۲ توسط رم کولهااس به عنوان یک روش طراحی در تعدادی از پروژه‌هایش به کار آمد که بر اهمیت غیرقابل کتمان فهمی از فضا تأکید می‌گذارد (ر.ک: Graeme Haunholter, 2012). در راستای پژوهش‌های مرتبط به موضوع بحث، نیلگون کولقلو^۳ و تولای شاملیقلو^۴ در سال ۲۰۱۲ در رساله خود با عنوان وید از منظر ادراکی و بصری در فرم معماری (شفافیت و نفوذپذیری)، ویدهای ادراکی - بصری را طبقه‌بندی کرده و در بخش شناختی ویدها مفاهیم معماری مانند شفافیت و نفوذپذیری را در درک فرم معماری بررسی می‌کند (ر.ک: Nilgün Kuloğlu & Tülay Şamlıoğlu).

پیشینه پژوهش

از آن‌جا که موضوع پژوهش حاضر، تبیین مؤلفه‌های کالبدی- اجتماعی ساختار فضایی وید در فضاها مسکونی است، پژوهش‌هایی که به‌طور خاص به این خاستگاه پرداخته‌اند، پیشینه این مقاله به‌شمار می‌روند. در این راستا می‌توان گفت، که افرادی در باب فضای باز و نیمه باز در بناهای مسکونی به ارائه نظریه پرداخته‌اند ولی این‌که نمونه‌ای مبنی بر این‌که، به صورت خاص به شناسایی مؤلفه‌های کالبدی- اجتماعی ساختار فضایی وید پرداخته باشند یافت نشده است. رم کولهااس^۱ به عنوان یکی از برجسته‌ترین معماران معاصر، در کتابی به نام معماری منع شده^۲ که در سال ۲۰۰۴ ارائه

3. Nilgün Kuloğlu

4. Tülay Şamlıoğlu

1. Rem Koolhaas

2. Perverted Architecture

غزال صفدریان و همکاران (Şamlı oğlu, 2012). در سال ۱۴۰۰ در تحقیقی با عنوان تبیین رابطه میان میزان تعاملات اجتماعی و بالا رفتن کیفیت زیست در مجتمع‌های مسکونی، با استفاده از مطالعات میدانی و با استفاده از پرسشنامه میزان تعاملات اجتماعی در چند مجتمع مسکونی را مورد بررسی قرار داده و تحقیق گویای آن بوده که کم توجهی به روابط انسانی در زیست گروهی، فراهم نبودن بستری مناسب جهت تعاملات اجتماعی و در نظر نگرفتن فضاهای تعاملی میان ساکنین موجب نارضایتی و در نتیجه پایین آمدن کیفیت زندگی در مجتمع‌های زیستی شده است (ر.ک: غزال صفدریان و همکاران، ۱۴۰۰). حسین کلانتری و همکاران در سال ۲۰۲۰ بر نقش تفکر و تأثیر آن در پایداری معماری مدرن و القا حس رضایت تأکید می‌نمایند (ر.ک: کلانتری و همکاران، ۲۰۲۰). زهره عطار عباسی و همکاران در سال ۱۳۹۹ در مقاله استخراج شده

از رساله دکتری خود با عنوان بررسی سازوکار اثرگذاری ویژگی‌های کالبدی-معنایی تهی بر تعاملات اجتماعی ساختمان‌های عمومی، به بررسی مفهوم تهی پرداخته و تأثیرات آن بر رفتار، ویژگی‌های کالبدی و معنایی تهی و اثربخشی آنها بر روابط اجتماعی افراد را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهند (ر.ک: زهره عباسی و همکاران، ۱۳۹۹). مهرداد شهبازی و همکاران در سال ۱۳۹۹ در تحقیقی با عنوان شناسایی عوامل کالبدی-فضایی مؤثر بر سرزندگی محیطی در فضاهای باز مجموعه مسکونی از دیدگاه طراحان و ساکنین، با هدف یافتن تفاوت دیدگاه‌های ساکنین و طراحان مجموعه‌های مسکونی نسبت به ابعاد کالبدی-فضایی سرزندگی محیطی در فضاهای باز به شناسایی این عوامل از این ابعاد پرداخته و تفاوت‌ها را مطالعه کرده است (مهرداد شهبازی و همکاران، ۱۳۹۹).

جدول شماره ۱- پیشینه پژوهش

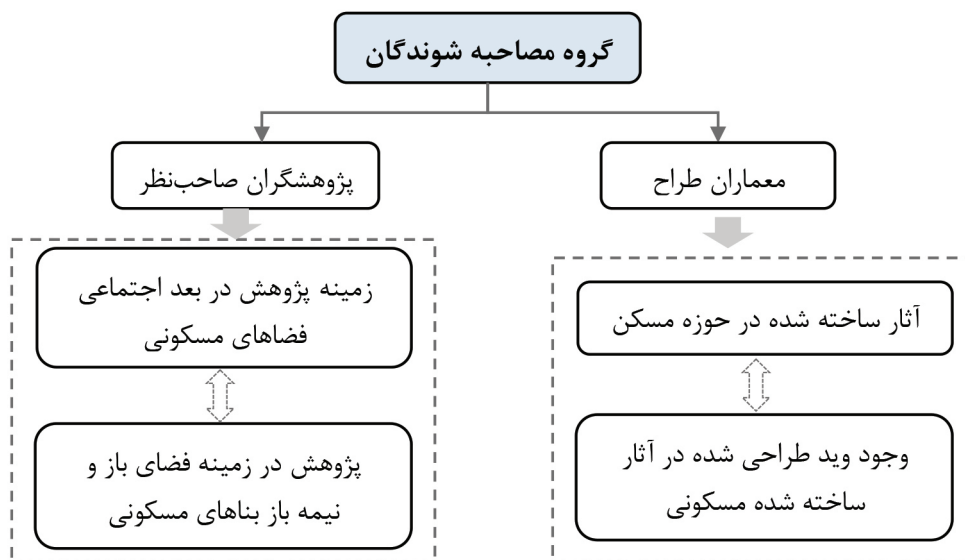
| سال پژوهش | پژوهش | نام نویسنده |
|-----------|--|--|
| ۲۰۰۴ | معماری منع شده | رم کولهاس |
| ۲۰۱۲ | استراتژی وید | رم کولهاس |
| ۲۰۱۲ | وید از منظر ادراکی و بصری در فرم معماری | نیلگون کولقلو ^۱ و تولای شاملیقو |
| ۱۴۰۰ | عنوان تبیین رابطه میان میزان تعاملات اجتماعی و بالا رفتن کیفیت زیست در مجتمع‌های مسکونی | غزال صفدریان و همکاران |
| ۱۳۹۹ | بررسی سازوکار اثرگذاری ویژگی‌های کالبدی-معنایی تهی بر تعاملات اجتماعی ساختمان‌های عمومی | زهره عطار عباسی و همکاران |
| ۱۳۹۹ | شناسایی عوامل کالبدی-فضایی مؤثر بر سرزندگی محیطی در فضاهای باز مجموعه مسکونی از دیدگاه طراحان و ساکنین | مهرداد شهبازی و همکاران |

روش پژوهش

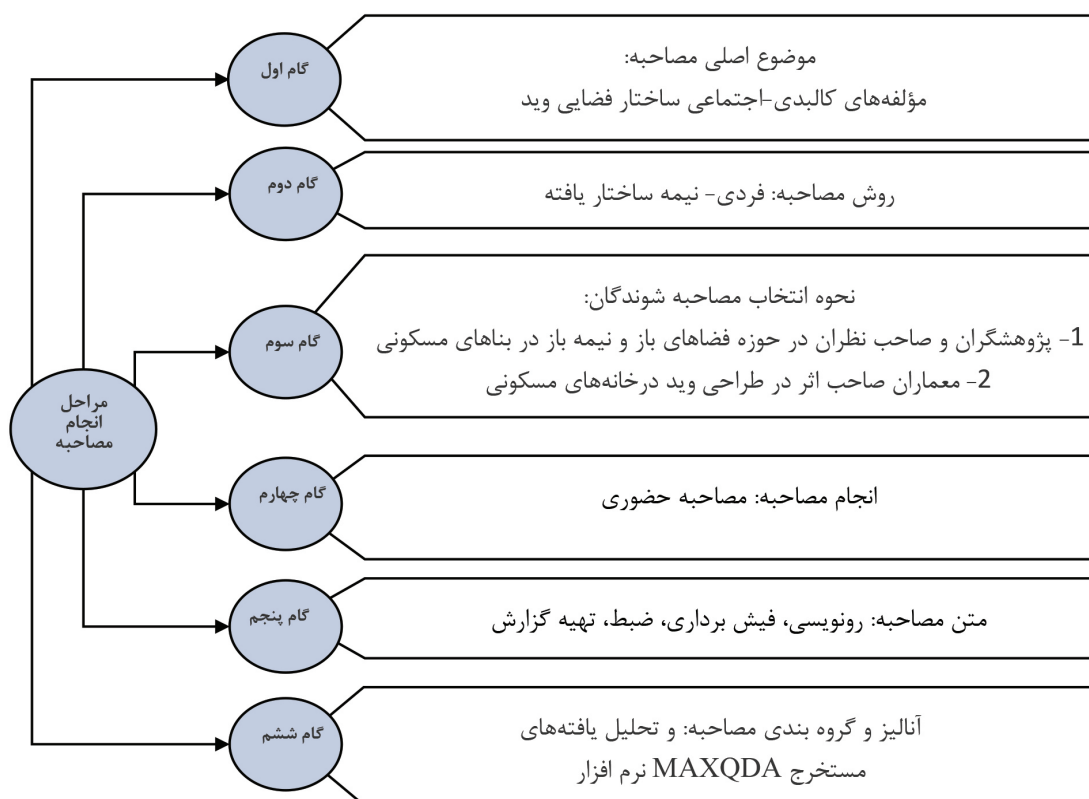
این پژوهش با توجه به تبیین مؤلفه‌های اثرگذار و به جهت امکان‌بخشی بهره‌گیری از نتایج پژوهش در زمینه فرایند طراحی و استمرار راهکارها به منظور تقویت هویت طراحی معماران، از منظر هدف پژوهشی

کاربردی و عملی است. برای این منظور ابتدا به استخراج ابعاد فیزیکی-غیرفیزیکی ساختار وید در فضاهای مسکونی، با روش گردآوری داده‌ها از مطالعات پژوهشگران صاحب نظر حوزه معماری و شهرسازی در منابع کتابخانه‌ای پرداخته می‌شود (داده از تئوری).

نمودار ۲: ویژگی محاصبه شوندگان در پژوهش



نمودار ۳: الگوی نحوه محاصبه پژوهش



از نظریه پردازان و معماران طراح ایرانی انجام می‌گیرد، سپس در روش کمی با توجه به ادبیات نظری عوامل موجود استخراج می‌گردد. جهت محاصبه با متخصصین، در این مطالعه با ۲۵ نفر از نظریه پردازان در حوزه معماری و شهرسازی و

سپس با توجه به تأثیر نوع اقلیم و فرهنگ در نحوه شکل‌گیری وید در فضاهای مسکونی محاصبه به صورت نیمه ساختار یافته و بارویکرد کیفی با استعانت از رویکرد گراندد تئوری^۱

1. Grounded Theory

نیز طراحان معمار صاحب اثر در حوزه مسکن مصاحبه انجام گردید. در این قسمت، نخست با استفاده از روش‌های کیفی عوامل فیزیکی - غیرفیزیکی مؤثر بر شکل‌گیری وید از دیدگاه متخصصین حوزه معماری و شهرسازی مورد بررسی قرار گرفته و داده‌ها در نرم افزار MAXQDA آنالیز و تحلیل می‌گردد. پس از آن پژوهشگر با مرور مجموعه داده‌های گردآوری شده تلاش می‌کند که مفاهیم مستتر در آن را شناسایی و مقایسه نماید. در نهایت مطالعات حاصل از مصاحبه به صورت جدول و نمودار و در قالب تحلیل متنی ارائه می‌گردد. قواعد روش مصاحبه و پرسشنامه، کوشیده است به این پرسش زیر پاسخ دهد که: عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری ساختار فضایی وید مؤثر بر تعاملات اجتماعی اعضای خانواده و ساکنین در فضاهای مسکونی در دوره مدرن شهر تهران چیست؟

مبانی نظری پژوهش

هر خانه به طور معمول از دو بخش: یکی فضای ساخته شده و محصور، و دیگری فضای باز، تشکیل می‌شود؛ با وجود آنکه نقش اقلیم و محیط در شکل‌گیری ساختار فضای باز خانه‌ها آشکار است، ولی می‌توان از عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز به عنوان عوامل مؤثر در شکل‌گیری فضاهای مختلف در بناهای مسکونی نام برد. جایگاه وید در معماری مسکونی گذشته در حیاط مرکزی خانه‌های ایرانی به عنوان فضایی باز که دور تا دور آن را فضای ساخته شده محصور کرده است تبلور داشته است؛ در واقع حیاط مرکزی به عنوان یک ساختار ارزشمند در خانه، به منظور اثربخشی بر گسترش ارتباط انسان با محیط و نیز بهبود روابط اجتماعی، مورد توجه بوده است. قواعد انتزاعی فضا که بر معماری مدرن

حاکم است، سبب شد که وید در قالب روح زمان خود به شکل‌های مختلف تا به امروز پا بگیرد. فضای تهی می‌تواند در بستر شهر در حقیقت به مانند ظرفی باشد که امکان می‌دهد فعالیت‌ها در آن به وقوع بپیوندد. در زمینه گرای کالبدی طراح نه تنها خود شی بلکه رابطه متقابل آن را با سایر عناصر موجود در زمینه ملحوظ می‌دارد (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۸: ۷).

تحولات معماری مسکونی از دوره پهلوی دوم تا به امروز شهر تهران

سیاست‌های توسعه در دوره پهلوی دوم، تهران به پایتخت را به قطب اصلی فعالیت‌های عمرانی و مؤسسات خصوصی تبدیل کرد و منجر به ادامه روند مهاجرت و افزایش جمعیت و در نتیجه تحولات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی شد. معماری شکل گرفته در این دوره، تلفیقی از معماری سبک بین الملل و بوم‌گرایی بود. اکثر آثار این جریان را تحت تأثیر اندیشه‌ها و مباحث مطرح شده در خصوص دوران اروپای پسا مدرن می‌دانند (ر.ک: بر گرفته از بانی مسعود، ۱۳۸۸). در پی سلسله تحولات در دوره مطالعاتی قیمت زمین و مسکن به تدریج گران شد و پیامدهایی رخ داد که منجر به تأثیر و تغییر در روند طراحی فضاهای مسکونی گردید. از آنجا که خانه اولین مکان برای نمود هویتی و شخصیتی هر ملت بوده است، این سیر تحول فکری را می‌توان با تحول در نوع فضاها و پلان‌های ساختمان‌های مسکونی به خوبی مشاهده کرد (ر.ک: بر گرفته از قبادیان، ۱۳۹۳).

جدول ۲: عوامل تأثیرگذار بر معماری دوره پهلوی دوم به بعد (منبع: برگرفته از بانی مسعود و قبادیان)

| عوامل مؤثر بر معماری | ویژگی های معماری |
|--|---|
| <ul style="list-style-type: none"> - روابط سیاسی - وضعیت اقتصادی - ورود معماران ایرانی تحصیل کرده خارج - تحولات فرهنگی و اجتماعی | <ul style="list-style-type: none"> - هم‌سویی و هماهنگی با معماری مدرن - استفاده از فرم‌های برون‌گرا - استفاده از تکنولوژی - تأکید به فضاهای باز و نیمه باز - ماهیت درون‌گرای فضاهای داخلی - تلفیق معماری بومی با مدرن |

در شهر تهران اگرچه مقولات مربوط به نوع شکل‌گیری مسکن در نظر اول، امری با ماهیت محلی است و انتظار می‌رود در قالب طرح‌ها و سیاست‌های محلی دنبال شده و تحول یابد، اما ماهیت متمرکز و نظام برنامه‌ریزی و مدیریت ایران سبب شده است تا این امر معمولاً به طور مستقیم در قالب برنامه‌های توسعه و یا سیاست‌های حمایتی دولت مرکزی و دستگاه‌های وابسته به آن دنبال شود (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶).

وید فیزیکی

در علم فیزیک، وید، خلاء یا تهی از مفاهیم بنیادین به شمار می‌روند و در فیزیک کلاسیک، تهی «فضایی سه بعدی از هندسه اقلیدسی، مطلق، همیشه ساکن و لایتغیر یا به گفته خود نیوتن، مطلق در ماهیت خود، بی توجه به هر عامل خارجی، همیشه یکسان و ساکن (کاپرا، ۱۳۶۶: ۶۹) بوده و به مثابه ظرف خالی برای عناصر و پدیده‌های فیزیکی عمل می‌کند. در فیزیک جدید تهی یک فضای خالی زنده است که ضربانی موزون و بی پایان می‌آفریند و می‌میراند (همان: ۶۹). در معماری وید از بعد فیزیکی فضاهای در نظر گرفته شده و طراحی شده هستند. اما، آیا واقعاً می‌توان وید را طراحی کرد؟ بیشتر معماران، طراحان شهری و برنامه‌ریزان شهر به این سوال پاسخ مثبت می‌دهند، زیرا آنها با مفهوم تمرینات پر و خالی

انجام شده در دوره‌های طراحی پایه آموزش حرفه‌ای خود آشنا بوده‌اند. مفهوم وید همراه با مفهوم ضد ماده (ضد پر) به عنوان مرحله اولیه ترکیب سه بعدی صورت می‌گیرد (ر.ک: Saner, 2014). چه در معماری و چه در شهر، یک حجم ممکن است به صورت یک فضای پر باشد، جایی که فضا توسط جرم جابجا می‌شود، یا یک وید باشد یعنی جایی که فضا توسط عناصر کالبدی محصور می‌شود (ر.ک: Ching, 2007). منظور از وید فیزیکی فضای خالی است که معمار آن را به عمد و در راستای تکمیل کردن عملکرد خلق کرده است. ویدهای عملکردی مربوط به استفاده از فضا می‌باشند. این فضاهای خالی برای فعالیت‌های کاربردی طراحی شده‌اند این نوع ویدها به عنوان ورودی، بالکن، تراس، آتریم، حیاط، تهویه و نورگیر طبقه‌بندی می‌شوند (ر.ک: Kuloglu, 2012).

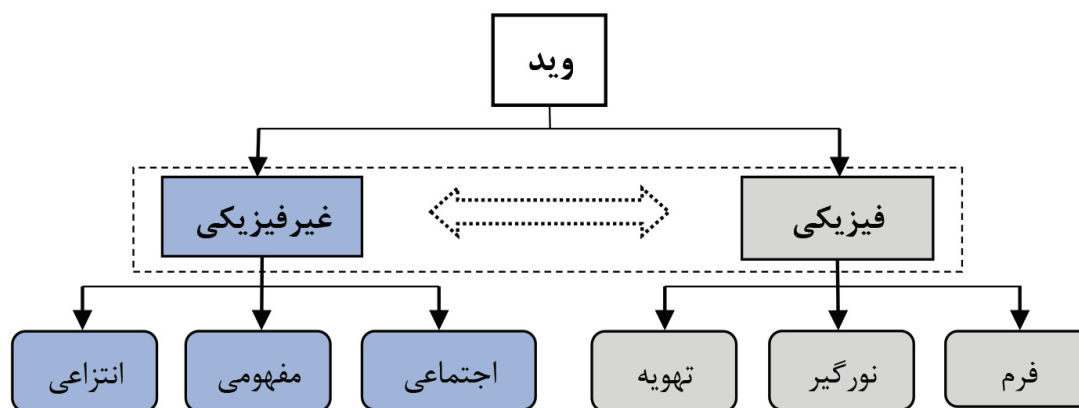
وید غیر فیزیکی

فضای تهی علاوه بر مشخصه متمایز کالبدی و فیزیکی فضاهای مجاور، که دارای ویژگی‌های کاربردی و مفهومی متعدد است، از ابعاد فضایی غیر فیزیکی نیز دارای مفهوم و اعتبار است. بدین صورت وید فضایی است که بر اساس عناصر کالبدی که دلالت بر تعیین مرزها و حدود دارد، محصور می‌شود (شکلی - کالبدی) درون آن، کانون تمرکز معنا و مفاهیم می‌شود (معنایی) و محل تعاملات می‌گردد. فضای تهی به عنوان

مرکزی نامتعیین، اما تعیین کننده، نقطه اتصال و پیوند عوامل فضایی می باشد که بدون آن ارتباط های فضایی از هم می گسلند و هر یک به اجزا پراکنده و تک افتاده ای بدل می شوند. بر این اساس، فضا باید آنگونه که هست، در انتزاعی ترین حالتش، به مثابه یک وید، برهنه و تجربه شود. تهی به خودی خود کاملاً کامل بوده و نمی خواهد پر شود. این فضای خالی را یا معمار می خواهد ایجاد کند و یا اثر ایجاد شده با حضور کاربر است. این چنین فضاهایی به صورت اجتماعی، مفهومی، ادراکی،

بصری طبقه بندی می شوند (ر.ک: Kuloglu, 2012). در این گونه ساختمان ها فرم با توجه به فضای خالی شکل گرفته است و هدف به جای اولویت دادن به توده شامل آوردن وید در پیش زمینه است. ساکنان این ساختمان ها در یا پنجره را به جهت تقویت و هدایت ادراک فضایی و برقراری تعاملات اجتماعی روی به محیط احاطه شده خود توسط توده باز می کنند. به معنای رفتن از یک مکان به مکان دیگری و یا حرکت چیزی در چیزی دیگر (ر.ک: بنتلی، ۱۳۸۲).

دیاگرام ۱: مرزبندی وید در فضاهای مسکونی



وید به عنوان مکان رفتاری در بناهای مسکونی

بررسی وید در گستره فضای معماری به عنوان بعدی که رابطه ای همه جانبه با سایر ابعاد دارد، دارای اهمیت است. بر خلاف این اهمیت به نظر می رسد، وید در فرآیند طراحی معماری معاصر، آن طور که باید با آگاهی طراح، طراحی نشده و صرفاً جهت جانمایی نورگیر و تهویه مورد استفاده قرار گرفته و کمتر به آن پرداخته شده است. گاهی در روند طراحی، ویدها بدون در نظر گرفتن تأثیرات مهم آنها، به عنوان فضاهایی

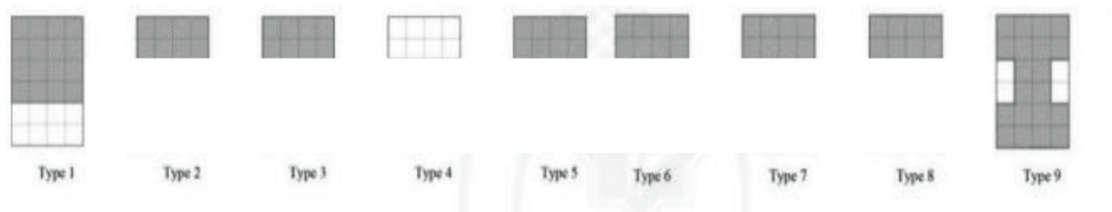
ناخواسته، بدون استفاده و یا ناکارآمد ایجاد می شوند در حالی که می توانند نقش مکمل فضای ساخته شده و در مواردی مهمتر از آن را داشته باشند. جانمایی این فضاها، و نسبت بین آنها و فضای ساخته شده در نگاه کلی در طراحی یک ساختمان از جمله فضاهای مسکونی دارای اهمیت است و این اهمیت از نظر ادراک مخاطب، پیامد روانی توده و خالی، امکان توزیع فضایی و چیدمان عناصر معماری در کنار هم قابل بررسی است. فضا و محیط ساخته شده، یکی از عوامل تعیین کننده رفتار اجتماعی انسان بوده است. بدین

کمک کند. فرآیند ایجاد رابطه با دیگران و محیط در جریان انجام فعالیت‌های مختلف صورت می‌گیرد و باعث می‌شود محیط دارای کاراکتر خاصی شود. ویژگی که آن را از دیگر محیط‌ها متمایز خواهد کرد و امکان حضور بیشتر افراد را فراهم خواهد نمود (ر.ک: مرتضوی، ۱۳۶۷).

گونه‌بندی وید در خانه‌های مسکونی شهر تهران از دوره پهلوی دوم به بعد

زندگی در مجموعه‌های مسکونی از پیش طراحی شده را می‌توان از مهمترین تحولات در فرآیند سکونت در شهرها دانست. گذر از مرحله‌ای که هر ساختمان مناسب با شرایط یک خانواده طراحی می‌شد و رسیدن به مرحله‌ای که ساخت مسکن را همگام با برنامه‌ریزی متناسب با شرایط عمومی ساکنان می‌داند هرچند ساده و بدیهی به نظر می‌رسد، ولی تحولی بنیادی است. نتیجه این نوع برنامه‌ریزی طیف وسیعی از مجموعه‌های مسکونی با تراکم کم تا مجتمع‌های مسکونی متراکم را شامل می‌شود (ر.ک: عینی فر، ۱۳۷۹) که وید بنا به شرایط منطقه‌ای و نیازهای متفاوت استفاده‌کنندگان و سازندگان به حالت‌های مختلف جانمایی شده است.

ترتیب فضای ساخته شده یا طبیعی «محرک» رفتار انسان‌ها «پاسخگوی محرک» در نظر گرفته می‌شود (لنگ، ۱۳۸۱: ۱۱۳). با توجه به اینکه خانه‌های مسکونی، زمینه روی دادن کنش‌های انسانی از منظر رفتار شخصی، فعالیت گروهی و ادراک کالبدی ساختمان هستند، در دوره معاصر و مخصوصاً پس از همه‌گیری بیماری کرونا شیوه زیستن به نحوی تغییر کرده که در مواردی از فضای مسکونی به عنوان محل کار و زیست مداوم استفاده می‌شود به طوری که گاهی ممکن است ساکنین حتی روزها محل سکونت خود را ترک نکنند، از این رو باید بتوان نیازهای اجتماعی آنها را تا حد امکان در روند طراحی معماری تامین کرد. این دگرگونی در شیوه زیستن، کار و فعالیت حرفه‌ای امکان توجه به فضاهای میانی و عمومی در سکونت‌گاه‌ها را بیش از پیش فراهم کرده است (ر.ک: اسدی و همکاران، ۱۴۰۲). وید، با ایجاد فضایی عمومی امکان برقراری ارتباط دو به دو، گروهی و جمعی را فراهم کرده و در شکل دادن به نحوه برقراری ارتباط جمعی میان انسان‌ها نقش قابل توجهی دارد و از طرفی می‌تواند با ایجاد فضایی مجزا برای هر واحد مسکونی، به برآوردن نیاز به خلوت شخصی افراد نیز



دیاگرام ۲: گونه‌های بلوک‌های مرسوم شهر تهران، منبع: مختاری و همکاران



دیاگرام ۳: تیپ بندی ساختار فرمی وید در بناهای مسکونی شهر تهران

جدول ۳: نمونه موردی تصادفی وید در بناهای مسکونی پهلوی دوم و امروز شهر تهران

| نام بنا | نام معمار | دوره تاریخی | پلان | تصویر | دیاگرام |
|-------------------------------|---------------------------|------------------|---|---|------------|
| ویلاي نمازی | جو پونتی | پهلوی دوم |  |  | گروه (الف) |
| خانه کوه بر | مهدی عزیزاده سقطی | پهلوی دوم - ۱۳۵۲ |  |  | گروه (ب) |
| معماری ساختمان مسکونی باغ ونک | رضا حبیب زاده، آرزو خلیلی | ۱۳۸۹ |  |  | گروه (الف) |
| ساختمان مسکونی وید | مریم پوستی | ۱۴۰۰ |  |  | گروه (د) |

که با همبستگی مشروط بین این دو عامل‌های روانی و اجتماعی بهره برداران از فضا تعیین می‌شود (ر.ک: S.teele, 1981). جدول شماره ۴ و ۵ به جنبه‌های فیزیکی و غیرفیزیکی این نوع فضاهای باز و نیمه باز از نظر پژوهشگران صاحب نظر در حوزه معماری و شهرسازی در محدوده بناهای مسکونی پرداخته است.

مؤلفه‌های فیزیکی - غیرفیزیکی وید در فضاهای باز و نیمه باز مسکونی

فعالیت در فضای باز مناسب موجب تعامل فضاهای کالبدی به لحاظ معماری و روانی در استفاده‌کنندگان حاصل می‌شود که این هم‌نشستی، نتیجه هم‌ساختی و هم‌زیستی بین کالبد فضای عمومی و رفتارهای بین فردی یا فوق فردی است

جدول ۴: مؤلفه کالبدی فضای باز و عمومی محدوده مسکونی در طراحی معماری و شهری

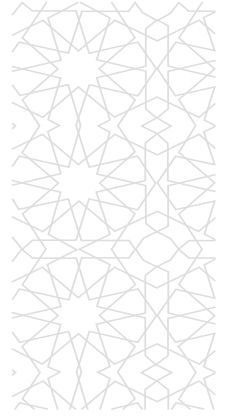
| مؤلفه کالبدی | نظر به پرداز | |
|--|------------------------------|---|
| نفوذپذیری- تنوع- خوانایی الگوهای فعالیت انعطاف پذیری- گوناگونی- سلسله مراتب- تناسب بصری- تمایز/ تشابه- تداوم/ تحول | کوبین لینچ ^۲ | ۱ |
| ابعاد- تناسبات- چیدمان | وارن بارکر ^۳ | ۲ |
| امکان نشستن- تماشای فضاهای اطراف- ایجاد فضاهای متنوع- زیبایی بصری (ر.ک: دهناد، ۱۳۹۸) | استفان کار ^۴ | ۳ |
| نحوه دسترسی- موقعیت- آسایش فیزیولوژیکی- در شرایط مختلف اقلیمی- امنیت | کاپلان ^۵ | ۴ |
| تعداد افراد ساکن و تعداد افراد استفاده کننده از هر وسیله- تخصیص مقدار کافی امکانات هماهنگ با جمعیت ساکن | جهان شاه پاکزاد | ۵ |
| امکان استفاده در شرایط مختلف جوی- اشکال فضایی مختلف | مایک بیدولف ^۶ | ۶ |
| ویژگی های کالبدی محیط فضاهای سبز- عناصر با المان های جذاب معماری | وندر وردت ^۷ | ۷ |
| ارتباط با نحوه سیرکولاسیون- ارتباطات فضایی بین محیط و انسان- دسترسی با قابل رؤیت بودن فضا- نحوه دستیابی به فضا | دانشپور و چرخیان* | ۸ |
| مساحت فضا- امنیت- تأسیسات زیربنایی- فضای باز طبیعی | آمریگو و آرگونز ^۸ | ۹ |

جدول ۵: مؤلفه اجتماعی فضای باز و عمومی محدوده مسکونی در طراحی معماری و شهری

| مؤلفه اجتماعی | نظر به پرداز | |
|--|--|---|
| -احیای مکان و حس مکان- تنوع محرک های حسی- ایجاد عرصه های عمومی و خصوصی- حس فردیت و تعلق داشتن- حس تشخص و مناعت طبع- حس اعتماد و اطمینان- حس همبستگی- انطباق با تصاویر ذهنی- هویت و شخصیت ویژه مکان- قابلیت خاطره ساز بودن مکان | فریتز استیل ^۹ | ۱ |
| جمعیت- راهبری- همبستگی متقابل فضایی- چیدمان- فعالیت های پیوسته- کاربران | وارن بارکر | ۲ |
| امکان تعامل با دوستان- امکان قدم زدن- امکان فعالیت های جسمانی- دیدار رو در رو | ویلیام وایت ^{۱۰} | ۳ |
| تطابق با نیازهای گروه های سنی و جنسی مختلف- قابلیت استفاده در ساعات مختلف شبانه روز | مایک بیدولف | ۴ |
| نحوه زندگی، جمعیت و نگهداری | آیلو ^{۱۱} و آردنه ^{۱۱} | ۵ |

- 1 . Kevin Lynch
- 2 . Warren Bechtel
- 3 . Stephon Carr
- 4 . Kaplan. R
- 5 . Mike Biddulph
- 6 . Van der Voordt

- 7 . Amerigo & Argones
- 8 . Fritz Steele
- 9 . William H. Whyte
- 10 . Aiello Antonio
- 11 . Ardone Rita Grazia

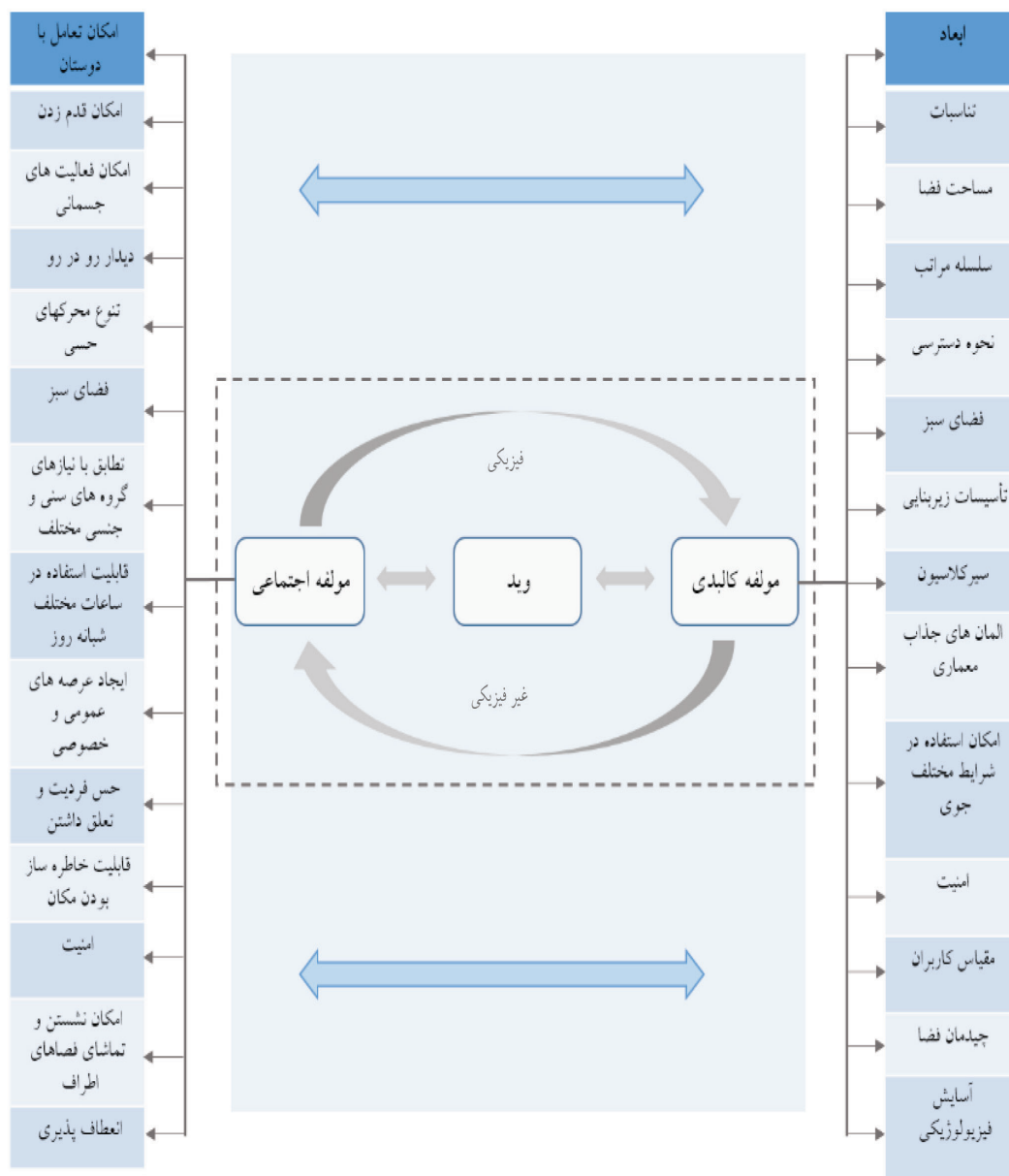


یافته‌ها

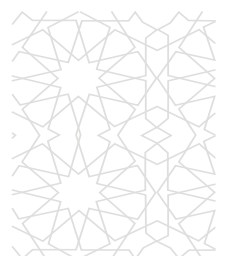
بازشناسی مؤلفه‌های فضایی تأثیر گذار در دید جهت ایجاد تعاملات اجتماعی

در بخش اول تحقیق از طریق مطالعات کتابخانه‌ای به گردآوری مؤلفه‌های فیزیکی و غیرفیزیکی فضاهای باز و نیمه باز از نگاه پژوهشگران صاحب نظر در محدوده فضاهای مسکونی پرداخته شد. تحلیل جدول شماره ۴ و ۵ حاصل در بخش مبانی نظری به ارزیابی این مؤلفه‌ها پرداخته است. در این پژوهش با توجه به ارتباط میان پارامترها رابطه معناداری بین ویژگی‌های فیزیکی و غیرفیزیکی به جهت

زمینه سازی تبدیل ساختار فضایی وید به عنوان یک قرارگاه رفتاری برای ساکنین وجود داشت که منجر به تقسیم‌بندی آن به دو گروه کالبدی و اجتماعی گردید (دیاگرام ۴). این امر نشان‌دهنده آن است که افراد ساکن در این نوع فضاهای مسکونی، این ویژگی‌ها را به عنوان عوامل دلبستگی به مکان و به عنوان بستری برای ایجاد تعاملات اجتماعی مورد توجه قرار داده‌اند؛ بنابراین ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی می‌توانند به عنوان عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری وید جهت برقراری ارتباطات اجتماعی در نظر گرفته شوند.



دیاگرام ۴: مؤلفه‌های کالبدی و اجتماعی وید در فضای باز بناهای مسکونی



بازشناسی مؤلفه‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری وید در شهر تهران (پهلوی دوم تا به امروز)

با توجه به کدگذاری که در نرم‌افزار MACQDA از مصاحبه‌کنندگان واجدالشرایط انجام گرفت، مؤلفه‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری وید با درصد فراوانی متفاوت استخراج شد. که در آن عوامل کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، نیاز سنجی ساکنین و اقتصادی به ترتیب نقش‌های اصلی را در روند شکل‌گیری ساختار فضایی وید

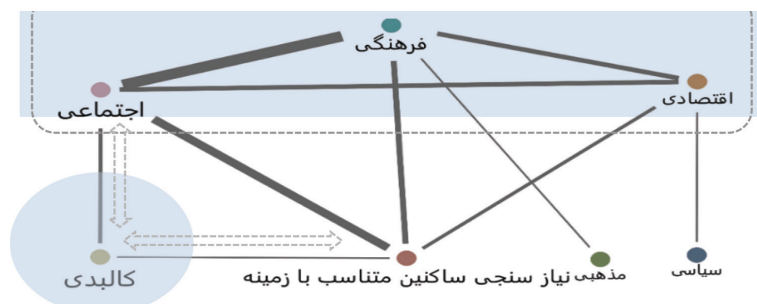
در مجموعه‌های مسکونی دارا شدند. از بیشترین عوامل مؤثر در مؤلفه کالبدی، موارد مربوط به نورگیری و تهویه بود. همچنین در کنار مؤلفه‌ها و نیازهای اجتماعی و فرهنگی که در مناطق مختلف شهر تهران متفاوت است، عامل اقتصادی با توجه به گران شدن قیمت زمین و مسکن نقشه بسیار تعیین‌کننده‌ای را در نوع شکل‌گیری وید در ساختمان‌های مسکونی در بازه زمانی مذکور داشته است.

جدول ۶: مؤلفه‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری وید در بناهای مسکونی تهران از نگاه متخصصین

| مؤلفه‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری وید | فراوانی | درصد فراوانی |
|-------------------------------------|---------|--------------|
| کالبدی | ۴۵ | ۲۷/۲۷ |
| اجتماعی | ۳۸ | ۲۳/۰۳ |
| فرهنگی | ۲۷ | ۱۶/۳۶ |
| نیاز سنجی ساکنین متناسب با زمینه | ۲۲ | ۱۳/۳۳ |
| اقتصادی | ۲۰ | ۱۲/۱۲ |
| معنا و هستی‌شناسی | ۵ | ۳/۰۳ |
| سیاسی | ۴ | ۲/۴۲ |
| مذهبی | ۳ | ۱/۸۲ |
| تکنولوژی | ۱ | ۰/۶۱ |
| مجموع | ۱۶۵ | ۱۰۰/۰۰ |

مشترک هر سه نیازسنجی ساکنین می‌باشد که بر اساس نوع بافت و منطقه، در شکل‌گیری وید در بناهای مسکونی نقش متفاوت ایفا می‌کند.

با توجه به نوع ارتباطات مؤلفه‌ها با هم، سه قطب اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بیشترین همپوشانی و اشتراکات را با هم داشته که فصل



دیگرام ۵: روابط بین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری وید در بناهای مسکونی شهر تهران



جدول ۷: همپوشانی بین مؤلفه‌های تأثیر گذار بر شکل‌گیری وید در بناهای مسکونی

| Code System | معنا | مذهبی | سیاسی | فرهنگی | اقتصادی | اجتماعی | نیاز سنجی ساکنین | کالبدی |
|-----------------|------|-------|-------|--------|---------|---------|------------------|--------|
| معنا شناسی | | | | | | | | |
| مذهبی | | | | ۱ | | | | |
| سیاسی | | | | | ۱ | | | |
| فرهنگی | | ۱ | | | ۳ | ۹ | ۳ | |
| اقتصادی | | | ۱ | | ۳ | | ۲ | |
| تکنولوژی | | | | | | | | |
| اجتماعی | | | | ۹ | ۳ | | ۶ | ۲ |
| نیازسنجی ساکنین | | | | ۳ | ۲ | ۶ | | ۱ |
| کالبدی | | | | ۰ | ۰ | ۲ | ۱ | |

پرسش پژوهش، نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته، به شناسایی ۹ مؤلفه به عنوان عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری ساختار وید از دوره پهلوی دوم تا به امروز شهر تهران در مجموعه‌های مسکونی انجامید. زمانی که دسته بندی عوامل شکل گرفت و ارتباطشان با یکدیگر بررسی شد، ۵ مفهوم اصلی به دست آمد که از دیدگاه متخصصین این شاخص‌ها به جهت ایجاد بستری برای برقراری فضای تعاملی در شکل‌گیری ساختار فضایی وید مؤثر بوده‌اند. در واقع از دید کارشناسان، این ۹ مفهوم برای شکل‌گیری فضای تعاملی وید در ابعاد فیزیکی و غیر فیزیکی تقسیم‌بندی شده‌اند که نحوه ارتباط، شدت و نوع رابطه و تأثیرپذیری آنها از یکدیگر در نحوه شکل‌گیری ساختار وید قابل بررسی است. از نتایج استخراج شده از نمودار ۰۳ می‌توان اینگونه برداشت نمود که نقش عامل کالبدی که در بعد فیزیکی جای دارد بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری وید داشته است. عواملی مانند نورگیری، تهویه، اکوسیستم و غیره، از جمله این موارد می‌باشند. پس از آن عوامل

نظام سیاسی حاکم در هر زمان ارتباط مستقیم با عامل اقتصادی که از عوامل اصلی و تعیین‌کننده در این باب است داشته است به نحوی که عامل اقتصادی به طور مستقیم در بالا بردن سطح کیفیت فضایی بناهای مسکونی و مخصوصاً ابعاد و نوع ساختار وید، وابسته به منطقه شهری مؤثر می‌باشد. مؤلفه کالبدی در ارتباط با عوامل اجتماعی و نیاز سنجی ساکنین متناسب با منطقه ساخت بنا، در روند شکل‌گیری وید ایفای نقش کرده و می‌تواند در تشویق انسان‌ها به حضور و تعامل در فضا با ارتقاء کیفی این مؤلفه‌ها در ساختار فضایی وید تأثیرگذار باشد.

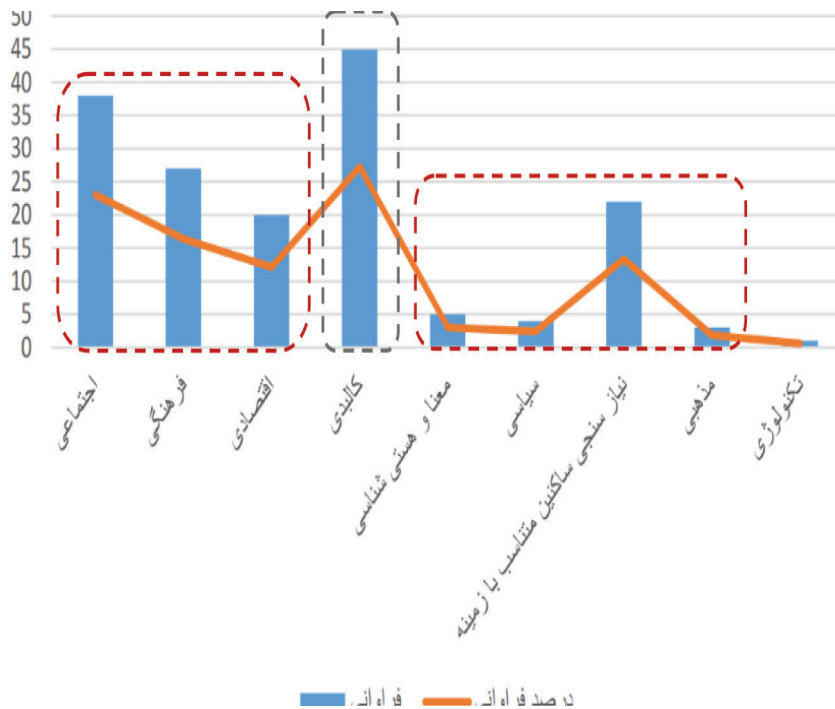
نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به دست آمده وید به عنوان یک مفهوم غیر فیزیکی می‌تواند بسته به روح زمان و مکان و متأثر از عوامل شناسایی شده تأثیرگذار بر شکل‌گیری آن، در قالب‌ها و مرزهای فیزیکی متفاوت ظاهر شده و نقش متفاوتی را در فضاهای مسکونی ایفا کند. جهت پاسخگویی به



که می‌تواند منجر به ثبات در قیمت مسکن شود، می‌توان این عامل را در جایگاه درست خود و پس از عوامل ذکر شده درجه‌بندی نمود. مؤلفه‌هایی همچون نظام سیاسی حاکم، معاشناسی وید، عوامل مذهبی از دیگر عوامل مؤثر بوده‌اند که به عنوان ابعاد غیرفیزیکی می‌توانند زیر مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی و فرهنگی باشند، که البته همه این عوامل به طور مؤثر با هم در ارتباطند. با توجه به مفهوم غیرفیزیکی وید با شناسایی و بهره‌گیری از مؤلفه‌های به دست آمده از نگاه پژوهشگران و معماران متخصص حوزه معماری و شهرسازی می‌توان با تبیین رابطه‌مندی ابعاد فیزیکی و غیرفیزیکی عوامل شکل‌گیری ساختار فضایی وید، در ایجاد بستری به جهت ایجاد فضای تعاملی میان ساکنین و نیز اعضای خانواده در روند طراحی فضاهای مسکونی کوشید به طوری که متناسب به نوع منطقه و شرایط حاکم بتوان بهترین بهره‌وری را در این راستا داشت.

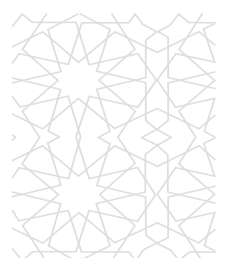
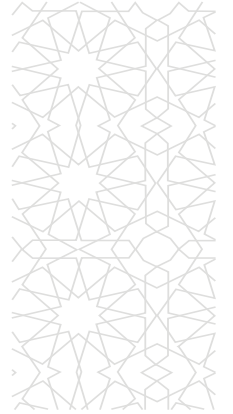
اجتماعی، فرهنگی و نیازهای مربوط به ساکنین به ترتیب تأثیرات قابل توجهی در شکل‌گیری ساختار وید داشته‌اند که هر کدام از این عوامل بسته به مناطق مختلف تهران نقش متفاوتی را ایفا می‌کنند. این عوامل که در بعد غیرفیزیکی جانمایی می‌شوند انحصاراً به شرایط زندگی و نیازهای ساکنین مربوط به مناطق مختلف تهران اشاره می‌کند که با توجه به سبک زندگی، شرایط اقتصادی، نوع تراکم و جمعیت در هر منطقه متفاوت است. گرچه مؤلفه اقتصادی در جایگاه بعدی قرار دارد ولی با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته از متخصصین از زمان پیش از انقلاب تا کنون نقش بسیار مؤثری در نوع شکل‌گیری وید در هر منطقه از شهر تهران داشته است. این عامل غیرفیزیکی به گران شدن قیمت زمین و مسکن و تورم مربوط به آن در دوره زمانی مذکور مربوط بوده که از جمله مؤلفه‌ای بود که کارشناسان در آن وجه اشتراک کامل داشتند؛ ولی با توجه به روح زمان و تغییر غیرقابل پیشبینی نظام اقتصادی



مرز فیزیکی ---

مرز غیر فیزیکی - - - -

نمودار ۳: درجه اثرگذاری مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری وید در بناهای مسکونی شهر تهران



منابع

- شماره سی و سوم، سال نهم.
- اخوت، محمد رحیم (۱۳۸۲) انعطاف، تنوع و پویایی در فضاهای دانشگاهی، نشریه معمار، شماره ۲۱.
- بانی مسعود، امیر (۱۳۸۸) معماری معاصر ایران (در تکاپوی بین سنت و مدرنیته) تهران، هنر و معماری قرن.
- بنتلی، ایمن و دیگران (۱۳۸۲) محیط‌های پاسخده، ترجمه مصطفی بهزادفر، دانشگاه علم و صنعت.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۸) سیر اندیشه‌ها در شهر سازی، تهران، شهیدی.
- دهناد، نازنین و باقر کریمی (۱۳۹۸) ارزیابی نقش مؤلفه‌های مؤثر در فضای باز مجتمع‌های مسکونی بر ایجاد تعاملات اجتماعی، نشریه هویت‌شهر-شماره ۳۷.
- شهبازی، مهرداد و منصور یگانه و محمدرضا بمانیان (۱۳۹۹) شناسایی عوامل کالبدی- فضایی مؤثر بر سرزندگی محیطی در فضاهای باز مجموعه مسکونی از دیدگاه طراحان و ساکنین، مورد مطالعاتی: مجتمع‌های مسکونی شهر تهران، نشریه معماری و شهرسازی آرمانشهر، شماره ۳۰.
- صفدریان، غزال و ایرج اعتصام و فرح حبیب (۱۴۰۰) تبیین رابطه میان میزان تعاملات اجتماعی و بالا رفتن کیفیت زیست در مجتمع‌های مسکونی (نمونه موردی: مجتمع مسکونی بهجت آباد، کوی نوبنیاد و برج بین المللی، مجله هویت شهر، دوره: ۱۵، شماره: ۲.
- عطارعباسی، زهره و علیرضا عینی فر و منوچهر فروتن و محمد مهدی سروش (۱۳۹۸) بررسی سازوکار اثرگذاری ویژگی‌های کالبدی- معنایی تهی بر تعاملات اجتماعی. مطالعات محیطی هفتحصار،
- عینی فر، علیرضا (۱۳۷۹) عوامل انسانی- محیطی مؤثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی، هنرهای زیبا، شماره ۸.
- قبادیان، وحید (۱۳۹۳) سبک شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران، تهران، علم هنر.
- کاپرا، فریتيوف (۱۳۶۶) تائوی فیزیک، ترجمه حبیب الله دادفرما، تهران، کیهان.
- کلاتتری خلیل آباد، حسین و سید امیررضا نظام دوست و علی یاران (۱۳۹۸) تبیین الگوی کالبدی مسکن معاصر مبتنی بر معماری زمینه گرا، مطالعه موردی: خانه‌های تاریخی منتخب دوره قاجار، فصل نامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، تهران.
- کلاتتری خلیل آباد، حسین و مهدی حقی (۱۳۹۹) تحلیل نظام اجرایی طرح‌های نوسازی در بافت‌های فرسوده شهری؛ با تأکید بر بافت فرسوده تهران، فصل نامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، تهران.
- کلاتتری خلیل آباد، حسین و علی اسدی و سعید صالحی مرزيجرانی و حسن سجادراده (۱۴۰۲) نقش کیفیت محیطی در تداوم سکونت و زندگی در مجتمع‌های زیستی شهر اراک، نشریه مطالعات شهری، پیاپی ۴۷ صص ۱۹-۳۲.
- لنگ، جان (۱۹۸۷) آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیطی، ترجمه علیرضا عینی فر، ۱۳۹۵، تهران، دانشگاه تهران.
- مختاری، مهدوی نژاد و کیانرسی کریمی نیا (۱۳۹۸) تأثیر فرم کلی و فشردگی نسبی ساختمان‌های مسکونی تهران بر آلودگی ناشی از گرمایش در فصل زمستان، فصلنامه محیط شناسی، شماره ۴۵.

Press.

Markus, Thomas A (1987) Building as a classifying devices, Environment and Planning B: Planning and Design 14.(4)

Mehmet Saner (2014) a philosophy of void: Ankara hippodrome and after.

Moghaddasi, Ahmad; Moghaddasi, Mohammad Hossein; Kalantari Khalilabad, Hosein, "Mohsen Foroughi (1907-1983) Thoughts And Sustainability In The Works Of An Iranian Modernist Architect", Architecture and Engineering, DOI Journal volume & issue, no. 4, pp. 28- 34.

Nilgün Kuloğlu & Tülay Şamlıoğlu (2012) Perceptual and Visual Void on the Architectural Form: Transparency and Permeability.

Steene, F (1981) The Sense of Place, Boston: CBI Publishing Company.

مرتضوی، شهرناز (۱۳۶۷) روانشناسی محیط و کاربرد آن، چاپ سوم، شهید بهشتی.

Amé rigo, Maria; Aragoné s, Juan Ignacio (1990) Residential Satisfaction in Council Housing, Journal of Environmental Psychology, 10, 313-325.

Bechtel, Robert & B., Marans, Robert W., & Michelson, William, eds (1987) Methods in environmental and behavioral research, Van Nostrand Reinhold Co.

Ching, F.D.K. (2007) Architecture: Form, Space, & Order, 3Rd, edition, New Jersey: John Wiley & Sons,

Graeme, Haunholter (2012) Strategy of the Void.

Koolhaas, Rem (2004) Office for Metropolitan Architecture, Content : perverted architecture.

Lynch, K (1998) Good City Form, Cambridge: MIT

تبیین تأثیر مفهوم القاء در نظام محله با تکیه بر آموزه‌های معارف اسلامی^۱

مجید خرمشاد*، رضا خیرالدین**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۰

نوع مقاله: پژوهشی - ۱۹-۴۲

چکیده

مفهوم القاء در حوزه‌های دانشی مختلفی مورد توجه، بررسی و بهره‌برداری قرار گرفته است. در انسان‌شناسی اسلامی و مبانی تربیتی آن نیز، القاء یکی از روش‌های مهم و تأثیرگذار در فرایند رشد و تعالی انسان محسوب می‌شود. با این وجود، ترجمان کالبدی و عملکردی این مفهوم کلیدی در حوزه طراحی شهرها مورد غفلت بوده است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر ارائه راهبردهایی جهت مدیریت محله و پیشنهادهای عملیاتی جهت شکل‌دهی کالبدی و عملکردی آن متأثر از مفهوم القاء است. در گام ابتدایی با تمرکز بر منابع کتابخانه‌ای در حوزه‌های دانشی مرتبط و بهره‌گیری از روش فراترکیب، مفهوم القاء با تکیه بر معارف اسلامی چنین جمع‌بندی گردید: «تفهیم غیراستدلالی و ناهشیارانه مفاهیم به ذهن و گرایشات انسان به صورتی که موجب انتقال مفاهیم ربّانی و حرکت در مسیر تعالی انسانی و یا دریافت پیام شیطانی و شکل‌گیری ظرفیت نزول مراتب انسانی گردد». بر اساس نتایج حاصله، القاء محیط به انسان به صورت کلی بر دو مفهوم اساسی «انس» و «اعتماد» استوار است. انس به وسیله «تکرار» و «تداوم ارتباط» با القاء‌کننده حاصل شده و اعتماد یا ناشی از «جذب» ذاتی القاء‌کننده می‌باشد و یا به صورت مصنوعی و با بهره‌گیری از ابزارها و روش‌های مختلف رسانه‌ای و هنری ایجاد می‌گردد. در مرحله بعد با بهره‌گیری از روش «استدلال منطقی» و شیوه «تعمیم میان رشته‌ای»، مؤلفه‌های حاصل از تعریف فوق و مفاهیم اصلی مرتبط با آن در نسبت با موضوع محله تحلیل گردید. بر این اساس، مفهوم القاء در محلات شهری - با تأکید بر قوای بینایی و شنوایی انسان - به صورت خاص در هفت فضای شهری شامل (۱) کوچه، (۲) فضاهای تجمع کاربری‌های خدماتی، (۳) فضاهای بازی و حوزه اطراف آن‌ها، (۴) فضاهای سبز تفریحی عمومی، (۵) مساجد و فضاهای شهری اطراف آن، (۶) فضاهای معابر منتهی به مدارس و (۷) فضاهای رویداد محور محلی، بالاترین تأثیر را دارد. همچنین راهبردها و پیشنهادهای عملیاتی مورد نیاز به منظور مدیریت و جهت‌دهی القاءات کالبدی و عملکردی در محله مطلوب اسلامی در نتایج پژوهش ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: اعتماد، القاء، انس، تکرار، جذب، محله.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری مجید خرمشاد با عنوان «تبیین نظام مطلوب محلات شهری با تکیه بر مبانی انسان‌شناسی اسلامی» بوده که با راهنمایی دکتر رضا خیرالدین در گروه شهرسازی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران نگاشته شده است.

* پژوهشگر دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی دانشگاه علم و صنعت، ایران

** نویسنده مسئول: دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، ایران

مقدمه

شناخت انسان که در حقیقت اصلی‌ترین عنصر هر سکونتگاهی است، یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین ملزومات برنامه‌ریزی و طراحی کارآمد شهرها است. انسان در مکاتب و ایدئولوژی‌های مختلف تعاریف متفاوتی داشته و همین تفاوت در نگرش به انسان، لاجرم خود را در ساختاردهی کالبدی و عملکردی شهرها نمایان می‌نماید. از این رو، دستیابی به تصویری قابل برنامه‌ریزی از ساختار وجودی انسان - با تأکید بر آموزه‌های اسلامی - و مفاهیم خرد و کلان مرتبط با آن از جمله موضوعات نیازمند تمرکز جدی توسط پژوهشگران شهری در ایران است.

انسان به صورت بنیادین موجودی تأثیرپذیر است و تا حدود قابل توجهی مطابق با القانات که به او منتقل می‌شود رفتار می‌نماید. القانات صورت گرفته بر انسان از مصادر متعدد و متنوعی همچون، گفتار اطرافیان، سیاست‌مداران و هنرمندان، رسانه‌ها و همچنین آثار هنری چند رسانه‌ای صادر می‌شوند. اما یکی از تأثیرگذارترین القاءکنندگان در زندگی شهری، خود شهر است. کالبد و عملکردهای شهری، می‌توانند در میان و بلندمدت مفاهیم متعددی را به شهروندان القاء نماید. غفلت از این بستر کلیدی در فرایند مدیریت فرهنگی - اجتماعی و کالبدی - عملکردی شهرها، صرفاً در سطح یک انفعال کم اثر قابل تحلیل نیست و زمینه افول فرهنگی و هویتی شهر و شهروندان را فراهم می‌نماید. اهمیت توجه به این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که شهر می‌تواند هم معنویت و روحانیت را به شهروندان خود القاء نماید و هم جهل و غفلت را.

لذا، با تمرکز بر ساختار پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و وام گرفتن از مبانی تولید شده در حوزه مفهوم «القاء» در معارف اسلامی و به صورت خاص «انسان‌شناسی اسلامی» و تعمیم آن به حوزه «شهرسازی» و به صورت

خاص «نظام محله»، قصد داریم بدین سؤال پاسخ دهیم که، توجه به مفهوم القاء - از دیدگاه معارف اسلامی - چه تأثیراتی بر نظام مفهومی، عملکردی و کالبدی محله دارد؟ بدین ترتیب هدف پژوهش نیز، ارائه راهبردهایی جهت مدیریت محله و پیشنهادهای عملیاتی جهت شکل‌دهی کالبدی و عملکردی آن متأثر از مفهوم «القاء» است.

روش‌شناسی پژوهش (تعمیم نظام مند مفاهیم)

پژوهش از جهت راهبردی، به دلیل عدم تکیه بر داده‌ها و فرایندهای آماری و بهره‌گیری از روش‌های استدلالی در تفسیر منابع کتابخانه‌ای، پژوهشی «کیفی ۲» تلقی می‌گردد (کوربین و اشتراس، ۲۰۰۸ و کرسول، ۱۳۹۶: ۳۰۰ و ۳۰۱). همچنین از زاویه جایگاه دانشی - به واسطه پیوند میان دو حوزه دانشی معارف اسلامی و شهرسازی - در ضمره مطالعات «میان‌رشته‌ای ۳» دسته‌بندی می‌شود. روش اصلی و کلان این پژوهش به جهت اتخاذ دیدگاه جامع نسبت به مفهوم «القاء»، روش فراترکیب (۱) می‌باشد. «فراترکیب روشی کیفی برای ایجاد دانش و تفسیر نتایج از مطالعات پیشین است» (نقی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۱ به نقل از Paterson, et al. 2001). در حقیقت، «فراترکیب با فراهم کردن یک نگرش جدید و اساسی و کشف روشی نوین، دانش جاری را ارتقاء داده و دید جامع و گسترده‌ای را نسبت به مسائل به وجود می‌آورد. همچنین می‌تواند ابزار ارزشمندی برای تسهیل در رویه ساخت تئوری از طریق ترکیب سیستماتیک باشد» (جعفرنژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۴).

1.Strategy

2.Qualitative

3. Interdisciplinary studies

در فرایند پژوهش (۲) به منظور دستیابی به منابع مرتبط و قابل اتکا از شیوه‌های مرور نظام‌مند^۲ به منظور جست و جوی دقیق و هدفمند منابع پژوهشی استفاده شده است (نمودار شماره ۲).

در پژوهش‌های مختلف، فرایندهای گوناگون و متعددی جهت اجرای مرور نظام‌مند پیشنهاد و استفاده شده است.

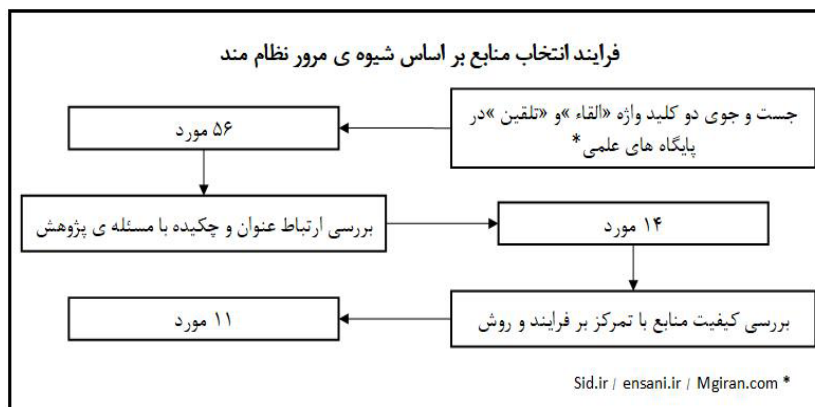
نمودار ۱- فرایند، روش و شیوه‌های مورد استفاده در پژوهش



بهره‌برداری بوده است. در انتهای فرایند پژوهش و در راستای تلفیق مفاهیم القاء و محله و به منظور حصول بینش میان‌رشته‌ای، از شیوه‌ی تلفیقی تعمیم بهره‌گرفته شده است (نمودار شماره ۱).

در ادامه، از شیوه‌ی تحلیلی-توصیفی برای بررسی مفهوم و فرایند القاء و تحلیل فضاها و عناصر مرتبط با این مفهوم در محله استفاده شده است. به منظور ارائه بینش یکپارچه و منسجم از مفهوم القاء و همچنین ارائه بینشی شهرسازانه از آن، شیوه‌ی استدلال منطقی^۳ مورد

نمودار ۲- فرایند انتخاب و گزینش منابع



مبانی نظری (چیستی و چگونگی القاء)

در ادامه به بررسی و تحلیل منابع منتخب در موضوع القاء از دیدگاه لغت‌شناسی، علوم تربیتی، تبلیغات و رسانه و نهایتاً با تمرکز بیشتر بر معارف اسلامی پرداخته‌ایم:

القاء در لغت‌شناسی

مفاهیم القاء و تلقین به صورت عمومی در لغتنامه‌ها و فرهنگ‌های زبان فارسی چنین تعریف شده‌اند. تلقین: «فهماندن و یاد دادن کلامی به کسی، مطلب را زبانی به کسی گفتن

و فهماندن، کسی را وادار به گفتن کلامی کردن» (عمید، ۱۳۶۳: ۶۱۰). القاء: «انداختن، افکندن، مطلبی را به فکر یا ذهن کسی افکندن» (همان: ۲۲۱). تلقین کردن: «تعلیم کردن. چیزی را در ذهن و فکر کسی حقیقت جلوه دادن. کسی را به چیزی معتقد کردن» (دهخدا، ۱۳۸۵، ۷۷۵). در لغت‌نامه‌های انگلیسی نیز به این مفهوم در قالب سه واژه اصلی، indoctrination، suggestion و inculcation مورد توجه قرار گرفته است. تعاریف این سه واژه در دو فرهنگ لغت مریم-وبستر^۱ و کمبریج^۲ در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- تعاریف معادل‌های انگلیسی واژه القاء یا تلقین

(www.merriam-webster.com و www.dictionary.cambridge.org)

| واژه | فرهنگ لغت مریم-وبستر | فرهنگ لغت کمبریج |
|----------------|--|---|
| indoctrination | تحت نفوذ یک نظر، دیدگاه یا اصول عمدتاً فرقه‌ای یا خرافه‌ای قرار گرفتن | فرایند تکرار یک اندیشه یا عقیده برای کسی تا زمانی که آن را بدون انتقاد و یا سوال بپذیرد |
| suggestion | فرایندی که در آن حالات روحی و یا جسمی انسان تحت تأثیر و نفوذ یک فکر یا نگرش قرار می‌گیرد | منتقل کردن و یا نشان دادن یک تفکر یا احساس بدون بیان مستقیم و یا آوردن دلیل |
| inculcation | آموزش و تحت تأثیر قرار دادن با تکرارها یا پندهای مکرر | فرایند تثبیت باورها یا ایده‌ها در ذهن یک نفر، به ویژه با تکرار مکرر آنها |

(اسمعیلی زمان آباد و علی‌پور، ۱۳۹۷: ۱۵۷).

القاء در علوم تربیتی

بر پایه پژوهش‌های صورت گرفته در موضوع مفاهیم القاء و تلقین در حوزه علوم تربیتی، تعاریف متعدد و بعضاً متفاوتی از این مفهوم ارائه شده است. «تلقین جریانی ذهنی است که نتیجه‌اش قبول بدون استدلال عقاید و افکاری است که به وسیله دیگری القاء می‌شود، یا در تحت شرایط خاصی محصول ذهن خود فرد است» (ر.ک: Thiessen, 1993). «تلقین نه امری تحمیلی و استبدادی است، نه امر استدلالی. در امر تلقینی، امکان اقامه استدلال نیست، نه این که در تعارض با استدلال است یا راه را بر

همان‌طور که از تعاریف ارائه شده نیز مشخص است، واژه indoctrination در فضای علمی بین‌المللی دارای بار منفی است، واژه suggestion نیز عمدتاً در مباحث روانکاوی مورد استفاده قرار می‌گیرد ولی واژه inculcation از نظر ارزشی خنثی و یا حتی مثبت تلقی شده، در مباحث تربیتی مورد استفاده قرار می‌گیرد و کاربردی‌تر دارد.

همچنین، بر اساس بررسی‌ها و جمع‌بندی صورت گرفته توسط اسمعیلی زمان آباد و علی‌پور در حوزه ریشه و معنای واژه تلقین در کتب لغت عربی، «تلقین به معنای فهماندن و انتقال یک معنا به شخص دارای شعور است»

1. Merriam-Webster Dictionary
2. Cambridge Dictionary

تنگاتنگی با مفهوم ناخودآگاه (ناهمسار) شخصی^۲ ارائه شده توسط یونگ^۳ در روانشناسی تحلیلی^۴ دارد. از نظر یونگ، روان انسان به دو بخش خودآگاه و ناخودآگاه تقسیم می‌گردد و هر یک از این دو نیز دارای دو بخش شخصی و جمعی است. در واقع ما با چهار جزء روبرو هستیم: خودآگاه شخصی، خودآگاه جمعی، ناخودآگاه شخصی و ناخودآگاه جمعی. «بر اساس نظر یونگ، ناخودآگاه شخصی دربرگیرنده عناصری از جمله تجارب شخصی فراموش شده یا سرکوب شده، آثار به جای مانده از محرک‌های بیرونی و درونی و آمیزهای از اندیشه‌ها که خواه به دلیل ضعف و ناروشنی بیش از حد و یا به دلیل سرکوب شدن هرگز به خودآگاهی نرسیده‌اند» (کزازی، ۱۳۹۴: ۱۶۰). به عبارت دیگر، «تمامی تجربیاتی که برای دستیابی به هشیاری بسیار ضعیف بوده و یا بیش از آن کم قوه بوده‌اند که در هوشیاری باقی بمانند، در ناآگاهی شخصی ذخیره می‌گردند» (خسرومنش، ۱۳۹۴: ۱۹۳). در حقیقت به نظر یونگ ناخودآگاه فردی، محتوای همه تمایلات، احساسات و شناخت‌هایی است که ما در طول زندگی خویش واپس زده‌ایم (ر.ک: یونگ، ۱۳۷۴).

برای ورود به ناخودآگاه شخصی چهار راه اصلی شناسایی شده است: الف) از آنجایی که کودکان در دوران ابتدای زندگی توان تحلیل، مقایسه و تشخیص خوب و بد را نداشته، کاملاً تلقین پذیر بوده و القاء در پیچه مناسبی برای ورود به اعماق ضمیر ناخودآگاه آنان می‌باشد. بهره‌گیری از مضامین و اصول درست در فرایند تربیتی کودکان می‌تواند مفاهیم درست و متعالی را در روح و روان آنها نهادینه نماید. ب) در زمان وقوع هیجانات مثبت و منفی شدید مانند شادی‌ها و ناراحتی‌های آنی و ناگهانی در افراد، خودآگاهی فرد کمرنگ شده، در پیچه

آن مینندد». (مصباحی جمشید، ۱۳۹۸: ۳۰). «تلقین در روانشناسی و آموزش و پرورش به دو معنای عام و خاص به کار می‌رود. در معنی عام، کوشش به تلقین روش یا طرز خاص و معینی از عقیده‌ها، عادت‌ها و نظرها است که در ضمن آموزش و یادگیری انجام می‌گیرد. در معنای خاص، کوشش به تلقین یک عقیده اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و یا دینی است که با کنار گذاشتن عقاید مخالف انجام می‌گیرد» (ر.ک: پورافکاری، ۱۳۷۳). به طور کلی از تلقین با توجه به این مفاهیم استفاده می‌شود: الف) تلقین به معنای تحمیل عقاید یا قبولاندن عقاید و اصرار به این که فرد چیزی را بپذیرد، بدون این که آن را بشناسد و دلیل پذیرش یا رد آن را بداند. ب) گاهی کلمه تلقین به معنای تکرار، استعمال می‌شود. یعنی عمل یا فرایند باوراندن چیزی یا پدید آوردن تصویری از راه تکرار. ج) هرگاه سرچشمه تلقین خود فرد باشد، آن را تلقین به نفس گویند. (قاسم پوردهقانی و جعفری، ۱۳۸۸: ۲۹). «تفهیم و تعلیم به انسان. خواه تفهیم مستقیم باشد و یا غیر مستقیم، خواه تفهیم به خود باشد یا دیگری و خواه تفهیم کننده انسان باشد یا غیر انسان و خواه تفهیم شونده زنده باشد یا مرده» (موسوی، ۱۳۹۲: ۵۴).

القاء در روانشناسی

در فرهنگ جامع روانشناسی، تلقین این گونه تعریف شده است: «فرایند وادار ساختن کسی برای رفتار کردن به گونه‌ای خاص و پذیرفتن عقیده یا باور کردن چیزی به طریق غیر مستقیم» (ر.ک: پورافکاری، ۱۳۷۳). همچنین، دانشنامه بریتانیکا^۱ در مورد suggestion، این گونه توضیح می‌دهد: «در روانشناسی این لغت به معنای فرایند هدایت فرد به واکنش اعتقادی و یا عملی غیرانتقادی است. روش تلقین که عموماً کلامی است، می‌تواند بصری بوده و یا شامل احساسات دیگر نیز باشد».

مفهوم القاء و تلقین در روانشناسی، ارتباط

2. Personal Unconscious

3. Carl Gustav Jung

4. Analytical Psychology

1. Britannica encyclopedia

ناخودآگاه باز می‌شود و تلقین پذیری فرد افزایش می‌یابد. این بازه‌های زمانی، موقعیت مناسبی جهت القاء مفاهیم و مضامین دلخواه به انسان می‌باشد. ج) تلقین به نفس در حالت خودآگاهی و در موقعیت‌ها و شرایط مختلف تأثیر به‌سزایی بر روی ناخودآگاه شخصی انسان داشته و می‌تواند حتی بر جسم انسان نیز تأثیر بگذارد. این روش با تکیه بر دو مفهوم «توجه» و «تکرار» به نتیجه می‌رسد. د) هیپنوتیزم و خودهیپنوتیزمی - به عنوان یک راه مصنوعی - نیز می‌تواند بر ناخودآگاه انسان تأثیر گذار باشد. این روش ماهیت مستقلی نداشته و در حقیقت تکیه آن بر همان روش سوم یعنی تلقین به نفس می‌باشد (کاویانی، ۱۳۹۷: ۱۹). بدین ترتیب، القاء - در اشکال مختلف آن - اصلی‌ترین دریچه ورود به ضمیر ناخودآگاه شخصی قلمداد شده و می‌تواند بر چهار نوع ضمیر ناخودآگاه مورد تحلیل در نظریات روانکاوی و روانشناسی تحلیلی شامل ناخودآگاه عاطفی، ناخودآگاه شناختی، ناخودآگاه معنوی و نهایتاً ناخودآگاه رفتاری تأثیرگذاری جدی داشته باشد (همان: ۶-۹).

نکته نیازمند توجه آن است که در حوزه روانشناسی محیطی و به ویژه در ذیل نظریه قرارگاه رفتاری^۱ راجر بارکر^۲ و یا نظریه مکان^۳ کریستین نوربرگ شولتز^۴ نیز مباحث مهمی در حوزه تأثیرات روانی محیط بر انسان ارائه شده است (۳). عمده این مباحث مربوط به تأثیرات طراحی محیطی بر «احساسات» و «رفتار» استفاده‌کنندگان از فضا در بازه حضور در آن می‌باشد. ولی بر اساس مباحث پیش گفته، در حوزه القاء علاوه بر موضوع تأثیرات آنی بر حالات و فعالیت‌ها، نگاهی عمیق‌تر و ناظر به تأثیرات درونی‌تر و بلند مدت بر «ذهنیات»

و «باورهای» شهروندان نیز مد نظر بوده که نتیجتاً تأثیرات خود را بر کنش آنان در حوزه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی نیز می‌گذارد.

القاء در تبلیغات و رسانه

موضوع القاء در حوزه تبلیغات و رسانه نیز مورد توجه قرار گرفته و از آن استفاده می‌گردد. بر اساس نظر متخصصین این حوزه، «هر تبلیغ با استفاده از کارکردهای القایی کنشی و تنشی، همواره در پی ارزش‌سازی برای چیزی است که موضوع آن را تشکیل می‌دهد. زیرا این ارزش‌سازی در جامعه تولید اعتماد می‌کند و این اعتماد در نهایت به القاء منجر می‌شود که خود نوع رابطه مخاطب با شیء ارزشی مورد نظر را تعیین می‌نماید. در مجموع معیارهای کنشی و تنشی به کار رفته در گفتمان‌های تبلیغاتی می‌تواند منجر به ایجاد باور، تغییر و یا بازسازی آن شود» (شعیری و انتظاری ملکی، ۱۳۹۲: ۱۱۵). همچنین متخصصین رسانه‌ای بیان می‌دارند که، «تلقین که نوعی متقاعدسازی ناهوشیارانه و ناآگاهانه است، از شیوه‌های رایج اقناع محسوب می‌شود. تلقین نوعی فرایند ارتباطی است که موجب پذیرش مسئله مورد نظر اقناع‌گر می‌شود؛ اما این پذیرش مبتنی بر دلایل منطقی نبوده و به‌صورت، غیرحساب‌گرانه و ناآگاهانه محقق می‌شود. برخی شگردهای تلقین عبارتند از: القاء تدریجی یک اندیشه، طرح سؤال، تکرار، بزرگ‌نمایی و مبالغه یا کوچک‌نمایی، ایجاد ترس، تحریک عاطفه و توسل به اکثری بودن» (شرف‌الدین، ۱۳۸۷: ۳۴).
موضوع القاء و تلقین در این حیطه دانشی تا موقعیتی پیشرفته است که صحبت از مفهومی به نام «تبلیغات القایی» به میان آمده است. تبلیغات القایی، «تبلیغاتی است که امروزه با روش‌ها و قواعد خاص، در افکار عمومی، حافظه اجتماعی جدیدی می‌سازد و تصورات، اعتقادات و ذهنیات تازه‌ای بنیان می‌افکند که از اساس با سابقه دیرین جامعه بیگانه است و

1. Behavior Setting
2. Roger barker
3. Place
4. Christian Norberg schulz

واژگان القاء و تلقین از ریشه (لقى) شکل گرفته‌اند. «لَقِيَ» به عنوان مصدر این ریشه، به صورت کلی به جریان القاء اثر اشاره دارد، «القاء» به مواجهاندن شی‌ای با شی‌ای دیگر برای دریافت اثر تأکید دارد و «تلقین» به دریافت اثر توسط ملاقات کننده (رک. اخوت و قاسمی، ۱۳۹۵: ۲۸). به عبارت دیگر، «لقاء» به رویارویی همراه با ارتباط اطلاق می‌شود و القاء به معنای رویارویی دادن شی (چیزی یا شخصی) با شی دیگر (چیزی یا شخصی) تا اثری را دریافت کند» (همان: ۲۱). همچنین در مورد القاء اینچنین بیان شده است: «القاء به معنای روبه‌رو ساختن و مواجه نمودن مخاطبی برای انتقال مفهوم و پیامی مشخص با غرضی معلوم است که می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم اتفاق افتد» (اخوت، ۱۳۹۴: ۱۱۷). مفهوم «القاء» ارتباط تنگاتنگی با مفهوم «کلام» دارد. کلام از ریشه (کلم)، بر اساس تعریف علامه مصطفوی (۱۳۶۸، جلد ۱۰: ۱۰۷) به معنای «ابراز آن چه در باطن انسان از افکار و منویات است. این ابراز می‌تواند به هر وسیله‌ای اتفاق بیفتد و متناسب با تفاوت اشخاص و موارد متفاوت است» (۴). همچنین، در تعریف کلام آمده است: «کلام عبارت از آشکار کردن پیام و محتوایی از جانب متکلم عالم و توانا، متناسب با نیازها و ظرفیت‌های مخاطب است که بر اساس آن جریان علم و هدایت امکان‌پذیر می‌شود» (اخوت، ۱۳۹۴: ۶۱). در تشریح ارتباط «القاء» با «کلام» آمده است: «کلام، در اصل القاء خطاب از جانب متکلم به مخاطب است و با انتقال معانی و مقاصد همراه است و ممکن است همراه با الفاظ باشد یا نباشد» (اخوت، ۱۳۹۴: ۱۵۵). «در کلامی که انسان به آن توفیق یافته است، موضوع القاء بسیار اهمیت دارد. این القاء که گاهی با لفظ و گاهی بدون لفظ همراه است در مخاطب تأثیر شگفت‌انگیزی دارد» (همان: ۱۶۷). «القای کلمه، پدیدار کردن کلمه به همراه طرح، ارائه

هیچ رابطه‌ای با واقعیات خارجی ندارد. عمل القاء سبب ایجاد این تصورات در خرد جامعه شده است و به وسیله این پدیده روانی دست به ایجاد حرکت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌زند. بدین سبب است که این گونه تبلیغات را اصطلاحاً تبلیغات القایی می‌نامیم» (زورق، ۱۳۶۹: ۶۸).

از سوی دیگر، در بررسی تأثیرات القایی کارکردهای بلاغی و زبانی در تبلیغات بازرگانی، بیان می‌شود که «برخی از عناصر بلاغی ظرفیت القایی بیشتری دارند که در تبلیغات از آنها استفاده شده است، که مهمترین آنها عبارتند از: کنایه، تشبیه، استعاره، جناس، تکرار، ایهام و... هر یک از این عناصر بیانی، در ذات خود دارای ویژگی‌هایی هستند که با هدف‌های تبلیغات که همانا القای اندیشه و پیام، جلب اعتماد، تشویق و ترغیب مخاطب و ماندگاری در ذهن است، همسویی دارند» (صالحی مازندرانی و زکی‌نژادیان، ۱۳۹۷: ۲۴۷). همچنین موضوع القاء در تبلیغات محیطی و شهری نیز مورد توجه قرار گرفته تا جایی که این عبارت مطرح می‌شود که: «تبلیغات شهری شامل اشکال ساختاری گوناگون است که هر نوع بنابر ساختار شکلی و بیانی خود معنایی را القاء میکند که در صورت توجه بدان و شناخت ساختار معنایی می‌توان در جهت پایداری شهر و توسعه پایدار شهری نقش مهمی ایفا نماید» (اعظم کثیری، ۱۳۹۴: ۴۷). بدین ترتیب، القاء اصول محیطی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی مورد نظر توسعه پایدار به وسیله تبلیغات محیطی امری ممکن و مطلوب تلقی می‌گردد.

القاء در معارف اسلامی

موضوع القاء در معارف اسلامی - مطابق با مباحث ذیل - نسبت به حوزه‌های دانشی پیش‌گفته دارای ابعاد و مفاهیم مرتبط بیشتری است.

الف) تعریف القاء در منابع اسلامی: بر پایه مباحث واژه‌شناسی اسلامی و قرآنی

و افکندن آن است که با مواجهه و رویارویی مؤثر با کسی یا چیزی زمینه‌ساز جریان یافتن حقیقتی می‌شود. از این رو القای کلمه مفهومی است که در اثر اراده پدیدار کننده و اقتضاء و بستر پدیداری شکل می‌گیرد و ناظر به فعلیت یافتن و ظهور و بروز معنایی در بستری می‌باشد (اخوت، ۱۳۹۴: ۱۵۹).

نکته نیازمند توجه آن است که، «خداوند در نظام خلقت به همه موجودات ویژگی القاء را عطا کرده است» (اخوت و قاسمی، ۱۳۹۵: ۳۶) و در واقع «همه» رخدادهای بیرونی و خارجی از طریق حواس ما به داخل و باطن ما (یعنی تخیلات و تعقلات ما) راه می‌یابند، برای مثال دیدن مناظر طبیعی یا حرکت بادها و نظم طبیعت یک نتیجه باطنی را به همراه خواهد داشت و آن پند گرفتن و افزایش یقین است. هر یک از حس‌های انسان منتقل کننده علمی از خارج به درون انسان است تا قوه مخیله و سپس قوه عاقله بتواند از آن انتزاع معلومی بکند یا تصور و تصدیقی فراهم آورد» (اسمعیلی زمان آباد و علی‌پور، ۱۳۹۷: ۱۶۱). در حقیقت پروردگار، توان تکلم القایی را به انسان داده است. «خداوند به انسان علم و قدرت داده است که با القای روحانی مطالبی را به مخاطب خود بفهماند. در این نوع خطاب می‌تواند با شیوه‌های مختلف مانند استفاده از موسیقی برای آماده‌سازی حرکت به سمت دشمن و ... بهره جست» (اخوت، ۱۳۹۴: ۱۲۷).

ب) انواع القاء بر اساس منابع اسلامی:
القاء به صورت کلی یا درونی است و یا بیرونی. القاء درونی، القائی است که توسط قوای معنوی درونی انسان دریافت می‌شوند. این القائات درونی به صورت کلی به دو صورت حاصل می‌گردند: (۱) وحی، الهام و یا وسوسه که از ناحیه پروردگار و یا شیاطین صادر شده و توسط قلب و صدر درک می‌شوند (اخوت و قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۴۱-۱۴۵) و (۲) توجه به نفس و به کارگیری تکرار و ذکر مداوم که به «تلقین به نفس (۵)» شناخته می‌شود. القاء بیرونی، القائی

است که در طی یک فرایند از قوای ظاهری به قوای باطنی حاصل می‌گردد. این نوع از القاء مورد توجه و تمرکز پژوهش حاضر بوده و در ادامه به جوانب مختلف آن پرداخته شده است.
ج) فرایند القاء بیرونی بر پایه مطالعات اسلامی: بر پایه جمع‌بندی نگارندگان از تحلیل نظرات ارائه شده در موضوع القاء در فرایند القاء بیرونی، پنج عامل بسیار مهم شامل (۱) آیه، (۲) حواس (سمع و بصر)، (۳) هوشیاری، (۴) جذب و اعتماد و (۵) انس و تکرار، دخیل می‌باشند. در واقع القاء بیرونی در واقع از طریق آیه، به صورت هوشیارانه و یا ناهوشیارانه و با وساطت حواس انسانی و تکیه بر مفاهیم جذب، اعتماد، انس و تکرار عمل مینماید (نمودار شماره ۳). در ادامه به توضیح هر یک از این عوامل می‌پردازیم:

(۱) آیه: آن شیئی (چیز یا شخص) واجد اثر خارجی که پیش‌تر در تعریف القاء بدان اشاره شد همان آیه است. «آیه به شیئی نمایان و قابل مشاهده اطلاق می‌گردد که حامل پیام و رهیافت و نشانی برای مقصد مشخص می‌باشد و توجه انسان را به سویی خاص جهت داده و معطوف می‌نماید. مفهوم آیه چنان عام و گسترده است که به هر چیزی قابل اطلاق است. از این رو در پدیده‌ها و موجودات پدیدار در هستی و همچنین تمامی تغییر و تحولاتی که در سطوح مختلف در هستی و در نظام انسانی و حتی در ساختار وجودی انسان نمایان می‌گردد، مفهوم آیه جاری است» (اخوت، ۱۳۹۴: ۱۱۹). همچنین اگر بخواهیم مفهوم آیه را بر اساس استعمالات آن در قرآن شرح بدهیم میتوان بیان نمود که، «در عرف قرآن به پدیده‌ها و رخدادها از نظر پیام و علمی [و حقیقتی] که لازم است به انسان منتقل کنند، آیه گفته می‌شود» (اخوت، ۱۳۹۰: ۲۴۵). در واقع «آیه به اشیاء و اشخاصی گفته می‌شود که رؤیت آن، فرد را به وجهی از خداوند دلالت دهد. این دلالت به دلیل تنوع آیات، متنوع و براساس نیازهای فرد، مختلف است و تنها با

قاسمی، ۱۳۹۵: ۳۴). به عبارت دیگر، «گاهی القاهایی که متکلم بر مخاطب دارد محسوس و گاهی نامحسوس است. به همین دلیل تأثیر القاء نیز ممکن است مشخص و ممکن است نامشخص باشد» (اخوت، ۱۳۹۴: ۱۶۷).

لقاء بیرونی در قریب به اتفاق موارد متکی است بر ناهشیاری القاء شونده.

۴) جذب و اعتماد: اگر فرد مورد القاء در سیطره جذب (کاریزما) و یا اعتماد القاء کننده قرار داشته باشد، پیام و یا مفهوم القائی با سرعت بسیار زیادی در درون او اثر خواهد نمود. این موضوع حتی در القانات پروردگار نیز مؤثر است. «اعتماد عامل تشدید القاء [است]. هر قدر اعتماد فرد به خداوند به عنوان رب، ملک و اله بیشتر شود از او القاهای بیشتری می‌بیند» (اخوت و قاسمی، ۱۳۹۵: ۴۵). این جذب و اعتماد می‌تواند در نتیجه یک فرایند عقلانی، یا براساس یک پیوند عاطفی و یا بر پایه برانگیختگی احساسات و عواطف آنی ناشی از یک کار هنری و رسانه‌ای شکل گرفته باشد.

۵) انس و تکرار: تحقق انس نیز به شدت در کارایی القاء اثرگذار است. انسی که ناشی از تکرار و تداوم ارتباط با القاء کننده و یا پیام القائی می‌باشد. تکرار از جمله موضوعاتی است که به صورت ویژه در فرایند القاء درونی و یا همان تلقین به نفس مورد توجه و بحث قرار دارد، اما این مفهوم در فرایند القاء بیرونی نیز به جهت ایجاد انس از اهمیت به سزایی برخوردار می‌باشد. «کلمه انسان از ریشه انس گرفته شده است و انس به معنای احساس قربت و نزدیکی با چیزی است. هر قدر انسان با چیزی احساس قربت نماید، خود را بیشتر در معرض القاء از جانب آن قرار می‌دهد. بر این اساس یکی از نزدیکترین کلمات به لقاء و القاء را میتوان کلمه انس دانست» (اخوت و قاسمی، ۱۳۹۵: ۴۰).

د) جهت‌گیری القاء در اسلام: همان طور که بیان شد، «انسان در دنیا علاوه بر لقاء

قوه تفکر ظاهر می‌شود» (اخوت، ۱۳۹۴: ۱۰۶). در واقع «آیه عبارتست از درس و پیام و مفهومی که باید از مخلوقات به ساحت انسان به مدد ادراک و تفکر در او القاء شود» (اخوت، ۱۳۹۴: ۱۲۲).

از سوی دیگر، در شرح ارتباط دو مفهوم کلام و آیه چنین بیان شده است: «کلام در قرآن عامل ایجاد هر شیئی است. به همین دلیل مفهوم کلام بر آیه تفوق و سیطره دارد. بدین ترتیب به وسیله کلام، حق در هستی و در زندگی انسان جاری می‌شود و این حق در قالب آیات جلوه‌گر می‌گردد. در این صورت آیه زینت و جلوه کلام است. در قرآن از مواجهه با کلام الهی عمدتاً در قالب مواجهه با آیات یاد شده است، زیرا افراد با جلوه کلام الهی مواجه می‌شوند» (اخوت، ۱۳۹۴: الف: ۲۷۶). نکته دارای اهمیت در فهم کلام و آیه آن است که انسان به واسطه قدرت کلام - از هر نوع آن - توان آیه‌سازی را دارا می‌باشد. «خداوند به انسان علم و قدرتی داده است که با تکلم خود با خدا و یا با ذوی العقول از خود آیه‌ای به جا گذارد. آیه به معنای دلالت به حق است و به عنوان یکی از ثمرات تکلم حقیقی محسوب می‌شود» (اخوت، ۱۳۹۴: ۱۲۶).

۲) حواس (سمع و بصر): دریچه ورودی پیام‌های نهادینه شده در آیات به درون انسان حواس او می‌باشند. به عبارت دقیق‌تر «روبرو شدن با حقایق و نیز رویارویی با اشیاء [یا همان آیات] در صورتی اتفاق می‌افتد که انسان دارای قوای ارتباطی باشد. خداوند در قرآن از سمع و بصر به عنوان قوای ارتباطی که باعث لقاء و القاء می‌شود یاد کرده است» (اخوت و قاسمی، ۱۳۹۵: ۸۱).

۳) هوشیاری: «میتوان لقاء را در انسان به صورت هوشیارانه و ناهشیارانه تفکیک کرد. لقاء هوشیارانه لقائی است که انسان ملاقات‌کننده به این ملاقات واقف است و لقاء ناهشیارانه لقائی است که انسان از ملاقاتی که کرده است مطلع نیست [و یا به آن توجهی ندارد]» (اخوت و

خداوند به ملاقات سایر اسباب، پدیده‌ها و رخدادها نیز می‌رسد و در این ملاقات از آن‌ها نیز تأثیر می‌پذیرد. این تأثیر می‌تواند جنبه یادآوری و یا کشف صفات خداوند باشد و به عنوان عامل فعال کننده القاء ذکر و ملاقات خداوند عمل کند و نیز ممکن است در او غفلت و نسیان نسبت به خداوند را القاء کند» (اخوت و قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۰۷). در حقیقت، «القاء و تلقین، اصلی دو جانبه است که اثرات مثبت فراوان و گاه هم آثار منفی در پی دارد. آنگاه که با اشباع ضمیر از القائنات مثبت و سلامت بخش، و خیم‌ترین شرایط زندگی روزمره همچون بیماری را دفع می‌کند یا مثلاً آیاتی که برای دلگرمی مسلمانان و بالا رفتن روحیه آنان در جنگ‌ها و موقعیت‌های خوف و هراس خاطرنشان می‌سازد که خدا مولی و سرپرست آنها و در مواقع خطر یار و یاور آنها است. گاهی هم راهکار شیطان برای اغوای انسان و نفوذ در ذهن و عقل اوست» (منصورزاده و اکبرنژاد، ۱۳۹۴: ۱۴۳). در واقع، «لقاء مثبت لقائی است که انسان با حقیقت مواجه و مرتبط می‌شود و لقاء منفی لقائی است که با شبه حقیقت و مسائل و اشخاص موهوم و غیر حقیقی ملاقات می‌کند» (اخوت و قاسمی، ۱۳۹۵: ۳۴). این لقاء مثبت یا منفی که همان القائنات ربّانی و شیطانی تلقی می‌شوند می‌توانند در اثر برخی از مواجهه‌های بیرونی فعال شده و در درون انسان موجب الهامات الهی و ذکر و یا وسوس و شیطانی و نسیان و غفلت گردند. «قرآن کریم هم مانند همه عقلا معانی و مفاهیمی را که به دل‌ها القا می‌شود «کلام» خوانده و می‌بینیم آنچه از ناحیه شیطان به دل‌های آدمیان می‌افتد کلام، قول، امر، وسوسه، وحی و وعده خوانده است. مثلاً در آیه: **وَ لَا أَمْرٌ لَهُمْ، فَلْيَبْتَئِكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ**^۱ القای شیطان در دل انسان‌ها را، امر خوانده و در آیه **كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ**^۲ قول نامیده و در آیه **يُوسُوسُ فِي صُدُورِ**

النَّاسِ^۳ وسوسه و در آیه **يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ**؛ وحی و نیز در حکایت کلام ابلیس یعنی آیه **إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَعَدْتُكُمْ** و در آیه **الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ، وَ يَأْمُرُكُمُ بِالْفَحْشَاءِ، وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ**^۴ وعده شیطان خوانده است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۳: ۲۸۴).

اصولاً «ساختار انتقال علم به انسان از جانب خداوند براساس القاء حقیقت است. ممکن است این القاء با وساطت اشیاء و یا بدون وساطت اشیاء صورت گیرد. منشأ القای حقیقی، خدای رحمان است. در این صورت وعده‌ها، آیات و طبیعت، اوقات و ایام از جمله مهمترین القاء کننده‌های حقیقی هستند.» (اخوت و قاسمی، ۱۳۹۵: ۶۰). به صورت خاص «یکی از القائنات مخرب شیطان دور شدن افراد از تفکر و تأمل در آیات است و یکی از رسالت‌های قرآن تقویت آیه‌بینی در افراد است تا توسط آن هدایت و پیشرفت در زندگی نوع انسان به وجود آید و جلو القائنات شیطان به ایشان گرفته شود» (اخوت، ۱۳۹۴: ج ۱۰۶ و ۱۰۷).

هـ (مدیریت القائنات در اسلام: مواجهه‌های انسان با افراد، محیط و اشیاء جهت کنترل و جهت‌دهی درست القائنات بیرونی در دو ساحت اصلی نیازمند مدیریت است: هم‌نشینی با خوبان و عدم هم‌نشینی با گنه‌کاران و یا غافلان: «همنشینی و مصاحبت با خوبان، فطرت را روشن و حقایق را برای انسان واضح و تفصیلی می‌سازد» (اخوت و قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۲۲) و «هر نشست و برخاستی با گنه‌کاران موجب تشدید القائنات وسوسه بر فرد می‌شود و ایمان فرد در مقابله با وسوسه را تضعیف می‌کند» (همان: ۱۱۷). نکته نیازمند توجه آن است که، هر نوع و سطح مواجهه با مضامین، مفاهیم و بسترهای اجتماعی، در

۳. سوره مبارکه ناس آیه ۵

۴. سوره مبارکه انعام آیه ۲۱۱

۵. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۲۲

۶. سوره مبارکه بقره آیه ۹۶۲

۱. سوره مبارکه نساء آیه ۱۱۹

۲. سوره مبارکه حشر آیه ۱۶

است» (همان: ۱۱۷). آیات خلقت الهی و یا به صورت کلان، آن چیزی که به عنوان طبیعت و عناصر طبیعی شناخته میشوند به واسطه عدم نفوذ هر نوع ناپاکی ظاهری و باطنی در آنها از جمله مهم‌ترین طبیات زندگی محسوب شده که برقراری ارتباط فعال و متفکرانه با آنها سبب ساز ایجاد القائنات مثبت و الهی در انسان می‌شود.

جمع‌بندی القاء و ارائه مدل مفهومی

به جهت جمع‌بندی و مقایسه دقیق تعاریف ارائه شده، ابتدائاً مفاهیم مرتبط با القاء و همچنین ابزارها، جهت‌گیری‌ها و نتایج مورد انتظار از آن در حوزه‌های دانشی مختلف به صورت یکپارچه مطابق جدول شماره ۲ ارائه شده‌اند.

چهارچوب این همنشینی‌ها قابل تعریف بوده و هدایت و جهت‌دهی به آنها از الزامات مدیریت القائنات به انسان می‌باشد.

قرار گرفتن در معرض طبیات و دوری از خبائث: «طبیات (۶) رزق‌های مادی و معنوی مطابق با فطرت هستند که موجب حیات مادی و معنوی می‌شوند. اولین سطح از طبیات در خوردنی‌ها مطرح است و سطح برتر آن در روابط موضوعیت می‌یابد» (اخوت و قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۲۲). «قرار گرفتن در معرض طبیات، فعال‌کننده الهامات الهی است. زیرا انسان در مواجهه با طبیات از آنها تأثیر می‌گیرد. القائی که از جانب طبیات بر انسان صورت می‌گیرد القائناتی فطری و ربّانی است» (اخوت و قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۲۲) و «استفاده از هر کار و شیء خبیثی موجب تشدید و سوسه‌های شیطانی

جدول ۲- شرح مؤلفه‌های مفهوم القاء بر اساس حوزه‌های دانشی مرتبط

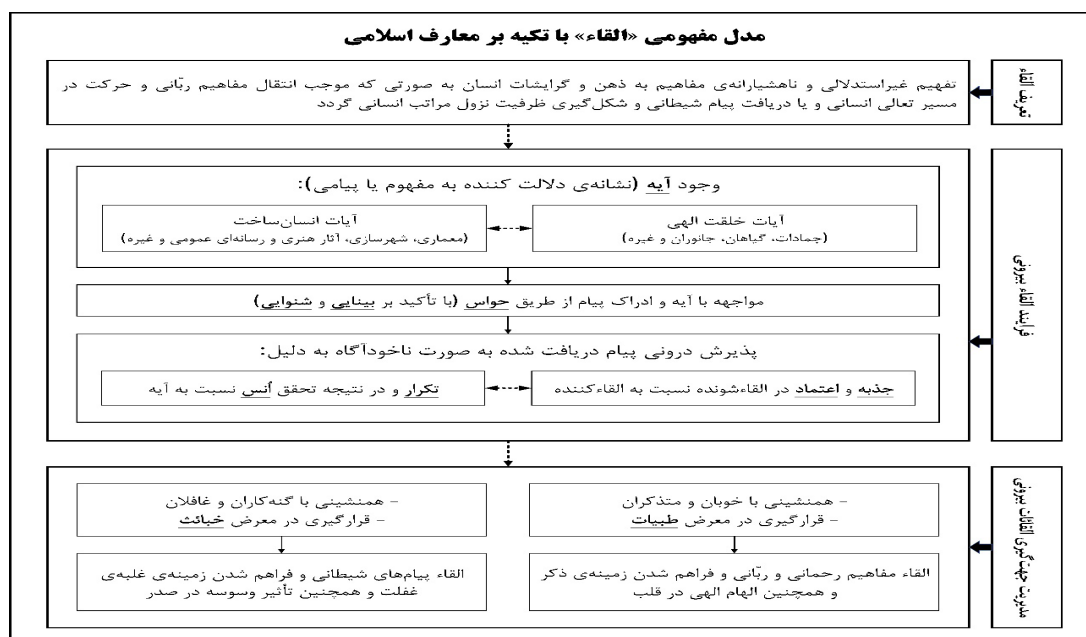
| حوزه دانشی | مفاهیم دخیل در تعریف | ابزارها و عوامل | جهت‌گیری القاء | نتایج |
|-----------------------------------|--|---|----------------------------|--|
| لغت‌شناسی (فارسی، عربی و انگلیسی) | تفہیم، تعلیم، معتقد کردن، منتقل کردن، نفوذ، تأثیر، فکر، معنا، نگرش، اندیشه، ذهن، کلام، و فقدان استدلال، غیر مستقیم | زبان، تکرار | - | تحت تأثیر و نفوذ قرار گرفتن حالات روحی، عقیدتی و یا جسمی انسان |
| علوم تربیتی | تفہیم، تعلیم، قبول‌اندن یا باوراندن، تحمیل، عقاید و افکار، ذهن، محسوس و نامحسوس، غیر استدلالی | تکرار و تنوع بیان بازه سنی کودکی تلقین به نفس | مفاهیم مثبت و رشدآفرین | قبول کردن افکار و عقاید |
| روانشناسی | ودار ساختن، هدایت، کلام، ذهنیات، ناخودآگاه، غیر مستقیم | بازه سنی کودکی، بهره‌گیری از بازه‌های زمانی حسی خاص، برانگیختگی یا جلب توجه حواس و عواطف انسانی، تلقین به نفس با توجه و تکرار، هیپنوتیزم | مفاهیم درست و متعالی | تغییر احساسات، رفتار، عمل، عقیده، ذهنیات و باور |
| | | | مفاهیم ناصحیح و مخرب | |

| حوزه دانشی | مفاهیم دخیل در تعریف | ابزارها و عوامل | جهت گیری القاء | نتایج |
|-----------------|---|--|---|---|
| تبلیغات و رسانه | متقاعد سازی، ناهوشیارانه و ناآگاهانه، کنش و تشش، اقناع، تصورات، اعتقادات و ذهنیات | تکرار، بزرگنمایی، کوچک‌نمایی، مبالغه، تحریک و برانگیختن عواطف و احساسات، تداعی اکثری بودن، کارکردهای بلاغی و زبانی (کنایه، تشبیه، استعاره، جناس، تکرار، ایهام و...)، تشویق و ترغیب، تبلیغات شهری و محیطی | مفاهیم تجاری، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، محیط‌زیستی و غیره | ارزش‌سازی، اعتمادسازی، ایجاد و تغییر و بازسازی تصورات، اعتقادات، ذهنیات و باورها، تغییر حافظه اجتماعی، شکل‌گیری حرکت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی |
| معارف اسلامی | لقاء، اثر، رویارویی دادن، کلام، آیه، هوشیاری، خود یا دیگری | حواس، ادراک، انس، تکرار، جذب و اعتماد، تلقین به نفس، آموزه‌های کتب و حیانی، طبیعت، خوبان، طبیات، اوقات و ایام، بسترهای اجتماعی | لقاء ربّانی | بهره‌مندی از ذکر و الهام و حصول رشد و تعالی معنوی |
| | | | لقاء شیطانی | غفلت، نسیان و اثرپذیری از وسوسه و نزول مراتب انسانی |

موجب تغییر در احساسات، اعتقادات، انگیزه‌ها و رفتار او گردد". اما با در نظر گرفتن جهت و نتیجه القاء بر اساس معارف اسلامی، القاء تعریفی دیگر پیدا می‌کند که در مدل مفهومی پژوهش ارائه شده است (نمودار شماره ۳).

اگر بر اساس مباحث ارائه شده و فارغ از جهت‌گیری و نتایج مورد انتظار از القاء این مفهوم را به صورت کلی تعریف نماییم، "لقاء یعنی تفهیم غیر استدلالی مفاهیم به انسان با تکیه بر تکرار و یا ایجاد جذابیت به صورتی که

نمودار ۳- مدل مفهومی القاء با تکیه بر معارف اسلامی



با تکیه بر مدل مفهومی ارائه شده، گزاره‌های سهل‌تر آن به ساختارهای محله شامل موارد کلیدی در فهم مفهوم القاء و تعمیم دقیق‌تر و مندرج در جدول شماره ۳ می‌باشند.

جدول ۳- جمع‌بندی گزاره‌های کلیدی موضوع القاء جهت تعمیم به مقیاس محله

| موضوع | گزاره کلیدی |
|--------------------|---|
| آیه (بینی) | اصلی‌ترین مفهوم در فرایند القاء، «آیه» (نشانه دلالت‌کننده به مفهوم یا پیامی) است. آیه در درجه اول توسط خداوند متعال در انواع جمادات، گیاهان، جانوران، انسان و دیگر ساختارهای پیچیده خلقت از جمله آسمان و زمین خلق شده است. تمامی این موارد از جمله عناصر کالبدی-عملکردی مهم در تمامی سکونت‌گاه‌های انسانی است. |
| بینایی و شنوایی | نقش دو قوه «بینایی» و «شنوایی» در فرایند القاء‌پذیری در مقایسه با دیگر قوا و حواس انسانی بسیار بالاتر می‌باشد. اهمیت این دو به دلیل وجود قید رؤیت‌پذیری در تعریف مفهوم آیه و همچنین تأکید فراوان قرآن بر آن‌ها می‌باشد. این دو قوه همچنین پرکاربردترین قوا در زیست انسانی شهری است. |
| انس و تکرار | وجود و یا ایجاد «انس» به واسطه به‌کارگیری «تکرار» و تداوم ارتباط مابین القاء‌کننده و القاء‌شونده یکی از دو علت اصلی شکل‌گیری القاء است. این دو مفهوم اساساً رابطه معناداری با سکونت و تداوم آن در یک مکان دارند. |
| جذب و اعتماد | بهره‌گیری از «جذب» (کاریزما) و «اعتماد» ذاتی و یا خلق آن‌ها به صورت مصنوعی مابین القاء‌شونده و القاء‌کننده نیز دومین علت اساسی ایجاد پدیده القاء است. جذب و اعتماد می‌تواند در نتیجه یک فرایند عقلانی، یا براساس یک پیوند عاطفی یا فطری و یا بر پایه برانگیختگی احساسات و عواطف آبی ناشی از یک اثر هنری و رسانه‌ای شکل گرفته باشد. |
| کودکان و نوجوانان | کودکان و نوجوانان به واسطه عدم در اختیار داشتن توان استدلالی کافی یکی از اهداف اصلی فرایندهای القائی می‌باشند. به این نکته می‌توان هم به عنوان یک فرصت تربیتی توجه داشت و هم یک تهدید. مکان‌ها و فضاهایی که این قشر به صورت مداوم در آن حضور دارند، استعداد بالایی برای القاء مفاهیم را دارند. |
| لقاء اکثریت | جهت‌گیری‌های کلان بسترهای متنوع اجتماعی که انسان در آن‌ها حضور دارد نیز عرصه بسیار مهمی در القانات فردی و اجتماعی محسوب می‌گردد. یکی از ابزارهای قدرتمند این نوع بسترها تحمیل حس اکثریت بودن به مخاطب و در نتیجه القاء مفاهیم دلخواه به آن است. سنجش جهت‌گیری عمده پیام‌های صادره در شهر نکته کلیدی مدیریت این جنس از القانات است. |
| جهت‌دهی به القانات | در خصوص مدیریت جهت‌گیری القانات نیز دو نکته از دیدگاه اسلام دارای اهمیت است: الف) قرارگیری در معرض طبیعت همانند خوبان، مؤمنین و آیات خلقت الهی (آسمان، زمین، جمادات، گیاهان، جانوران و...) جهت جلب القانات ربّانی و طی مسیر تعالی معنوی است ب) دوری از عناصر واجد خبث و آلودگی مادی و معنوی همانند گنه‌کاران، غافلان و عناصر تقویت‌کننده لهو و لعب جهت دوری از القانات شیطانی و تحقق زمینه‌های نزول مراتب انسانی است. |
| آیه‌سازی | خلق و یا به عبارت دقیق‌تر بازنمایی آیات و کلام الهی متناسب با شریط مکانی، زمانی و نیازها و ظرفیت‌های مخاطب، یکی از توان‌های اعطا شده از جانب پروردگار به انسان است که در عرصه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی او قابل بهره‌گیری و اعمال می‌باشد. توان آیه‌سازی دامنه القاء‌کنندگی انسان را به تمامی ساخته‌ها و برون‌دادهای او (گفتار، معماری، شهرسازی، آثار هنری و رسانه‌ای و غیره) گسترش می‌دهد. |

بحث و نتیجه گیری (القاء مفاهیم در محله)

مقیاس محله به صورت ویژه‌ای تناسب غیرقابل انکاری با مفهوم القاء دارد. تجانس مفاهیم «تکرار» و «انس» و همچنین «جذب» و «اعتماد» که فرایند القاء وابسته به آن‌ها است با محله از دو جهت قابل اثبات است. اول، حضور مداوم شهروندان در محله و ارتباط طولانی مدت با عناصر کالبدی و عملکردی آن که تکرار و انس را محقق می‌سازد و دوم، ساختارهای اجتماعی اعتمادآفرین موجود در آن از مساجد و مدارس تا گروه‌های اجتماعی متنوع که جذب و اعتماد را موجب می‌شوند. بدین واسطه، این مقیاس سکونت‌گاهی در بین تمامی مقیاس‌های اجتماعی و کالبدی شهری مورد تمرکز این پژوهش قرار گرفت تا بتوان تبیین عینی، منسجم و ملموسی از تأثیر مفهوم القاء در مدیریت، برنامه‌ریزی و طراحی شهرها ارائه نمود.

جمع‌بندی مباحث ذیل در نمودار شماره ۴ با عنوان «ساختار کلان پیاده‌سازی مفهوم القاء در محله» ارائه شده است.

بازتعریف القاء در نسبت با شهرسازی

از آنجایی که مسئله و محل تمرکز پژوهش حاضر حوزه دانش شهرسازی است، القاء مورد نظر این مقاله نه از جنس تفهیم مستقیم خدا به انسان و یا تفهیم مستقیم انسان به انسان است و نه حوزه تلقین به نفس را شامل می‌شود. بدین جهت، تعریفی از «القاء در شهرسازی» که با تکیه بر جهت‌گیری الهی و اسلامی مد نظر در پژوهش حاصل شده و ادامه مقاله نیز بر آن استوار است، بدین شرح ارائه می‌گردد: تفهیم غیر استدلالی و ناهوشیارانه مفاهیم به ذهن و گرایشات شهروندان توسط عناصر و فضاهای شهری به صورتی که موجب تعالی معنوی انسان به وسیله فعال شدن ذکر الهی و دوری از غفلت نسبت به او گردد (۷).

حوزه‌های اصلی القاء در محله

بر اساس تعریف ارائه شده و تأکید صورت گرفته بر قوای بینایی و شنوایی انسان، با دو حوزه مشخص از ابعاد محلات شهری در ارتباط با القاء مواجه هستیم: (۱) حوزه کالبدی بصری که مورد هدف بینایی انسان قرار دارد و (۲) حوزه عملکردی سمعی که توسط شنوایی انسان درک می‌گردد.

حوزه کالبدی بصری در حقیقت تمام آن عناصری را شامل می‌شود که از فضاهای شهری - اعم از معابر و فضاهای باز - توسط ساکنان محله قابل رؤیت باشند. این موارد در محلات امروزی بر پایه مبانی مرتبط با دانش‌های «طراحی شهری» و «منظر شهری» شامل (۱) عناصر طبیعی (آسمان، زمین، کوه‌ها، پوشش گیاهی، عناصر آبی، جانوران و غیره)، (۲) ابنیه شهری و نمای آن‌ها، (۳) کف‌سازی (سواره‌رو و پیاده‌رو)، (۴) انواع مبلمان شهری، (۵) عناصر تبلیغاتی و رسانه‌ای (تابلوها، نقاشی‌های دیواری و ویتروین‌ها) و (۶) تجهیزات زیباسازی (پرچم، ریشه و غیره) می‌باشند (ر.ک: الکساندر، ۱۳۸۷؛ تیالدرز، ۱۳۸۷؛ کرمونا و دیگران، ۱۳۹۰؛ گیل، ۱۳۹۲؛ لینچ، ۱۳۸۳؛ ماتین و شرلی، ۱۳۸۷؛ فریدمن، ۱۳۹۶؛ تالن، ۱۴۰۰؛ بارتن و دیگران، ۱۴۰۰)

حوزه عملکردی سمعی نیز تمام صوتیاتی که در فضاهای عمومی محله توسط اهالی آن شنیده می‌شود در بر می‌گیرد. این موضوعات عموماً در مباحث مرتبط با منظر صوتی پیگیری می‌شود. بر اساس تعریف پیچانوسکی و همکاران، مبتنی بر منبع اصوات، منظر صوتی حاصل همپوشانی صداهای ناشی از منابع ژئوفیزیک (باد، جریان آب، امواج دریا، فوران)، بیوفونیک (آوازه‌ها، تماس و تماس‌های هشدار، آواها) و آنتروفونیک (فعالیت‌های صنعتی و شهری، ترافیک جاده‌ای، دریایی و هوایی) است که به شدت به ساختار و عملکرد مناظر جغرافیایی وابسته است (Pijanowski)

افشار اجتماعی خاص معنای خود را از دست می‌دهد (ر.ک: Kheyroddin R., Hedayatifard M., 2017, a). Fi محلات خاص برای تمییز افشار خاص اجتماعی، روابط تکوینی همسایگی و تعلق و انس تدریجی ساکنان (مثلاً بویژه در محلات و شهرک‌های مناطق ساحلی) مختل می‌نماید (ر.ک: Kheyroddin R., Hedayatifard M., 2017, b).

از سوی دیگر عناصر و فضاهایی مانند مسجد، مدرسه و یا مراکز تجمعی رویداد محور علاوه بر قابلیت انس آفرینی برای گروه‌های هدف خود، به واسطه داشتن ماهیتی مرجع گونه همراهی وسیعی با مفاهیم «جذب» و «اعتماد» دارند. نکته نیازمند توجه در مورد عناصر و فضاهای واجد شرایط ایجاد انس آن است که، تحقق انس در درازمدت خود سبب‌ساز ایجاد حس اعتماد به فضا و مفاهیم مندرج در آن شده و بدین ترتیب عملاً ابزار اعتماد نقش پررنگ‌تری نسبت به تکرار و انس ایفا خواهد نمود.

این موضوع البته در روندهای موجود دگرذیسی و تجاری شدن جداره‌های محورهای اصلی محلات شهری ابعاد متفاوتی دارد (ر.ک: Forouhar A, Kheyroddin R, 2016) که نیازمند فرصت بحث دیگری است.

راهبردهای کلان القاء مفاهیم در محله

این فضاها، می‌بایست در راستای تحقق القائات مثبت و الهی و همچنین دوری از القائات منفی، شیطانی و غفلت‌زا سامان یابند. همانطور که در بخش «جهت‌گیری القاء» بیان شد، تحقق جهت‌گیری مثبت القائات از دو مسیر کلان حاصل می‌گردد. این دو مسیر که شامل (۱) هم‌نشینی با خوبان و عدم هم‌نشینی با گنه‌کاران و یا غافلان و (۲) قرار گرفتن در معرض طیبات و دوری از خبائث می‌باشند، در ساختار

2: et al, 2011). «دغدغه اصلی رویکرد منظر صوتی نه تنها تمرکز بر صداهای ناخواسته‌ای که باعث ناراحتی انسان می‌شود، بلکه بیشتر روی صداهای مطلوبی است که مردم تمایل به شنیدن آن را دارند» (Brown, 2010: 15). به عبارت دیگر، «منظر صوتی عمدتاً به شکل‌دهی تصویر ذهنی از محیط زندگی از جمله فرهنگ و تجارب شخصی مرتبط است. از این نقطه نظر میزان توجه به صداهای مثبت می‌تواند شاخصی از کیفیت باشد» (Botteldooren & Coensel, 2009: 3). بر این اساس، به صورت کلی در مقیاس محله مواردی همچون (۱) صوت تولیدی از وسایل نقلیه (خودرو، موتورسیکلت و غیره)، (۲) صوت تولیدی از اماکن مذهبی (اذان، ناقوس کلیسا و غیره)، (۳) صوت ناشی از عناصر طبیعی (باد، باران، دریا، حیوانات و غیره)، (۴) صوت رویدادهای مذهبی و ملی (مراسمات محرم و صفر، ۲۲ بهمن و غیره) و (۵) صوت تولید شده از مدارس و یا فضاهای ورزشی روباز، در حوزه عملکردی سمعی مرتبط با القاء مفاهیم قابل بررسی هستند.

فضاهای اصلی دارای زمینه القاء‌کنندگی در محله

صرفاً مواردی از عناصر بصری و سمعی ظرفیت القاء را دارا می‌باشند که یا تحقق انس در مورد آن‌ها به واسطه تکرار مکرر مواجهه ممکن باشد و یا نوعی از جذب و اعتماد نسبت به آن توسط ساکنین وجود داشته باشد. فضاهای پر مراجعه‌ای مانند کوچه محل سکونت، فضاهای شهری دارای تمرکز کاربری‌های تجاری و خدماتی، فضاهای بازی کودکان، فضاهای باز رویداد محور محلی و فضاهای سبز محله‌ای همانند پارک‌ها به خودی خود زمینه «تکرار» و «انس» و در نتیجه تأثیرپذیری ناهوشیارانه را فراهم می‌نمایند.

گفتنی است این موضوع در الگوهای شکل‌گیری محلات اختصاصی و محصور برای

محلّه نیز صادق هستند. ترجمهٔ این دو رویکرد در این مقیاس شهری در قالب راهبردهایی کلان چنین خواهد بود: (۱) مدیریت تمامی پیام‌های بصری و سمعی فضاها را مستعد شکل‌گیری القاء (فضاهای هفت‌گانه) با تکیه بر معارف دینی و (۲) گسترش حداکثری عناصر طبیعی (آیات خلقت الهی) در راستای غلبهٔ طبیّات بر خبائث در سطح محلّه. بدین ترتیب، در حوزهٔ فهم نظام مفهومی محلّه با رویکردی جدید مواجه هستیم. درک کالبد و عملکردهای محلّه به عنوان بستری تأثیرگذار برای انتقال مفاهیم به شهروندان، هستهٔ اصلی این رویکرد است.

پیشنهاد‌های عملیاتی جهت تولید القائات ربّانی و کم‌رنگ کردن القائات شیطانی در محلّه

با دقت نظر و تفکر عمیق در مباحث ارائه شده، می‌توان توصیه‌هایی عملیاتی و اجرایی جهت کنترل و ساماندهی القائات محلات شهری پیشنهاد نمود. توصیه‌های ۲۱ گانه‌ای که بر ابعاد کالبدی، عملکردی و مدیریتی محلّه تأثیر مستقیم داشته ولی در عین حال دیگر ابعاد آن را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد: مدیریت جامع و یکپارچهٔ القائات موجود در محلّه و فضاهای متعدد آن، یکی از حوزه‌های نیازمند توجه جدی در مدیریت محلات شهری می‌باشد. این مهم علی‌القاعده می‌بایست توسط عالمانی - چه در ساختارهای موجود مدیریت محلات و چه با ایجاد ساختارهایی جدید - صورت گیرد که هم دردها و مشکلات مادی و معنوی اهالی محل را به صورت تفصیلی می‌شناسند و هم تسلط کافی بر منابع دینی جهت مدیریت القاء مفاهیم مثبت و الهی دارای تناسب با شرایط شهروندان را داشته باشند. در حقیقت مدیریت محلّه مانند درمانگری خبره می‌بایست از ابزار القاء چه به صورت ایجابی و چه به صورت سلبی جهت درمان و یا تقویت قوای معنوی و مادی

شهروندان استفاده نماید. در مدیریت القائات محلّه، هم می‌بایست برآیند کلی القائات موجود در محلّه ارزیابی گردیده و به صورت ویژه تحلیل گردد که کدام رویکرد (الهی یا شیطانی) حس اکثری بودن را القاء می‌نماید و هم تک تک فضاها از دیدگاه منظر بصری و سمعی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

شهرسازان و به ویژه طراحان شهری می‌بایست با تکیه بر توان آیه‌سازی اهدا شده به انسان، فضاهای شهری (تمرکز بر عناصر بصری و سمعی فضاهای هفت‌گانه) را به صورتی طراحی و ساماندهی نمایند که تمامی عناصر کالبدی و عملکردی محلّه ضمن دور کردن انسان از القائات غفلت‌افزا، نسیان‌آفرین و وسوسه‌برانگیز، او را دائماً با القائات الهی بر گرفته از حقایق خلقت مواجه نمایند. در این مسیر، بهره‌گیری عمیق و هنرمندانه از آموزه‌ها و پیام‌های قرآنی و روایی اصلی‌ترین منبع محتوایی است. بهره‌گیری از نمادها و نشانه‌های آشنا برای شهروندان در جهت یادآوری و القای ارزش‌های معنوی یکی از اصلی‌ترین روش‌ها است؛ که یکی از مهم‌ترین آن‌ها بهره‌گیری از کلام الهی در ترکیب با سایر هنرها (کاشی‌کاری، آجرکاری، گچ‌بری و خوشنویسی) در مکان‌های مناسب و اندیشیده محلّه و در کتیبه‌ها است (مظفر و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۶).

بهره‌گیری ویژه از مسجد، فضاهای اطراف و معابر منتهی به آن - به عنوان اصلی‌ترین عنصر شهری واجد مفهوم اعتماد در قریب به اتفاق شهرها و محلات کشور - یکی از مهم‌ترین رویکردها جهت القاء مفاهیم ربّانی و الهی به ساکنین می‌باشد. این مهم در سازمان فضایی محلّه، مجاورت مسجد، مدرسه و مرکز خدماتی را دیکته می‌نماید. جهت‌گیری معابر را نیز به منظور قابل دید نمودن مسجد از نقاط مختلف محلّه تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین لزوم تفوّق ارتفاعی مسجد نسبت به

هنری و رسانه‌ای شکل گرفته و ساکنین محله را تحت تأثیر قرار دهد. در این موضوع، توجه به وضعیت کالبدی و بصری محله در شب نیز واجد اهمیت بوده و رویکرد مبتنی بر مبانی دینی به زیست شبانه مطابق با نظر می‌تواند چهارچوب لازم را فراهم نماید (ر.ک: Khorsand R. et all, 2020).

گسترش حداکثری عناصر طبیعی و طراحی محله در راستای نمود هر چه بیشتر آن‌ها یکی از ضروریات تحقق القائنات مثبت و ربّانی در محلات می‌باشد. نکته لازم به توجه در این رویکرد، دقت در تأثیرات معنوی آیات خلقت الهی بر انسان است که آن را نسبت به توجهات مادی متکی بر بهره‌گیری محیط زیستی مورد نظر «رویکرد توسعه پایدار» و حتی توجهات منظرین و روان‌محور مورد تکیه «روانشناسی محیطی»، متمایز نموده و تعامل فعال و متفکرانه با طبیعت را مد نظر قرار می‌دهد. این مهم، به صورت مشخص وجود حیاط در فضاهای مسکونی جهت حضور گیاهان و حیوانات اهلی را تأیید و تشویق می‌نماید. همچنین فراهم نمودن امکان تعامل فعال با گیاهان و حیوانات در فضاهای سبز محله نیز تقویت‌کننده این رویکرد تلقی می‌گردد.

طراحی درست کالبدی و عملکردی محلات به منظور فراهم بودن دائمی امکان دیده شدن آسمان در طول روز و شب، یکی از مهم‌ترین مواردی است که القائنات مثبت ناشی از مواجهه با طبیّات را حاصل می‌نماید. توجه و تفکر به خلقت آسمان به عنوان یکی از آیات الهی، از تأکیدات مکرر قرآن کریم به منظور حصول هدایت در انسان می‌باشد. در این راستا، کاهش سطح محصوریت معابر و فضاهای شهری از اهمیت به سزایی برخوردار است. این نکته، مطلوبیت احداث بناهای مسکونی یک یا دو طبقه را در نسبت با کوچه‌های مملو از ساختمان‌های سه، چهار یا پنج طبقه نمایان می‌سازد. البته در شهرهای فعلی که حس محصوریت بالایی را به

دیگر ابنیه - هم به جهت دلالت‌های معنایی و نمادین و هم به جهت وجود دید نسبتاً دائم به آن - را اجتناب ناپذیری می‌نماید. در حقیقت القاء کننده اصلی در محله می‌بایست مسجد باشد و نه هیچ عنصر کالبدی و یا عملکردی دیگری. اگر مسجد به هر دلیلی جایگاه اعتماد آفرین خود را از دست داده است، بازگرداندن این اعتماد و جذب از اصلی‌ترین اقدامات مدیریت محلات باید باشد.

اساساً محوریت همه جانبه مسجد از جمله اصول پایه‌ای محله و شهر اسلامی است که در پژوهش‌های مختلف قابل بررسی است (ر.ک: Sarafraz V. et all, 2022).

سکونت بلند مدت ساکنین محلات یکی از عوامل تقویت‌کننده فرایند القاء در محلات می‌باشد. به عبارت دیگر، جابجایی‌های مداوم محل سکونت به ویژه در کلانشهرها، ظرفیت بهره‌گیری از ابزار القاء را به شدت کاهش می‌دهد. این موضوع متکی است بر فرایند زمان‌بر شکل‌گیری انس و اعتماد در انسان نسبت به محیط و عناصر اطراف.

کوچک‌تر بودن، خودکفایتر بودن، مشارکت‌پذیر بودن و پیاده مدار بودن محله نیز به سبب فراهم شدن امکان تکرار و عمق بیشتر مواجهات سمعی و بصری، تأثیر به سزایی در افزایش سطح القاء‌کنندگی محله و القاء‌پذیری ساکنان داشته و توان بهره‌گیری از این ابزار مهم را تقویت می‌نمایند.

موقعیت‌های زمانی - مکانی ویژه نیز که زاینده جذب‌های آنی بوده از جمله بسترهای بسیار مستعد تلقین مفاهیم قلمداد می‌گردند. از این رو، یکی از اصلی‌ترین نکات نیازمند دقت در مدیریت القائنات در محله، کنترل و جلوگیری از محوریت عناصر اعتمادآفرین و دارای جذب غیر الهی همانند مراکز تجاری - تفریحی و یا رواج رویدادهای موجد غفلت و لهو و لعب می‌باشد. این نوع اعتماد می‌تواند با بهره‌گیری از ابزارها و روش‌های مختلف

شهروندان تحمیل نموده‌اند، بازتعریف کارکرد بام منازل می‌تواند بخشی از نیازهای لازم را تأمین نماید. طراحی و اجرای سازه‌های خلاقانه در راستای تشدید اصوات طبیعی (باد، باران، حیوانات و غیره) به صورت کنترل شده در محله. این اقدام -فارغ از منافع روانی و آرامش بخش مترتب بر آن- توجه بیش از پیش ساکنین به آیات خلقت الهی را سبب می‌گردد.

تقویت، گسترش و مدیریت معنوی فضا/مکان رویدادهای محلات به عنوان یکی از بسترهای بسیار مهم جهت القاء مفاهیم مثبت و ربّانی به ساکنین از نکات حائز اهمیت می‌باشد. این موضوع به صورت مشخص با برگزاری مراسمات مذهبی در آن‌ها محقق می‌گردد.

بازطراحی جامع نظام نماهای ابنیه مسکونی در محلات در راستای: ۱) عدم القاء مفاهیم فخر و روانه و در نتیجه برانگیخته شدن «حسرت» و «حسادت» در ناظرین، ۲) عدم القاء غفلت، نسیان و بیهودگی به مخاطب، ۳) القاء نظم و آرامش و ۴) بهره‌گیری حداکثری از عناصر طبیعی در آن‌ها.

توجه ویژه به گسترش صوت اذان و قرآن در محله با محوریت مسجد به ویژه در مناسب‌های خاص دینی، با در نظر گرفتن دقت لازم جهت عدم آزار و اذیت ساکنین.

تعدیل القائنات واجد مفاهیم «تفریح»، «سرگرمی» و «لذت بصری» موجود در فضاهای سبز عمومی محلات در راستای تقویت پیام‌ها و مفاهیم مرتبط با آیه‌بینی در طبیعت. این رویکرد نوع طراحی بوستان‌های محلی و شهری را متحول می‌نماید.

طراحی و مدیریت نظام جامع تبلیغات محیطی محلی -اعم از بیلبوردها و سردر و ویتترین مراکز و کاربری‌های تجاری و اداری- در راستای تقویت القائنات واجد مفاهیم قناعت و تذکر و فاصله گرفتن از ترویج مفاهیم مصرف‌گرایانه و مشوق لهو و لعب.

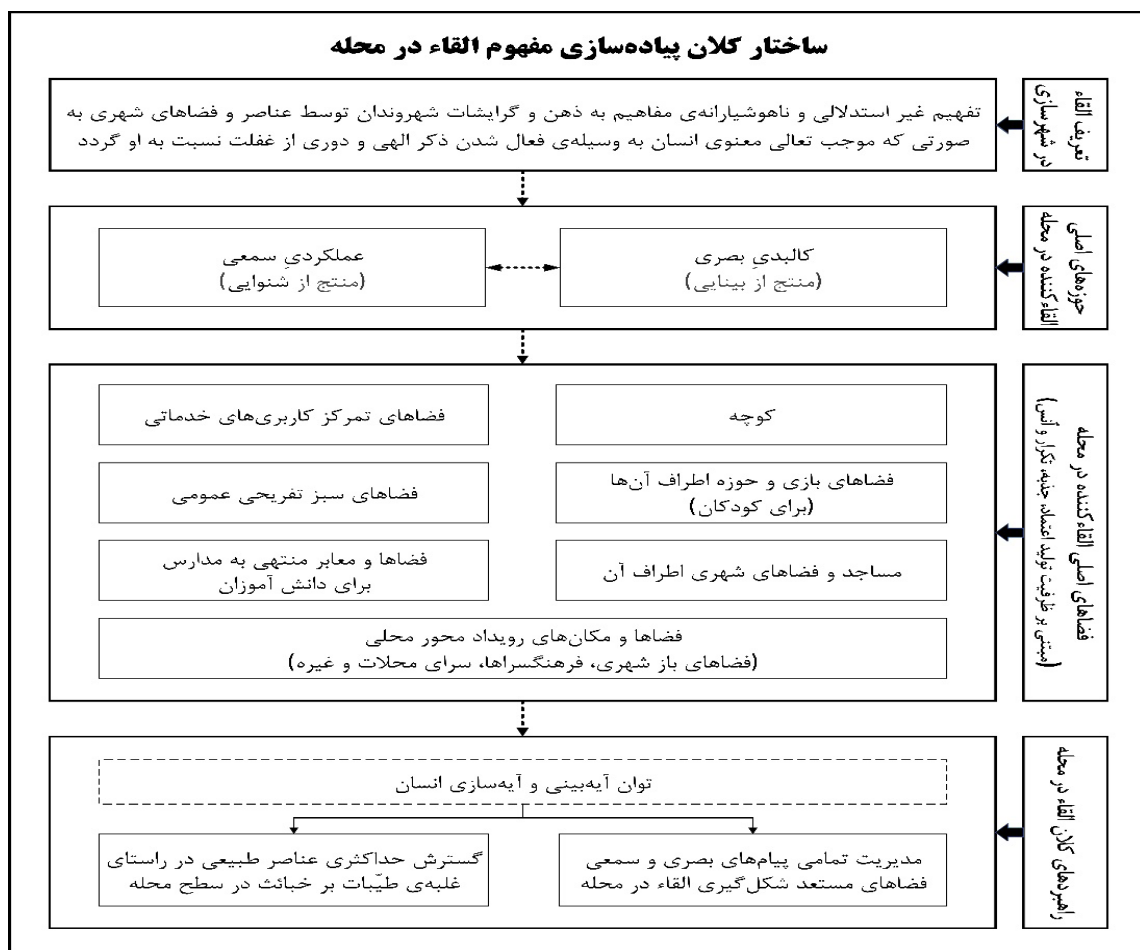
آلودگی مداوم هوا و به صورت خاص تأثیرات بصری آن در شهروندان، خود هم مانعی در دیده شدن با کیفیت آسمان و دریافت القائنات طیب آن بوده و هم مفاهیمی همچون آلودگی را به صورت مداوم در ذهن شهروندان القاء می‌نماید. تجدید نظر در سیستم‌های انرژی ساختمان‌ها (به ویژه موتورخانه‌ها) در محلات شهری که یکی از منابع آلودگی هوای شهرها هستند از الزامات تحقق آسمان صاف و آبی است.

کنترل و تنظیم اصوات صادرشونده از وسایل نقلیه موتوری در محلات -به ویژه در معابر اصلی آنها- به جهت کاهش القاء مفاهیمی همچون «عجله» و «شتاب»، لازم و ضروری است. نکته نیازمند دقت آن است که این مفاهیم فارغ از احساس‌هایی مانند «اضطراب» و «کلافگی» و «عصبانیت» است که این اصوات در شهروندان ایجاد می‌نماید.

هر چه میزان استفادهٔ کودکان ساکن در محله از مدارس موجود در آن بیشتر بوده و تعداد دانش آموزان متعلق به نقاط دیگر شهر در آن‌ها کمتر باشد، سطح اعتماد و در نتیجه القاءپذیری ساکنین از مدرسه بیشتر خواهد بود. این موضوع، اهمیت مدیریت القائنات مثبت و منفی موجود در فضاهای شهری اطراف این فضاهای آموزشی را بیش از پیش خواهد نمود. این دقت نظر در مورد فضاهای بازی کودکان موجود در محله نیز صادق است.

بهره‌گیری هوشمندانه از حواس لامسه، بویایی و حتی چشایی به عنوان مکمل دو حس اصلی واجد توان القاء (بینایی و شنوایی) در فضاهای عمومی محله، از رویکردهایی است که نیازمند دقت نظر و همچنین به کارگیری خلاقیت می‌باشد. ایجاد شرایط ارتباط لمسی با عناصر طبیعی همچون آب، خاک، گیاهان و غیره و یا بهره‌گیری از رایحه‌های یادآور اماکن متبرکه در فضاهای عمومی در مواقعی خاص از جمله مصادیق قابل اجرا در طراحی محیطی هستند.

نمودار ۴- ساختار کلان پیاده‌سازی مفهوم القاء در محله



مسیر پیش‌رو

شهر اساساً آن چنان درگیر با مسائل متعدد و متنوعی است که وجود دیدگاه میان رشته‌ای در پژوهش‌های نظری و کاربردی مرتبط، از ضروریات مدیریت، برنامه‌ریزی و طراحی آن است. پژوهش‌هایی که زوایای متکثر شهر را شفاف نموده و در پیوند با پژوهش‌های موازی و میان رشته‌ای دیگر، دریچه‌های کارآمد و روبه جلویی را برای اقدامات و فعالیت‌ها باز نماید. موضوع «القاء» نیز به واسطه طرح شدن در حوزه‌های دانشی متنوع و ارتباط تنگاتنگ آن با شهر و شهرسازی، منظرگاهی مهم به این سکونت‌گاه انسانی محسوب شده و نیازمند توجه در مقیاس‌های مختلف می‌باشد.

القاء به جهت تأثیرات ارزشی ناخودآگاهی که بر شهروندان می‌گذارد، در مباحث انسان‌شناسی و تعلیم و تربیت مورد توجه

اسلام بوده و علی‌القاعده در عصر حاضر و با گسترش ابزارهای متنوع و نامحسوس انتقال پیام، این توجه و اهمیت بیش از پیش خواهد بود. بدین جهت و در راستای شکل‌دهی به فضاهای تعالی بخش شهری و در نتیجه شکل‌گیری انسان و جامعه متعالی، اجرایی‌سازی توصیه‌های پژوهش به عنوان الزامات اولیه حائز اهمیت می‌باشد. این پژوهش ابتدای راه توجه به القاءات کالبدی و عملکردی شهر و فضاهای آن بر ساکنان خود بوده و تحقیقات گسترده‌تر و دقیق‌تر به ویژه در حوزه مطالعات میدانی می‌تواند هم نتایج حاصله را اعتبارسنجی نموده و هم جزئیات بیشتری از بایدها و نبایدهای طراحی محلات نمایان سازد. تحقیقاتی با تمرکز بر گروه‌های سنی، جنسی، اجتماعی و مقیاس‌های مختلف کلانشهری، شهری و محلی.

بی‌نوشت

Meta-synthesis/ Qualitative Meta-Analysis /Qualitative Meta Synthesis / Interpretation of meta-synthesis.

۲. فرایند کلان پژوهش برگرفته از «فرایند پژوهش میان رشته‌ای» ارائه شده توسط رپکو (۱۳۹۷: ۲۳۹-۵۲۳) می‌باشد.

۳. رجوع شود به: شاهچراغی، آزاده و بندرآباد، علیرضا (۱۳۹۴)، محاط در محیط؛ کاربرد روانشناسی محیطی در معماری و شهرسازی. تهران، سازمان جهاد دانشگاهی.

۴. هو إبراز ما فی الباطن من الأفکار و المنویات، بآی وسیلة کان، و هو یختلف باختلاف الأشخاص و الموارد.

۵. «روش تلقین به نفس یعنی از طریق به زبان‌آوری قوی معین، تغییری به مقتضای آن در ضمیر پدید آید. یا با آشکار کردن عملی در اعضا و جوارح، سایه و طنین آن عمل را به درون بیفکنیم. در نظام تربیتی اسلام، روش‌هایی توصیه شده که از نظر ماهیت در بر دارنده مسئله تلقین به نفس است. توضیح این روش‌ها با عنوان‌هایی مانند تلقین قوی، تلقین فعلی و تلقین قوی- فعلی بیان می‌شوند. هر یک از این موارد را نیز در دو جنبه منفی و مثبت می‌توان بررسی کرد. یعنی تلقین‌هایی که منفی هستند و نباید صورت پذیرند و تلقین‌های مثبت که باید به کار گرفته شوند» (اسمعیلی زمان آباد و علی‌پور، ۱۳۹۷: ۱۵۷). «برای انسان‌سازی، مسایلی که برای ساختمان انسان است نمی‌شود یک دفعه بگویند و از آن رد شوند، باید توی گوشش مکرر بخوانند. تلقین با یک دفعه درست نمی‌شود. اگر بخواهید بچه‌ای را تربیت کنید باید یک مسئله را چندین بار با چند زبان، با چند وضع به او بخوانید. مطلب یکی باشد لکن طرز بیانش مختلف (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۳۴). «بعضی از مسائل است که اهمیتش این قدر زیاد است که باید آن مسائل را تکرار کرد. کتاب‌هایی که برای انسان‌سازی

آمده است مثل قرآن کریم، و کتاب‌هایی که در اخلاق نوشته می‌شود، و مقصود، ساختن یک انسان است، و ساختن یک جامعه است، به حسب اهمیت، هر موضوعی در آنها تکرار شده است. تکرار در قرآن مجید زیاد است. و بعضی‌ها خیال می‌کنند که این تکرار چرا؟ و حال آنکه لازم است. یکی از چیزهایی که برای ساختن انسان مفید است، تلقین است. انسان خودش هم اگر بخواهد ساخته بشود، باید آن مسائلی که مربوط به ساختن خودش است، به خودش تلقین کند. یک مطلبی که باید در نفس انسان تأثیر بکند، با تلقینات و تکرارها بیشتر در نفس انسان نقش پیدا می‌کند. تکرار ادعیه و تکرار نماز چندین دفعه در هر روز، حاوی این نکته است که انسان با گفتن و شنیدن و قرائت آن توسط خودش، آن آیاتی که شنیدنش سازنده است، مثل سوره مبارکه حمد را به دفعات می‌شنود، که این خودش یک درس سازنده است. انسان باید اینها را تکرار و تلقین کند و نفس را برای شنیدن حاضر کند. انسان خودش که یک مطلبی را می‌گوید، سامع یک دفعه می‌شنود، و در قلبش هم وارد می‌شود. لکن گوینده، اول در قلبش نقش می‌بندد، بعد آن را می‌گوید و بعد می‌شنود و بعد باز در قلبش وارد می‌شود. تلقین از اموری است که لازم است» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۳۹۷). «هر صفتی که بخواهی از خود دور کنی و یا در خود ایجاد کنی، راه اولش تلقین علمی و راه دومش تکرار عملی است. علم اخلاق، راهنمایت میکند که چگونه میتوانی از دو طریق علم و عمل خلق خوب را در خود ملکه سازی. طریق علم‌یاش این است که به خوبیهای آن اذعان و ایمان پیدا کنی و طریق عمل‌یاش این است که آن قدر آن را تکرار کنی تا در نفس تو رسوخ یابد» (ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱: ۵۶۰).

۶. طیب: هو ما یکون مطلوباً لیس فیه قذارة ظاهراً و لا باطناً، و یقابله الخبث و هو ما یکون فیه قذارة ظاهراً أو باطناً و هو مستکره فی نفسه

----- (مصطفوی، ۱۳۶۸، جلد ۷: ۱۵۰).
 ۷. لازم به ذکر است که، موضوع تفکر و امکان برانگیختن آن توسط محیط و فضای شهری از حیطة این پژوهش خارج بوده و تحقیقی جداگانه را طلب می‌نماید.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

اخوت، احمدرضا (۱۳۹۰) تبیین عناصر ساختار وجودی انسان جهت نیل به تزکیه نفس با توجه به آیات و روایات اهل بیت، تهران، قرآن و اهل بیت نبوت (ع).

----- (الف ۱۳۹۴) تدبیر در آیات، تهران، قرآن و اهل بیت نبوت (ع).

----- (ب ۱۳۹۴) تدبیر در اسماء، تهران، قرآن و اهل بیت نبوت (ع).

----- (پ ۱۳۹۴) تدبیر در کتاب، تهران، قرآن و اهل بیت نبوت (ع).

----- (ت ۱۳۹۴) تدبیر در کلام، تهران، قرآن و اهل بیت نبوت (ع).

----- (ث ۱۳۹۴) تدبیر در کلام، تهران، قرآن و اهل بیت نبوت (ع).

----- (ج ۱۳۹۴) فرایند شناسی خیر، تهران، قرآن و اهل بیت نبوت (ع).

----- (چ ۱۳۹۴) نظام‌سازی حسن، تهران، قرآن و اهل بیت نبوت (ع).

اخوت، احمد و مریم قاسمی (۱۳۸۹) تدبیر؛ چیستی، چرایی و چگونگی، تهران، قرآن و اهل بیت نبوت (ع).

----- (۱۳۹۳) تفکر

اجتماعی، تفکر عینی: موانع خوب زیستن با دیگران، تهران، قرآن و اهل بیت نبوت (ع).

----- (۱۳۹۵) ناس؛ مواجهه انسان با لقاء و القاء اثر، تهران، قرآن و اهل بیت نبوت (ع).
 اسمعیلی زمان‌آباد و علیپور، صدار (۱۳۹۷) روش تربیتی تلقین به نفس و تأثیر آن روی باطن انسان از دیدگاه آیات قرآن، فصلنامه علمی- پژوهشی قرآن و طب، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۱۵۶-۱۶۳.

اعظم کثیری، آتوسا (۱۳۹۴) تطبیق معناشناختی نظام تبلیغات محیطی و شهر پایدار، تهران، دوفصلنامه معماری و شهرسازی پایدار، دوره ۳، شماره ۲.

الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۷) زبان الگو: شهرها، ترجمه رضا کربلایی نوری، تهران، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

بارتن، هیوج و گرنت، مارکوس و گوپس، ریچارد (۱۴۰۰) شکل دهی به محلات؛ یک راهنما برای سلامت، پایداری و سرزندگی، تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

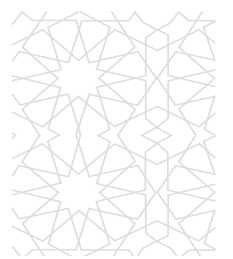
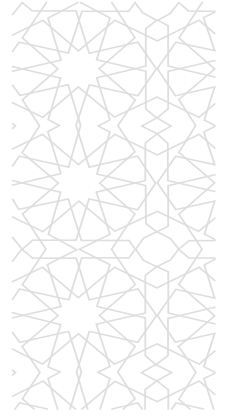
باقری، خسرو (۱۳۹۵) نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش

بهشتی، محمد و علی نقی، فقیهی؛ مهدی، ابوجعفری (۱۳۸۰) آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سمت.

پورافکاری، نصرت الله (۱۳۷۳) فرهنگ جامع روانشناسی، روانپزشکی و زمینه‌های وابسته، تهران، فرهنگ معاصر.

تالن، امیلی (۱۴۰۰) محله، ترجمه عینی‌فر و جلیلی، تهران، فکر نو.

تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۷) ساختن شهرهای مردم پسند: ارتقای محیط عمومی در شهرهای کوچک و بزرگ، ترجمه مروارید قاسمی



اصفهانی، تهران، روزنه.

جعفرنژاد، نوید و عباس متقبل باعرض و عادل آذر (۱۳۹۳) شناسایی و استخراج مؤلفه‌های اصلی مدیریت ریسک سازمانی با استفاده از روش فراترکیب، فصلنامه چشم‌انداز مدیریت صنعتی، شماره ۱۵، صص ۸۵-۱۰۷.

خسرومنش، زلیخا (۱۳۹۴) نقد روانکاوانه سه اثر زویا پیرزاد. اردبیل، مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی.

خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹) صحیفه امام. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵) لغت نامه دهخدا. تهران، دانشگاه تهران.

رپکو، آلن (۱۳۹۷) پژوهش میان‌رشته‌ای: نظریه و فرایند، ترجمه محسن علوی پور، معجد کرمی، هدایت‌الله اعتمادی زاده دریکوندی و علی‌اکبر نورعلیوند، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

رجب‌نژاد، مریم و آرمین شیرانی و شهاب‌خزانه‌داری (۱۳۸۵) مرور نظام‌مند شواهد، مرکز تعالی دانشگاه، دانشگاه شهید بهشتی.

زورق، محمد حسن (۱۳۶۹) مبانی تبلیغ. تهران، سروش.

شاهچراغی، آزاده و علیرضا بندرآباد (۱۳۹۴) محاط در محیط؛ کاربرد روانشناسی محیطی در معماری و شهرسازی. تهران، سازمان جهاد دانشگاهی.

شرف‌الدین، حسین (۱۳۸۷) جزوه آموزشی جامعه‌شناسی تبلیغ، قم، دانشکده صدا و سیما.

شعیری، حمیدرضا و سعیده انتظاری ملکی (۱۳۹۲) تحلیل وجه‌القایی زبان تصویری تبلیغات از دیدگاه کنشی و تنشی بر اساس رویکرد نشانه-معناشناختی. مشهد، مجله زبان‌شناختی و گویشهای خراسان، شماره ۹.

شمخانی، اژدر و دیگران (۱۳۹۳) اصول و روش‌های تربیتی از دیدگاه امام خمینی (ره) فصلنامه علمی - ترویجی بصیرت و تربیت اسلامی، شماره ۲۹، صص ۱۱۳-۱۳۶.

صالحی‌مازندرانی، محمدرضا و سید محسن زکی نژادیان (۱۳۹۷) نقش کارکرد‌های بلاغی و زبانی در تبلیغات بازرگانی. نشریه مطالعات زبانی بلاغی، شماره ۱۶.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴) ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

عرب، سید محمد و همکاران (۱۳۹۳) طراحی مدل فراترکیب عوامل مؤثر بر طلاق با مرور نظام‌مند مطالعات پیشین، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، دوره ۱۰، شماره ۴، صص ۱۰-۲۲.

عمید، حسن (۱۳۶۳) فرهنگ عمید. تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

فریدمن، آوی (۱۳۹۶) بنیان محله‌های پایدار، ترجمه مرجان السادات نعمتی مهر و امیر یدالله‌پور، تهران، دانشگاه شهید بهشتی

قاسم‌پور دهاقانی، علی و جعفری، سید ابراهیم (۱۳۸۸) سازواریها و ناسازواری‌های تلقین در تربیت دینی، تهران، دوفصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی، صص ۲۷-۴۳.

کاوایانی، حسین و مهرانگیز پورناصح (۱۳۸۱) نقش کلمه در شکل‌گیری «ذهن فرمانبردار»: پدیده تلقین، نشریه تازه‌های علوم شناختی، سال چهارم، شماره ۳، صص ۲۷-۳۵.

کاوایانی، محمد (۱۳۹۷) ناخودآگاه از دیدگاه متون دینی. قابل دسترس در <http://drkavyani.com>

کرسول، جان دبلیو (۱۳۹۶) طرح پژوهشی؛ رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی. تهران، جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی.

کرمونا، متیو و دیگران (۱۳۹۰) ارزش طراحی شهری:

رویکردی اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی به طراحی شهری، ترجمه رضا بصیری مژدهی و حمیده فرهنگیان، تهران، هله/طحان.

کزازی، میرجلال الدین و پرویز لکزائیان فکور (۱۳۹۴) مقایسه دیدگاه‌های مشترک کزازی و یونگ (خودآگاه، ناخودآگاه). جیرفت، فصلنامه مطالعه ادبیات تطبیقی، سال نهم، شماره ۳۴.

کلانتری، عبدالحسین و پیام روشن فکر و جلوه جواهری (۱۳۹۰) آثار و پیامدهای طلاق، مرور نظام‌مند تحقیقات انجام شده در ایران با تأکید بر ملاحظات جنسی (۱۳۷۶-۱۳۹۰)، زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره ۳، صص ۱۱۱-۱۳۱.

گل، یان (۱۳۹۲) شهر انسانی، ترجمه علی غفاری و لیلا غفاری، تهران، علم معمار.

لینچ، کوین (۱۳۸۳) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، تهران، دانشگاه تهران.

ماتین، کلیف و شرلی، پیتز (۱۳۸۷) طراحی فضاهای شهری؛ با محوریت توسعه پایدار، ترجمه نارسیس سهرابی ملا یوسف. تهران، ثامن الحجج.

محرمی، فریده و بابک عباسی (۱۳۹۳) دانشنامه جهان اسلام، جلد هجدهم، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی.

مصباحی جمشید، پرستو (۱۳۹۸) بررسی امکان تربیت دینی بر مبنای نظریه عقلانیت و حیانی با تکیه بر نظریات علامه جوادی آملی، تهران، دو فصلنامه علمی و پژوهشی اخلاق و حیانی، شماره دوم (شماره پیاپی ۱۶).

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مظفر و همکاران (۱۳۹۸) اولویت‌بندی راهبردهای

پایداری حیات و سرزندگی در محله با رویکرد اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۳، صص ۶۹-۸۵.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۱) مسئله شناخت، تهران، صدرا.

منصورزاده، زهرا و مهدی اکبرنژاد (۱۳۹۴) القاء و تلقین، به عنوان یکی از روش‌های تربیتی در قرآن از نگاه مفسران، ساری، دو فصلنامه الاهیات قرآنی، سال سوم، شماره ۵.

موسوی، سید نقی (۱۳۹۲) تحلیل مفهوم تلقین در تربیت دینی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۴۷، صص ۴۴-۶۶.

نقی‌زاده، رضا و دیگران (۱۳۹۳) فراترکیب مدل‌های نوآوری منطقه‌ای؛ مروری بر سال‌های ۲۰۱۳-۱۹۹۰. فصلنامه مدیریت نوآوری، سال سوم، شماره ۴، صص ۲۵-۵۶.

نقی‌زاده، محمد و نجفی، مریم (۱۳۹۵) اصول شهرسازی ایرانی - بر اساس «صد میدان خواجه عبدالله انصاری»، تهران، هویت شهر، شماره ۳۳، صص ۳۷-۴۸.

یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۴) ترجمه پرویز امیدوار، ماهیت روان و انرژی آن. تهران، بهجت.

Botteldooren, Dick, and Bert De Coensel (2009) "Informational Masking and Attention Focussing on Environmental Sound." NAG/DAGA, Proceedings, edited by Marinus M Boone, NAG; DEGA, pp. 399-402.

Botteldooren, D., Coensel, B. (2009) The Role of Saliency, Attention and Source Identification in Soundscape Research, Canada, Belgium.

Brown, L. (2010) Acoustic Design of Outdoor Space, Designing Soundscape for Sustainable Urban Development Conference, Stockholm, Sweden.

Newell, William. (2007) Decision Making in Interdisciplinary Studies, in Handbook of Decision Making (pp.245-264), Taylor & Francis Group.

Pijanowski, B.C., Villanueva-Rivera, L.J., Dumyahn, S.L., Farina. A., Krause, B.L., Napoletano. B.M., Gage, Stuart H. & Pieretti, N. (2011) Soundscape Ecology: the science of sound in the landscape. *Bioscience*, 61(3): 203-216.

Sarafraz, V. & kheyroddin, R., & alalhesabi, M. (2022) Explaining the role of the mosque in the cohesion of the physical-spatial structure of the neighborhood. *Political Sociology of Iran*, 5(1), 139-177. (Full Text in Persian). Thiessen, Elmer J. (1993) Initiation, Introduction and Education, *Canadian Journal of Education* 10:3.

www.britannica.com.

www.dictionary.cambridge.org.

www.merriam-webster.com.

Forouhar, A. & Kheyroddin, R. (2016) The impact of commercialization on the spatial quality of residential neighbourhoods: evidence from Nasr neighbourhood of Tehran, *Geographical Planning of Space*, Vol. 6 (20), 63-84, (Full text in Persian).

Kheyroddin, R. & Hedayatifard, M. (2017) a, Social segregation to exclusive public shoreline access: Coastal gated communities on the middle shoreline of the Caspian Sea in northern Iran, *Journal of Urban Planning and Development*, 143 (3), 05017006.

Kheyroddin R., Hedayatifard M., (2017) b, "The production of exclusive spaces in coastal pre-urban areas: Causes and motivations: Middle shoreline of Caspian Sea in north of Iran", *Journal of Coastal Conservation*, Volume 21, Issue 3, Pp: 333-341.

Khorsand, Ramin & Alalhesabi, Mehran & Kheyroddin, Reza (2020) Redefining the concept of the 24-hour city and city nightlife for holy cities, with the use of Islamic instructions: A Case study of the holy city of Karbala, *IOP Conference Series: Materials Science and Engineering*, 671 (1), 012116.

بازخوانی مراتب هستی صدرایی در سلسله مراتب باغ ایرانی (نمونه موردی: باغ فین کاشان)

الناز ایمانی*، مرتضی شجاری**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۰

نوع مقاله: پژوهشی - ۶۱-۴۳

چکیده

باغ‌های تاریخی ایران به کمک نظام‌های کالبدی، کارکردی و معنایی خود مکانی برای تبلور و انتقال مفاهیم نهفته در جهان‌بینی پدیدآورندگان آنها به شمار می‌آیند. از منظر هنرمند ایرانی، جهان تجلی‌گاه جلوه حق است و این تجلی خداوند در هستی، در معماری نیز تسری یافته است. این مقاله با هدف هم‌زمانی و همدلی با معماری باغ ایرانی و بررسی جایگاه سلسله‌مراتب در آن، سعی دارد تا از سلسله‌مراتب باغ فین کاشان به عنوان نمونه کامل باغ ایرانی، تأویلی برگرفته از اندیشه صدرایی در رابطه با مراتب هستی ارائه دهد. مطالعه به روش تحقیق کیفی و شیوه تحلیل محتوا، ابتدا مراتب هستی در اندیشه ملاصدرا و سلسله مراتب نظام معماری باغ ایرانی را با مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی بررسی کرده و در ادامه مراتب هستی صدرایی در باغ فین را باروش تأویلی و رویکردی مفهومی و وجودی بازخوانی می‌کند. بر اساس نتایج کار، باغ ایرانی به عنوان جلوه‌گاه اندیشه ایرانی-اسلامی، در جایگاهی نمادین با اندیشه صدرایی، پیرامون مراتب هستی و طی طریق به سوی کمال پیوند خورده است. این تجربه را در هم‌نشینی میان مراتب هستی و سازمان معمارانه باغ می‌توان سنجد. سلسله مراتب باغ ایرانی در «این همانی» با مراتب هستی، انسان را به سمت ابداع و خلاقیتی پیش می‌برد که مبتنی بر اسماء الحسنی است.

واژه‌های کلیدی: باغ ایرانی، باغ فین کاشان، حکمت صدرایی، سلسله مراتب نظام معماری باغ، مراتب هستی.

مقدمه

باغ ایرانی با مفهوم معمارانه خود حس مکانی را بازتاب می‌دهد که تصویر کلی کیهان را دارد. این مفهوم از طریق نظم و هماهنگی موجود در باغ و از راه هندسه، رنگ، آوا، عدد، ماده و منظر به حیطة حواس درمی‌آید و در عین حال افراد را به ذات و ساحت باطنی مستتر در فضا، رهنمون می‌سازد (اردلان و بختیار، ۱۳۸۳: ۶۸). در ذهن مسلمان ایرانی، باغ قطعه‌ای بهشت‌گونه و منفصل از جهان بیرون خود و مکانی برای تأمل در هستی است که در پیوند جسم و روح، گسست از دنیای مادی و پیوست به عالم معنا را میسر می‌سازد (شاهچراغی و اسلامی، ۱۳۷۸: ۶۹). هنر اسلامی به وسیله وسعت کشف هنرمندی خلاق، بستر تجلی عظمت، زیبایی و جمال خداوندگار را فراهم می‌آورد (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۸). خداوند در آیه‌ای کریمه^(۱)، خود را خالق و باری و مصور توصیف کرده است و از آنجا که آدمی خلیفه خداوند است، این توصیفات شامل هنرمند مسلمان نیز میشود. از نگاه صدرا انسان مثال خداوند در ابداع صورت‌هاست (شیرازی، ۱۳۸۳، ج: ۱: ۲۶۴-۲۶۵). نفس انسان دارای مراتب گوناگون است. از این رو ادراکات انسانی و فرآورده‌های او نیز از طریق سیلان در این مراتب به وقوع می‌پیوندد؛ محسوسات را تبدیل به متخیلات و معقولات می‌کند و همین‌طور معقولات را به متخیلات و محسوسات، نزول می‌دهد و این یکی از شاه‌کلیدهای آفرینش هنر است. در واقع، تشکیک وجود، مقدمه‌ای ضروری برای تبیین عملکرد خیال، حرکت جوهری و نحوه اتصال هنرمند با عالم حقیقت است (شیرازی، ۱۳۸۳، ج: ۸: ۱۸-۲۰). ملاصدرا در اسفار از هنر با عنوان صنایع لطیفه یاد می‌کند. منظور او از صنایع لطیفه، هنر به معنای خاص است که کمالی نفسانی و معنوی است (شیرازی، ۱۳۸۳، ج: ۷: ۱۷۳). بدین‌سان هنرمند می‌تواند در طیف تشکیکی وجودی خود، سریانی از ماده تا معنا

داشته باشد و به فراخور توقف در مراتب گوناگون، صورت‌گیری‌هایی انجام دهد. جایگاه هنر، مطابق با حضور او در عوالم تجردی یا جسمانی و پرکردن خزانه خیال از مواد گوناگون، می‌تواند کیفیت‌های متفاوتی یابد (ر.ک: یاریان، ۱۴۰۲). از نگاه ملاصدرا همه ظهور یک اثر هنری در عالم منوط به ظهور اسماء خداوند، در انسان است. از این روست که ملاصدرا حقیقت هنر را در ساحت انسانی، مثالی از اصل حقیقت هنر در ساحت ربوبی دانسته است (ر.ک: امامی جمعه، ۱۳۸۵). معماری به مثابه ملموس‌ترین بخش از این پدیده والا، از دیرباز بستر تبلور اندیشه‌های متعالی انسان و خاستگاه تحقق کمالات آدمیان بوده است.

ساختار باغ ایرانی در نظام‌های مختلف به عنوان ابزاری برای انتزاع رابطه بین باغ و فضای فکری انسان، آشکارگی هستی دانسته می‌شود (دادبه، ۱۳۸۳: ۳۳). هنرمند باغ‌ساز ایرانی فهمی از سازوکار عالم برگرفته از فلسفه اسلامی-ایرانی مبنی بر حضور مداوم خداوند را در لایه‌های مختلف باغ حاضر ساخته است (ر.ک: شیبانی و هاشمی‌زادگان، ۱۳۹۵). این تلاش هنرمند معمار در طراحی سلسله‌مراتب در باغ ایرانی با تعریف ملاصدرا در حکمت متعالیه از حقیقت هنر (ر.ک: یاریان، ۱۴۰۲) قرابت بسیاری دارد. بنابراین می‌توان مقایسه‌ای میان هستی (اثر هنری خداوند) و باغ ایرانی (اثر هنرمند معمار) از جنبه مراتب مطرح در آنها انجام داد. از این‌رو در این پژوهش مراتب هستی از دیدگاه حکمت متعالیه، در سلسله‌مراتب باغ فین کاشان در جستجوی حقیقت باغ ایرانی به روش تأویلی بازخوانی شده است. پژوهش بر مبنای پرسش‌های زیر گام‌های خود را شکل می‌دهد:

۱. سلسله مراتب در باغ ایرانی چگونه تعریف می‌گردد؟
 ۲. مراتب هستی صدرايي چگونه در معماری باغ ایرانی بازخوانی می‌شود؟
 ۳. چگونه می‌توان هم‌نشینی میان مراتب هستی و نظام معمارانه باغ را سنجید؟

متنوعی مانند پردیس، بهشت، بوستان، گلشن و مینو به عنوان مترادف و معادل واژه باغ استفاده شده است. توجه به ریشه‌های معنایی این واژه‌ها معلوم می‌سازد که باغ همه ویژگی‌های آنها را در خود جاری ساخته و از این رو مکانی است که حقیقت رحمت خداوندی را متجلی می‌سازد (براتی، ۱۳۸۳: ۷). بررسی باغ ایرانی نشان می‌دهد که پارسیان قدیم، در عصر هخامنشیان، باغ یا عرصه‌های محصور و پر درخت و گل را «پائری دنزا» می‌گفته‌اند. «دنزا» به معنای محدوده محصور و مجزا، و «پائری» به معنای واسط است. کل این مفهوم به معنای اتصال به حیطة معنا و ارتباط با خداوند می‌باشد (پیرنیا، ۱۳۷۳: ۴). باغ ایرانی را باید به عنوان یک اثر هنری بسیار ارزشمند در فرایند هنر معنوی شناخت. باغ ایرانی پیوند زیبایی، سودمندی و کارایی را در ساختار خود به خوبی عرضه داشته و نیازهای کاربردی، معنایی و انتزاعی را تمام و کمال برآورده می‌سازد (ر.ک: یاری و هورشناس، ۱۳۹۶). از این رو باغ ایرانی نمایانگر هستی است و امکان لمس ویژگی‌های هستی را به انسان می‌دهد^(۱) (تصویر ۱).



تصویر ۱- محوطه باغ فین (مأخذ: ایلکا و ایلکا، ۱۳۹۱: ۱۲۵)

اندیشه شکل‌گیری باغ ایرانی، همواره باغ را نمادی از آرامش، تفکر و اندیشه می‌داند که با ساختارهای مصنوعی و طبیعی، معنایی می‌آفریند که دو حیطة ماده و معنا را به هم پیوند می‌دهد. هندسه اعمال شده در باغ ایرانی، به عنوان ابزاری

در پاسخ به سؤالات، در مقاله حاضر با روش تأویلی و تحلیل محتوای کیفی، در بستر مطالعات کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی، ابتدا مفاهیم باغ و هستی با دیدگاهی پدیدارشناسانه مطالعه گشته تا دلالت‌های اطلاق شده به باغ و نمادهای آن درک گردد. هر دو روش در اصل کار خود که همانا پرداختن به محتوای متن به صورت کیفی است، با هم مشابه هستند. البته در تحلیل محتوای کیفی تلاش می‌شود با اتخاذ یک رویکرد تجزیه‌ای-سازه‌ای و با استفاده از روش‌های کمی گرایانه و مرحله به مرحله، محتوای آشکار و پنهان متن کشف و بازنمود یابد، اما در روش تأویل تلاش می‌شود با اتخاذ یک رویکرد کل‌نگر- ترکیبی و استفاده از استدلال‌های گزاره‌پردازانه محتوای پنهان متن پیام کشف و بازنمود یابد (ر.ک: شیری و عظیمی، ۱۳۹۱). از این رو در ادامه جایگاه سلسله‌مراتب در نظام معماری باغ ایرانی و مراتب هستی از دیدگاه صدرایی بررسی شده و در نهایت کوشش شده است تا با مقایسه بین مراتب هستی و سلسله‌مراتب باغ فین کاشان، پیوندی متعالی میان مراتب باغ ایرانی و مراتب هستی برقرار گردد تا از این رهگذر بتوان در دنیای معاصر گامی در جهت احیای دوباره باغ‌های ایران در انطباق با ساختار زیست‌محیطی برداشت.

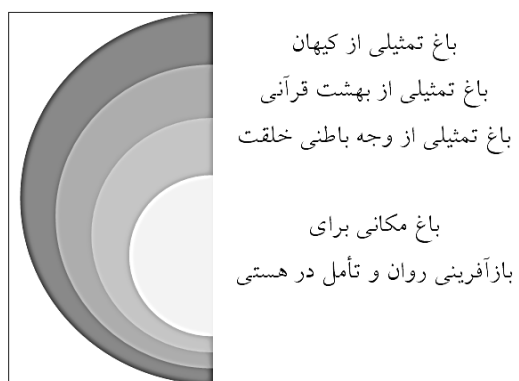
پیشینه تحقیق و مبانی نظری بررسی مفاهیم باغ و هستی با دیدگاهی پدیدارشناسانه

باغ و هستی در پدیدار شدن رویداد هر باغی، با هم یکی شده و در این موضوع نقشی ویژه ایفا می‌کنند (ر.ک: شیبانی، ۱۳۹۳). باغ، خیال و تصویری فراگیر در ذهن ایرانیان داشته و دارد. در طول سالیان دراز، باغ در دل و روح ایرانیان، آرامش و پویایی خاصی را فراهم آورده و آنها را به درک زیبایی اصلیی رهنمون ساخته است (میرفندرسکی، ۱۳۸۳: ۱۰). باغ ایرانی با ساختارهای کالبدی، کارکردی، مفهومی و معنایی خود در هر منطقه متفاوت است (شاهچراغی، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی از واژه‌های

برای انتزاع و تجرید باورهای فرهنگی دانسته می‌شود. در واقع باغ به کمک اشکال منظم هندسی، رابطه میان طبیعت و دنیای درونی را تصویرسازی می‌نماید (ر.ک: پیرنیا، ۱۳۷۰). باغ ایرانی با بهره‌گیری از شکل هندسی چهارگوش با «باورهای ایرانیان» مرتبط است.

الگوی باغ ایرانی در دوران کهن تمثیلی از کیهان، در دوران پس از اسلام تمثیلی از باغ بهشت قرآنی و در دنیای عارفانه تمثیلی از وجه باطنی خلقت است (تصویر ۲) (ر.ک: پورمند و کشتارقلاتی، ۱۳۹۰).



باغ تمثیلی از کیهان
باغ تمثیلی از بهشت قرآنی
باغ تمثیلی از وجه باطنی خلقت
باغ مکانی برای
بازآفرینی روان و تأمل در هستی

تصویر ۲- پارادایم‌های باغ ایرانی (مأخذ: شاهچراغی، ۱۳۹۱: ۱۲۳)

بنابراین چنین نتیجه می‌شود که باغ سهمی از مفاهیم عرفانی و ازلی را به خود اختصاص داده و تجلی ارزشمندی از هستی است (شیبانی و هاشمی‌زادگان، ۱۳۹۵: ۱۰). در پدیدارشناسی، شناسنده از موضوع موردشناسایی جدا نیست و در بررسی و شناخت باغ به عنوان یک مکان و نیز به منظور تأمل در ماهیت و چیستی باغ، نباید انسان را از آن جدا کرد. باغ هستی را به موقعیت مشخصی که مکان خوانده می‌شود، می‌آورد (ر.ک: احمدی و غیورفر، ۱۴۰۱). به این معنی که مفاهیم بالقوه حاضر در محیط را آشکار کرده و جهان را قابل رؤیت می‌کند (مرجویی، ۱۳۸۳: ۲۱). رویکردی که بیش از هر چیز به «هستی» مربوط است. به عبارت دیگر، زمانی که رویدادی

توسط انسان با بهره‌گیری از طبیعت، روی زمین و زیر آسمان، رخ می‌دهد به معنای آن است که هستی بر انسان گشوده شده است (ر.ک: عزیززهی قهرودی و عسگری، ۱۴۰۱). این رمز زنده بودن باغ نزد انسان‌هاست. پدیدارشناسی نیز باغ ایرانی را، بازسازی رخداد کیهانی و زایش دوباره جهان مینوی می‌داند. با اشارات هانری کربن در شرح حکمت اشراق، اقلیم هشتم^(۳) عالم ظهور هنر مینوی ایرانیان معرفی شده است (کربن به نقل از دادبه، ۱۳۸۳: ۴۶). باغ ایرانی با خصوصیات منحصر به فرد خود پیامی از آن عالم را به روزگار معاصر می‌رساند. تعامل انسان و باغ در باغ ایرانی، تعاملی مثبت است که بر اساس سازماندهی فضایی معماری باغ و طبیعت پیچیده آن و ارتباط متقابلش با انسان ایجاد می‌شود (ر.ک: مهدی‌نژاد، ضرغامی و سادات، ۱۳۹۴). از اینروست که باغ ایرانی علاوه بر رفع نیازهای مادی، نیازهای معنوی انسان را نیز در درون خود برآورده می‌سازد.

بررسی جایگاه سلسله‌مراتب در نظام معماری باغ فین کاشان

شناخت سلسله‌مراتب و جایگاه آن در باغ ایرانی جهت شناخت فلسفه طراحی باغ نقشی اساسی دارد. چنین اصولی به دلیل پایبندی قلبی و عقلی معمار سنتی به آنها، در آثار معماری نیز جاری می‌شده است. سلسله‌مراتب نقش بسیار مهمی در تعریف اجزا و کل یک مجموعه، یگانگی بین آنها (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۷۷) و در نتیجه هویت بخشی به آنها را دارد. بنابراین ویژگی‌های سلسله‌مراتب حاکم بر یک مجموعه، ابزار مهمی در مطالعات مربوط به تعریف و تعیین جایگاه و ارزش اجزاء و کل یک مجموعه، به منظور بیان ویژگی‌ها، عملکرد، معناها و اهداف هر یک از آنهاست.

باغ فین کاشان به عنوان یک اثر معماری بسیار ارزشمند و پدیده‌های فرهنگی، تاریخی و کالبدی، چون بهشتی بی‌بدیل در دل کویر

سلسله مراتب دسترسی

مسیرهای دسترسی در باغ طوری طراحی شده است که حرکت انسان به سمت مقصد بر سلسله مراتبی استوار گشته است. این دسترسی‌ها از نظر معیارهای کالبدی و بصری ویژگی‌های متفاوتی دارند. در واقع سلسله مراتب دسترسی با تمام خصوصیات خود، باعث کاهش مسیر تدریجی از عمارت ورودی تا کوشک شده و به این طریق حضور آرامش با طی آن مراتب افزایش می‌یابد (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۴۳۲). مبدأ و مقصد راه، عملکردهای راه، عناصر مجاور و نوع دسترسی در این جنبه از سلسله مراتب باغ بسیار اهمیت دارد.

سلسله مراتب کالبدی

کالبد باغ، متشکل از درختان و گیاهان، آب جاری در باغ و بناهای موجود در آن است. ساختار هندسی باغ نیز جهت تلفیق این عناصر در سلسله مراتب کالبدی باغ ساماندهی می‌شود. در باغ فین ساختار هندسی با دو محور عمود بر هم و نیز تلفیق آن با طرح سه محوری شکل گرفته است (میرفندرسکی، ۱۳۸۳: ۱۰۱). چگونگی جایابی درختان و گیاهان در باغ فین منظر چشم‌نوازی را در محوطه باغ پدید آورده که با نور و سایه مزین گشته و آوای حضور پرندگان، عطر گل‌ها و میوه‌های بسیار در آن تماشایی است (فلامکی، ۱۳۸۹: ۶۵۶). آب زاینده باغ است. آب در باغ فین کاشان از چشم‌های نزدیک باغ و از عمارت چشمه سلیمانیه به سمت باغ هدایت شده و ضمن رفع نیازها، همراه با صدای لطیف خود، به صورت‌های متنوع، چشم‌اندازهای متنوع پدید آورده است. نحوه استقرار بناهای باغ فین کاشان، فضای باغ را ساماندهی کرده و در تعامل با حضور درختان و محوریت آب، به فضای باغ انسجام بخشیده است. دیوار باغ از مراتب کالبدی باغ فین است (مسعودی، ۱۳۸۲: ۱۰۴) که با محصور ساختن اجزای باغ، از آنها در برابر عوامل اقلیمی و امنیتی محافظت می‌کند. ابنیه موجود در باغ فین در دو مقیاس بزرگ و کوچک

و توسعه عمرانی باغ در دوره‌های مختلف ادامه داشته و اجزای متفاوتی همچون بناهای سردر ورودی، کوشک، حمام و سایر بخش‌ها به آن اضافه شده و یا مورد مرمت قرار گرفته‌اند (نیکومنش، ۱۳۹۲: ۴۹). همانطور که در بخش قبلی گفته شد، باغ ایرانی ساختارهای متنوعی دارد که همگی در تعامل با هم بهشت درون باغ را پدید آورده‌اند. در این پژوهش سلسله مراتب باغ فین کاشان در کلیه ابعاد و زمینه‌های آن مورد بررسی قرار گرفته است.

سلسله مراتب ساختار فضایی

باغ فین در زمینی وسیع و مستطیل شکل و خارج از بافت شهری متراکم ساخته شده است. این باغ در مقیاس معماری از نوع باغ طرح گسترده است که در گروه باغ قلعه و باغ کوشک طبقه‌بندی می‌شود (انصاری، ۱۳۷۸: ۱۸۶)؛ از این رو در ساختار فضایی سلسله مراتبی که دارد پاسخگوی ارزش‌های موجود در جامعه سنتی بوده است. این باغ محدوده مشخصی را در شهر به خود اختصاص داده است (تصویر ۳). در دید و منظر شهری صرفاً دیوار باغ، برج‌های دیده‌بانی آن و درختان بلند باغ در سطح محدودی قابل درک است.



(مأخذ: آرشیو شخصی نگارنده، ۱۳۸۳)

مراتب ساختار فضایی باغ فین حاکی از تداوم و تغییر است که در توسعه آن به کار رفته است. رده‌بندی فضایی میان درون و بیرون بر سلسله مراتب حریم‌های فضایی در باغ اشاره دارد.

مطرح هستند که در ادامه به مهمترین آنها، که در بررسی هدف نهایی تحقیق بسیار مؤثر بوده‌اند، اشاره شده است.

۱- عمارت سردر که نگهبانان، باغبانان و سایر کارکنان خدماتی در آن سکونت داشته‌اند، در جدار دیوار بیرونی و نزدیکی راه دسترسی اصلی به باغ قرار دارد. ۲- عمارت کوشک که ساختمانی به شکل برون‌گراست و محل استقرار آن روی محور اصلی و در میانه باغ می‌باشد (تصویر ۴). ۳- عمارت بالاخانه که خلوت کریمخانی نامیده می‌شود برای زندگی خصوصی ساکنین است که جداگانه در انتهای محور اصلی قرار دارد. ۴- حمام، اصطبل و انبار و دیگر ساختمان‌های باغ که کارکرد خدماتی دارند در پیرامون باغ و به خصوص در جداره دیوار محصور کننده باغ بنا شده‌اند.



تصویر ۴- کوشک باغ فین (مأخذ: Pinder, 1976: 73)

در واقع در مراتب کالبدی باغ فین، عناصر نمادین و مهم در نقاط درونی تری واقع شده‌اند (ر.ک: شاهچراغی، ۱۳۹۱) و نوعی رده‌بندی کالبدی میان کالبد‌های جزئی و کالبد‌های کلی برای ارائه سیر از جزء به کل و از فرع به اصل استفاده شده است. با توجه به مقیاس باغ، در فواصل دورتر، تصویر باغ متشکل از عناصر بصری محیط از قبیل ابنیه باغ، درختان، مسیر آب، نشانه‌ها، مرزها و سیستم‌های حرکتی همزمان می‌باشد (ر.ک: منصور، ۱۳۸۴). در مقیاس‌هایی کوچکتر ترکیبی از فضاها و عناصر معماری و منظر قابل درک است. در استخوان‌بندی باغ، سلسله‌مراتب حوزه‌های

مختلف به هم وابسته‌اند و در توسعه یکدیگر به هم کمک می‌کنند. پیوند سلسله‌مراتبی فضاها در داخل باغ نیز، سازمان منظمی را به وجود آورده که تداوم و تغییر را ارائه می‌دهد. این تداوم و تغییر در همه حوزه‌های سلسله‌مراتب، انسان را جهت دستیابی به سرمنزل مقصود یاری می‌رساند؛ به این دلیل، سلسله‌مراتب جز از طریق موقعیت، توسط عوامل طراحی نیز مورد توجه قرار گرفته است. طراحی جلوخان برای ورودی اصلی به باغ، شکل‌دهی فضای میانی و اهمیت فضای ورودی به کوشک، توجه به تقارن در نماها و توجه به محور اصلی، نشان از تأکید بر سلسله‌مراتب در باغ است. این مراتب در تزیینات و آرایه‌های به کار رفته در کل مجموعه، نگاره‌ها و سایه‌روشن‌ها در منظر باغ و ابنیه باغ نیز قابل توجه است؛ به طوری که بهترین نگاره‌ها کوشک اصلی باغ را آراسته‌اند و زیبایی‌های چشم‌نواز انسان را در رسیدن به آن همراهی می‌کنند.

سلسله‌مراتب عملکردی

سلسله‌مراتب کارکردی در باغ فین موجب هدایت و کنترل فعالیت‌ها و رفتارهای جاری در آن می‌شود. در طول سالیان باغ فین کاربری‌های گوناگونی از جمله سکونت، حکومتی، تشریفاتی و تلفیقی داشته است (زانگری و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۱۷). در عملکرد کلی باغ درجاتی از حریمیت نیز برای فضاها مشخص شده است. به طوری که فضای زندگی ساکنین باغ در فضای خصوصی تری را به یک فضای جمعی که فضایی نیمه‌خصوصی است، ارتباط می‌دهد. فضاهای نیمه‌عمومی سایر فضاهای باغ است که نقش فضاهای اشتراکی را ایفا می‌کنند. آن طرف دیوار باغ، کوچه و خیابان است که فضای عمومی است. مفاهیمی چون عرصه، حریم، قلمرو و حوزه نفوذ، در سلسله‌مراتب عملکردی باغ فین القاء شده است. در واقع اجزای اتصال‌دهنده فضای درون و بیرون، چگونگی حرکت افراد، طی مسیر و بناهای کاربردی متفاوت در نوعی تعامل عملکردی در مراتب گوناگون در باغ فین انسجام

یافته و همدیگر را در جهت عملکرد صحیح و منطقی در فضای کلی باغ تقویت کرده‌اند.

سلسله مراتب حضور معنا

باغ ایرانی پرتوی است از بهشت و دستاوردی است هنری که زیبایی‌های معنوی بسیاری دارد (ر.ک: خوانساری و همکاران، ۱۳۸۳). اندیشه نهان در معماری باغ فین مراتبی از حضور معناهای ژرفی را باعث می‌شود که حاکی از ارتباط آن با جهان مینوی و ارتباط انسان با عالم معنوی است (شاهچراغی و اسلامی، ۱۳۸۷: ۶۵). همین موضوع موجب پویایی حضور معناها در طول زمان گشته و تجربه حقیقت را امکان‌پذیر ساخته است. حقیقتی که اشاره به تجلی زمینی مکانی دارد^(۴). باغ ایرانی در واقع تجلی همان حقیقت است که معنایش پیوند با خداوند خالق هستی است (نصر، ۱۳۸۳: ۲۰۳). در فرهنگ ایرانی از یک سو تقدس عناصر طبیعی و از سویی دیگر الگوهای کهن ساماندهی به طبیعت به طور توأمان با یکدیگر نظام‌های معنایی را در شکل‌گیری باغ ایرانی پدید آورده‌اند

(ر.ک: شاهچراغی، ۱۳۹۱).

مراتب حضور معناها در باغ فین محدود به عالم محسوس نیست و تجربه عالم بالا را نیز در خود دارد. بررسی ارتباط بین معناها و تحلیل سلسله‌مراتب معنایی موجود در باغ فین کاشان نشان از توجه و حضور اتصال به عالم روحانی و انفصال از عالم مادی دارد. این حقیقت با کیفیت ادراک سلسله‌مراتب باغ و نیز با روح تفکر اسلامی همسوست (اردلان و بختیار، ۱۳۸۳: ۶۳). سلسله‌مراتب ساختار فضایی، دسترسی، کالبدی و عملکردی، همه شرایط مناسبی را برای مراتب حضور معنا در باغ پدید آورده‌اند و همین پایایی و مانایی معنایی را در باغ فین باعث شده است. در واقع همه عناصر باغ از قبیل درختان، گیاهان، گلها و آب، ابنیه باغ، هندسه و الگوی سامان‌دهنده به آنها در این مراتب معنایی شریک‌اند و همه سرچشمه‌ای هستند که این همه رحمت از اوست. در جدول ۱ مؤلفه‌های سلسله‌مراتب به دست آمده از منابع و نظرات متخصصان معماری و شهرسازی جمع‌بندی و ارائه شده است.

جدول ۱- مؤلفه‌های مرتبط با سلسله‌مراتب نظام معماری باغ فین کاشان برگرفته شده از مطالعات نظری

| سلسله‌مراتب و مؤلفه‌های مرتبط با آن در نظام باغ فین کاشان | | سلسله مراتب ساختار فضایی |
|---|--|--------------------------|
|  | <p>تنوع فضایی با فرم، هندسه، ابعاد و تناسبات- درونگرایی- رده‌بندی فضایی میان درون و بیرون- نظام فضایی ساختارمند و کرانمند- تداوم و تغییر در توسعه حریم‌های فضایی- سطح دید و منظر متفاوت با نوع سازماندهی فضایی متفاوت- تقسیم‌بندی حوزه‌ها و قلمروهای مختلف فضایی- نظام فضایی مثبت- تضاد و توالی جهان درون و بیرون- بی‌مرزی و پیوستگی- محصوریت ساماندهی در ترکیب فضاها و عناصر بر اساس خصوصیات آنها (کالبدی یا کارکردی)- گشایش فضایی باز و بسته- کاهش ماده و افزایش فضا- تعادل فضایی- جستجوی چشم در فضا و رسیدن به خوشایندی- حرکت نور بر احجام- ایجاد انبساط روحی و نشاط محیطی- شفافیت- مراتب ایجاد شده با نظام عناصر بصری- هماهنگی در عناصر کالبدی و معنوی</p> | |

| سلسله مراتب و مؤلفه‌های مرتبط با آن در نظام باغ فین کاشان | | |
|---|---|----------------------------|
|  | <p>تجربه کردن مقوله دورنمایی در راه ورود به باغ- طراحی حرکت انسان به سمت مقصد- اهمیت مبدأ و مقصد راه- جهت‌دهی به مکانی محصور- نقش ساختار هندسی و محورها در ساماندهی دسترسی- جانمایی فضایی و شفافیت با موقعیت دسترسی‌ها- معیارهای کالبدی و بصری متفاوت مسیرها- اهمیت عناصر مجاور و نوع دسترسی- هدایت و خوانایی، امنیت به جهت وحدت بخشی و انسجام</p> | <p>سلسله مراتب دسترسی</p> |
|  | <p>تلفیق عناصر مختلف باغ با ساماندهی ساختار هندسی باغ- نقش محورها در ساماندهی کالبدی باغ- نظم، تغییر و تداوم جهت رسیدن به مقصد- ساماندهی کالبدی باغ با نحوه استقرار بناها و دیوار- دیوار باغ- مقیاس‌های بزرگ و کوچک ابنیه باغ و عناصر بصری محیط- جایگاه‌های مختلف درونی و بیرونی بناهای مختلف باغ بر حسب اهمیت- وسعت دید و منظر و ساختار پیوسته- قطعه‌بندی‌ها و تک بناهای شاخص- رده‌بندی کالبدی جزئی و کلی- وابستگی و توسعه مراتب حوزه‌های مختلف- انسجام باغ با تعامل بناها، درختان و محوریت آب- نقش آب و صورت‌های متنوعش در ایجاد مراتب کالبدی و چشم‌اندازهای متنوع- افزایش نفوذپذیری و شفافیت بصری- وجود ریتم، مکث، حرکت، تقارن و تعادل در کالبد باغ- ترکیب منظم اشکال بصری- لذت دیداری</p> | <p>سلسله مراتب کالبدی</p> |
|  | <p>اهمیت عملکردها در مسیر باغ از مبدأ تا مقصد- هدایت و کنترل فعالیت‌ها و رفتارهای جاری در باغ- طراحی کاربری‌های گوناگونی از جمله سکونت، حکومتی، تشریفاتی و تلفیقی- انسجام عملکردهای صحیح و منطقی در فضای کلی باغ- انطباق محیطی- تعریف درجاتی از محرمیت برای فضاها- تعریف طیفی از فضاهای خصوصی تا عمومی و فضاهای اشتراکی- ترتیب و توالی فعالیت‌ها- تعریف مفاهیمی چون عرصه، حریم، قلمرو و حوزه نفوذ در باغ- اتصال درون و بیرون و طی مسیر در بناهای کاربردی متفاوت در تعامل عملکردی</p> | <p>سلسله مراتب عملکردی</p> |
|   | <p>اندیشه نهان در معماری باغ فین- احساس ارتباط با جهان هستی- طراحی برای ارتباط انسان با عالم معنوی- ارتباط بین واقعیت موجود و محتویات ذهن (ارتباط درون و بیرون)- الگوی مثالی باغ بهشت- پویایی حضور معناها در طول زمان طی مسیر باغ و حضور در آن- پایایی و مانایی معنایی در باغ- تجلی فرهنگ و هویت- حضور معنا در مراتب مختلف فضایی، دسترسی، عملکردی و کالبدی- تدریجی بودن شکل‌گیری- هماهنگی عناصر و تناسب در مسیر کمال- تناسب توجه به کلیت- افزایش حضور آرامش با طی مراتب- رهنمون ساختن به ساحت معنوی از طریق عدد، هندسه، رنگ و ماده- ترکیب رنگ مطابق با نظام فصول- نمادپردازی- لذت نشانه، نور و زیبایی و گذر به کمال- حس مکان، نور و مقیاس انسانی- انتقال اصوات و بوی گل‌ها و گیاهان (لذت جویبی غایی)- بازی نور و سایه- مفهوم هندسی عقلانی و انتزاعی</p> | <p>سلسله مراتب معنا</p> |

عالم ماده

این عالم همان دنیایی است که انسان در آن زندگی می‌کند. بارزترین مشخصه این عالم، زمان و حرکت از حالت بالقوه به سوی حالت بالفعل است. عالم ماده از حیث وجودی ضعیف‌تر از عوالم مثال و عقل است؛ و زمان و مکان از خصوصیات ذاتی آن است. موجودات عالم ماده دائماً در حال تغییر هستند و از این طریق (حرکت جوهری) به فعلیت و کمال یعنی عالم مثال و عقل میرسند (شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۲۸).

عالم مثال

عالم مثال از ماده و برخی آثار آن مانند حرکت، زمان و مکان و انفعال منزّه است؛ البته هم کیفیت در آن وجود دارد و هم کمیت؛ شکل، رنگ، اندازه و امثال این موارد از ویژگی‌های موجودات این عالم است. عالم مثال از حیث وجودی برتر از عالم ماده است، علت آن بوده و بر آن احاطه دارد، در عین حال ضعیف‌تر از عالم عقل است. موجودات عالم مثال بی‌زمان و بی‌مکان هستند، مانند موجوداتی که در ذهن و خیال تصور میشود یا در خواب دیده می‌شود. از این‌روست که این عالم را عالم خیال منفصل و عالم برزخ گویند (شیرازی، ۱۳۸۱: ۵۲).

عالم عقل

این عالم از ماده و آثار مثل حرکت، زمان، مکان، کیفیت و کمیت منزّه است و از حیث وجودی قوی‌ترین مرتبه عالم بوده و تقدم وجودی بر تمام عوالم خلقت دارد و علت آنهاست. البته باید توجه داشت که مراد از تقدم وجودی، تقدم زمانی و مکانی نیست، چون در عالم عقل، زمان و مکان معنی ندارد. این عالم را از این جهت که شباهتی با عقل انسان دارد و موجودات آن (ملائک عظام) همگی از سنخ عقلند، عالم عقل یا عقول می‌نامند (شیرازی، ۱۳۶۲: ۹۳).

در معرفت‌شناسی صدرایی کثرت معرفتی طولی بر اساس هستی‌شناسی تشکیکی و عوالم

مؤلفه‌های اصلی سلسله‌مراتب در نظام معماری باغ فین کاشان و مراتب هستی از دیدگاه حکمت متعالیه (جدول‌های ۱ و ۲) در منابع گوناگون بررسی و با روش تحلیل محتوا جمع‌بندی شده‌اند. این مؤلفه‌ها در بررسی نمونه موردی مطرح و ارزیابی گشته‌اند. نتیجه این ارزیابی در ادامه آمده است.

بررسی مراتب هستی از دیدگاه حکمت متعالیه

ملاصدرا هر ماهیتی را در عالم طبیعت دارای چهار گونه وجود می‌داند. وجود طبیعی محسوس، وجود مثالی، وجود مجرد عقلی و وجود الهی. بر این اساس هر ماهیتی با انحائی از وجود قابل تحقق است؛ هم با وجود خاص خود و هم با هر وجود دیگری که کامل‌تر از وجود خاص ماهیت است (شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۱۸). هستی، واحد ذومراتبی است که در ذات خود شامل وحدت اشیاء و پدیده‌های متکثر است. شناخت از این حقیقت واحد و منسجم و در عین حال متکثر و پیچیده، در هر مرتبه، ناظر به بخشی از این پیچیدگی است، که بالتبع ناظر به بخشی از حقیقت است و نه تمام آن. در نظام هستی‌شناسی صدرایی بهره‌مندی پدیدارها از هستی تشکیکی است و منطبق با آن، شناخت امری مشکک است. بنابراین فهم حقیقت نیز دارای تشکیک بوده و هر چه ادراک در سلسله مراتب هستی ارتقاء یابد به حقایق بیشتری اشراف خواهد یافت. علاوه بر نظام تشکیکی هستی، بعد دیگری که به پیچیدگی جهان می‌افزاید حرکت جوهری است. جهانی که صدرا ترسیم می‌کند کل به هم پیوسته‌های است که مدام در حال تحول از قوه به فعل است. اصول وحدت وجود، نظام تشکیکی وجود و حرکت جوهری، هستی متحول و مشککی را تصویر می‌کنند که غفلت از آن به شناختی مخدوش منجر می‌شود (شیرازی، ۱۳۶۲: ۶۵). ملاصدرا با براهین عقلی هستی را به سه مرتبه کلی تقسیم کرده است که در ادامه آمده است.

سه‌گانه، به طور عمده موجب پدید آمدن سه نوع ادراک حسی (تجربی)، خیالی و عقلی می‌شود که هر مرتبه ادراک با مرتبه بالاتر از خود قوام مییابد. خاصیت عالم حس، کثرت و درک جزئیات است. یعنی شناخت از مرتبه شناخت شخصی (جزئی) آغاز و سپس به مرحله عقل که مقام تجرد، بساطت و وحدت است نائل می‌شود. بنابراین مراحل حسی، خیالی و عقلی لازم و ملزوم یکدیگرند و بدون هر یک شناخت ممکن نیست. بر این مبنای شناخت جزئی و کلی مستلزم یکدیگرند. از آنچه پیشتر گفته شد معلوم می‌شود که رابطه این عوالم سه‌گانه با همدیگر رابطه طولی است. عالم مثال، باطن و حقیقت عالم ماده و عالم عقل، باطن و حقیقت عالم مثال است و نسبت باطن به ظاهر مثل نسبت معنی به کلمه است (شیرازی، ۱۳۸۵: ۲۳۹). البته در عرفان نظری و از نظر عرفا عالم بالاتری

وجود دارد به نام عالم لاهوت، عالم اسماء و صفات الهی و عالم ربوبی که از نظر آنها، در آیات الهی عالم امر این عالم است. عرفا عوالم سه‌گانه ماده، مثال و عقل را عوالم خلق و عالم لاهوت را در نسبت طولی با آنها می‌دانند. اما در بررسی بیشتر، نسبت عالم لاهوت به تک تک موجودات یکسان است (ابن عربی، ۱۳۶۷: ۸۶). از منظر عرفان اسلامی، هستی در عالمی سلسله‌مراتبی از بالا به پایین و حرکتی رفت و برگشتی شکل می‌گیرد. این ویژگی گرچه تعدد در تعیین مراتب را آشکار می‌سازد، نشان می‌دهد که همواره ایجاد آمادگی پیش از وصول و طی مسیر در قالب منازل مورد توجه بوده است. مؤلفه‌های مرتبط با سلسله‌مراتب نظام هستی از دیدگاه حکمت متعالیه در قالب جدول شماره ۲ دسته‌بندی شده‌اند.

جدول ۲- مؤلفه‌های مرتبط با سلسله‌مراتب نظام هستی برگرفته شده از مطالعات نظری

| سلسله‌مراتب در نظام هستی | مؤلفه‌های مرتبط با سلسله‌مراتب |
|--------------------------|--|
| عالم ماده | عالم طبیعت- زمان- مکان- طول، عرض و عمق- تغییرات دائم موجودات عالم ماده- کثرت و درک جزئیات- دارابودن اندازه و مقدار- ادراک حسی (تجربی) |
| عالم مثال | بیزمانی- بیمکانی- وجود کیفیت و کمیت- وجود شکل، رنگ، اندازه- جهانی پر از شگفتی و مشتمل بر طبقات و درجات متنوع و موجودات فراوان- ادراک خیالی |
| عالم عقل | بیزمانی- بیمکانی- منزله از کیفیت و کمیت- تجرد- بساطت- وحدت- موجودات مجرد تام- عدم تعلق به موجود مادی و جسمانی- ادراک عقلی |

روش تحقیق

سلسله‌مراتب بررسی شده در نظام هستی و نظام معماری باغ فین شرایطی را فراهم ساخت تا در جستجوی رابطه بین بخش‌های گوناگون ساختار باغ با عالم ماده، خیال و عقل، مراتب هستی از دیدگاه صدرایی در سلسله‌مراتب باغ فین کاشان با روش تأویلی و رویکردی وجودی و مفهومی بازخوانی گردد. در واقع تأویل روشی است که برای فهم ابعاد باطنی یک پدیده به کار می‌رود. فهم پدیده همان علم به ذات و اوصاف پدیده است. چون علم را به دو دسته حصولی

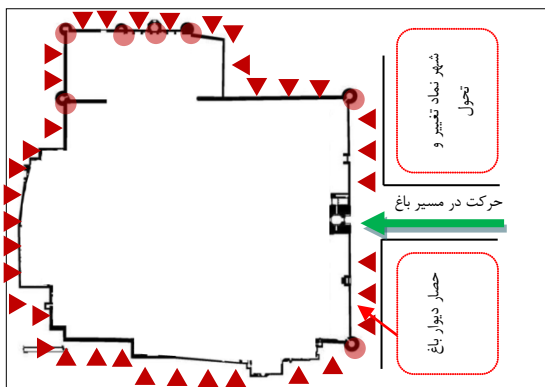
و حضوری تقسیم می‌کنند، تأویل مفهومی در حوزه علم حصولی و تأویل وجودی در حوزه علم حضوری است (ر.ک: ملایی و پارسانیا، ۱۳۹۴). تأویل مفهومی، تأویلی است که با به کارگیری مفاهیم تلاش می‌کند چهره باطنی پدیده را بفهمد و به واقعیت پدیده پی ببرد. رهاورد این نوع تأویل، فهم واقعیت و باطن پدیده از پس پرده مفاهیم است. (طباطبایی، ۱۴۱۶: ۳۸). تأویل وجودی، تأویلی است که با حرکت در متن وجود، سعی می‌کند به گسترشی وجودی برسد؛ رهاورد این نوع تأویل، فهم واقعیت و

مرحله اول (عالم ماده و سفر از آن)

این سفر از شهر شروع می‌شود. در این مقاله شهر نماد عالم ماده است. در واقع شهر عالم ایجاد، تغییر و تحول است و بارزترین مشخصه آن، زمان، مکان و حرکت است. موجودات این عالم برخلاف موجودات دو عالم قبلی دائماً در حال تغییر و به فعلیت رسیدن و استکمالاند. انسان در این عالم ماده (شهر) بنا بر حکمتی گرفتار است. ولی اگر کسی بخواهد به کمال برسد می‌کوشد که حرکت کند. در شهر بسیاری از مسیرهای ممکن پیشرو قرار دارد و بسیاری اهداف نیز از دیده پنهان‌اند. پس باید یکی از این مسیرها برگزیده شود؛ که به یاری راهنمایی که پیش از این طی طریق کرده و راه را می‌داند، مسیر و هدف قطعیت می‌یابد. در این مسیر فرد از شهر خارج شده و پس از طی مسافتی خود را در برابر حصار می‌یابد که دیوار باغ است (تصویر ۵).

مرحله دوم (عبور از عالم ماده به عالم خیال)

این حصار به عنوان یک چارچوب تمام عناصر این باغ را در بر گرفته است. به سخنی دیگر، دیوار در باغ، دو دنیای متفاوت را از هم جدا کرده و به این معنی مرز مشخصی را تعریف می‌کند؛ چرا که هستی و سرسبزی باغ در دل کویر به سمت درون دیوار آغاز می‌شود. انسان خواهان کمال همواره در عالم ماده به عالم برتر می‌اندیشد و در پی کشف ویژگی‌های آن عالم است؛ چرا که حقایق مادی، به مقتضای حرکت جوهری همیشه در حرکت، تجدد و استکمال‌اند.



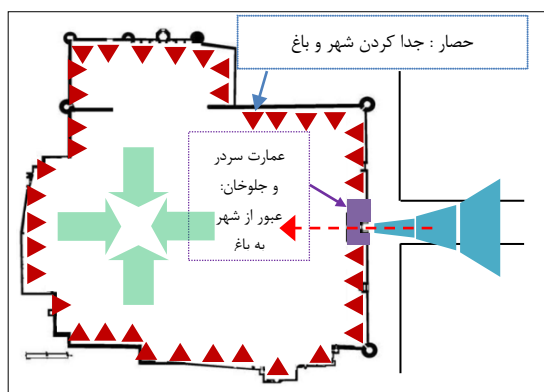
تصویر ۵- مرحله اول (شهر و سفر از آن)

باطن پدیده بدون هرگونه واسطه است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵۱-۵۷). خرق حجاب و بازگشت به اصل دو گام کلی روش تأویل هستند. نتیجه طی کردن این دو گام، ظاهر شدن چهره باطنی پدیده و فهمیدن ذات پدیده خواهد بود. هریک از دو روش تأویل مفهومی و وجودی، حجاب‌هایی متناسب با خود دارند؛ بنابراین در مسیر مفهومی، حجاب‌ها از مقوله مفاهیم و در مسیر وجودی، حجاب‌ها مربوط به هستی و وجودند. پس از گام خرق حجاب، امکان بازگشت به اصل (گام دوم تأویل) فراهم می‌شود و با توجه کردن و روی آوردن به اصل و واقعیت پدیده‌ها، آنها چنان مشاهده می‌شوند که هستند. پس از این مشاهده، میتوان ویژگیهای پدیده را فهمید (شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۱۵). این مسیر در این مقاله در هفت مرحله طی شده که در ادامه آمده است.

یافته‌ها

بررسی مراتب هستی از دیدگاه حکمت متعالیه در سلسله مراتب نظام معماری باغ فین کاشان

در این بررسی، در هر مرحله نشان داده شده است که تجارب مختلف هر بخش از این باغ را می‌توان تجسمی از مراتب هستی صدرایی و نیز تکامل گام به گام دانست که در آن هر مرتبه از کمال به عنوان آغازی برای رسیدن به کمال بالقوه دیگری است. بدینگونه می‌توان با روشی تأویلی، تفسیری صدرایی از سلسله مراتب هستی در مکانی تمثیلی ارائه کرد، که تداعیگر سیر و سلوک انسان در قالب مادی و بیانی معمارانه است. این تجربه در واقع نوعی سفر است و فردی که پای در این سفر می‌گذارد باید از نظرات راهنمای طریقت بهره جوید تا به مقصد نهایی و کمال مطلوب برسد. در تصاویری که در ادامه آمده سلسله مراتب نظام معماری باغ فین در همنشینی با مراتب هستی صدرایی، جهت کمک به درک مراحل مرتبط، نشان داده شده است. در اینجا معلوم میشود که چگونه می‌توان این رابطه را سنجید.

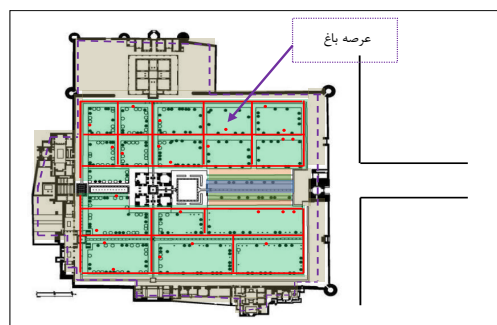


تصویر ۶- مرحله دوم (عبور از شهر به باغ)

در جداره دیواره بیرونی باغ، عمارت سردر و جلوخان آن، انسان را به سوی خود می خواند و انسانی که در مسیر سلوک قدم گذارده با آشنایی با تعالیم حق، آن را در مسیر هدف نهایی یافته و به سوی آن می رود. در واقع آنجا محل ورود به باغ و ورود به عالم برتری در پس این حصار است (تصویر ۶). در این مسیر حرکت باعث استکمال و دستیابی به دید وسیع تری می شود. این عالم برتر عالم خیال و مثال نام دارد که در اینجا عرصه باغ به همراه تمام عناصر آن است.

مرحله سوم (عالم خیال و سفر از آن)

در عرصه باغ و در عالم خیال (تصویر ۷)، انسان رهایی از ماده را کاملاً احساس می کند. در اینجا ادراکات انسان از قوت و شدت بیشتری برخوردار است. بر همین اساس، لذت، درد، خوشحالی، غم، شادی، ترس و رغبت انسان شدیدتر از عالم ماده می باشد. آنچه انسان با ورود به این عالم درک میکند نوعی لذت بی پایان و شادی بسیار و غم دوری از معشوقی است که رغبت رسیدن به آن در این عالم دوچندان می شود.



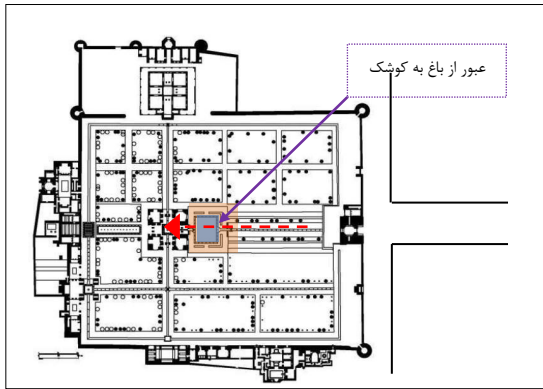
تصویر ۷- مرحله سوم (باغ و سفر در آن)

در عرصه باغ، نظم، پاکی، قداست، عروج و رحمت موج می زند. موجودات این عالم گویی آشناترند به آن معشوق ازلی؛ چرا که دائم در راز و نیاز و همواره در پی تذکر به انسان، در تلاش اند. هندسه باغ ایرانی با نظم خاصی بین خود و فضای فکری آدمیزاد رابطه ای را شکل می دهد. این هندسه ای است که ذهن می تواند آن را بفهمد و با آن یک زندگی خالص داشته باشد. آثار و کیفیت درختان، گیاهان و گل های باغ بر اساس سلسله مراتبی منطقی و جهت تأمین محیطی آرام و مصفا، ایجاد تنوعی مطلوب و برقراری زیبایی پویا طوری ساماندهی شده اند که گویی همه به یک واحد مطلق اشاره دارند. جاری بودن آب در باغ و صدای حرکت آن در عرصه باغ آرامش عجیبی را فراهم می سازد تا انسان به دور از تعلقات عالم ماده به خالق این همه زیبایی بی اندیشد (تصویر ۸).



تصویر ۸- آب در باغ فین (مأخذ: ایلکا و ایلکا، ۱۳۹۱: ۱۲۵)

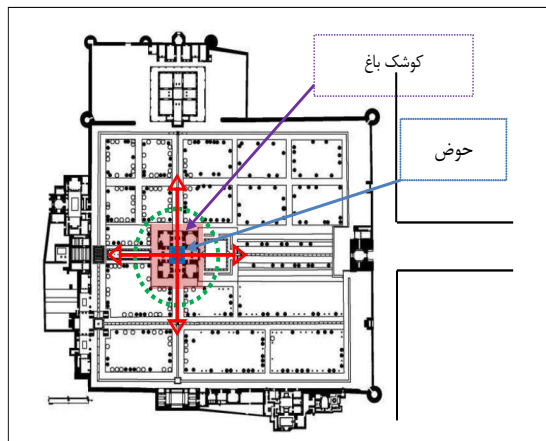
تماشای زیبایی طبیعت و نیز انعکاس تصویر آن در سطح آب بر وسعت مجازی یا بیکرانگی فضایی باغ می افزاید. اینجا در کنار گل ها و گیاهان معطر، ثمره های درختان، آوای خوش پرندگان، نسیم ملایم باد، صدای آب روان، تالو نور در آب و رنگ های فیروزه ای و سبز ایرانی،



تصویر ۹- مرحله چهارم (عبور از باغ به کوشک)

مرحله پنجم (عالم عقل و سفر از آن)

انسان با عبور از عرصه باغ، خود را در فضایی می‌یابد که کوشک باغ نام دارد. کوشک عالم دیگری است در باغ که نماد عالم عقل است. انسان در کوشک ساکن می‌شود و آرام می‌گیرد. اینجا محل غور و تفکر است. اینجا فارغ از زمان، مکان، ماده، کیفیت و کمیت، انسان به خداوند خالق هنرمند میاندیشد، کمال یافته و عاشق‌تر می‌شود. او به مرتبه‌ای می‌رسد که چیزی جز خدای خود نمی‌بیند. خداوند را باری، خالق، مصور و اسماء‌الحسنی را مختص او و تمام هستی را مظه‌ری از اسماء او می‌یابد که همه در حمد و ثنای اویند. کوشک بنایی برون‌گراست و از هر چهار طرف که خود تمثیلی از کیهان است، به تمام باغ احاطه داشته و به دلیل محل قرارگیری آن در باغ و در مکانی مرتفع به علت شیب زمین، دارای بهترین چشم‌انداز است (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰- مرحله پنجم (کوشک و سفر از آن)

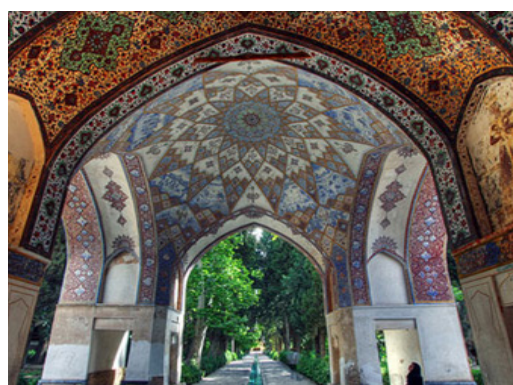
دیگر زمان و مکان معنای خود را از دست داده است. صدای آب بسیار دلنواز است و حرکت آب در حوض به طرف انسان بخشش است. در تفکر اسلامی آب مظهر پاکی است (قرآن، سوره فرقان، آیه ۴۸).

در قرآن آمده که آب به عنوان مایه حیات هر موجودی، نمادی از بهشت و نعمات بهشتی است. نماد پاکی، مبارکی، حیات، شادابی و عامل تذکر به عنوان یکی از منابع اثبات وحدانیت الهی است (نقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۴۸-۱۵۰). این همان چیزی است که انسان جهت رسیدن به عالم برتر به آن نیازمند است. آدمی در مسیر کمال باید کم‌کم پاک گردد. تقدس و احترام به آب به عنوان عنصری که می‌تواند انسان را برای ورود به دنیایی خالص‌تر آماده کند، همواره وجود داشته و در ادبیات نیز اشاره‌های فراوان بر آن شده است^(۵). در فرهنگ ایران و اسلام درخت نیز عنصری مقدس بوده و اعتقاد به درخت زندگی که مظهر نابودی بدی‌ها و شفای دردهاست، بسیار پراهمیت است^(۶). به نظر می‌رسد که آنچه در داخل باغ جاری است، فضایی همسوی محیط بیرون نیست، بلکه علیرغم گرفتن سرچشمه وجودی خود از آن، تقابل با آن دارد. به این ترتیب این رابطه و این آمیختگی در کیفیات، در عرصه باغ صورت می‌پذیرد، تا انسان با نابودی بدی‌ها و پاک شدن از هر آنچه مانع کمال است، با حرکت در شیب رو به بالای باغ عروج یافته و پای در عالم دیگری گذارد که عالم عقل نام دارد.

مرحله چهارم (عبور از عالم خیال به عالم عقل)

در گام بعدی و در مسیر سلوک، انسانی که به کمال می‌اندیشد، می‌خواهد از عالم خیال گذر کرده و به عالم برتر وارد شود. در این مرحله خود را در مقابل مرزی می‌بیند. طبق تصویر ۹ در عبور از عرصه باغ، انسان باید پله‌هایی را بالا رود و از کنار حجم آبی عبور نماید تا بدینوسیله عروج یافته، پاک‌تر شده و آماده ورود به عالم عقل گردد.

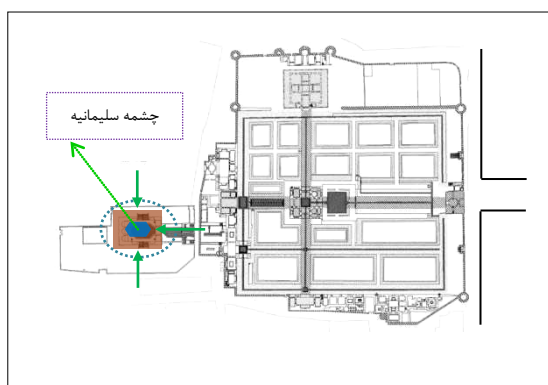
در باغ ایرانی بنای کوشک دید انسان را قطع نمی‌کند، بلکه با شفافیت فضاهای باغ را به هم پیوند می‌دهد (تصویر ۱۱). انسان با اندیشه در آرامش کوشک، متوجه عالمی می‌شود که احاطه به تمام مراتب هستی دارد. در واقع انسان در عالم عقل به هر سو می‌نگرد نشانی از او می‌بیند. اینجا در مرکز کوشک، حوض آب زلالی قرار دارد که امکان انعکاس تصویر بنای کوشک را داده است. حضور تصاویر واقعی و مجازی، تالورنگ‌ها و نگاره‌های زیبای کوشک به دلیل حضور آب، همه پیوندی را به وجود آورده و اینجاست که سالک به عالم برتر دیگری یقین می‌یابد که، عالم الهی است.



تصویر ۱۱- دید از کوشک به باغ
(مأخذ: Wilber, ۱۹۷۹: ۲۳)

مرحله هفتم (عالم الهی)

چشمه سلیمانیه (تصویر ۱۳) و عمارت آن در صخره‌های کوه‌های نزدیک باغ، همان عالم الهی است. عالمی که فیض، لطف و رحمتش در تمام مراتب هستی و در اینجا در کل باغ جاری است. آب که باغ حیات خود را بدان وابسته است، از چشمه مقدس عالم الهی در باغ جاری شده، ابتدا وارد عالم عقل (کوشک) گشته، از آنجا در عالم خیال (عرصه باغ) جاری شده و پس از سیراب نمودن باغ، به عالم ماده می‌رسد و در شهر جریان می‌یابد تا پاکی و شادی را به ارمغان آورد. اینگونه است که عالم عقل برتر از عالم خیال و عالم ماده است. این آب که همان فیض الهی است نمادی از بهشت و عامل زندگی است.

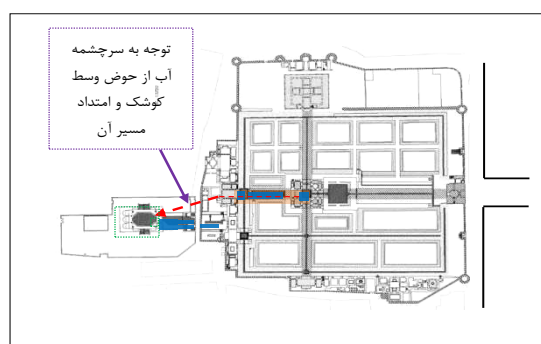


تصویر ۱۳- مرحله هفتم (چشمه سلیمانیه)

انسانی که قدم در مسیر کمال گذاشته همواره با رحمت الهی هدایت و ترغیب می‌شود. در سلسله مراتب باغ نیز قرارگیری کوشک در مکانی مرتفع باعث می‌شود که انسان در چشم‌انداز محور اصلی، بنا را نزدیک به خود احساس کرده و به حرکت به سمت آن ترغیب شود. مولانا در تعبیر عارفانه خود، باغ را پرمعناترین نماد و استعاره حسن الهی می‌داند (ر.ک: رضایی قلعه و شجاری، ۱۴۰۰). نتایج ارزیابی و تحلیل مؤلفه‌های ارائه شده در جداول ۱ و ۲، در کالبد، عناصر، دسترسی‌ها، کارکردها و فضاهای اصلی باغ فین کاشان در تصویر ۱۴ و جدول ۳ ارائه شده است.

مرحله ششم (ادراک عالم الهی)

نهایتاً انسان گام نهایی را در مسیر کمال برداشته (تصویر ۱۲) و به هنگام پاکتر شدن در آب زلال عالم عقل متوجه سرچشمه این آب می‌گردد و به فیض مطلق و عالم الهی پی می‌برد.

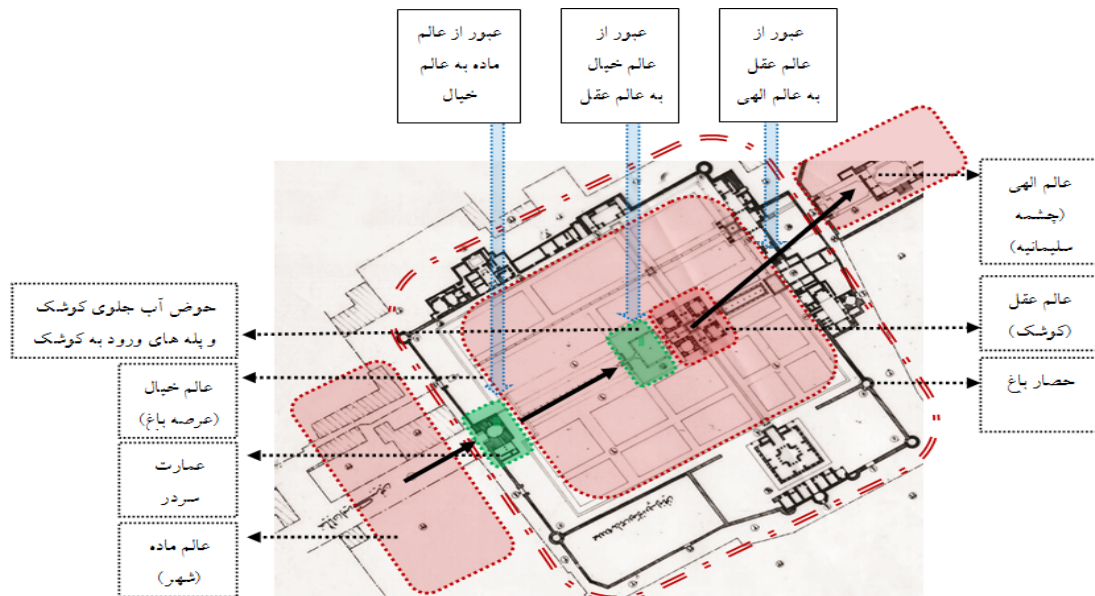


تصویر ۱۲- مرحله ششم (سرچشمه آب)

نتیجه گیری

در بازخوانی هستی و پدیده‌های همچون باغ، ابتدا باید به زبان معماری آن گوش داد و سپس آن را فراخواند. منظور آن است که اجازه داده شود که اثر در گوش جان نجوا کند. گوش جان همان

مجلایی است که بنا به نظر عطار، حقیقت از آن عبور میکند. در این بازخوانی، باغ ایرانی نوعی عمل آیینی محسوب می‌شود که مجموعه‌ای از نشانه‌های عالم بزرگ هستی را در عالم کوچک باغ نشان می‌دهد.



تصویر ۱۴- بازخوانی مراتب هستی صدرایی در سلسله مراتب باغ فین کاشان

جدول ۳- تحلیل مؤلفه‌ها در نظام معماری باغ فین کاشان بر اساس یافته‌های تحقیق

| مؤلفه‌های مرتبط با سلسله مراتب | سلسله مراتب ساختار فضایی | سلسله مراتب دسترسی | سلسله مراتب کالبدی | سلسله مراتب عملکردی | سلسله مراتب معنا |
|--------------------------------|---|---|--|---|---|
| عالم ماده | شهر، تغییر و تحول | طی مسیر در شهر تا رسیدن به دیوار باغ | حصار دیوار باغ | انتخاب مسیر درست به یاری راهنمایی | قطعیت مسیر و هدف |
| عبور از عالم ماده به عالم خیال | فضای ارتباطی فضای ورود به باغ | ورود به باغ | عمارت سردر و جلوخان آن | ورود به باغ و دستیابی به دید وسیع‌تر | کمال خواهی |
| عالم مثال | عرصه بیکران باغ با هندسه و کیفیات خاص خود | زندگی در باغ، تماشا، شنیدن صدای آب، آواها و حرکت قدم به قدم در آن | بناهای داخل باغ، درختان، گیاهان، گل‌ها، آب، آواها، نسیم باد، نور و رنگ | رهایی از شهر لذت بی‌پایان، آماده شدن به ادامه راه | حرکت در مسیر کمال، پاک شدن، لذت، تقابل با محیط بیرون، مکان معنا |
| عبور از عالم خیال به عالم عقل | فضای ارتباطی و عبور به سطح بالاتر | طی مسیر در شهر تا رسیدن به دیوار باغ | پله‌ها و حوض آب | عبور از عرصه باغ و آمادگی برای ادامه راه | اندیشیدن به کمال |

| سلسله مراتب با سلسله مراتب | سلسله مراتب ساختار فضایی | سلسله مراتب دسترسی | سلسله مراتب کالبدی | سلسله مراتب عملکردی | سلسله مراتب معنا |
|-------------------------------|---|--|--|---|--|
| عالم عقل | بنای برون‌گرایی کوشک با احاطه کامل به باغ | ساکن شدن در آن و داشتن چشم‌انداز به اطراف | کوشک باغ | تفکر و اندیشه، پیوند فضاهای باغ، آرام گرفتن در آن، احاطه | اندیشه، آرامش، دید همه‌جانبه، زیبایی |
| ادراک عالم الهی | مسیر آب تا حوض کوشک | ارتباط و دسترسی با سرچشمه | مسیر آب از حوض داخل کوشک به چشمه | متوجه شدن به سرچشمه آب (نعمت) | گام نهایی در مسیر کمال، پاکی، زیبایی |
| عالم الهی | آب در صخره‌های کوه‌های نزدیک باغ | رسیدن به حوض کوشک و جاری شدن در باغ | چشمه سلیمانیه و عمارت آن | حیات باغ، سیراب نمودن آن و جاری شدن در شهر | لطف، رحمت، حیات، پاکی و شادی |

می‌بافد، بنا می‌کند، می‌نگارد و... به تعبیری دیگر در این بازخوانی باغ چیزی جز وجه باطنی خلقت نیست.

برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

پی‌نوشت

۱. هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (سوره حشر، آیه ۲۴).
۲. جهت توضیحات بیشتر رجوع شود به دادبه، ۱۳۸۳: ۳۲. در این منبع آمده است: باغ ایرانی آشکارگی هستی است و آشکارگی هستی به ما امکان شنیدن آوای هستی را می‌دهد (دادبه، ۱۳۸۳: ۳۲).
۳. حکیمان به آن عالم، که اقلیمی بین عقل و انتزاع است، اقلیم هشتم گفته‌اند.
۴. ترکیب دو واژه باغ و بهشت، تأکید بر خصوصیت مادی و معنایی این مفهوم است؛ به طوری که یادآور ساخت باغ (محدوده عینی) در رسیدن به اتصال و پیوند با بهشت (مفهوم ذهنی) است (شاهچراغی، ۱۳۸۷).
۵. در افسانه گیل‌گمیش، گیل‌گمیش زیر آب سفر می‌کند تا راز حیات جاودانه را بیابد (نقل از بهرامی، ۱۳۱۷: ۱۴).

باغ ایرانی، ترجمان اندیشه و دیدگاه ایرانی درباره هستی، جهان و مکانی برای پیوند صورت و معناست. از جمله این باورها می‌توان به باورهای معادی ایرانیان و اعتقاد به عالمی دیگر و بهشتی موعود اشاره کرد که پیوندی عمیق با هستی دارای منزل‌هایی است به سوی نهایت معنوی که به گذر از عالمی به عالم دیگر جهت وصل اشاره دارد. طی مسیر نیز در باغ ایرانی در امتداد محور آب، درختان، دید و منظر، به شوق رسیدن به منزل نهایی (کوشک باغ) و یافتن سرچشمه نورانی آب انجام می‌گردد و بدینگونه مراتب هستی صدرایی با سلسله مراتب باغ ایرانی قیاس‌پذیر می‌شود. مقاله حاضر به قصد تأویلی از این امر به چنین مقایسه‌ای پرداخته تا نشان دهد که در ساختار هم‌نشینی، می‌توان میان آن دو تراز صوری در معنا یافت و در این میان معماری به مثابه تجسم مراتب هستی می‌تواند سلوک به سمت حق را در خود متجلی سازد. این احساس و این زمینه روحی، دو احساس لاینفک از هم را به وجود می‌آورند؛ گریز و نفرت از یک طرف و عشق، شوق و آرزو از طرف دیگر؛ یعنی گریز از این دنیایی که هست به دنیایی که باید باشد. پس انسان آرزویش را در هنرها جلوه‌گر می‌سازد. آرزو را می‌سراید،

۶. این اعتقاد در فرهنگ اسلام به صورت درخت طوبی تداوم یافته است (خوانساری و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۴).

منابع

قرآن کریم

ابن عربی، شیخ محی الدین (۱۳۶۷) رسائل ابن عربی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات نجیب مایل هروی، تهران، مولی.

اردلان، نادر و لاله بختیار (۱۳۸۳) حس وحدت (سنت عرفانی در معماری ایرانی)، با مقدمه سید حسین نصر، ترجمه حمید شاهرخ، تهران، خاک.

احمدی، الهه و علیرضا غیورفر (۱۴۰۱) «دریافت معانی باغ ایرانی از منظر پدیدارشناسی ادراک حسی مرلوپونتی»، نشریه شبک، سال ۸، شماره ۶ (پیاپی: ۶۹).

امامی جمعه، مهدی (۱۳۸۵) فلسفه هنر در عشق‌شناسی ملاصدرا، تهران، فرهنگستان هنر.

انصاری، مجتبی (۱۳۷۸) ارزش‌های باغ ایرانی (صفوی- اصفهان)، مقطع دکتری، رشته معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

ایلکا، شاهین و شهاب ایلکا (۱۳۹۱) تجسم اندیشه آئینی در معماری و منظرپردازی ایران، تهران، طحان.

براتی، ناصر (۱۳۸۳) «باغ و باغ‌سازی در فرهنگ ایرانی و زبان فارسی»، فصلنامه باغ نظر، دوره ۱، شماره ۲، صص ۳-۱۵.

بمانیان، محمدرضا، امیرخانی، آرین و محمدرضا لیلیان (۱۳۸۹) نظم و بی‌نظمی در معماری، تهران، طحان.

بهرامی، تقی (۱۳۱۷) فرهنگ روستایی یا دایره

المعارف فلاحتی، تهران، بی‌نا.

پورمند، حسنعلی و احمدرضا کشتکار قلاتی (۱۳۹۰) «تحلیل علت‌های وجودی ساخت باغ ایرانی»، نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، دوره ۳، شماره ۴۷، صص ۵۱-۶۲.

پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۰) آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلامحسین معماریان، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.

----- (۱۳۷۳) «باغ‌های ایران»، تدوین فرهاد ابولضیاء، مجله آبادی، شماره ۱۵، ص ۴.

----- (۱۳۸۷) سبک‌شناسی معماری ایرانی، تدوین و تألیف غلامحسین معماریان، تهران، سروش دانش.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹) توحید در قرآن، قم، اسراء.

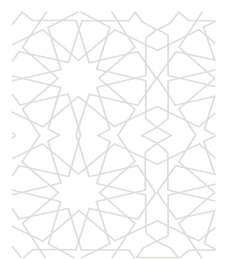
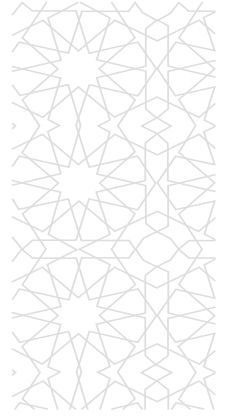
خوانساری، مهدی، مقتدر، محمدرضا و مینوش یاوری (۱۳۸۳) باغ ایرانی، بازتابی از بهشت، تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

دادبه، آریاسپ (۱۳۸۳) «مکتب‌های باغ‌آرایی»، نشریه موزه‌ها (ویژه نامه همایش و نمایشگاه باغ ایرانی)، شماره ۴۱، صص ۳۰-۳۴.

رضایی قلعه، مریم و مرتضی شجاری (۱۴۰۰) «ارتباط باغ طبیعت با باغ جان از منظر مولوی»، دوفصلنامه پژوهشنامه عرفان، سال ۱۳، شماره ۲۵، ۷۹-۱۰۱.

زانگری، لوییجی، رحمتی، نازیکاماندانا و برونکا لورنزی (۱۳۹۱) باغ‌های ایرانی- اسلامی، ترجمه مجید راسخی و فرهاد تهرانی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی و قطب علمی طراحی شهری.

شاهچراغی، آزاده (۱۳۸۷) بازآفرینی نظام معماری باغ ایرانی (با شناخت اصول نمونه- های تاریخی و ضرورت‌های دوران)، مقطع



دکتری، رشته معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.

----- (۱۳۹۱) پارادایم‌های پردیس در آمدی بر بازشناسی و بازآفرینی باغ ایرانی، تهران، جهاد دانشگاهی واحد تهران.

شاهچراغی، آزاده و سید غلامرضا اسلامی (۱۳۸۷) «بازخوانی نظام معماری باغ ایرانی در باغ-فرش ایرانی با تأکید بر نظریه بوم‌شناختی ادراک محیط»، نشریه علمی گلجام، دوره ۴، شماره ۹، صص ۶۳-۸۶.

شیبانی، مهدی (۱۳۹۳) «آوای هستی باغ ایرانی»، مجله هنر و تمدن شرق، شماره ۶، صص ۹-۵.

شیبانی، مهدی و سیدامیر هاشمی‌زادگان (۱۳۹۵) «باغ ایرانی، هستی نوشونده»، فصلنامه باغ نظر، دوره ۱۳، شماره ۴۵، صص ۵-۱۲.

شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۲) منطق نوین (اللمعات المشرقیه فی الفنون المنطقیه)، ترجمه عبدالمحسن مشکوه‌الدینی، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه.

----- (۱۳۸۱) المبدأ و المعاد، ترجمه احمد بن محمد حسینی، بکوشش عبدالله نورانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

----- (۱۳۸۳) الحکمه المتعالیه فی اسفار الاربعه، تصحیح تحقیق و مقدمه علی‌اکبر رشاد، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

----- (۱۳۸۵) مجموعه رسائل فلسفی صدرالمآلهین، تحقیق و تصحیح حامد ناجی اصفهانی، تهران، حکمت.

----- (۱۳۸۹) حکمت متعالیه در اسفار اربعه، دوره ۴ جلدی، ترجمه

محمد خواجه‌جوی، تهران، مولی.

شیری، طهمورث و ندا عظیمی (۱۳۹۱) «بررسی مقایسه‌ای تحلیل محتوای کیفی و روش هرمنوتیک»، مجله مطالعات جامعه‌شناسی، دوره ۵، شماره ۱۵، صص ۷۹-۹۹.

طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۶) نهایه‌الحکمه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

عزیزی فهورودی، مهرداد و علی عسگری (۱۴۰۱) «پدیدارشناسی باغ ایرانی براساس نظریه روانشناختی ادراک گشتالت (نمونه موردی: باغ شازده ماهان)»، مجله هنر و تمدن شرق، دوره ۱۰، شماره ۳۵، صص ۴۵-۵۶.

<https://doi.org/10.22034/jaco.2022.328716.1232>.

فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۹) باغ ایرانی (عکس رخ باغ) در گستره‌های معماری، تهران، فضا.

مرجوعی، علی (۱۳۸۳) «باغ، همچون رویداد»، فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره ۷۸-۷۹.

مسعودی، عباس (۱۳۸۲) «بررسی دیوار به عنوان یکی از اجزای تشکیل دهنده باغ ایرانی»، فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره ۱۴، صص ۱۰۰-۱۰۴.

ملایی، رضا و حمید پارسانیا (۱۳۹۴) «صورت‌بندی روش تأویل و تأثیر آن بر علوم اجتماعی با تأکید بر اندیشه آیت‌الله جوادی آملی»، نشریه حکمت‌اسراء، سال ۷، شماره ۳ (پیاپی: ۲۵).

منصوری، سیدامیر (۱۳۸۴) «درآمدی بر زیبایی‌شناسی باغ ایرانی»، فصلنامه باغ نظر، دوره ۲، شماره ۳، صص ۵۸-۶۳.

مهدی‌نژاد، جمال‌الدین، ضرغامی، اسماعیل و سیده اشرف سادات (۱۳۹۴) «رابطه انسان و طبیعت در باغ ایرانی از منظر معماری اسلامی»، نقش جهان - مطالعات نظری و

یاری، فهیمه و راضیه هورشناس (۱۳۹۶) «معماری ایرانی و نگرش به رمزاندیشی در طراحی باغ‌های ایرانی: نمونه موردی «باغ ارم شیراز»»، مجله مهندسی ساختمان و علوم مسکن، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۴۹-۵۴.

یاریان، مجید (۱۴۰۲) «هنر، حقیقت، ابتذال (بازاندیشی حقیقت هنر در مبانی صدرایی)»، نشریه تأملات فلسفی، دوره ۱۳، شماره ۳۱. <https://doi.org/10.30470/phm.2022.556500.2235>

Pinder-Wilson R. (1976) The Persian Garden: Bagh and Chahar Bagh, in *The Islamic Garden*, In: Ettinghausen R., Macdougall E. B. (eds) *The Islamic Garden*, Washington D.C., The Stinehour Press, PP. 69-85.

Wilber D. N. (1979) *Persian Gardens and Garden Pavilions*, Washington, Dumbarton Oaks Research Library and Collection.

فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی، جلد ۵، شماره ۱، صص ۲۷-۴۱.

میرفندرسکی، محمد امین (۱۳۸۳) «باغ ایرانی چیست؟ باغ ایرانی در کجاست؟»، نشریه موزه‌ها (ویژه‌نامه همایش و نمایشگاه باغ ایرانی)، شماره ۴۱، ۱۰.

نصر، سید حسین (۱۳۸۳) نکاتی پیرامون باغ ایرانی، کتاب باغ ایرانی، حکمت کهن منظر جدید، تهران، موزه هنرهای معاصر تهران، نظر.

نقی زاده، محمد (۱۳۷۷) «صفات شهر اسلامی در متون اسلامی»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴ و ۵، صص ۴۷-۶۱.

----- (۱۳۸۴) جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

نیکومنش، مصطفی (۱۳۹۲) نگین کویر، کاشان، مرسل.

وجوه تمایز مؤلفه‌های محرمیت معماری متأثر از تفاوت سبک زندگی در فرهنگ شرق و غرب

حسن ناصری ازغندی*، محسن طبسی**، حسن رضائی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۶

نوع مقاله: پژوهشی - ۸۱-۶۳

چکیده

از آنجا که معماری کالبدی است بر پایه روابط درونی و بیرونی، محرمیت به عنوان یک مفهوم فرهنگی - اجتماعی در معماری همواره به صور گوناگون نمود داشته است. مطالعات نشان می‌دهد که فاصله ایجاد شده مابین لزوم شکل‌گیری محرمیت و چگونگی تجلی کالبدی آن وابسته به شرایط دوره تاریخی و یا موقعیت جغرافیایی، سبب شده است که علاوه بر کالبد محرمیت، چگونگی ادراک آن نیز به شدت متأثر از محیط فرهنگی باشد که در آن واقع شده است. بنابراین محرمیت مفهومی است که وجه ادراکی آن وابسته به فرهنگ و سبک زندگی و وجه کالبدی آن نمود یک مفهوم در معماری است. هدف اصلی تحقیق حاضر آن است که با شناسایی مؤلفه‌های محرمیت معماری و وجه تمایز آن متأثر از سبک زندگی در فرهنگ شرق و غرب، مبنایی برای آسیب‌شناسی مفهوم محرمیت در معماری معاصر تبیین نماید. بنابراین، پژوهشگران در پی پاسخگویی به این پرسش هستند که: سبک زندگی متفاوت در دو فرهنگ شرق و غرب چه تمایزی را در مؤلفه‌های محرمیت معماری سبب شده است؟ پژوهش مبتنی بر روش توصیفی با رویکرد تحلیل محتوا، جهت دستیابی به نتیجه از استدلال منطقی بهره گرفته است. جمع‌آوری داده‌ها مطابق با مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای است. نتایج مؤید آن است که تفاوت در سبک زندگی و به تبع آن نوع نگاه به محرمیت سبب شده است که در فرهنگ شرق با تأکید بیشتر بر شخص با هدف ایجاد حرمت و ارزش، محرمیت به عنوان یک پدیده حقیقی دیده شود؛ اما در فرهنگ غربی، با دیدی اجتماعی و با هدف حفظ روابط انسانی به عنوان پدیده‌ای حقوقی مدنظر بوده است که همسو با خلوت و قلمروپایی است.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ غرب، فرهنگ شرق، سبک زندگی، محرمیت، معماری

مقدمه

فرایند شکل‌گیری معماری متأثر از عواملی با سطوح متفاوت اهمیت و تأثیرگذاری است؛ بنابراین وجوه مشترک و افتراق در معماری مناطق مختلف نتیجه مواردی از اشتراك و افتراق در سنت، مذهب، فرهنگ، سبک‌زندگی و دیگر عواملی است که معماری در بستر آن رشد یافته است. از مهمترین این عوامل، عامل فرهنگی و چگونگی سبک‌زندگی است که اشکال مختلف معماری را سبب شده است. از جمله این تمایزات شکلی می‌توان به چگونگی نمود محرمیت در معماری اشاره کرد که بنابر فرهنگ و باورها، سبک‌زندگی و همچنین موقعیت اقلیمی و طبیعی به صورت گوناگون نمود یافته است. چنانچه محرمیت را توانایی شخصی و یا گروهی در کنترل تعاملات اجتماعی عنوان کنیم، اگرچه آلتمن از آن به عنوان «انتخاب» و یا شوارتز با عنوان «کناره‌گیری» یاد می‌کنند و معتقدند که مردم شبکه‌ای از مکانیسم‌های رفتاری را برای مدیریت تعاملات اجتماعی خود استفاده می‌کنند؛ اما پژوهش‌ها نشان می‌دهند که برای دستیابی به حریم خصوصی، فضاهای طراحی شده باید پاسخگو باشند. آندیا^۱ در مطالعه خود با بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران عواملی همانند طرح و ظاهر ساختمان‌ها، چیدمان و خصوصیات اتاق‌ها، مشخصات تجهیزات و مبلمان و شرایط محیطی را به عنوان عوامل فیزیکی عنوان می‌کند (Ondia, Hengrasme, 2016: 6). زایزل عوامل فیزیکی را در دو گروه موانع و میدان‌ها قرار می‌دهد. موانع عناصر فیزیکی هستند که با ایجاد سلسله‌مراتب، جداکننده حریم افراد از یکدیگر هستند و از طریق سطوح دیوارها، کف، مبلمان و ... نقش خود را ایفا

می‌کنند، میدان‌ها عناصر فیزیکی هستند که از طریق تأثیر بر ادراک انسان، زمینه تغییر فضا و ایجاد حریم را سبب می‌شوند. عواملی همانند شکل، جهت، اندازه، شرایط محیطی، روشنایی، نحوه حرکت و دسترسی در این گروه قرار می‌گیرند (ر.ک: Zeisel, 1984). بررسی منابع نشان می‌دهد که قرابت چندانی بین مفهوم محرمیت در فرهنگ غربی با مفهوم محرمیت در فرهنگ شرق وجود ندارد. در این رویکرد حوزه شرق مشتمل بر جوامعی است که الگوی فرهنگی آنها مبتنی بر الگوی دینی و سنتی با تأکید بر نگاه اسلامی است و مرزهای جغرافیایی مبنا قرار نگرفته‌اند. در این رابطه شهریور و همکاران معتقدند که شهر اسلامی با آگاهی از دستورات اسلام برگرفته از قرآن، سنت، شرایط محیطی، اجتماعی و فرهنگی است. بنابراین شرق‌شناسان شهر اسلامی را در مقایسه با شهر غربی قرار می‌دهند (شهریور و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۰). شرق الگوی شکل‌گیری محرمیت را با توجه به چگونگی تفکیک حریم شخصی و همچنین تفکیک زن و مرد، جستجو کرده است (Negoita, 2012: 18). در غرب، محرمیت بیشتر در مفهوم خلوت نمود یافته است و محرمیت آن‌چنان که در معماری شرق به آن تأکید شده است، مورد توجه قرار نگرفته است. کشور ایران علی‌رغم قرارگیری در حوزه شرق، متأثر از فرهنگ غرب نیز بوده است؛ از این‌رو بررسی جامعه ایرانی و تعاملات فردی و اجتماعی، گویای آن است که نگرش و نحوه زندگی معاصر به تبعیت از پیشینیان بر اساس مشخصه‌های فرهنگی ایرانی - اسلامی، تا حدود زیادی درون‌گرایی خود را حفظ کرده است ولی معیشت ایرانی و روش‌های جدید همزیستی و زندگی آپارتمان‌نشینی به دلیل پیروی از فرهنگ جهانی شده غرب، تغییرات عمده‌ای را در چگونگی و ابعاد شکل‌گیری حریم در

که در پژوهش حاضر مؤلفه‌های حریمیت معماری در هر دو وجه کالبدی و معنایی متأثر از آن مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. لذا پرسش اصلی تحقیق آن است که شرایط فرهنگی و شیوه زندگی متفاوت، چه تمایزی را در مؤلفه‌های حریمیت معماری سبب شده است. بررسی تفاوت دو حوزه معنایی و کالبدی را پوشش خواهد داد. بر این اساس فرضیه‌ای که پژوهشگران در پی اعتبارسنجی هستند، آن است که تغییر شرایط چه در حوزه فرهنگی و چه در شیوه زندگی، منجر به اولویت‌گزینی‌های متفاوت می‌گردد و به تبع آن اهداف و نتایج در چگونگی تحقق حریمیت معماری متفاوت است.

پیشینه پژوهش

مرادی‌نسب در مقاله خود با عنوان «تبیین جایگاه حریمیت در نسبت با قلمرو و خلوت در مسکن سنتی ایران بر پایه آموزه‌های اسلامی» معتقد است که حریمیت در حوزه مادی همسو با مفهوم قلمرو و در حوزه روانی و رفتاری همسو با مفهوم خلوت است (مرادی‌نسب، ۱۳۹۹: ۴۷). مقاله فوق با مقایسه نگاه شرق و غرب در ارتباط با حریمیت، بستر پژوهش را خانه‌های سنتی ایران قرار می‌دهد. بررسی دیگر پژوهش‌ها (ر.ک: بلالی اسکویی و همکاران، ۱۴۰۱؛ بهرامی برومند و همکاران، ۱۳۹۲؛ بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹؛ پاسبان خمیری و همکاران، ۱۳۹۶؛ پرهیزکار و دانشجو، ۱۳۹۷؛ جمشیدی نظر و همکاران، ۱۳۹۹؛ حیدری و تقی‌پور، ۱۳۹۹؛ عراقی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱؛ مومنی و ناصری، ۱۳۹۴) نیز نشان می‌دهد که حریمیت در حوزه‌های مکانی مشخص مورد بررسی قرار گرفته است؛ بنابراین اهداف بیشتر متمرکز بر شناسایی ویژگی‌های حریمیت است تا تبیین تمایزات و تفاوت‌ها. به عنوان مثال راستجو و بمانیان در مقاله خود با عنوان «گونه‌شناسی ساختار فضایی

سبک زندگی خانه امروزی سبب شده است که به تبع آن حسی دوگانه در میزان تعلق به فضا قابل مشاهده است. در این رابطه پورمحمد و همکاران در مقاله‌ای با هدف ارتقای حس تعلق با تفکیک دو بعد کالبدی و اجتماعی نتیجه می‌گیرند که خاطرات کالبدی و اجتماعی منفک از یکدیگر در جوامع مختلف قابل ارزیابی است (پورمحمد و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۱). بنابراین با رویکرد شناسایی مؤلفه‌های حریمیت معماری و وجه تمایز آن متأثر از سبک زندگی در فرهنگ شرق و غرب، پیوند دو پدیده متفاوت مطرح است. حریمیت که عمدتاً به عنوان یک مفهوم تداعی می‌شود، نگاه معنایی را می‌طلبد و معماری که مبتنی بر تجسم است، تمرکز بر کالبد دارد. از این‌رو نگاه کالبدی و نگاه معنایی به حریمیت با هدف شناخت وجوه گوناگون آن ضرورت می‌یابد.

بیان مسئله

با توجه به مقدمه فوق می‌توان نتیجه گرفت که: فضا و حریمیت به عنوان الگوهایی که متأثر از نیازها و هنجارهای اجتماعی شکل گرفته‌اند، معنایی بیشتر از ایجاد صرفاً فضایی با هدف کنترل محیط اطراف دارد. حفظ حریم خصوصی یک حق انحصاری است که به همه افراد داده شده است؛ بنابراین اگرچه ایجاد حریم بخش جدایی‌ناپذیری از ویژگی هر شخص است و نیاز به احساس خلوت برای زندگی انسانی ضروری است؛ ولی چگونگی تأثیرپذیری فضا و حریمیت از دیگر عوامل، موضوعی است که پژوهشگران متعددی به بررسی آن پرداخته‌اند (ر.ک: Rapoport, 1979, 1982, 200 & Hall, 1990 & Mahgoub, 2004). نتایج بیانگر آن است که اگرچه فضا با کمک فرم خلق می‌شود اما فضا و فرم متأثر از عوامل خارجی است. از مهمترین این عوامل، عامل فرهنگی و سبک زندگی است

خانه معاصر ایرانی با تکیه بر محرمیت و سلسله مراتب» شاخص‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی مؤثر بر ارتباطات فضایی خانه را شش عامل سلسله مراتب، تعامل با خانواده، محرمیت، امنیت، هویت و تعامل با طبیعت نام می‌برند (راستجو و بمانیان، ۱۳۹۸: ۵۲). در مقاله‌ای که با هدف مرور ادبیات تحقیق، نشریات سال‌های ۱۹۸۶ تا ۲۰۱۳ را مورد بررسی قرار می‌دهد، حفظ محرمیت خانه مسلمانان را دستورالعمل مشترک برای چگونگی مهمان‌نوازی و فروتنی در کشورهای مختلف عنوان می‌کند و تأثیر عوامل فرهنگی را از مهمترین موارد در شکل‌دهی معماری می‌داند (Othman, Aird, Buys, 2015: 15). چراکه وجوه مشترک در معماری سنتی ایران و دیگر کشورهای اسلامی نتیجه مواردی از اشتراك در سنت، مذهب، فرهنگ و دیگر عواملی است که معماری در بستر آن رشد یافته است. جامسون^۱ مقایسه‌ای را بین خانه‌های یونانی و خانه‌های مسلمانان کشورهای عربی انجام داده است و نتیجه گرفته است که خانه‌های یونان در طبقه همکف اگرچه دسترسی ویژه‌ای برای ارتباط از خارج به داخل داشته‌اند ولی آن فضا از محل اقامت بانوان تفکیک نشده است، اما در خانه‌های مسلمانان تفکیک فضاها به وضوح شکل می‌گیرد (Jameson, 2001: 96). در مقالات متعددی بر اهمیت جنسیت در تفکر سنتی شرق، اشاره شده است. نقش‌های جنسیتی زنان و مردان در جوامع اسلامی، تعیین‌کننده چگونگی ایجاد و نحوه استفاده از هنر و معماری است؛ چراکه عاملی همانند: مذهب، در کنار ثروت، سن، موقعیت اجتماعی و ... در شکل‌گیری الگوهای مشترک و پذیرش نقش‌های جنسیتی هماهنگ اهمیت دارد (Booth, Joseph, 2013). این بستر الگوی شکل‌گیری

محرمیت را با توجه به چگونگی تفکیک حریم شخصی و اجتماعی و همچنین تفکیک زن و مرد، جستجو کرده است. مطالعات صورت‌گرفته در منابعی که به بررسی و مقایسه محرمیت در فرهنگ شرق و غرب می‌پردازند، نشان می‌دهد که محرمیت در غرب، معانی و حوزه‌های دیگری همچون تنهایی و خلوت، حریم اطلاعاتی، حریم فیزیکی و دسترسی، ناشناس بودن و رازداری را از گذشته تاکنون پوشش داده است (Abu-Gazze, 1995 & AlHemaidi, 1996 & AlEnazy, 2007 & Daneshpour, Embi, Torabi, 2012 & Bahammam, 1987 & Eben Saleh, 1997). مقایسه فرهنگی گواه آن است که قرابت چندانی بین مفهوم محرمیت در فرهنگ غربی با مفهوم محرمیت در فرهنگ شرق وجود ندارد.

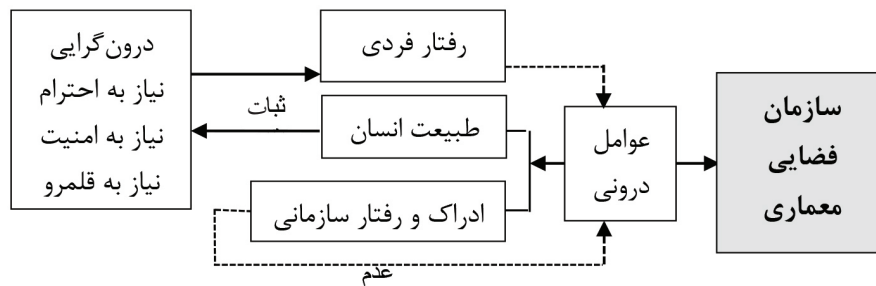
در ارتباط با شیوه‌زندگی بمانیان و زندی در کتاب «مسکن ایرانی و سبک زندگی» با بررسی موارد مختلف، از جمله: مسکن مطلوب، سبک زندگی ایرانی اسلامی، خانه و خانواده ایرانی، آیات و احادیث، مسکن سنتی و ... عوامل تأثیرگذار بر تحول مسکن و تغییر الگوی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند و به عوامل مؤثر در شکل‌گیری مسکن فردا اشاره نموده‌اند (ر.ک: بمانیان، زندی و مسلم، ۱۳۹۶). مقدسی و همکاران نیز در مقاله‌ای با هدف بررسی اندیشه‌ها و آثار محسن فروغی انقلاب مشروطه را به عنوان نقطه عطفی عنوان می‌کنند که در مواجهه با سنت‌های گذشته، سبک زندگی را دستخوش تغییرات و تحولات کرد که نتایج آن مستقیماً بر معماری ایرانی تأثیر گذاشته است (Moghaddasi, Moghaddasi, Kalantari, 2020: 29). مهدوی کنی در کتاب «دین و سبک زندگی» کوشیده است تا همزمان با بررسی نظری دین و تعالیم و معارف آن درباره سبک زندگی، نظریه‌های مختلف در باب سبک زندگی در غرب را نیز مورد

1. Jameson

که تابع موقعیت قرارگیری اثر است، اقلیم و مجموعه عواملی را شامل می‌شود که دارای شاخصه‌ها و ویژگی‌های متغیر در طول زمان هستند. از جمله می‌توان به فرهنگ، اقتصاد، تکنولوژی، روابط اجتماعی و سیاست اشاره کرد. مجموعه این عوامل را، عوامل خارجی مؤثر بر معماری می‌نامیم.

عوامل درونی

طبیعت انسان و نهادهای او و همچنین ضوابط و مقررات عملکردی حاکم بر یک سازمان اجتماعی، توأمأً مشتمل بر عناصر ثابت و متغیری است که بر سازمان فضایی معماری تأثیرگذارند و آن را می‌توان مرتبط با بیولوژی، ادراک و رفتار انسان و قوانین و مقررات درون سازمانی دانست. عناصر طبیعت بیولوژیک انسان تداوم و پایداری بیشتری نسبت به ادراک و رفتار و قوانین و مقررات دارد. از این‌رو عوامل درونی را در دو حوزه می‌توان مورد بررسی قرار داد. حوزه طبیعت بیولوژیک و حوزه ادراک و رفتار سازمانی. نمودار ۱ بیانگر این رابطه است.



نمودار ۱- جنبه‌های درونی ثابت و متغیر مؤثر بر معماری.

اجتماع و تکنولوژی است. از میان این عوامل، به دلیل قرارگیری مفهوم حریمیت در دسته مفاهیم فرهنگی می‌توان ادعا کرد که تغییرات عوامل فرهنگی تأثیر مستقیم بر سبک زندگی و حریمیت دارد. مبتنی بر دیدگاه پژوهشگران مختلف از جمله راپاپورت، فرهنگ به عنوان عامل پایداری اجتماعی،

بررسی قرار دهد (ر.ک: مهدوی کنی، ۱۳۹۳). در کتاب «مؤلفه‌ها و شاخص‌های سبک زندگی اسلامی» مبانی سبک زندگی اسلامی و غربی گفته شده است و اصول سبک زندگی اسلامی مطرح شده است و در انتها به شاخص‌های سبک زندگی اسلامی در ارتباط با خود و دیگران اشاره شده است (ر.ک: نصرالله پورعلمداری و همکاران، ۱۳۹۴).

مبانی نظری تحقیق عوامل مؤثر بر معماری

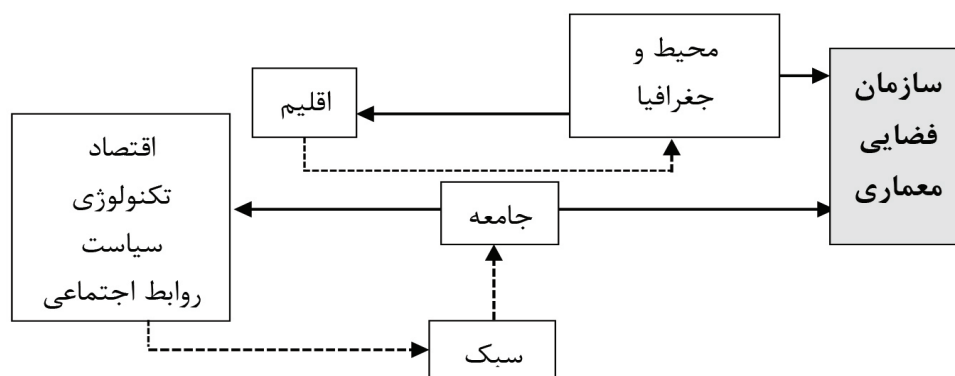
عوامل گوناگون در شکل‌گیری الگوی معماری تأثیرگذار است. این عوامل را می‌توان در دو حوزه تقسیم‌بندی نمود. یک حوزه متمرکز بر افراد و ضوابط و مقرراتی است که در فضای معماری به عنوان یک نیاز عملکردی و سازمانی حضور دارند، در پژوهش حاضر این افراد می‌تواند افراد خانواده در یک خانه و یا کارکنان یک اداره و ... باشد. این عوامل را عوامل درونی مؤثر بر معماری می‌نامیم. حوزه دیگر

عوامل خارجی

عوامل خارجی مؤثر بر معماری نیز در دو دسته قرار می‌گیرند. یک دسته محیط و شرایط جغرافیایی است که از ثبات نسبی برخوردار است، همانند اقلیم و عوارض طبیعی، دسته دیگر، جامعه است که متأثر از عواملی همانند فرهنگ، اقتصاد، سیاست،

نقش مؤثری در فرایند شکل‌گیری مسکن دارد. تغییرات الگوهای فرهنگی سبب تغییر در سبک زندگی و فرهنگ سکونت و در نتیجه تغییر در الگوی خانه می‌گردد. در این میان در ارتباط با نقش مذهب به عنوان یکی از انتخاب‌های فرهنگی باید عنوان کرد که در دیدگاه دینی، جهان‌بینی را عامل ارزش‌ها و باورها در جامعه می‌دانند (ر.ک: ابوالقاسمی، ۱۳۸۴). از مهمترین مباحث در موضوع ارزش‌ها مطابق با فرهنگ دینی، حریمیت

است. بر این اساس باورها و ارزش‌های برخاسته از نوع جهان‌بینی مردم در مظاهر فرهنگ نمود می‌یابد. اهمیت جنسیت در تفکر سنتی شرق، تا آنجا است که نقش‌های جنسیتی زنان و مردان در جوامع اسلامی، تعیین‌کننده چگونگی ایجاد و نحوه استفاده از هنر و معماری است (ر.ک: بوث و جوزف، ۲۰۱۳). نمودار ۲ بیانگر چگونگی تأثیر عوامل خارجی است.



نمودار ۲- عوامل خارجی مؤثر بر معماری

مؤلفه‌های حریمیت در معماری

سیفیان و محمودی اصول مورد استفاده در حل مسئله حریمیت در معماری را سه اصل سلسله‌مراتب، درون‌گرایی و پیوند معماری با طبیعت عنوان کرده‌اند (سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶: ۸). مؤمنی و ناصری مؤلفه‌های حریمیت‌ساز به صورت دیداری و شنیداری را چهار مؤلفه مکان‌یابی، تناسبات، درون‌گرایی و سلسله‌مراتب معرفی می‌کنند که هر کدام با کمک روش‌ها و عناصر مختلفی زمینه‌ساز ایجاد حریمیت هستند (مؤمنی و ناصری، ۱۳۹۴: ۲۱). امینی و نوروزیان‌پور درون‌گرایی و سلسله‌مراتب را از ابزارهای شکل‌گیری حریمیت در معماری و شهرسازی می‌دانند (امینی و نوروزیان‌پور، ۱۳۹۳: ۱۰۲). حیدری و تقی‌پور حریمیت را در قالب سه مفهوم درون‌گرایی، سلسله‌مراتب دسترسی

و عرصه‌بندی فضایی تعریف می‌کنند (حیدری و تقی‌پور، ۱۳۹۷: ۷۷). غفوریان و همکاران ویژگی‌ها و اصول کالبدی معماری سنتی را در تحقق حریمیت معماری، سه عامل سلسله‌مراتب، درون‌گرایی و نفوذپذیری بصری عنوان می‌کنند (غفوریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۲). بررسی منابع مختلف بیانگر آن است که علی‌رغم تفاوت در نوع نگاه به موضوع حریمیت (نگاه ابزاری و یا ارزشی)، تمامی آنها حریمیت را ضرورت جامعه انسانی می‌دانند؛ اما تحقق این نیاز جامعه مدنی و انسانی در معماری علاوه بر نمود کالبدی باید بتواند در راستای جوابگویی به نیاز احساسی داشتن حریم نیز عمل نماید؛ از این‌رو دو مؤلفه کالبدی و ادراکی توأماً در شکل‌گیری حریمیت نقش دارند. در همین ارتباط بمانیان و راستجو در مقاله خود دو

انواع حریم

حریم‌ها از يك سو وابسته به عقاید، باورها و عرف تعیین می‌گردد و مقداری معین دارد و از سوی دیگر در ارتباط با اشخاص می‌تواند نسبی و متغیر باشد و بر اساس شرایط فرد، کم و یا زیاد گردد. همچنین حریم چنانچه مفهومی فیزیکی قلمداد گردد با امنیت فیزیکی، شنوایی و بصری تأمین می‌شود و چنانچه همسوبا امنیت روانی تعریف گردد، وابسته به افرادی است که ارتباط خاصی بین آنها برقرار است (امینی و نوروزیان‌پور، ۱۳۹۳: ۱۰۶). موارد فوق و همچنین انواع حریم که به برخی از آنها در جدول ۱ اشاره شده است، بیانگر آن است که حریم از دوزاویه قابل بررسی است: حریم شخصی و حریم اجتماعی. حریم اجتماعی با هدف حفظ روابط انسانی، نگاهی ابزاری را به لزوم شکل‌گیری حریم هدف قرار داده است؛ اما حریم شخصی در پی ایجاد حرمت و ارزش مبتنی بر رابطه مجموعه‌ای از افراد که دارای ارتباطی خاص هستند نگاهی ارزشی را به موضوع حریم سبب شده است.

مؤلفه را برای حریمیت به عنوان يك مفهوم فرهنگی مطرح می‌کنند که عبارتند از: مؤلفه ادراکی و مؤلفه کالبدی (بمانیان و راستجو، ۱۳۹۶: ۱). بمانیان و راستجو معتقدند که حریم داشتن در حوزه کالبدی با هدف شکل‌دهی به امنیت فضایی، تأکید بر نظم سلسله‌مراتبی دارد و در حوزه معنایی مبتنی بر شکل‌گیری انواع حریم، ویژگی‌هایی است که حرمت و ارزش را در فضای معماری سبب شود به گونه‌ای که فرد به آرامش برسد (بمانیان و راستجو، ۱۳۹۶: ۲).

از نتایج مطالعات اینگونه استنباط می‌گردد که نظم سلسله‌مراتبی با توجه به اشتراك آن در نظر تمامی پژوهشگران، شکل‌گیری حریمیت در حوزه کالبدی را راهبری می‌کند و در حوزه ادراکی با هدف ایجاد آرامش، تأکید بر شکل‌گیری انواع حریم مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین حریمیت در حوزه کالبدی به سلسله‌مراتب و در حوزه معنایی به انواع حریم اشاره دارد.

جدول ۱: انواع حریم مبتنی بر نظر پژوهشگران

| پژوهشگران | انواع حریم |
|---------------------------------|--|
| Alkhatib, 2015 | دیداری؛ شنیداری؛ حرکتی؛ روانی؛ بویایی |
| Schuster, 1976 | حریم خصوصی از جهت: سبک زندگی، رویداد، هویت |
| Burgoon, 1982 | فیزیکی؛ روانشناختی؛ اجتماعی؛ اطلاعاتی |
| نقی‌زاده، ۱۳۸۵ | شنوایی؛ بویایی؛ بساوایی؛ چشایی |
| سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶ | کالبدی؛ معنایی |
| Pease, 1993 | صمیمی؛ شخصی؛ اجتماعی؛ عمومی |
| بابازاده اسکونی و همکاران، ۱۳۹۸ | بصری؛ روانی؛ محیطی؛ اقلیمی؛ دسترسی؛ صوتی؛ بویایی |
| مؤمنی و ناصری | دیداری؛ شنیداری |
| پورحیدر و پوراشمنان، ۱۳۹۹ | کالبدی؛ عملکردی؛ معنایی؛ فرهنگی؛ اجتماعی |

رابطه محرمیت و فرهنگ

حفظ حریم و محرمیت موضوعی است که در فرهنگ‌ها و زمان‌های مختلف، به صور گوناگون مطرح شده است. این موضوع آن قدر اهمیت می‌یابد که بررسی معماری خانه و مسکن در فرهنگ‌های مختلف نشان از به‌کارگیری راهکارهایی در جهت تحقق آن دارد. از این‌رو بررسی فرهنگ به عنوان بستر شکل‌گیری محرمیت ضرورت می‌یابد. هنجارها و آداب و رسوم فرهنگ‌های گوناگون و نمود آن در نحوه سازماندهی و چیدمان فضایی و همچنین نحوه و میزان ارتباطات مردم با یکدیگر، در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است. به عنوان مثال در اندونزی نحوه مواجهه جامعه بالی^۱ با محرمیت کالبدی (حجاب دیداری) تمایل به درونگرایی محصور را نشان می‌دهد ولی در جامعه جاوایی اندونزی، خانه‌های مردم نسبت به عرصه عمومی باز است. این خانه‌ها کوچک و تک‌خانواری و منفصل هستند که دیوار و یا حصاری را در اطراف ندارند. دیوار اتاق‌ها نیز نازک و از نی ساخته شده‌اند و بدون درب در بخش ورودی هستند. رویه فوق به معنای عدم ارزش‌گذاری برای محرمیت نیست؛ چراکه جاوایی‌ها محرمیت را مبتنی بر حائل نزاکت، خلوص در صحبت و رفتار و خودداری احساسی حفظ می‌کنند (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۰). جامعه مالایی در اندونزی بیشتر تأکید بر صمیمیت اجتماعی دارند تا محرمیت خانوادگی و شخصی. از این‌رو خانه سنتی مالایی با طراحی باز و قابل انعطاف، توجه چندانی به محرمیت نداشته است (Hashim, Rahim, 2006: 305)

در نقطه مقابل در برخی فرهنگ‌ها گرایش به محرمیت، به صورت جدایی قلمروها خود را نشان داده است. از جمله در ایران،

هند و آمریکای لاتین. قرارگیری حول فضای داخلی از شیوه‌های سنتی شکل‌گرفته در این مناطق است.

در هندوستان محصور شدن هر خانه با دیوارهای کوتاه و قرارگیری فضاها پیرامون حیاط مرکزی به گونه‌ای که ارتباط خود را با خیابان قطع کند، شیوه‌ای مرسوم بوده است. اما در بخش‌هایی که اسلام نفوذ کمتری داشته است؛ از جمله بخش جنوبی هند، پرده و حجاب مطرح نبوده و در نتیجه نقش حیاط کم‌رنگ و خانه‌ها برون‌گرا هستند.

بررسی معماری خانه‌های سنتی در منطقه خاورمیانه و حوزه خلیج فارس نشان می‌دهد که خانه‌های سنتی در درجه اول بر اساس فرهنگ و اعتقاد سازماندهی می‌شوند و الگوهای همانند حریم خصوصی، تفکیک جنسیتی و مهمان‌نوازی به عنوان عوامل تعیین‌کننده در تعامل انسان با محیط مطرح هستند (Mahad Musa, Ravi Abdullah, Usman, 2021: 264). از این‌رو در ایران نیز تمرکز بر نقش حیاط و ایجاد درون‌گرایی، تفکیک قلمروها و مستقل شدن زندگی خصوصی داخل خانه از فضای خارجی و همسایگان مبتنی بر الگوی فوق است. به عبارت دیگر تفکیک حوزه خصوصی و آرام از فضای عمومی و شلوغ، تجمل فضای داخلی و بی‌پیرایگی و سادگی فضای خارجی، نمود بارز رابطه خانه ایرانی و فرهنگ است.

نهایتاً مطالعات میدانی کشورهای مختلف نشان می‌دهد که در همه فرهنگ‌ها، حریم خصوصی به عنوان یک علاقه ریشه‌دار وجود دارد که دارای حدود است و مورد تعرض نباید قرار گیرد (ر.ک: هاشمی طغرالجردی، ۱۳۹۰).

محرمیت در فرهنگ شرق و غرب

در تعریف محرمیت در فرهنگ غرب، چهار نگاه و یا اصطلاح را می‌توان مشاهده نمود که عبارتند از: واژه «Alone and Free» که

را موجب شده است. با این تفاوت که حریمیت در حوزه معنایی شرق با کمک نظام سلسله مراتبی ورود، درون‌گرایی را به وجود می‌آورد و با عرصه‌بندی فضایی، حضور و آرامش قلب را موجب می‌شود تا تعالی معنوی میسر گردد (مرادی‌نسب، ۱۳۹۹: ۴۷).

مقایسه دیدگاه‌ها در فرهنگ شرق و غرب بیانگر آن است که خلوت خصوصیتی فضایی است که به تنهایی منجر می‌شود، اما حریمیت خصوصیتی انسانی دارد که سبب خویشی و نزدیکی است. بنابراین حریمیت در معماری و شهرسازی غرب از زاویه "Privacy" و "Security" بیشتر در قالب امنیت و حقوق خصوصی افراد معنی می‌یابد و در بناهای قبل از مدرنیسم و حتی تعدادی از بناهای دوره مدرن نمود می‌یابد. غفوریان و همکاران به نقل از بل ۱ مفهوم حریمیت را به طور ضمنی با دو مفهوم قلمروپایی و فضای شخصی که در آن افراد، انواع مختلفی از آستانه‌ها و محدوده‌ها را در محیط با هدف تنظیم تعامل خود با دیگران شکل می‌دهند، تعریف می‌کنند (غفوریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۲). در این رابطه ناری قمی کاهش اعتماد و احساس امنیت میان شهروندان را عامل گرایش به قلمروپایی که ضرورت اعلام حضور و اطلاع از بیرون را سبب می‌شود، می‌داند و افزایش موارد فوق حریمیت را سبب می‌شود که ضرورت اختفاء حضور و عدم اطلاع از درون را شکل می‌دهد (ناری قمی، ۱۳۸۹: ۷۶).

بنابراین قلمروپایی را می‌توان سبب بازشدن حریم فیزیکی، صوتی، بصری و روانی به سمت فضای شهر دانست و حریمیت را سبب بسته شدن مفاهیم فوق به سمت فضای شهر در نظر گرفت (همان).

بنابراین مبتنی بر مبانی نظری تحقیق و در راستای تبیین چهارچوب نظری پژوهش،

مفهوم تنهایی و یا خلوت را به دنبال دارد، واژه «Private Information» که حریم اطلاعاتی را پوشش می‌دهد، واژه «Control» که ناظر بر دسترسی فیزیکی و قلمرو است و نهایتاً نگاهی ترکیبی که رازداری، تنهایی و ناشناس بودن را هدف قرار می‌دهد (Shahriari, 2020: 104). در این نگاه مراد از حریم در معماری بیشتر متمرکز بر مفهوم خلوت است. خلوت مفاهیمی همچون تنهایی گزیدن، تنها نشستن، تنهایی و انزوا را در ذهن متبادر می‌کند و مجموعه‌ای از مخالفت با نفس و ریاضت‌ها و... است. اما در فرهنگ شرقی به دلیل نهادینه شدن ماهیت زندگی در راستای فرهنگ و شرع اسلامی، حریمیت اهمیت می‌یابد (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱).

در اسلام حریمیت در ارتباط با حفظ حریم خانواده به عنوان «اساس ساختار اجتماعی - فرهنگی جامعه» تعریف شده است. مطابق این دیدگاه رعایت حریمیت سکونتگاه‌ها، به عنوان ضرورتی برای حفظ پاکی و منزهی فضای زندگی است. بررسی مفاهیم حریمیت در فرهنگ شرق نشان می‌دهد که وجه مشترک اکثر نظریات، نگاه به حریمیت بر مبنای حریم کالبدی و معنایی است. در این رویکرد حریم کالبدی بیشتر متمرکز بر اصولی است که امنیت فضا را شکل می‌دهد و مراد از حریم معنایی، ویژگی‌هایی است که حرمت و ارزش را برای فضا به وجود می‌آورد. از این رو حریمیت در معماری جهت پاسخگویی به حوزه مادی همسو با مفهوم قلمرو در فرهنگ غرب مؤلفه‌های امنیت، مالکیت، مرز آشکار و محصوریت را سبب شده است؛ اگرچه قلمروپایی منجر به بازشدن به فضای شهری می‌شود در حالی که حریمیت به بسته شدن به سمت فضای شهری متمایل است (ناری قمی، ۱۳۸۹: ۷۶). در حوزه روانی و رفتاری نیز همسو با مفهوم خلوت، با بهره‌گیری از فضاهایی همانند حیاط، تالارها، ایوان‌ها، سه‌دری و پنج‌دری، فضای صمیمی با دیگران

عوامل مؤثر بر معماری در دو دسته عوامل داخلی و خارجی قرار می‌گیرند که محرمیت به عنوان یک مفهوم فرهنگی به شدت متأثر از سبک زندگی است که در جامعه تحت شرایط اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... شکل می‌گیرد؛ اگرچه ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری افراد نیز در میزان تأثیرگذاری عوامل اجتماعی و تعریف محرمیت اهمیت دارد. مجموعه این عوامل تعیین‌کننده دو نوع نگاه به محرمیت است: نگاه ارزشی و نگاه ابزاری. نگاه ارزشی تأکید بر حوزه ادراکی و معنایی محرمیت دارد و نگاه ابزاری در حوزه کالبدی راهکارهای خود را می‌جوید. بر این اساس پژوهش حاضر متمرکز بر شناسایی تمایزات دو حوزه ادراکی و کالبدی است که نمایان‌کننده مرز بین شرق و غرب است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد تحلیل محتوا، از استدلال منطقی در جهت دستیابی به نتیجه، بهره گرفته است. جمع‌آوری داده‌ها مطابق با مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای است که به توصیف یک پدیده موجود در دو بستر فرهنگی متفاوت می‌پردازد تا بتوان تمایزات موجود را استخراج کرد. روش پژوهش توصیفی تحلیلی خواهد بود. بر این اساس در پژوهش حاضر فرهنگ و سبک زندگی در غرب و شرق، متغیر مستقل تحقیق است و متغیر وابسته تحقیق در راستای هدف، مؤلفه‌های ادراکی و کالبدی محرمیت می‌باشند.

یافته‌های تحقیق جایگاه محرمیت

با توجه به جایگاه محرمیت در بین فرهنگ‌های مختلف و نقش معماری در تحقق آن، دو جایگاه را در معماری برای آن می‌توان متصور بود. جایگاه اول، محرمیت به عنوان ارزش اخلاقی در معماری نمود می‌یابد و معماری و فنون آن ابزاری است در

خدمت خلق ارزش‌های محرمیت و جایگاه دوم، محرمیت خود ابزاری است برای حفظ روابط انسانی. در این رویکرد معماری و عناصر آن همسو با محرمیت در جهت شکل‌گیری و حفظ ضوابط متناسب با روابط انسانی معنا می‌یابند. بنابراین محرمیت از دو جنبه قابل بررسی است؛ نگاه ارزشی و نگاه ابزاری.

نگاه ارزشی

در مقاله پوراشمنان و پورحیدر به ارزش‌ها و اهداف حاصل‌شده از شکل‌گیری عوامل محرمیت اشاره شده است. از جمله این موارد می‌توان به ارتباط و تمایز، جلوگیری از مزاحمت و سروصدای ناهنجار، جلوگیری از آشفتگی و درهمی در درون عرصه‌ها، جلوگیری از ورود یکباره به فضا، دستیابی به آمادگی روانی و فیزیکی مطلوب، ایجاد فضای شخصی، دستیابی به عزت نفس، تأمین نیازهای روانی، امنیت، آرامش، سلسله مراتب اجتماعی اشاره کرد (پورحیدر و پوراشمنان طالمی، ۱۳۹۹: ۵). بابازاده اسکویی و همکاران نیز در مقاله خود شکل‌گیری عوامل محرمیت را در معماری در پاسخ به نیازهای انسانی، شامل ایمنی، احترام، درون‌گرایی و قلمروپایی عنوان می‌کنند (بابازاده اسکویی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۰). ولی‌زاده اوغانی محرمیت معماری را به عنوان یکی از نمودهای اخلاق، دربرگیرنده حق همسایه و حقوق دیگران، حریم خصوصی و درون‌گرایی می‌داند که آرامش خاطر ساکنان را تأمین می‌کند (ولی‌زاده اوغانی، ۱۳۹۳: ۴۹). می‌توان نتیجه گرفت که در شکل‌گیری خانه‌های درون‌گرا، ارزش‌هایی همانند: احترام به زندگی خصوصی، عزت نفس و برآورده شدن نیازهای روانی تأثیرگذار بوده است. وجه مشترک موارد فوق و پژوهش‌های دیگری که به موضوع محرمیت و آثار آن پرداخته‌اند، آن است که محصول

نهایی محرمیت، آرامش است که به وسیله عوامل مختلف که به عنوان عوامل محرمیت نام می‌بریم، شکل گرفته است.

نگاه ابزاری

کاظم‌زاده رائف و میردریگوندی در مقاله خود با تأکید بر نیاز به وجود حریم در میان انسانها با فرهنگ‌های مختلف، دلایل وجود حریم را به سه دسته دلایل فرهنگی، اجتماعی و اقلیمی تقسیم‌بندی کرده‌اند و از میان این عوامل، عامل فرهنگی را مهمترین عامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری محرمیت عنوان می‌کنند (کاظم‌زاده رائف و میردریگوندی، ۱۳۹۹: ۳). ضرغامی و همکاران نیز معتقدند که اهمیت هر یک از موارد وابسته به فرهنگ‌ها و شرایط حاکم بر جامعه متفاوت می‌باشد (ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴). هر یک از دلایل فوق، حوزه‌هایی را پوشش می‌دهند که عبارتند از:

- دلایل فرهنگی: حریم و اسلام، حریم و درون‌گرایی، حریم و احترام. بسیاری از پژوهش‌های حوزه رفتار اجتماعی، محرمیت را در کنار فرهنگ و دین از عوامل مؤثر در فرآیند شکل‌گیری مسکن می‌دانند. فرهنگ به صورت کلی، شیوه زندگی کردن و اندیشیدن است (آسیایی، ۱۳۸۸: ۶۲). بنیان همه فرهنگ‌ها تصورات انتزاعی از مسائل ارزشمند و مطلوب یک ملت است که به نام ارزش‌ها شناسایی می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۵). محرمیت در فرهنگ ایرانی و معماری از جمله ابزارهای به‌وجود آورنده این ارزش‌ها است.

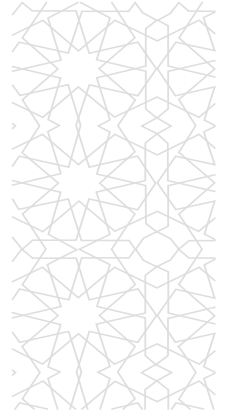
- دلایل اجتماعی: حریم و امنیت، حریم و مالکیت، حریم و قلمرو، حریم و نظارت بر اعمال اجتماعی، حریم و قوانین. ارتباط فضایی بین افراد سیستمی است پیچیده که مواردی همچون تمایل به نزدیکی، فرار، نادیده گرفتن و توجه نکردن و ... را دربر می‌گیرد؛ بنابراین طرح فضا باید به گونه‌ای باشد که تقویت‌کننده ارتباطات اجتماعی -

روانی باشد (گروتر، ۱۳۹۳: ۱۷۹). دفاع، از مهمترین مسائل در ایجاد حریم توسط انسان است؛ چراکه احساس امنیت دومین نیاز انسان در سلسله مراتب نیازهای مازلو است و رابطه‌ای مستقیم با احساس آرامش دارد. آلتمن محرمیت را انتخابی می‌داند که یک فرد نسبت به دسترسی دیگران به خود‌گزینش می‌کند؛ بنابراین حریم در نوع رفتارها و کنش‌های انسان نسبت به محیط پیرامونش مؤثر است. در این رویکرد دوری به مفهوم ایجاد فاصله و کاهش تعامل با سایر انسانها و نزدیکی به معنای تعامل بیشتر و کنش با سایرین است. بنابراین رفتار و حریم خصوصی، ارتباطی دو طرفه است (نیری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۴۱).

- دلایل اقلیمی: حریم و اقلیم. در فضاهای بسته همانند خانه، امکان تنظیم شرایط آسایش محیطی با ایجاد حدفاصل و حریم بین داخل و خارج وجود دارد.

بحث

حفظ حریم خصوصی یک حق انحصاری است که به همه افراد داده شده است. ایجاد حریم بخش جدایی‌ناپذیری از ویژگی هر شخص است و نیاز به احساس خلوت برای زندگی انسانی ضروری است. در این زمینه خانه مسکونی فضایی ایده‌آل برای انجام فعالیت‌های شخصی افراد است و مظهر حق آزادی زندگی فرد است. اما حد و حدود این روابط و تعاملات و همچنین ابزارها و عناصر ایجاد کننده آن، نظامی را شکل می‌دهد که متأثر از ویژگی‌های فرد، اجتماع و ویژگی‌های محیطی - جغرافیایی، در جامعه هدف است. با این مقدمه بر اساس یافته‌های تحقیق به مقایسه مفهوم محرمیت در فرهنگ شرق و غرب مطابق با جدول ۲ پرداخته می‌شود و سپس تمایز و وجوه ادراکی و کالبدی محرمیت در دو فرهنگ مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.



جدول ۲: جدول مقایسه مفهوم محرمیت در فرهنگ شرق و غرب مبتنی بر نظر پژوهشگران

| ویژگی های مفهوم محرمیت در شرق | ویژگی های مفهوم محرمیت در غرب | پژوهشگر |
|-------------------------------|--|---|
| تفکیک زن و مرد | رازداری- حریم اطلاعاتی- ناشناس بودن | بوث و جوزف ۲۰۱۳- دانشپور ۲۰۱۲- نگویتا ۲۰۱۲ |
| تفکیک حریم شخصی | عدم تاکید بر تفکیک فضایی | جیمسون ۲۰۰۱ |
| محرمیت | خلوت | نقره‌کار و همکاران ۱۳۹۳ |
| محرمیت | قلمروپایی | ناری قمی ۱۳۸۹ |
| خویشی و نزدیکی | تنهایی | بل ۲۰۰۰ |
| سلسله مراتب حقیقی | سلسله مراتب حقوقی | نقی‌زاده ۱۹۹۷ |
| مبتنی بر عقاید، باور و عرف | مبتنی بر قوانین اجتماعی | نگارنده |
| ایجاد حرمت و ارزش | حفظ روابط انسانی | بمانیان و راستجو ۱۳۹۶ |
| تمایل به درون‌گرایی | تمایل به برون‌گرایی | ناری قمی ۱۳۸۹ |
| بسته شدن به سمت فضای شهر | بازشدن به سمت فضای شهر | ناری قمی ۱۳۸۹ |

تمایز وجوه ادراکی محرمیت در فرهنگ شرق با خلوت و قلمرو در فرهنگ غرب

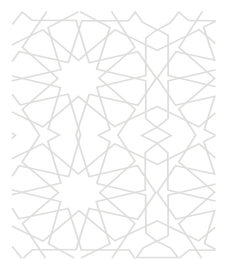
در علم روان‌شناسی محیط، خلوت فرایندی است که مرز میان افراد و چگونگی تعامل آنها را با یکدیگر تعیین می‌کند. هنگامی که چرمایف^۱ و الکساندر^۲ از ورود تلویزیون به خانه به عنوان عامل برهم زننده خلوت ساکنان نام می‌برند، منظورشان به هم‌خوردن خلوت و حریم‌ها در فضای خانه است (امینی و نوروزیان‌پور، ۱۳۹۳: ۱۰۳). آلمن قلمروپایی را سازوکاری با هدف قانونمند کردن حریم بین افراد معرفی می‌کند که به‌واسطه خصوصی‌سازی یا علامت‌گذاری مکان و یا جسم حاصل می‌شود و نشان از مالکیت مکان و یا شیء دارد. رفتار فوق شباهت زیادی به رفتار انسان‌ها در فرهنگ شرق در حفظ حریم و ایجاد محرمیت دارد. راپاپورت از خلوت به

حق انتخاب و امکان تعامل اجتماعی دلخواه تعبیر می‌کند و وستین خلوت را در چهار قالب قرابت و نزدیکی، گمنامی، تنهایی، خودداری و یا توداری تعریف می‌کند (امینی و نوروزیان‌پور، ۱۳۹۳: ۱۰۰). در کتاب محیط و رفتار اجتماعی، آلمن بیان می‌کند که خلوت هم با محدودیت تعامل سروکار دارد و هم در جستجوی تعامل است؛ بنابراین خلوت فرایندی پویا و حائز نیروهایی است که فرد را به سوی میزان مشخصی از پذیرا شدن دیگران و یا قطع رابطه با آنها هدایت می‌کند که مبتنی بر زمان و موقعیت فرد شدت و ضعف می‌یابد (ر.ک: آلمن، ۱۳۹۵).

محرمیت معمولاً توسط عقاید، باورها و عرف تعیین می‌شود و مقداری معین دارد، اما خلوت نسبی و متغیر است و بر اساس شرایط فرد، نیاز به خلوت می‌تواند کم و یا زیاد باشد. خلوت مفهومی فیزیکی دارد که با امنیت فیزیکی، شنوایی و بصری تأمین می‌شود، اما محرمیت، مرتبط با امنیت روانی است و در ارتباط با افرادی تعریف

1. Chermayeff, Serge

2. Christopher, Alexander



است. مطابق با این بینش، هر منزل و هر فضا و هر حریمی با ویژگی‌های خاص خود به عده‌ای خاص تعلق دارد که در صورت تحصیل شایستگی‌ها و بایستگی‌ها امکان حصول به آن و طی مدارج بالاتر میسر است (غفوریان، ۱۳۹۶: ۱۳۳). لذا محیط مصنوع نیز به تبعیت از این قانون مبتنی بر ارزش و مقام فعالیت‌هایی که در آن انجام می‌شود و کسانی که با آن مرتبط هستند و ارتباط آنها با سایر اجزاء همجوار، مقام و موقعیت خاص می‌یابد که این ویژگی وابسته به خصوصیات کالبدی و نمادین فضاها می‌توالی و مجاور است.

با توجه به تفاوت دیدگاه‌های فوق که سلسله‌مراتب را به عنوان عامل شکل‌گیری قلمروهای فضایی می‌داند و یا لازمه دسترسی به مراتب دیگر، سلسله‌مراتب در دو دسته سلسله‌مراتب حقوقی و سلسله‌مراتب حقیقی قابل بررسی است.

سلسله‌مراتب حقوقی: سلسله‌مراتب حقوقی، مراتب مبتنی بر قوانین و یا عرف تعیین می‌شوند. در این حالت عوامل گوناگونی همانند دیوار، نرده، در و حتی یک خط، حدود فضا و قلمروها را مشخص می‌کند. این عناصر اگرچه موانعی حقوقی و یا عرفی برای جسم انسان هستند اما مانعی برای نفوذ سایر حواس انسان مانند شنوایی و بینایی نیستند. به همین دلیل این نوع سلسله‌مراتب گرایش به برون‌گرایی دارد. این نوع از سلسله‌مراتب در راستای قلمروپایی مطابق با مفهوم غربی است.

سلسله‌مراتب حقیقی: در این گونه، سطوح و احجام فضایی با هویت ویژه خویش از سایر قلمروها جدا می‌شوند. در این حالت امکان ارتباط یکباره قلمروهای متفاوت از بین می‌رود. این گونه سلسله‌مراتب در تجلی کالبد بخشیدن به ایده درون‌گرایی نقش اساسی دارد. این نوع از سلسله‌مراتب گرایش به محرمیت مطابق با مفهوم شرقی است.

می‌شود که ارتباط خاصی بین آنها برقرار است (امینی و نوروزیان‌پور، ۱۳۹۳: ۱۰۶). موارد فوق بیانگر آن است که خلوت بر ابعاد خصوصی زندگی فرد تأکید دارد و محرمیت بر رابطه مجموعه‌ای از افراد که دارای ارتباطی خاص هستند دلالت دارد. بر اساس تعاریف فوق، حرمت و ارزشی که در محرمیت وجود دارد و فرد را ترغیب به دفاع از آن در مقابل بیگانگان می‌کند، واژه محرمیت را از خلوت متمایز می‌سازد.

تمایز وجه کالبدی محرمیت در فرهنگ شرق با خلوت و قلمرو در فرهنگ غرب

در کالبد معماری لازمه شکل‌گیری ارتباطی سیستماتیک بین اجزاء نظام‌یافته که خود یک کل را به وجود می‌آورد، نظم سلسله‌مراتبی است. نظم سلسله‌مراتبی تعیین‌کننده موقعیت و ارزش هر جزء و همچنین ارزش یک کل نسبت به سایر مجموعه‌ها است. در معماری، سلسله‌مراتب بر ساماندهی و ترکیب فضاها و عناصر بر اساس برخی از خصوصیات کالبدی یا کارکردی آنها که اولویت‌بندی در نحوه قرارگیری، استفاده و یا مشاهده عناصر را سبب می‌شود، نظر دارد. به همین دلیل سلسله‌مراتب عامل شکل‌گیری قلمروهای فضایی با کارکردهای متفاوت است و حریم‌بندی‌های فضایی را سبب می‌شود؛ از این‌رو سلسله‌مراتب بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری محرمیت در کالبد معماری و شهرسازی دارد. در این صورت گذر از قلمروی به قلمرو دیگر بدون ایجاد شرایط روانی و فیزیکی لازم نامطلوب است و لزوم توجه به نقش سلسله‌مراتب در حریم‌بندی و ایجاد فضای رابط بین قلمروهای مختلف خودنمایی می‌کند (سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶: ۸).

در بینش مرتبط با فرهنگ اسلامی، اصل سلسله‌مراتب از اهمیت خاصی برخوردار

مبتنی بر موارد فوق سلسله مراتب دسترسی در معماری خانه‌ها در فرهنگ شرق و غرب در سه حوزه خصوصیات فضا، تعامل با محیط خارجی و رویارویی با طبیعت قابل بررسی هستند.

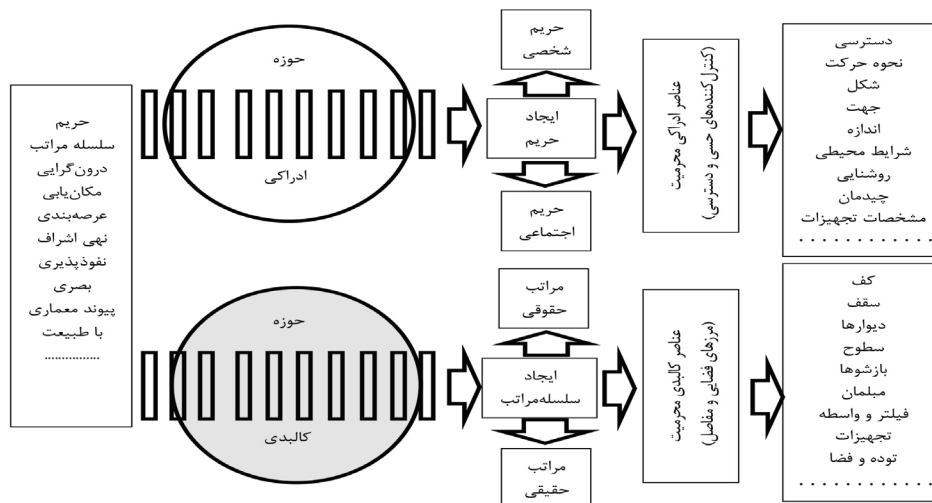
- خصوصیات فضا: در فرهنگ شرق، فضاها اغلب بر اساس ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی طراحی می‌شوند و اهمیت زیادی بر دسترسی به فضاهای خصوصی و عمومی داده می‌شود. در حالی که در فرهنگ غرب، اغلب توجه بیشتری به تفکیک فضاها و ایجاد حفاظت از خصوصیت فضاها داده می‌شود.

- تعامل با محیط خارجی: در خانه شرقی، تعامل با فضای خارجی به عنوان یک بخش مهم از زندگی خانوادگی مطرح است و فضاهای مشترک برای سرگرمی و تفریح خانواده طراحی می‌شوند. در حالی که در خانه‌های غربی، تمرکز بیشتر بر حفظ زیربنای خصوصی خانه است.

- رویارویی با طبیعت: در فرهنگ شرق، طبیعت به عنوان یک جزء اساسی از زندگی محسوب می‌شود و از آن برای ایجاد زیبایی و احساس آرامش و سکونت استفاده می‌شود. در حالی که در فرهنگ غرب، غالباً تلاش برای ایجاد حس دسترسی به تکنولوژی و امکانات مدرن‌تر دیده می‌شود.

در هر سه حوزه عنوان‌شده، در فرهنگ شرق احترام به سلسله مراتب و اهمیت دادن به موقعیت اجتماعی و سنی افراد در تعاملات اجتماعی بسیار مهم است. این احترام به سلسله مراتب می‌تواند تأثیر زیادی بر دسترسی به خانه و نحوه رفتار با ساکنان محل مقدس و محافظت شده از خانواده و ارزش‌های فرهنگی محسوب می‌شود، دسترسی به خانه و ورود به آن باید با مراعات احترام به خصوصیات فرهنگی و اجتماعی مربوط به آن همراه باشد؛ اما در فرهنگ غربی با تأکید بر حقوق فردی و احترام به حریم خصوصی افراد، دسترسی به خانه و ورود به آن بیشتر بر اساس قوانین و حقوق فردی تعیین می‌شود. در این دیدگاه خانه به عنوان فضای شخصی تلقی می‌شود که باید با توجه به حفظ حقوق مالکیت و حریم خصوصی مورد احترام قرار گیرد.

مجموعه عوامل مبین آن است که مؤلفه‌های محرمیت، پس از ورود به حوزه ادراکی و کالبدی، تعریف‌کننده عناصر ادراکی و کالبدی در حوزه معماری هستند که عناصر کالبدی تعریف‌کننده مرزهای فضایی هستند و عناصر ادراکی تأکید بر کنترل‌کننده‌های حسی و دسترسی به فضای معماری را دارند (نمودار ۳).

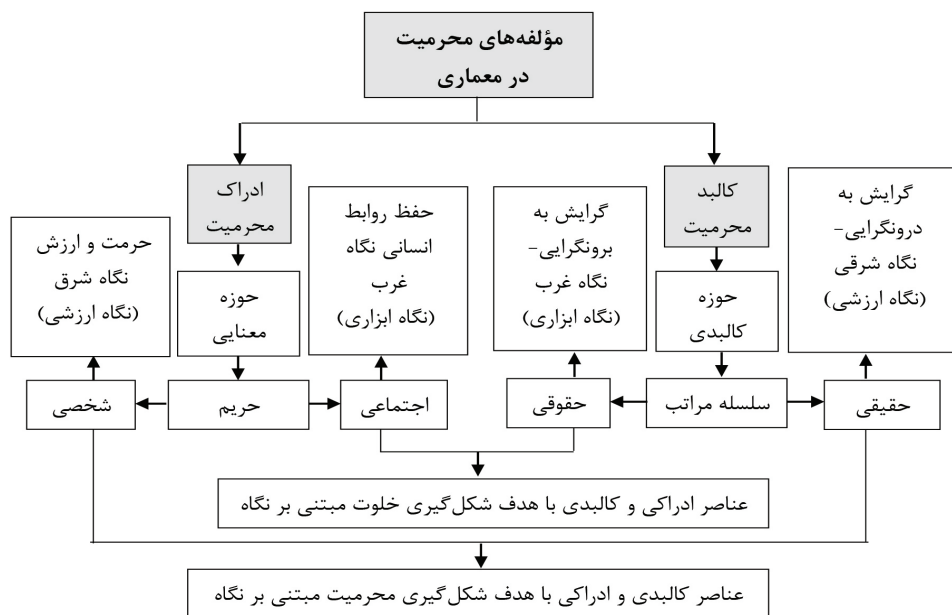


نمودار ۳- مؤلفه‌ها و عناصر محرمیت معماری.

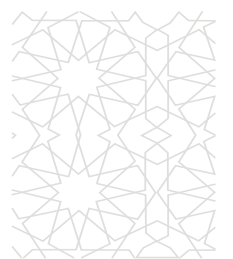
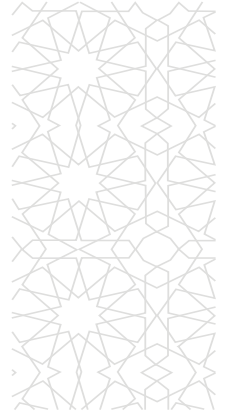
نتیجه گیری

محرمیت به عنوان يك مفهوم فرهنگی که نمود آن ابتدا در سبک زندگی و سپس در معماری متناسب با شیوه زندگی ظهور و حضور می یابد، تابع نوع نگاه و اهدافی است که تعریف کننده فرهنگ جامعه مورد نظر است. به همین دلیل مؤلفه های محرمیت در معماری مبتنی بر تفاوت سبک زندگی، دیدگاه و اهداف در فرهنگ شرق و غرب با یکدیگر متفاوت هستند. مؤلفه هایی همانند: درونگرایی، حریم های بصری، صوتی و دسترسی، سلسله مراتب، عرصه بندی، موانع و میدان ها که پژوهشگران مختلف به آنها اشاره کرده اند در دو دسته مؤلفه های ادراکی و کالبدی قابل بررسی هستند. مؤلفه های ادراکی محرمیت در راستای پاسخگویی به وجه ذهنی سبک زندگی است و مؤلفه های کالبدی محرمیت همسو با وجه عینی سبک زندگی بروز می یابند. اگرچه در دوره معاصر به دلیل تغییرات وجوه گوناگون عینی و ترجیحی سبک زندگی، تمایل به استقلال فضایی در نظام کالبدی خانه ها جلوه گر شده است ولی در فرهنگ شرق محرمیت مبتنی بر عرف، باورها و عقاید با هدف ایجاد حرمت و ارزش برای انسان، رویکرد تفکیک حریم شخصی را به مقدار

معین با تأکید بر تفکیک زن و مرد مدنظر قرار داده است؛ بنابراین تمامی مؤلفه های ادراکی محرمیت با هدف ایجاد حریم شخصی، نگاهی ارزشی را دنبال می کنند و امنیت روانی را سبب می شوند؛ اما فرهنگ غرب با هدف حفظ روابط انسانی، محرمیت را به عنوان ابزاری جهت ایجاد حریم اجتماعی به صورت نسبی و متغیر جستجو می کند. در این رویکرد خلوت در قالب مفهومی فیزیکی، در تأمین امنیت فیزیکی، شنوایی و بصری نقش دارد. در حوزه مؤلفه های کالبدی محرمیت نیز که معطوف به ایجاد سلسله مراتب فضایی و عملکردی است، نگاه شرقی با ایجاد سلسله مراتب حقیقی، تمایل به درون گرایی را نشان می دهد که همسو با نگاه ارزشی به محرمیت است؛ اما در نگاه غربی با ایجاد سلسله مراتب حقوقی مبتنی بر قوانین حقوقی و یا عرف، در راستای نگاه ابزاری به محرمیت تمایل به برون گرایی دارد. قلمرو پایی نتیجه این نوع از نگاه به محرمیت است؛ بنابراین مبتنی بر نوع نگاه فرهنگی به موضوع محرمیت، میزان و چگونگی استفاده از عناصر کالبدی و ادراکی در معماری متفاوت خواهد بود. نمودار ۴ به معرفی وجوه مختلف تمایزات محرمیت در فرهنگ شرق و غرب اشاره دارد.



نمودار ۴ - تمایز مؤلفه های محرمیت معماری در نگاه شرق و غرب



منابع

ابوالقاسمی، جواد (۱۳۸۴) طرح مطالعات زمینه‌ای برای دستیابی به سیاست‌های کلان توسعه فرهنگ دینی، موسسه فرهنگی هنری عرش پژوه، تهران.

آلمن، ایروین (۱۳۹۵) «محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام»، ترجمه علی نمازیان، تهران، دانشگاه شهید بهشتی - الوانی، مهدی (۱۳۷۹) «تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی دولتی»، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، سمت.

الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۹) «معماری و راز جاودانگی، راه بی‌زمان ساختن»، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

امینی، ندا و هیربد نوروزیان‌پور (۱۳۹۳) «خلوت و محرمیت: شناخت تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو مفهوم در معماری و شهرسازی»، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۵، صص ۹۹-۱۰۷.

بابازاده اسکونی، سولماز و سحر طوفان و سیروس جمالی (۱۳۹۸) «ارتقای بنیان‌های نظری مفهوم حریم در مسکن معاصر از منظر روانشناسی محیطی، نمونه موردی: برج مسکونی میلاد تبریز»، نشریه باغ نظر، شماره ۱۶، صص ۶۱-۷۲.

بلالی اسکویی، آزیتا و یحیی جمالی و پارسا کاوسی (۱۴۰۱) «تأثیرات فضاهای تهی و خالی بر حجاب و محرمیت در معماری بناهای مسکونی دوره قاجار در شهر ارومیه»، نشریه پژوهش در هنر و علوم انسانی، سال هفتم، شماره ۴ (پیاپی ۴۳)، صص ۱۳-۲۰.

بمانیان، محمدرضا و مسلم زندی (۱۳۹۶) «مسکن ایرانی و سبک زندگی»، تهران، اول و آخر.

بمانیان، محمدرضا و سیده سولماز راستجو (۱۳۹۶)

«سیر تحول محرمیت در ساختار فضایی خانه معاصر (نمونه موردی، خانه‌های دهه‌های ۵۰ و ۶۰)»، چهارمین کنفرانس ملی دستاوردهای اخیر در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی، تهران، صص ۱-۱۱.

بمانیان، محمدرضا و نسیم غلامی و جنت رحمت پناه (۱۳۸۹) «عناصر هویت ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی؛ نمونه موردی خانه رسولیان یزد»، مطالعات هنر اسلامی، ش ۱۳ (پاییز و زمستان ۱۳۸۹)، صص ۵۵-۶۸.

بهرامی برومند، مرضیه و آفرین نژاد (۱۳۹۲) «معماری حجاب، الگوی فرهنگی معماری خانه‌های تاریخی کاشان»، دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، دانشکده هنر معماری تبریز.

پاسبان خمیری، رضا و حسن رجبعلی و محمد فرخ زاد (۱۳۹۶) «سیر دگرگونی فضای بسته، فضای سرپوشیده و فضای باز در خانه‌های تاریخی گرگان از دوره قاجاریه به پهلوی اول»، مرمت و معماری ایران، ش ۱۳ (بهار و تابستان ۱۳۹۶)، صص ۹۱-۱۰۶.

پرهیزکار، الهه و خسرو دانشجو (۱۳۹۷) «محرمیت و حجاب در خانه‌های قاجار تهران»، چهارمین همایش ملی معماری و شهر پایدار، دانشگاه شهید رجایی، تهران.

پورحیدر توچاهی، مریم و محمد مهدی پوراشمنان طالمی (۱۳۹۹) «تأثیر مسکن حداقل بر محرمیت»، نشریه معماری‌شناسی، شماره ۱۵، صص ۱-۷.

پور محمد، شهراد و سیدعلیرضا شجاعی و حسین کلاتتری خلیل‌آباد و مسعود تقوایی (۱۴۰۰) «کاربست تأثیرشناختی «شاخص خاطره» بر ارتقای حس تعلق ساکنان محلات جدید و قدیم شهر شیراز»، مطالعات شهری، شماره ۴۱، زمستان ۱۴۰۰، صص ۷۳-۸۴.

پرنیا، محمدکریم (۱۳۸۱) «شیوه‌های معماری

ایران»، تدوین غلامحسین معماریان، تهران، موسسه نشر هنر اسلامی.

جمشیدی نظر، فاطمه و عبدالله جاسمی و محمدعلی کاظم‌زاده رائف و صبا میردریگوندی (۱۳۹۹) «امکان‌سنجی بهره‌مندی از تجارب خانه‌های سنتی دزفول برای رعایت حریم سمعی بصری در واحدهای مسکونی معاصر»، پژوهش‌های مرمت و معماری ایرانی و اسلامی، سال سوم، شماره هشتم، صص ۳۲-۴۸.

حیدری، علی اکبر و ملیحه تقی‌پور (۱۳۹۷) «تحلیل حریمیت بر اساس نسبت توده به فضا (نمونه موردی: خانه‌های تک‌حیاط در اقلیم گرم و خشک)»، نشریه معماری اقلیم گرم و خشک، سال ششم، شماره هشتم، صص ۷۷-۹۹.

----- (۱۳۹۹)
«مقایسه روش‌های ایجاد حریمیت در مسکن سنتی و معاصر (نمونه مطالعاتی: شهر شیراز)»، نشریه مرمت و معماری ایران، سال دهم، شماره بیست و چهار، صص ۶۳-۸۰.

راپاپورت، آموس (۱۳۹۲) «انسان‌شناسی مسکن»، ترجمه خسرو افضلیان، کسری.

راستجو، سیده سولماز و محمدرضا بمانیان (۱۳۹۸) «گونه‌شناسی ساختار فضایی خانه معاصر ایرانی با تکیه بر حریمیت و سلسله مراتب»، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره ۲۴، شماره ۲، صص ۴۹-۵۸.

رئیس، محمدمنان (۱۳۹۷) «معماری و شهرسازی متناسب با سبک زندگی اسلامی (از تشریح وضع مطلوب تا تحلیل وضع موجود)»، قم، دانشگاه قم.

سیفیان، محمدکاظم و محمدرضا محمودی (۱۳۸۶) «حریمیت در معماری سنتی ایران»، هویت شهر، شماره ۱، صص ۳-۱۴.

شهر شهریور، مهرباب و حسین کلانتری خلیل‌آباد و غلامرضا لطیفی (۱۴۰۰) «مدیریت شهرهای

ایرانی-اسلامی با رویکرد شهر دانایی محور (مطالعه موردی: شهر شیراز)»، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۴۷-۵۹.

ضرغامی، اسماعیل و علی خاکی و سیده اشرف سادات (۱۳۹۴) «بازیابی مفهوم حریمیت در کالبد سکونتگاه‌های دیروز و امروز»، همایش بین‌المللی معماری، عمران و شهرسازی در هزاره سوم، تهران.

عراقی‌زاده، زهرا و سیدهدادی قدوسی فر و نیلوفر نیک‌قدم (۱۴۰۱) «سنجش حریمیت بر اساس روش نحو فضا در خانه‌های تاریخی بندرکنگ»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوازدهم، شماره ۲، صص ۱۲۹-۱۴۱.

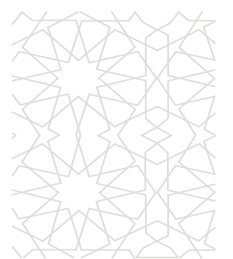
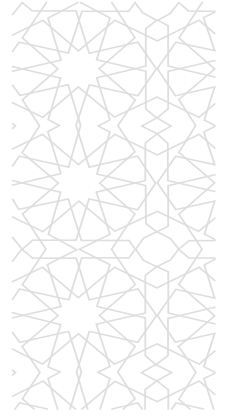
علیزاده، هوشمند و کیومرث ایران دوست و کیومرث حبیبی و محمد بشیر رباطی (۱۳۹۳) «مفهوم حریمیت و فضا در شهرهای دوران اسلامی»، پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۲، صص ۶۵-۷۸.

غفوریان، میترا و مینا پی سخن و الهام حساری (۱۳۹۶) «گونه‌شناسی سازمان فضایی و سلسله مراتب ورود در خانه‌های ایرانی با تأکید بر حریمیت»، برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، ش ۷، صص ۱۲۹-۱۴۴.

کاظم‌زاده رائف، محمدعلی و صبا میردریگوندی (۱۳۹۹) «حریمیت در خانه سنتی ایرانی با تأکید بر مظاهر حریم خصوصی در عناصر معماری (نمونه موردی: خانه رسولیان یزد)»، نشریه معماری‌شناسی، سال سوم، شماره ۱۷، صص ۱-۸.

گروتر، یورگ (۱۳۹۳) «زیبایی‌شناسی در معماری»، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد، عبدالرضا همایون، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶) «جامعه‌شناسی»، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشرنی.



مرادی‌نسب، حسین (۱۳۹۹) «تبیین جایگاه محرمیت در نسبت با قلمرو و خلوت در مسکن سنتی ایران بر پایه آموزه‌های اسلامی»، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۷۲، صص ۴۷-۶۰.

معماریان، غلامحسین و سیدمجید هاشمی طغرالجردی و حسام کمالی (۱۳۸۹) «تأثیر فرهنگ دینی بر شکل‌گیری خانه: مقایسه تطبیقی خانه در محله مسلمانان، زرتشتیان و یهودیان کرمان»، تحقیقات فرهنگی، شماره ۳، صص ۱-۲۵.

مؤمنی، کوروش و ندا ناصری (۱۳۹۴) «بررسی ابزارها و روش‌های ایجاد محرمیت در خانه زینت‌الملوک شیراز منطبق بر آیات و روایات اسلامی»، پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۹، صص ۱۸-۳۵.

مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۹۳) «دین و سبک زندگی؛ مطالعه موردی شرکت کنندگان در جلسات مذهبی»، تهران، دانشگاه امام صادق.

ناری قمی، محمد (۱۳۸۹) «مطالعه‌ای معناشناختی در باب مفهوم درون‌گرایی در شهر اسلامی»، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، شماره ۴۳، صص ۶۹-۸۲.

نصرالله‌پور علمداری، ابراهیم و محمد شبیدینی و علی کریمی خوشحال و عبدالله حاجی صادقی (۱۳۹۴) «مؤلفه‌ها و شاخص‌های سبک زندگی اسلامی»، پژوهش‌کده علوم اسلامی امام صادق، زمزمه هدایت.

نقره‌کار، عبدالحمید و فرهنگ مظفر و سمانه تقدیر (۱۳۹۳) «بررسی قابلیت‌های فضای معماری برای ایجاد بستر پاسخگویی به نیازهای انسان از منظر اسلام» مجله شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۰، صص ۲۱-۳۴.

نیری فلاح، سیامک و اکرم خلیلی و محمد تاج‌الدین بن محمد رسدی (۱۳۹۲) «لایه‌های محرمیت در خانه‌های سنتی ایران، نماد الگوی دینی در زندگی خانواده»، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، صص ۱۰۴۰-۱۰۴۹.

ولسی‌زاده اوغانی، محمدباقر (۱۳۹۳) «اصول و اندیشه‌های اخلاقی در ساختار فضایی خانه‌های سنتی ایران اسلامی، نمونه مورد مطالعه محرمیت و حریم خصوصی»، پژوهش هنر، شماره ۷، صص ۱۸۵-۲۰۳.

هاشمی طغرالجردی، سیدمجید (۱۳۹۰) «رساله دکتری معماری در دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت با عنوان: اصول حاکم بر حریم خانه در اندیشه اسلامی: بازشناسی قاعده «لاضرر» در قوانین و مقررات معماری و شهرسازی مرتبط با حریم بصری خانه».

Abu-Gazze, T (1995) "Privacy as the basis of architectural planning in the Islamic culture of Saudi Arabia", Architecture and Behaviour 11: 93- 112.

AlEnazy, T. H., (2007) The Privacy and Social Needs of Women in Contemporary Kuwaiti Homes. Department of Interior Design. The Florida State University, Florida.

AlHemaidi, W., (1996) The Dilemma of Regulating Privacy: Planning Regulations, Privacy and House Form; the Case Study of Low-Density Single-Family Dwellings in Saudi Arabia. Development Planning Unit. University College London.

Al-Mohannadi, A. Furlan, R (2021) The syntax of the Qatari traditional house: privacy, gender segregation and hospitality constructing Qatar architectural identity. Journal of Asian Architecture and Building Engineering.

Bahammam, A., (1987) Architectural Patterns of Privacy in Saudi Arabian Housing. School of Architecture. McGill University, Montreal.

Booth, M. and Joseph, S., (2013) Women and Islamic Cultures: Disciplinary Paradigms and Approaches, 2003-2013, Leiden: Boston.

- r.grishman 1987-iran-penguin books-New York.
- Negoita, A. M., (2012) Domestic spaces and the hierarchy of gender in Islamic society. Romanian review of political sciences and international relations, 11 (2), 10.
- Ondia, E. Hengrasme, S. Chansomsak, S (2019) Addressing the Dilema between Collaboration and Privacy in Coworking Spaces. International Journal of Architecture and Urban Development, 9 (3), 5- 10.
- Othman, Z. Aird, R. & Buys, L (2015) Privacy, Moderation, Hospitality and the design of Muslim homes: a literature review. Frontiers of Architectural Research. 4, (1), 12-23
- Rapoport, Amos. «House Form and Culture» (Prentice-Hall, Inc (1979)
- Rapoport, A., (1982) The meaning of the built environment: a nonverbal communication approach / Amos Rapoport. Beverly Hills, Calif.; London: Sage, c1982.
- Rapoport, A., (2000) Theory, Culture and Housing. Housing, Theory & Society, 17, 145-165.
- Rapoport, A., (2005) Culture, Architecture, and Design. Locke Science Publishing Company.
- Schoeman, F.D (1984) 'Philosophical dimensions of privacy: An anthology'. Combridge University Press.
- Shahriari, H (2020) A Critical Study of Four Definitions of Privacy from the Viewpoint of Western Ethics. Philosophical Theological Research, 21 (4), 103-105.
- Zeisel, J (1984) Inquiry by Design: Tools for Environment-Behaviour Research. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Daneshpour, A., Embi, M. R., and Torabi, M., (2012) Privacy in Housing Design: Effective Variables. In: 2th Inrenotional Conference-Workshop on Sustainable architecture and Urban Design (ICWSAUD2012) Malaysia: Universiti Sains Malaysia.
- Eben Saleh, M. A., (1997) Life and death of traditional settlements of southwest Saudi Arabia. Journal of Architectural Education, 51 (3), 177-191.
- Hall, E. T., (1990) The hidden dimension / Edward T. Hall. Anchor books. New York: Anchor Books: Doubleday & Company.
- Hashim, A. H, Z. A. Rahim, et al (2006) "Visual Privacy and family intimacy: a case study of Malay inhabitants living in two storey low- cost terrace housing". Environment and Planning B 33(2): 301- 318.
- Jameson, M., (2001) Space in the Greek city-state. In: Kent, S., ed. Domestic architecture and the use of space: An interdisciplinary cross-cultural study. Cambridge: Cambridge University Press, 92-113.
- Mahad Musa, Z. Ravi Abdullah, M.F. Usman, Abur Hamdi. Iskandar, Azwar (2021) Privacy in Islam as a Guide to Housing Development. IJIK 11(2), 67 - 77.
- Mahgoub, Y., (2004) Globalization and the built environment in Kuwait. Habitat International, 28, 505-519.
- Moghaddasi, A. Moghaddasi, M. Kalantari Khalilabad, H (2020) Mohsen Foroughi (1907-1983): Thoughts and Sustainability in the works of an Iranian modernist architect. Architecture and Engineering, Vol. 5, no. 4, 28 - 34.
- Naghizadeh. m (1997) "Title features of Islamic city in Islamic text". Journal of fine arts (4.5)

مرتب‌بندی تعاریف و شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی

بر پایه شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی^۱

علی دل‌زنده*، حیدر جهان‌بخش**، حسین مرادی‌نسب***،

محمد رضا بمانیان****، حسن ذوالفقارزاده*****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۰

نوع مقاله: پژوهشی - ۱۰۰-۸۳

چکیده

امروزه تعاریف مختلفی از معماری اسلامی بر پایه نظام‌های فکری جریان‌های معاصر با هدف دستیابی به حقیقت‌های نهفته در آفرینش اثر معماری اسلامی ارائه شده است. غالب تعاریف موجود به علت جزءنگری از جامعیت لازم برخوردار نبوده و شناخت درستی از معماری اسلامی ارائه نمی‌دهد. در مسیر شناخت معماری اسلامی لازم است با نگاه معرفت‌شناسانه و هستی‌شناسانه به آن پرداخته شود. بنابر فرضیه تحقیق نظام معرفتی اسلام به علت جامعیت می‌تواند در سطح‌بندی و ارائه تعریف جامع و مانع از معماری اسلامی راهگشا باشد. این مقاله از یکسورویکردی توصیفی-تحلیلی دارد و در آن از روش تحقیق تحلیل محتوایی بهره گرفته شده است. رهیافت کلی مقاله کیفی است و در مراحل مختلف انجام تحقیق از روش استدلال منطقی-تحلیلی از گزاره‌های مفهومی و نظری بر پایه منابع عقل و اجماع خبرگان به توصیف، تفسیر و تحلیل نظرات صاحب‌نظران نسبت به تعریف و مفهوم معماری اسلامی در قالب شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی پرداخته شده است. راهبرد مقاله تفسیری-تطبیقی است. نتایج حاصل از تحقیق به طور کلی نشان می‌دهد تعاریف موجود از معماری اسلامی از جامعیت لازم برخوردار نبوده و تنها بخشی از سیستم معرفتی را شامل می‌گردند و از آنها می‌توان با عنوان تجارب بشری در ارائه تعاریف معماری اسلامی بهره‌برد. دسته‌بندی نتایج به ما نشان می‌دهد سلسله‌مراتبی هستی‌شناسانه و پهنه‌ای معرفت‌شناسانه در ظهور معماری و معماری اسلامی وجود دارد که از جهان‌بینی علمی شروع می‌شود و تا جهان‌بینی توحیدی ادامه پیدا می‌کند هر یک از این سلسله‌مراتب سه‌گانه در هویت بخشی، پویایی و شکل‌گیری اثر معماری لازم است. براساس این دسته‌بندی نظام‌های فکری که در سطح جهان‌بینی الهی قرار می‌گیرند به واسطه قرارگیری در مراتب عقلی بالاتر از ظرفیت و وسعت نظر و شمولیت بیش‌تری نسبت به نظام‌های فکری معناگرا، وجودنگر، نسبی‌گرایی و واقع‌گرایی برخوردار هستند.

واژه‌های کلیدی: تعاریف، شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی، شیوه‌های نگرش، معماری اسلامی، مرتب‌بندی و پهنه‌بندی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری علی دل‌زنده با عنوان «ارائه الگویی برای آفرینش اثر معماری در حوزه طراحی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی» است که توسط استاد راهنمای اول حیدر جهان‌بخش به عنوان نویسنده مسئول و استاداراهنما دوم حسین مرادی‌نسب و مشاوره محمد رضا بمانیان و حسن ذوالفقارزاده انجام پذیرفته است.

* پژوهشگر دکتری معماری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

** نویسنده مسئول: دانشیار گروه معماری، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

h_jahanbakhsh@pnu.ac.ir

*** دانشیار گروه معماری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

moradinasab_h@yahoo.com

**** استاد گروه معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

bemanian@modares.ac.ir

***** دانشیار گروه معماری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

zolfagharzadeh@arc.ikiu.ac.ir



مقدمه، ضرورت‌ها و تبیین مسئله

برای دستیابی به شناخت معماری اسلامی باید به مفهومی جامع از معماری اسلامی دست یافت که بتواند زمینه بررسی و بحث پیرامون شناخت معماری اسلامی را فراهم سازد. با کندکاو در نوشتارهای پیرامون شرح هنر و معماری منتسب به اسلام دست کم می‌توان از ده‌های نیمه اول سده بیستم به بعد، تعاریف معماری اسلامی را در نظرگاه اندیشمندان و نظریه‌پردازان بزرگ جهان، جستجو نماییم که بیش از هر چیز به گستردگی جنبه‌های مادی و ظاهری (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۵۷) و یا به تعاریف یکجانبه و حصری تأکید دارند (نقره‌کار، ۱۳۸۷: ۳۵۰). در صورتی که تعریف باید جامع و کامل باشد و در حصر زمان و مکان نگنجد (تقوائی، ۱۳۸۹: ۷۶).

تعریف به معنای شناساندن و حقیقت چیزی را بیان کردن و آگاهانیدن است (دهخدا، معین، عمید، ذیل واژه: تعریف) و در اصطلاح به معنای مجموع تصورات معلومی است که موجب معلوم شدن تصور مجهولی می‌شود (خوانساری، ۱۳۷۶: ۲۵۱). اهمیت تعریف در روشن شدن مفاهیم کلیدی و مبهم است (دانشنامه عمومی، ذیل واژه: تعریف) و بر همین اساس ابن سینا تعریف را قصد انجام عملی می‌داند که هرگاه دیشعور آن را دریابد، تصوری برای او پدید می‌آید که همان معرف است (ابن‌سینا، ۱۳۲۸: ۲۹). البته همیشه تعریف برای شناساندن معرف یعنی برای کشف مجهول به کار نمی‌رود، بلکه در بسیاری از موارد مقصود از تعریف، تحلیل و تجربه‌ی یک مفهوم یعنی پی‌بردن به مندرجات و محتویات آن و بازشناختن ذاتیات آن از عرضیات محسوب می‌شود (خوانساری، ۱۳۷۸: ۸۳).

بنابراین لازم است که تعریف بیانگر ماهیت و کمال وجودی ذات آن باشد و همه ویژگی‌های ذاتی آن شیء را دربرگیرد. لذا هرچه تعریف بیشتر حقایق و ذاتیات معرف - در اینجا معماری - را بیان نماید، به همان نسبت آن تعریف جامع‌تر و کامل‌تر خواهد بود (تقوائی، ۱۳۸۹: ۷۶). از طرفی به معنای دقیق‌تر تعریف مشتمل بر جهان‌بینی

است و علاوه بر اینکه حقیقت امری را بیان می‌کند، دیدگاه تعریف‌کننده را نیز در بردارد. بنابراین هر تعریفی در یک دستگاه نظام فکری معنی می‌دهد (اکرمی، ۱۳۸۲: ۳۵).

شناخت حقایق و بن‌مایه تعاریف گوناگون معماری که زاده دستگاه فکری مختلف هستند با گذر از یکدیگر شکل و مفهوم درست و مقبولی پیدا می‌کنند و می‌توانند تعریف جامع و مانعی از معماری ارائه دهند به شرط اینکه بتوانیم آنها را با دستگاه نظام فکری کامل و جامع شناسایی و دسته‌بندی نماییم. به عبارت دیگر از آنجایی که در شناخت حقیقت‌های نهفته در آفرینش اثر معماری تنها با دستیابی به شناختی تحلیلی و گسترده از معماری می‌توان توفیق یافت باید به مفهومی جامع از معماری رسید که لازمه آن شناخت معماری در گستره برداشت‌ها و یافته‌ها از معماری براساس نظم و بینشی جامع و هدفمند است که بتواند زمینه دستیابی به آن تعریف جامع را فراهم سازد. این روش علاوه بر فراهم نمودن زمینه تدوین تعاریف جامع و مانع از معماری به واسطه تجارب دیگران باعث می‌شود از برداشت‌های ساده‌انگارانه، کلی و برخواسته از شکل و شرایط خاص زمانه جلوگیری شود و حقایق معماری به واسطه شناخت موجودیت مفاهیم در کلیت معماری شناخته شود (تقوائی، ۱۳۸۹: ۷۷).

مسئله اصلی این پژوهش بررسی شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی و سطح‌بندی و مرتبه‌بندی آنها برپایه دستگاه فکری جامعی است که بتوان به وسیله آن مقدمات رسیدن به تعریف جامع و مانع از معماری دست‌یافت. این اقدام لازمه شناخت حقیقت‌های نهفته در آفرینش اثر معماری و در نهایت روش‌های خلق اثر معماری است. از آنجایی که در پی دریافت تعریف معماری اسلامی هستیم از این جهت لازم است در چارچوب مولفه‌های شناختی اسلام به شناخت آثار پردازیم. از طرفی شناخت‌شناسی اسلامی به واسطه اصالت قراردادن عین یا همان اثر معماری در شناخت، معماری را جزئی از هستی می‌داند و از این منظر دامنه جستجوی

معانی و مفاهیم طیف وسیعی از بینش‌ها و معارف را در می‌گیرد. در شناخت‌شناسی اسلامی ابزار شناخت و شیوه‌های آن و حاصل معرفتی آنها یگانه نیست و بلکه همه ابزارها و شیوه‌ها در طول یکدیگر قرار دارند و می‌توانند معارف انسان را از سطح هستی به عمق برتر آن و از ابعاد مادی وجود انسان به ابعاد عقلی و روحی او برسانند (نقره‌کار، ۱۳۸۹: ۲۱). این درحالی است که نگاه حصری در عصر حاضر به واسطه جدایی عین و ذهن، تمامیت هنر و معماری را به ترکیب اجزاء سازنده‌اش تقلیل داده است و اصالت ذهن به عین شناخت حقیقت را وابسته به ادراکات و ذهنیات انسانی ساخته و آفرینش معماری برپایه یکی از اجزایش تعریف می‌گردد و براساس ترکیب این اجزا و در سیر جزء به کل معین شده است. به عبارتی اتحاد عین و ذهن راه رسیدن به حقیقت است و از آنجایی که تنها یک حقیقت ثابت و لایتغیر وجود دارد دو نوع شناخت نیز نمی‌تواند درست باشد.

پیشینه تحقیق

اگرچه در زمینه تعریف و مفهوم معماری اسلامی (از جمله: مهوش وارغیانی، ۱۳۹۹ و ایمانی، ۱۳۸۴ و فلاحی (۱۳۹۰) و قلی‌پور و محملی ایبانه (۱۳۹۳) و دسته‌بندی شیوه‌های نگرش و روش نظریه‌پردازی معماری اسلامی (از جمله: معاریان، ۱۳۹۵، امین‌پور و دیگران، ۱۳۹۶ و ذوالفقارزاده ۱۳۹۳ و نقره‌کار ۱۳۹۴)،

همچنین ارائه مدل پهنه‌بندی جایگاه معارف بشری در عالم هستی و تاویل آن در معماری کار شده است و آقای رئیس سمیعی (۱۳۸۳) در رساله خود با عنوان نظریه مراتب وجود تاویل آن در معماری به آن پرداخته‌اند. اما تاکنون تعاریف و شیوه‌های نگرش در معماری اسلامی، برپایه نظام و دستگاه جامع فکری اسلامی تبیین، دسته‌بندی، سطح‌بندی و مرتبه‌بندی نشده است.

روش تحقیق و مسیر پژوهش

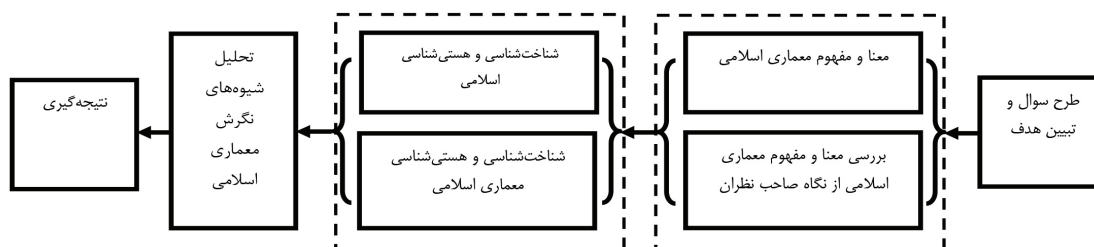
در این تحقیق براساس مفروضات اصلی و منابع عقلی و اجماع خبرگان لازم است ابتدا با جمع‌آوری اطلاعات و آراء اندیشمندان و نظریه‌پردازان معماری اسلامی از طریق متون و اسناد کتابخانه‌ای و سپس با تجزیه و تحلیل کیفی به تحلیل محتوای آنها پیرامون موضوع مقاله پرداخته شود. در این رابطه پس از بیان مقدمه و ضرورت تحقیق به شناسایی معانی و مفاهیم معماری و ملاحظاتی بر تعاریف آن و بررسی مفهوم معماری از دیدگاه نظریه‌پردازان پرداخته می‌شود سپس با بیان موضوع شناخت‌شناسی اسلامی و تبیین آن در حوزه معماری به ارائه الگوی شناخت معماری اسلامی و تحلیل تعاریف نظریه‌پردازان معماری در قالب آن پرداخته می‌شود و در نهایت سطح‌بندی و مرتبه‌بندی از تعاریف معماری ارائه می‌گردد. در جدول (۱) شالوده، هدف، ضرورت، رویکرد، موضوع، سوال، فرضیه، مدل نگارشی پژوهش و در نمودار (۱) ساختار محتوایی پژوهش (۱) است.

جدول (۱): ساختار محتوایی پژوهش (۱)

| ساختار پژوهش | دیدگاه و رویکرد |
|--------------|--|
| شالوده نظری | مفروضات اصلی مبانی فلسفی بر پایه استنباط عقل فردی و اجماع خبرگان (عقل جمعی و تاریخی) |
| هدف پژوهشی | بنیادی (توسعه دانش و مبانی) در شناسایی نقش شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی در تعاریف و مفاهیم معماری اسلامی |
| ضرورت پژوهشی | فراهم‌سازی مقدمات دستیابی به تعریف جامع و مانع از معماری اسلامی به منظور شناخت حقیقت‌های نهفته در آفرینش اثر معماری اسلامی و در نهایت روش‌های خلق اثر است. |



| ساختار پژوهش | دیدگاه و رویکرد |
|---------------------------|--|
| رویکرد و روش پژوهش | در کل رویکرد تحقیق توصیفی- تحلیلی و کیفی است و روش پژوهشی استدلال منطقی بر پایه منابع عقل و اجماع خبرگان با راهبردی تفسیری- تطبیقی در حوزه معماری است. |
| موضوع پژوهش | دستیابی به مقدمات رسیدن به تعریف جامع و مانع از معماری اسلامی به وسیله بررسی تعاریف معماری و شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی و مرتبه‌بندی آنها بر پایه دستگاه فکری جامع شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی است. |
| پرسش پژوهش | آیا تعاریف موجود معماری اسلامی تعاریف جامع و مانعی هستند و یا بخشی از معارف بشری را شامل می‌گردند؟ چگونه می‌توان تعاریف موجود معماری اسلامی را بر پایه هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی جامع اسلامی سطح‌بندی و مرتبه‌بندی نمود؟ چه مولفه‌هایی از تعاریف موجود می‌توانند تعریف جامع و مانعی از معماری اسلامی را پدید آورند؟ |
| فرضیه پژوهشی | تعاریف موجود معماری اسلامی حقایقی هستند که در یک دستگاه نظام فکری حصری (رخی با نگاه التقاطی و برخی با بینش سکولار) پدید آمده‌اند. این حقایق به واسطه جزءنگری نظام فکری از جامعیت لازم برخوردار نبوده و تنها بخشی از سیستم معرفتی را شامل می‌گردند و از آنها می‌توان با عنوان تجارب بشری در ارائه تعاریف معماری اسلامی بهره‌برد. نظام معرفتی اسلام به علت جامعیت می‌تواند در سطح‌بندی و ارائه تعریف جامع و مانع از معماری اسلامی راهگشا باشد. اسلام اصول و برنامه و شیوه‌ای از زندگی را تدوین کرده که بتواند در صورت انتخاب راه حقیقت، در جهت تکامل و توسعه حرکت کند. |
| مدل ساختاری و تدوین نگارش | روش ماهی است: نگارشی منطقی- خطی یا ماهی است و مباحث و یافته‌ها با یکدیگر تفاوت دارد و فهم هر مبحث مستلزم درک بخش قبلی است و برای درک موضوع تدوین شده می‌بایست کل آن را مطالعه کرد. |



نمودار ۱: ساختار تحقیق

بررسی معنا و مفهوم معماری و الزامات آن از نگاه اسلامی

در لغت‌نامه دهخدا معماری به معنای علم بنایی و آبادانی و آبادسازی آمده است. (دهخدا، ذیل، «معماری»). ریشه‌ی کلمه‌ی معماری در زبان عربی به عَمَر به معنای آبادانی بازمی‌گردد. مَعْمَر (۲)، مَعْمُور (۳) و عِمَارَت (۴) در زبان عربی از ریشه عَمَر است. در معنای این واژه‌ها آبادانی شایسته‌ترین واژه فارسی در معنای معماری است. این افعال به همراه سایر برآمده‌های آن مانند

مبانی نظری) بررسی تعاریف و مفاهیم معماری اسلامی)

واژه معماری به دو گونه معماری به معنای عام و معماری به معنای خاص یعنی معماری آن‌گونه که معماران تعریف می‌نمایند قابل تعریف است (فلامکی، ۱۳۹۰: ۱۸۷) در این بخش به‌شناسایی معانی و مفاهیم معماری از نگاه اسلامی و ملاحظات بر تعاریف آن به معنای عام و بررسی مفهوم معماری از دیدگاه نظریه‌پردازان به معنای خاص پرداخته می‌شود.



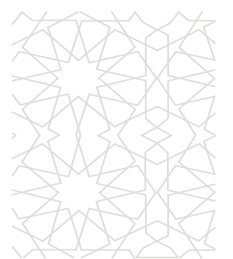
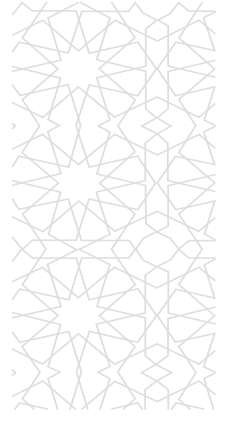
عمران (۵) و تعمیر (۶) در نوشته‌های امروزی در مفهوم کارهای وابسته به ساخت و ساز به کار رفته است.

به طور خلاصه فهم معماری به عنوان یکی از بنیادی‌ترین مسائل معماری، بسیار به پاسخ ما به سه سوال معماری چیست؟، معماری چرا به وجود می‌آید؟ و معماری چگونه باید باشد؟ (سامه، ۱۳۹۳: ۳۰) وابسته است و بهترین راه برای رسیدن به مفهوم درست واژه معماری روی آوردن به قرآن است. در شش آیه از قرآن آمده‌های گوناگون فعل عمر آمده است. در آیات ۱۷ تا ۱۹، سوره توبه ۷، کاربرد واژه‌های برآمده از ریشه عمر به صورت بعمر و، یعمر و عماره اشاره شده است. این واژگان هر کدام به گونه‌ای نشان‌گر نگرهبانی کردن و مراقبت هستند، نمونه‌ی دیگر واژه عمارت در آیه ۴ سوره طوره ۸ آمده است که خداوند فرموده است: «و به آن خانه‌ی آباد» که در این آیه نیز به وجه نگرهبانی و مراقبت اشاره گردیده است. (شقایق، ۱۳۹۰: ۹۱). در آیه ۶۱ سوره هود ۹ به وجه خلاقیت و آباد ساختن زمین توسط انسان اشاره شده است. در آیه ۹ سوره روم ۱۰ به هدفداری و اهداف گوناگون آدمی در آباد ساختن و آبادانی اشاره کرده و هدفش جز رسیدن به خدا را نابودی میدانند و به حضور انبیاء و دادن برنامه توسط آنان به انسان اشاره شده است. نگرهبانی، مراقبت و آباد کردن همان وجه خلیفه‌الله انسان است که هدفش جز رسیدن به احدیت نیست. معماری خلقت با عشق ولایت کمال مطلق آغاز شد و این عشق علت وجودی آفرینش هستی گردید و عالم هستی یعنی عالم کبیر و صغیر (جهان و انسان) که هر دو آینه اسماء و جمال حقیقت شدند (ذوالفقارزاده، ۱۳۹۱: ۳۴).

بنابراین در باز اندیشی ریشه لغوی واژه معماری در خواهیم یافت که معاری از یک سو با عمر و از سوی دیگر با واژه عمر به معنی به فعلیت رساندن استعدادها بالقوه و آباد کردن نیز هم ریشه بوده و قرابت معنایی بسیاری دارد. لذا معماری عمران عمر است و هدفش به منصفه‌ی

ظهور رساندن تمام استعدادهای بالقوه زندگی و به فعلیت در آوردن شکل غایی زندگی انسان است (سامه، ۱۳۹۳: ۳۶) و غایتی جز رسیدن به خدا را نابودی می‌داند و این مهم نیز جز با زانو زدن در مکتب انبیاء و اولیای الهی حاصل نمی‌شود، زیرا به جهت اتصال به مبداء هستی و وحی الهی، تنها آنان قادرند که گنجینه‌های نهفته‌ی آدمی را بدو بنمایند و دفینه‌های عقل بشری را بشورانند و انسان را به همراه علم صائب و عمل صالح خود تا قله‌ی حیات متألّهانه، یعنی مقام خلافت الهی رهنمون سازند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳۱۷).

بنابراین ما می‌توانیم معماری و شهرسازی و زندگی‌مان را بر اساس آیات و احادیث مورد مطالعه قرار دهیم، تحلیل و نقد کنیم و زیبایی و زشتی آن را بیان کنیم و به بازسازی، بهسازی و باز زنده‌سازی آن پردازیم (علی آبادی، ۱۳۹۱: ۳۴). آنچه ویژگی‌های کیفی و کمی صورت و کالبد معماری را برای ما تعریف می‌کند همان عقل یا علم حقیقت محور می‌باشد، عقل شعبه‌ای از الهام مستتر الهی در فطرت و نهاد و نهان انسان است که خدا آن را به ودیعت نهاده است عقل هاتف غیبی و پیام‌آور الهی از منابع قوی و غنی دین اسلام است که از رابطه‌ای متقابل با فطرت و شریعت برخوردار است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۸۱-۸۲). حال معماری که کالبد آن بر اساس مبانی فکری اسلام، اصول زندگی اسلامی و الگوی رفتاری آن شکل می‌گیرد. رفتاری انسانی و عقلایی در جای جای هر یک از فضاها و آن جریان دارد. زیرا اساس قوانین و نظام اداره آن عقل است از طرف دیگر عقل حقیقت محور با براهین قطعی می‌داند که بسیاری از امور را نمی‌داند و باید راهنما و راه بلدی باشد تا او را راهنمایی کند و راهنمایی نیز باید از طرف کسی باشد که عالم و آدم را آفریده است و او را می‌شناسد، نیازهای او را می‌داند، به هدف والای او واقف است، زندگی اخروی او را برپاساخته و می‌شناسد و متناسب با آن برنامه می‌دهد (همان: ۹۴).



بررسی تعاریف و مفاهیم و شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی از سوی نظریه‌پردازان

معماری به عنوان هنری برخوردار از مبانی نظری در زمینه فلسفه، روان‌شناسی، فرهنگ و تاریخ از دهه‌های اخیر مطرح شده است و در قبل از آن به معماری به عنوان یک شغل و یا یک رشته فنی نگریسته می‌شده است. تغییرات معماری و طبع آن تغییر در تعاریف معماری در طی زمان گواهی بر تفاوت اندیشه‌های خالقان اثر اشاره دارد، اندیشه‌هایی که به نوعی بر الگوهای فکری حاکم بر آن دوران تأثیرگذارده و یا از آن تأثیر پذیرفته‌اند (صفدریان، ۱۳۹۶: ۹۶). در مطالعه تاریخ معماری اسلامی شیوه نگرش‌های مختلفی حاصل از بینش‌های متفاوتی وارد شناخت معماری اسلامی شده‌اند و هر اندیشمندی از زاویه دید خود وارد این عرصه گردیده است (ذوالفقارزاده، ۱۳۹۳: ۳۰). به طور کلی رویکردها و نگرش‌های موجود به معماری اسلامی را می‌توان به دو دسته: ۱- نگرش‌های تاریخی (حاصل از تحقیقت باستان‌شناسی و تاریخ هنر (ایمانی، ۱۳۸۴: ۷۵) و ۲- نگرش‌های فراتاریخی (معناگرایانه) تقسیم نمود (بردباری و دیگران، ۱۳۹۷: ۲). رویکرد اول که رویکرد عمده

در میان اندیشمندان معاصر است خود به دو نحله از منظر سازندگان بنا و دیگری از منظر جغرافیایی قابل بازخوانی است (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۶۰). نحله اول ساختار معماری اسلامی را به تحلیل ساختاری و کالبدی شامل: رویکردهای ساختارگرا، فرم‌گرا و فضا گرا و نحله دوم آن را به عوامل اجتماعی و مذهبی شامل: فرهنگ‌گرا، جامعه‌گرا، تاریخ‌گرا منتسب می‌نماید (ناری‌قمی، ۱۳۹۸: ۱۰۱).

در برابر این رویکرد، رویکرد دوم با بازخوانی میراث گذشتگان سعی دارد به جوهره اصلی معماری اسلامی بپردازد. در این رویکرد تعریف معماری اسلامی از مفاهیم جاودان الهی و تعالیم روح‌بخش اسلامی با توجه به رابطه‌ای که از مفاهیم معنوی برقرار می‌نماید، تعریف می‌شود (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۶۰). این رویکرد نیز در جای خود به زیرگروه‌های سنت‌گرایی، معناگرایی، نظری - فلسفی، نص‌گرایی و فقه فردی، فقه نظام (بردباری و دیگران، ۱۳۹۷: ۲). قابل تقسیم است. در جدول (۲) هرکدام از شیوه‌های نگرش با ویژگی‌ها و صاحبان نظریه تعریف شده است. در این بررسی و در یک جمع‌بندی می‌توان شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی را در سه دسته کلی ساختارگرایی، صورت‌گرایی و محتواگرایی دسته‌بندی نمود.

جدول (۲): دسته‌بندی تعاریف و مفاهیم و شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی از نگاه نظریه‌پردازان

| نگرش اصلی | شیوه نگرش | دیدگاه‌های اصلی در رابطه با تعریف و مفهوم معماری اسلامی | نظریه‌پردازان |
|-------------|-----------|--|--|
| ساختارگرایی | ساختارگرا | بررسی فنون ساخت و مسائل فیزیکی ساختمان | پیرنیا، توسلی |
| | فرم‌گرا | بررسی الگوهای فرمی | هیلن براند، پوپ و گروپ و هر تسفلد |
| | فضاگرا | بررسی الگوهای چیدمان فضایی | کلاوس هرلدگ، |
| صورت‌گرایی | ظاهرگرا | توجه نمادین به معماری اسلامی و تطبیق الگوهای فرمی با الگوهای رفتاری، اجتماعی | معماران جوان علاقه‌مند به معماری بومی و اسلامی |
| | تاریخ‌گرا | تطبیق الگوهای فرمی معماری با حوادث تاریخی و سیاسی | سواژه، کرسول، گرابر، هولاد، بلوم و بلر |
| | جامعه‌گرا | تطبیق الگوهای فرمی معماری با رفتار جمعی | معماران |
| | فرهنگ‌گرا | تطبیق الگوهای فرمی معماری با الگوهای ذهنی جمعی | جرج میشل |
| | سنت‌گرا | توجه به رابطه انسان با هستی، خداوند و معنویت در کنار توجه به ذات طبیعت و بازگشت به تاریخ | کوماراسوامی، شوان، اتین هاوزن، گریا، کریشلو، |

| نگرش اصلی | شیوه نگرش | دیدگاه‌های اصلی در رابطه با تعریف و مفهوم معماری اسلامی | نظریه پردازان |
|------------|---------------------|---|---|
| محتواگرایی | معناگرا | باطن‌گرایی، رمزپردازی، تصوف و فتوت کلیدواژه اساسی این شیوه نگرشی است. | نصر، اردلان |
| | نظری-فلسفی | این شیوه جایگاه ویژه‌ای برای عقل و نظر در کنار عقل شهودی قائل بوده و تلاش می‌کند تا بنیان‌های معماری را بر یکی از مکاتب نظری-فلسفی بنا نماید. این نگاه تلاش دارد جریان اراده تشریحی را در فرایند نظریه‌پردازی جاری نماید. | ندیمی، حجت، نقی‌زاده، نقره‌کار |
| | نص‌گرایی و فقه فردی | مراجعه به منابع روایی و استخراج متون (آیات، روایات، فقه و تاریخ) و مفهوم‌گیری و مفهوم‌سازی براساس متون و ارائه نظریات هنجاری در حوزه معماری | هشام مرتضی، سلیم بسیم حکیم، سپاهیک عمر، قربانی |
| | فقه نظام | در این روش توجه به استنباط حکم شرعی از منابع اصلی شریعت یعنی کتاب و سنت به همراه استنباط حکم از احکام دیگر که برپایه شریعت هستند، است. | اراکي و شاگردان ایشان |

مبانی شناخت‌شناسی وهستی‌شناسی معماری از دیدگاه اسلامی

دنیا، دنیای مکتب و ایدئولوژی است. مکتب و ایدئولوژی برپایه جهان‌بینی است و جهان‌بینی برپایه شناخت حاصل می‌گردد (مطهری، ۱۳۹۲: ۱۶) برای دستیابی به هستی‌شناسی هر چیزی در ابتدای امر باید ماهیت آن چیز از طریق معرفت‌شناسی مورد تحلیل قرارگیرد تا براساس آن هستی‌شناسی آن امور پرداخته شود (رئیس سمیعی، ۱۳۸۳: ۱۱۴) و به عبارت دیگر تا زمانی که شناخت‌شناسی صحیح نباشد هستی‌شناسی و درنهایت جهان‌بینی نیز صحیح نخواهد بود. از آنجا که تحقیق در صدد دستیابی به مقدمات تعریف معماری بر پایه مبانی اسلامی است، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی مورد توجه ما در شناخت معماری، شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی از نگاه اسلامی است.

شناخت‌شناسی وهستی‌شناسی اسلامی

در شناخت‌شناسی اسلامی تفکرات ملاصدرا و حکمت متعالیه به عنوان معرفت‌شناسی حداکثری از آن‌جا که با رویکرد نظریه دین حداکثری

نزدیک‌تر است (جوادی‌آملی، ۱۳۹۲: ۲۲۸) و از طرفی براساس هستی‌شناسی پایه‌گذاری شده است و از آنجایی که مهمترین مسئله شناخت دستیابی به معیارها و راه‌ها و روش‌هایی است که ما را برای رسیدن به هستی‌شناسی رهنمود می‌سازد مورد توجه این پژوهش است. ملاصدرا درباره نحوه وجود معرفت‌شناسی به هستی‌شناسی حرف آخر رازده است ایشان برای علم و معرفت چنان اهمیت قائل است که علم و معرفت را اساس نیل به مراتب هستی و اتحاد آن می‌داند و از نظرات ایشان می‌توان به این نتیجه دست‌یافت که موضوعات مورد بحث معرفت‌شناسی، جایگاه هستی‌شناسانه خود را خواهند یافت.

شناخت را شاید به واسطه آن که مفهومی روشن است نتوان تعریف کرد (مصباح، ۱۳۶۱: ۱۳۷) اما می‌توان مسئله شناخت را برپایه پرسش‌های بنیادین ابزار شناخت، انواع و مراتب شناخت و محتوای... بررسی نمود (مطهری، ۱۳۹۲: ۳۷) در شناخت‌شناسی اسلامی فطرت بستر اصلی شناخت مطرح می‌گردد و کسب معرفت برپایه حس، عقل و قلب حاصل می‌گردد (مصباح، ۱۳۶۷: ۱۵۴).

● **حس:** حس از شروط لازم برای شناخت محسوب می‌شود اما کافی نیست. یافته‌های حسی به مثابه و نقطه آغاز استنتاجات غیر حسی و سایر ابزارهای معرفتی محسوب می‌شوند. با این ابزار است که انسان شناخت را از طبیعت می‌گیرد.

● **عقل:** عقل نیروی خدادی است که کارش درک است. تجزیه و تحلیل کار عقل است و منظور از تجزیه و تحلیل دسته‌بندی کردن اشیاء در مقوله‌های مختلف است (مطهری، ۱۳۹۲: ۶۵). از نگاه حکما عقل انسان به دو نوع عقل نظری که به درک و شناخت واقعیت‌ها و قضاوت درباره آنها می‌پردازد و عقل عملی که کنش و رفتار آدمی را کنترل می‌کند نیازمند است (جوادی‌آملی، ۱۳۹۲: ۱۳۳) از لحاظ ارتباط با عالم ماده و عالم غیب برخی از عرفا عقل را به دو نوع عقل جزئی و عقل کلی تقسیم کرده‌اند که عقل جزئی با سود و زیان دنیایی و عالم طبیعت سروکار دارد و عقل کلی به دنبال آخرت و درک عالم غیب است (فولادی و یوسفی، ۱۳۸۳: ۸۲). همچنین به لحاظ حوزه فعالیت عقل، آن به اقسام زیر تقسیم شده است: به این صورت که عقل، به اعتبار توجهش به دنیا و آخرت، به عقل معاد و معاش تقسیم می‌شود؛ عقل معاش همان عقل جزئی است و عقل معاد، همان عقل کلی است. به اعتبار منشاء عقل را می‌توان به عقل طبیعی یا فطری و اکتسابی و معادی تقسیم کرد (پایگاه اطلاع‌رسانی حدیث شیعی، ذیل واژه: تقسیمات عقل).

● **قلب:** قوه یا ابزاری باطنی است که نفس می‌تواند با تهذیب آن به شهود و دریافت حقایق بدون واسطه دست یابد. راه قبل و شهود در مرحله بسیار عالی به مدد صفا و نورانیت درونی در مرحله اشراق و الهام به طهارت روحی و سلوک باطنی، نیازمند است (ر.ک: روزبهی، ۱۳۹۵).

به واسطه ابزارهای شناخت مجموعه‌ای از شناخت‌ها و آگاهی‌ها در حوزه علوم بدست می‌آید

که اندیشمندان اسلامی آن را به دو دسته کلی شامل علوم حضوری و حصولی تقسیم می‌نمایند. علم حضوری علم بی واسطه‌ای است که خود واقعیت نزد عالم حاضر است نه صورت آن که امری است ذهنی و داخلی و به عبارتی subjective. در مقابل علم حضوری علم حصولی قرار دارد که به واسطه صورت‌های عینی و به عبارتی و ابزارهای حسی و عقلی بدست می‌آید این تعریف از علم انطباق دارد با مفاهیم متداول از علم که در جهان مدرن به کار می‌رود، یعنی همان معنی خارجی یا عینی و به عبارتی objective. به اعتقاد علامه طباطبائی علم حصولی نیز منتهی به علم حضوری می‌گردد به این مفهوم که به طور کلی ما یک علم حصولی و یا یک علم حضوری نداریم بلکه از علم حصولی تا علم حضوری یک سیر پیوسته از علم ما به اشیاء خارجی (از جمله باطن خودمان) نسبتی میان حصول به حضور وجود دارد (طباطبائی، ۱۳۶۹: ۱۸۷).

شناخت حصولی به دو دسته تصورات (علم حصولی کلی) و تصدیقات (علم حصولی جزئی) تقسیم می‌شوند. علم حصولی کلی، عقلی است و در مرتبه عقل کلی قرار دارد و با سه دسته: مفاهیم ماهوی، منطقی و فلسفی شناخته می‌شوند. علم حصولی جزئی، علم حس و احساس است که به سه دسته: حسی، خیالی (خیال فاقد تعقل) و وهمی منقسم می‌گردد و به اعتقاد علامه طباطبائی علم حصولی جزئی حسی پایین‌ترین مرتبه احساس است. به این ترتیب علم حصولی از پایین‌ترین مرتبه هستی و شناخت انسان، که همان مرتبه حس صرف باشد و با طی مراتب خیال، یعنی خیال فاقد تعقل، تفرس و تقلید و سپس در مرتبه عقل جزئی الی مرتبه عقل کلی در انسان حادث می‌شوند. علم حصولی قادر نیست مراتب اعلی شناخت، یعنی مرتبه قلب و روح و بالاتر را طی نماید. زیرا این مراتب در ورای مرتبه عقلی قرار دارند در حالی که علم حصولی تا عالی‌ترین مرتبه یعنی شناخت قلب و روح را طی می‌کند. پس علم حصولی از پایین‌ترین مرتبه شناخت تا مرتبه عقل کلی در انسان حادث می‌شود و پس از آن توسط علم حضوری درک می‌گردد.

در ارتباط عملکرد سه قوه شناخت باید به این

نکته نیز اشاره کنیم که عقل حجت باطنی و در رأس هستی ادراک انسان قرار گرفته و بر همه‌ی ادراکات احاطه و اشرف دارد. این احاطه موجب می‌شود که همه آنها با یکدیگر متحد و هماهنگ شوند و به ابعاد مختلف علوم راه‌یابند (ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۴: ۳۵). طبیعی است که بهره‌گیری از هر کدام

از عقول با جایگاه هستی‌شناسانه و محوریت قراردادن آن، شناخت متفاوت و خلقی متفاوت را رقم خواهد زد. با توجه به این نکته توصیف هر کدام از عقول را برپایه جایگاه هستی‌شناسانه می‌توان مطابق جدول (۲) نوع و نحوه اندیشیدن آنها در علوم مختلف را مورد بررسی قرار داد.

جدول (۳): اقسام عقول بر پایه مراتب شناخت و تعاریف آن

| حوزه علم | نحوه و مرتبه اندیشیدن | تعریف | اقسام عقل | |
|---------------|--|---|-----------|-------------|
| علم حضوری | اندیشه‌ای که از عقل جزئی حاصل می‌شود تذکر است و بالاترین مرتبه عقلی است. | عقلی است که صرفاً به امور اخروی توجه دارد (عقل الهی) | کلی | عقل معادی |
| | | | تحقیقی | |
| حضوری - حصولی | اندیشه‌ای که از عقل تحقیقی حاصل می‌شود تفقه است | عقلی است که حاصل آموختن و شنیدن عقلی و قلبی است | معادی | عقل اکتسابی |
| | | | مسموع | |
| حضوری - حصولی | اندیشه‌ای که از عقل تحقیقی حاصل می‌شود تعقل است | عقلی است که حاصل آموختن و شنیدن است | کلی | عقل معاش |
| | | | حسی | |
| علم حصولی | اندیشه‌ای که از عقل جزئی حاصل می‌شود تفکر است و پایین‌ترین مرتبه اندیشه است. | عقلی است که صرفاً برای بهره‌مندی از متاع دنیا به کار می‌رود (عقل محض انسانی). | کلی | عقل معاش |
| | | | حسی | |

بدین ترتیب می‌توان کلیه معارف را براساس نسبتی که با علم حصولی و حضوری دارند دسته‌بندی نمائیم و یا به عبارت دیگر آنها را برپایه علم حصولی یا عینی، علم حضوری یا باطنی و علم حصولی - حضوری یا عینی - باطنی به سه حوزه نسبتاً قابل تفکیک مجزا نمائیم (رئیس سمیعی، ۱۳۸۳: ۹۴) البته این انفکاک به واسطه

تفاوت‌های متنوع علوم کمی سخت است به خصوص علوم حصولی - حضوری به واسطه شدت حصولی به حضوری و یا بالعکس ممکن است الگوهای دیگری نیز تعریف گردد. در جدول (۳) ویژگی‌های علمی هر حوزه، اصالت ابزار شناخت و جایگاه هستی‌شناسانه آن معرفی می‌گردد.

جدول (۴): حوزه‌بندی علوم بر پایه انواع معرفت

| حوزه علوم | تعریف | حدود در مراتب شناخت‌شناسی | اصالت ابزار شناخت | ویژگی شناخت | حوزه دانشی | جایگاه هستی‌شناسانه |
|-----------|--|---------------------------|-------------------|-------------|---------------------|---------------------|
| حصولی | ماهیت علم به آنها از طریق علم به ماهیت خارجی و عینی حاصل می‌شود. | مرتبه عقل طبیعی - حسی | حسی | ۰ | علوم طبیعی و فیزیکی | جهان‌بینی علمی |
| | | | | | | |

| حوزه علوم | تعریف | حدود در مراتب شناخت‌شناسی | اصالت ابزار شناخت | ویژگی شناخت | حوزه دانشی | جایگاه هستی‌شناسانه |
|---------------------------------|--|---------------------------|-------------------|-------------|---------------------------|---------------------------|
| جزئی - حصولی - حضور | این علوم دارای منشأ ذاتی انسان یعنی حضور من به صورت خلاقیت نفس باطنی و ذهنی و از طرف دیگر به دلیل عوامل جمعی زیست اجتماعی عینی و خارجی هستند. | مرتبه عقل اکتسابی - مسموع | عقلی | o/s | روانش‌شناسی - جامعه‌شناسی | جهانبینی فلسفی |
| | | مرتبه عقل اکتسابی - معادی | عقلی - قلبی | o/s | فلسفه | |
| حضور - حصولی | علم حضوری یعنی علم نفس به ذاتش که از قوام دو خلاقیت تبلور می‌یابد. یکی خلاقیت نفس انسانی که در صورت و نظاهر عینی و خارجی حاصل می‌شود و دومی معرفت مخلوق به خالق که تا حدودی خارج از استدلالات فلسفی است. | مرتبه عقل معادی - تحقیقی | قلبی - عقلی | s/o | حکمت | جهان‌بینی فلسفی - توحیدی |
| حضور - حصولی | | مرتبه عقل معادی - کلی | قلب | s | عرفان | جهان‌بینی توحیدی - عرفانی |

O عینیت‌گرا - S ذهنیت‌گرا

شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی مکاتب معماری معاصر از دیدگاه اسلامی

امکان شناخت در حوزه معماری در دو مقوله اتفاق می‌افتد. اول شناختی که از دل هستی‌شناسی و دوم شناختی که از دل معرفت‌شناسی ایجاد می‌شود. اما همانگونه که مطرح شد هستی‌شناسی منوط به معرفت‌شناسی است. اگر تعاریف مبتنی بر یکی از ابزارهای شناخت یعنی حواس یا عقل یا قلب استوار گردند. تعاریف مختلفی از معماری و در نهایت جهان‌بینی‌های متفاوتی از آن ارائه خواهد شد. این در حالی است که در تفکر صدرایی هر سه ابزار شناخت در نظر گرفته می‌شود. همچنین معماری به طور کلی

از آن دسته علوم بشری است که با هر سه حوزه علوم (حضور، حصولی و حضوری-حصولی) ارتباط دارد و جامعیت تعریف معماری می‌بایست هر سه حوزه علوم معرفتی را دربرگیرد.

امروزه تعاریف مختلف معماری بر پایه انواع مراتب شناخت و انحصار بر یکی از علوم معرفتی حاصل شده که هر کدام مکمل یکدیگر هستند و برای تعریف جامع و مانع از معماری نمی‌توان تن‌ها به یک از آنها اکتفا نمود. از طرفی در دوره معاصر سه جریان کلی یا سه نظام فکری در معماری با توجه به سه ابزار شناخت و انحصار بر یک یا چند از علوم معرفتی مورد توجه است که می‌توان آنها را بر پایه

جایگاه هستی‌شناسانه (جهان‌بینی) تقسیم‌بندی نمود.

جهان‌بینی نوع برداشت و طرز تفکر و زیرساز و تکیه‌گاه فکری یک مکتب درباره جهان هستی به شمار می‌رود (مطهری، ۱۳۹۰: ۷) جهان‌بینی به دو بخش کلی تقسیم می‌گردد: جهان‌بینی الهی و جهان‌بینی مادی (قرائتی بی تا: ۱۳) شایان توجه است که دایره کاربرد «جهان‌بینی» وسیع‌تر از عقاید دینی است (مصباح، ۱۳۹۲: ۱۳) و سه پهنه معرفتی بشر را تشکیل می‌دهد (ذوالفقارزاده،

۱۳۸۴: ۱۰۳). جهان‌بینی یا جهان‌شناسی به‌طورکلی از سه منبع ممکن است الهام می‌شود: علم، فلسفه و دین پس جهان‌بینی سه گونه علمی، فلسفی، دینی هستند (مطهری، ۱۳۹۰: ۹). در جدول (۴) مکاتب گوناگون برپایه نظام‌های فکری در معماری با توجه به سه ابزار شناخت و سه حوزه علوم معرفتی ذیل دو دسته از جهان‌بینی الهی و مادی و سه پهنه معرفتی علم، فلسفه و دین ارائه گردیده است.

جدول (۵): نظام‌های فکری جریان‌های معاصر اسلامی از دیدگاه شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی

| جهان‌بینی | نظام‌های فکری | | ابزار و شیوه شناخت | اصالت ابزار شناخت | حدود در مراتب شناخت | حوزه علوم | علوم مرتبط به معماری | جایگاه هستی‌شناسانه | | |
|-----------|---------------------|-------------|---|---------------------------|---------------------|-----------|---|---------------------|------------------------------|---------------------|
| | واقعی‌گرایی الهی | اصولی | | | | | | | | |
| الهی | واقعی‌گرایی الهی | اصولی | حس + عقل + قلب مبتنی بر داوری وحی و کلام معصوم | وحی | عقل معادی | حضور | توجه به معارف فقهی، اصول اخلاقی و اعتقادی الهی و وحی | جهان‌بینی توحیدی | | |
| | واقعی‌گرایی حکیمانه | حکیمانه | | | | | | | حس + عقل + قلب عقل تحقیقی | از حضور تاحصولی |
| | واقعی‌گرایی قلبی | عرفانی | | | | | | | قلب و عقل شهودی | حضور - حصولی |
| انسانی | وجودگرایی | وجودنگری | وابسته به ذات انسانیت، هستی | عقل و قلب (انسانی و الهی) | عقل اکتسابی - معادی | حصولی - | توجه به حوزه‌های روانشناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ‌شناسی، رفتارشناسی، فرهنگ‌شناسی، علوم برنامه‌ریزی و مدیریت و... | جهان‌بینی فلسفی | | |
| | نسبی‌گرایی | جمع‌گرایی | | | | | | | عقل مسموع اکتسابی - | عقل اکتسابی - معادی |
| | فردگرایی | فردگرایی | | | | | | | عقل | عقل اکتسابی - معادی |
| مادی | واقعی‌گرایی حصری | واقعی‌گرایی | تحلیل معقولات فطری و تجربیات حواس پنجگانه و تجربیات | حسی - عقلی | عقل معاش | حصولی | توجه به علوم سازهای، علوم زیستی، دانش اقلیمی، توسعه پایدار، اکولوژیک، تکنولوژی و..... | جهان‌بینی علمی | | |
| | حس‌گرایی | حس‌گرایی | | | | | | | حس | عقل طبیعی حسی - |
| | شک‌گرایی | شک‌گرایی | | | | | | | فاقد اصالت | پوچ |

بررسی و تحلیل شیوه‌های نگرش و تعاریف موجود معماری اسلامی از دیدگاه شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی با توجه به مطالعات صورت پذیرفته در بدنه تحقیق می‌توان تمامی شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی در جدول (۲) را بر پایه نظام‌های فکری (مشربه‌های فلسفی) دوره معاصر و ارتباط آن با شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی منطبق با تحلیل‌های جداول (۴) و (۵) در قالب

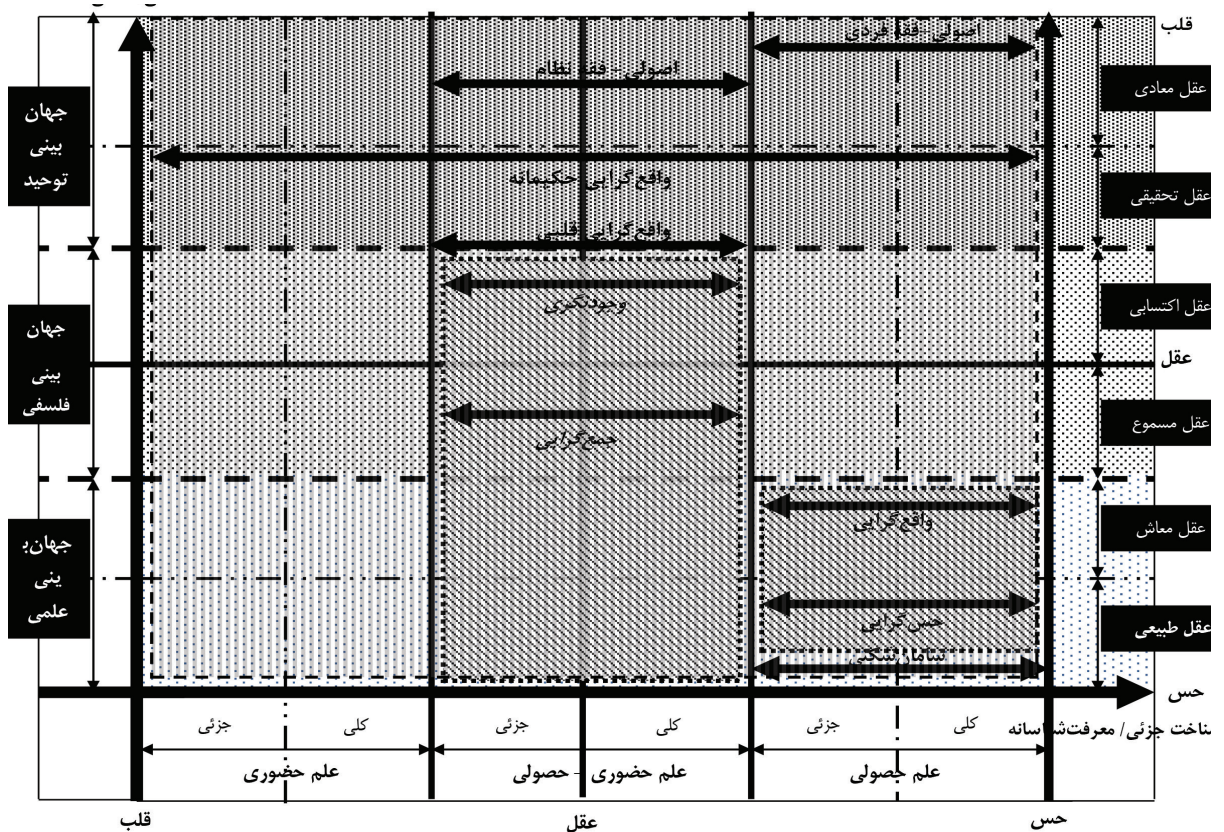
جدول ذیل (۶) تنظیم نمود. همچنین می‌توان به منظور شناسایی، سطح‌بندی و پهنه‌بندی و اهمیت نظام‌ها و الگوهای فکری معاصر نموداری همانند نمودار شماره (۲) طراحی نمود که در دوراستای طولی (شناخت کلی - هستی‌شناسانه) شامل سه پهنه مبنایی جهان‌بینی دینی، فلسفی و علمی و ۵ مرتبه هستی‌شناسانه عقول و راستای عرضی (شناخت جزئی - شناخت‌شناسانه) شامل ۳ علوم معرفتی، کلیه شیوه‌ها را طبقه‌بندی نماید.

جدول (۶): بررسی شیوه‌های نگرش معماری اسلامی بر پایه شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی نظام‌های فکری از دیدگاه اسلامی

| جایگاه هستی‌شناسانه | حوزه معرفتی علوم | حدود در مراتب شناخت | تجربه شناختی | فرآیند شناختی | ابزار و شیوه شناخت | پند و برداشت | تعاریف و ویژگی‌ها | نظام‌های فکری | | |
|---------------------|------------------|----------------------|--|---------------|--|--|---|---|--|---|
| | | | | | | | | شیوه‌های نگرش | واقع‌گرایی (محض الهی) | |
| جهان‌بینی توحیدی | حضوری | عقل معادی | تجربه متعالی | در طول ۵۰S | قلب مبتنی بر داوری وحی و کلام | هشام مرتضی، سلیم بسیم حکیم، سپاهیک عمر، قربانی | توجه صرف به منابع روایی و استخراج دستورالعمل‌ها از آیات و روایات | فقه فردی | اصولی | |
| | حضوری-حصولی | | | | عقل + قلب مبتنی بر داوری وحی و کلام | اراکی | اسنباط حکم شرعی از منابع اصلی شریعت (کتاب مقدس + کلام معصوم) | فقه نظام | | |
| | ازحضوری تا حصولی | عقل تحقیقی | | | حس + عقل + قلب مبتنی بر داوری وحی و کلام | ندیمی، حجت، نقی‌زاده، نقره‌کار | ارتباط سیستمی همه هستی، اهمیت ابعاد الهی انسان، وحدت‌گرایی و کثرت‌گرایی بیان و نمادگرایی کامل، سادگی در عین پیچیدگی، به کارگیری به جا نظم و بی نظمی و هندسه | نظری - فلسفی | حکیمانه | واقع‌گرایی حکیمانه |
| جهان‌بینی فلسفی | حصولی - حضوری | عقل تحقیقی - اکتسابی | تجربه آزادانه الهی، فطری و انسانی و بیرونی | O مرتبط با S | قلب و عقل شهودی | نصر و اردلان | باطن‌گرایی، رمزپردازی، تصوف و فتوت | معناگرا | عرفانی | واقع‌گرایی قلبی |
| | | | | | عقل اکتسابی | عقل اکتسابی معادی | وایسته به ذات، انسانیت، هستی و طبیعت | کوماراسوامی، شوان، اتین هاوزن، گربا، کریشلو، | توجه به رابطه انسان با هستی و دین خداوند و معنویت، نوگرایی فکری در بهره‌مندی از تجربیات تاریخی | سنت‌گرایی معنوی همراه با ذات‌گرایی و سنت‌گرایی تاریخی |
| جهان‌بینی فلسفی | حصولی - حضوری | عقل تحقیقی - اکتسابی | تجربه آزادانه الهی، فطری و انسانی و بیرونی | O مرتبط با S | وایسته به ذات، انسانیت، هستی و طبیعت | کوماراسوامی، شوان، اتین هاوزن، گربا، کریشلو، | توجه به رابطه انسان با هستی و ذات طبیعت، تجدیدکالبدی توجه به ذات طبیعت، زمین و بازگشت به تاریخ، توجه به شناسنامه ذهنی فرد در جامعه | سنت‌گرایی معنوی همراه با ذات‌گرایی و سنت‌گرایی تاریخی | وجودنگری | وجودگرایی |

| نظام‌های فکری | شیوه‌های نگرش | تعاریف و ویژگی‌ها | فکر پدیدارزاد | ابزار و شیوه شناخت | فراپند شناخت | تجربه شناختن | حدود در مراتب شناخت | حوزه معرفتی علوم | جایگاه هستی‌شناسانه |
|---------------|---------------|--|--|--|--------------|---------------------|---------------------|------------------|---------------------|
| نسبی‌گرایی | فرهنگ‌گرا | همانگی با طبیعت، تاریخ و جامعه، کثرت‌گرایی، مردم‌گرایی، نمادگرایی تاریخی و فرهنگی، به کارگیری تزئین، پیچیدگی، نظم، نظام شبه دینی یا بدون دین | جرح میشل | وابسته به دوره تاریخی، طبقات اجتماعی و شرایط نژادی | از Ose | تجربه فردی | عقل اکتسابی - مسموع | | |
| | جامعه‌گرا | | معماریان | | | | | | |
| واقع‌گرایی | واقع‌گرای | وحدت‌گرایی، جهان اسلام، اهمیت کارکرد و سازه، نفی نمادگرایی، سادگی و یکپارچگی نظم، الگوهای فرمی و تزئینی، روابط فضایی | کلاوس هردوگ | تحلیل معقولات فطری و تجربیات | از SبهO | تجربه بیرونی و مادی | عقل معاش | حصری | جهان‌بینی علمی |
| | حس‌گرای | | هیلن براند، پوپ، گراب، هرتسفلد | | | | | | |
| شکاکان | شک‌گرایی | کثرت‌گرایی، چندمعنایی، ابهام، تناقض و تضاد، نفی تزئین، بی‌نظمی | معماران فرنگ‌گرا | عدم وجود ابزارها و شیوه‌های قابل اعتماد | ندارد | اعتبار ندارد | پوچ | حصری | |
| فردگرایی | ظاهرگرا | | معماران جوان علاقه‌مند به معماری بومی و اسلامی | ابزارها و شیوه‌های فردی | | | | | |

O عینیت‌گرا - S ذهنیت‌گرا



نمودار ۲: شناسایی، سطح‌بندی و پهنه‌بندی شیوه‌های مختلف نگرش به معماری اسلامی

براساس این دسته‌بندی و طبقه‌بندی نظام‌های فکری که در سطح جهان‌بینی الهی قرار می‌گیرند به واسطه قرارگیری در مراتب عقلی بالاتر ظرفیت دستیابی به وسعت نظر و شمولیت بیش‌تری نسبت به مکاتب انسان‌مدار برخوردار هستند در این بین نظام فکری حکیمانه به واسطه توجه به سه ابزار شناخت در مراتب عرضی نیز پهنه بیش‌تری از علوم را در بر می‌گیرند و می‌تواند تعریف جامع‌تری از معماری را ارائه نماید. در این سطح‌بندی به ترتیب نظام‌های فکری معناگرا، وجودنگری و نسبی‌گرایی و واقع‌گرایی در مرتبه‌های دیگر قرار می‌گیرند. به وسیله این روش می‌توان تمام شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی موجود در عصر معاصر را مورد بررسی و تحلیل قرارداد. الگوهای فکری که از جامعیت بیش‌تری برخوردار هستند تعریف جامع‌تر و مانع‌تری نسبت به معماری ارائه می‌دهند. و آن‌هایی که مراتب بالاتری دارند به سطوح بالاتری از تعاریف معماری دست پیدا می‌کنند.

نتیجه‌گیری

برای دست‌یابی به شناخت معماری اسلامی باید به تعریف مفهومی و جامع از معماری رسید که بتواند زمینه بررسی و تحلیل پیرامون تعاریف و مفاهیم دیگر الگوهای فکری را گسترش دهد. ارائه تعریف و مفهوم جامع و مانع از معماری اسلامی منوط به دستیابی به هستی‌شناسی معماری است که در ابتدای امر می‌بایست از طریق معرفت‌شناسی مورد تحلیل قرارگیرد. زیرا برپایه اندیشه اسلامی در اینجا حکمت متعالیه صدرانی شناخت در صورتی کامل خواهد بود که از دو بعد هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه به صورت توأمان به آن مسئله پرداخته شود. با توجه به دستاوردهای تحقیق که در جدول (۶) و نمودار (۲) به آن پرداخته شده است می‌توان اثبات فرضیه تحقیق در پاسخ به سوالات تحقیق را مفید دانست. زیرا غالب تعاریف معماری اسلامی در عصر حاضر در یک نظام فکری حصری و محدود پدید آمده‌اند. به واسطه جزءنگری از جامعیت لازم برخوردار نیستند.

برای مثال از میان نظریه‌پردازان، نظریه‌پردازی چون سنت‌گرایان از نگاه جامع‌تری به مفهوم معماری نگریسته‌اند به گونه‌ای که نگاه آنها تا آخرین سطح جهان‌بینی فلسفی امتداد یافته است اما به علت داشتن پهنای شناختی کم‌تر ضمن نداشتن جامعیت نسبت به نگاه‌های کامل‌تر و جامع الهی از پهنه‌بندی کم‌تری نیز برخوردار است. همچنین نظریه‌پردازان معتقد به اصول فقه فردی با آنکه در بالاترین سطح از پهنه‌بندی قرار می‌گیرند اما به علت جزءنگری آن جامعیت لازم را ندارند.

دستاوردهای تحقیق به خصوص دسته‌بندی نتایج در نمودار سطح‌بندی و پهنه‌بندی به ما نشان می‌دهد سلسله مراتبی هستی‌شناسانه و پهنه‌ای معرفت‌شناسانه در ظهور معماری به عنوان نمایش قانونمندی مصنوع و حضور آن در عرصه طبیعی وجود دارد که از جهان‌بینی علمی شروع می‌شود و تا جهان‌بینی توحیدی ادامه پیدا می‌کند هر یک از این سلسله مراتب سه‌گانه در هویت بخشی، پویایی و شکل‌گیری اثر معماری لازم است، از آن‌جا که علوم معماری، علوم بین‌رشته‌ای است همه علوم معرفتی را شامل می‌گردد. براساس این تحقیق در هر دوره از این نظام سلسله مراتبی می‌توانیم نوعی از معماری اسلامی را تعریف و شکل دهیم که در نمودار (۳) به آن پرداخته شده است. طبیعی است به میزان آن‌که مفاهیم و تعاریف در مواجهه با سطح و پهنای هستی‌شناسانه و معرفتی از شدت و قوت کم‌تر و یا بیش‌تری برخوردار می‌شوند تعریف جامع‌تر و جهان‌شمول‌تر از معماری را شاهد خواهیم بود. بنابراین هدف والای معماری بر مبنای اندیشه اسلامی شکل‌گیری معماری مقدس برپایه تمامی دانش‌ها، بینش‌ها و حکمت‌های بشری و الهی است و مادامی که نتوانیم به این سطح از جامعیت در نظام‌های فکری دست‌یابیم، ارائه معماری با مفاهیم مبنایگرایانه و کاملاً انسانی متناسب با ابعاد وجودی انسان غیر ممکن خواهد بود. بنابراین برای تعریف معماری اسلامی از نگاه بیرونی (هستی‌شناسی) باید از آن فاصله گرفت و کلیت آن را در ارتباط با دیگر اشیاء در نظر

دانست. بنابراین به طور خلاصه می‌توان تعریف معماری را در چارچوب ارائه شده اینگونه مطرح نمود که: معماری اثری منبعث از جهان بینی دینی، فلسفی و علمی است و بر پایه حس، عقل و قلب شکل گرفته و آثار حاصل از آن پاسخ‌گوی نیازهای مادی و معنوی انسان بوده و کامل‌ترین و اثرگذارترین آثار خواهد بود.

گرفت و آن را تعریف کرد. ولی برای نگاه درونی (شناخت‌شناسی) نیاز به فاصله گرفتن ندارد و باید به آن نزدیک شد و آن را درک کرد. همچنین برای تعریف جامع و مانع از معماری می‌بایست شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی را مبنای تعریف و مفهوم معماری قرارداد. در تعریف معماری اسلامی می‌بایست با یک نگاه مجموع‌نگر همه مراتب و همه پهنه‌ها را دخیل



نمودار ۳. معماری متناظر با هر سطح و پهنه

بنایی که آراسته شده و مرمت شده (دهخدا، ذیل «معمور»).

۴. عمارت / آباد کردن، مأهول و مسکون گردانیدن. (دهخدا، ذیل «عمارت»).

۵. عمران / آبادانی، آباد شدن (دهخدا ذیل «عمران»).

۶. تعمیر / یعنی زندگانی دادن، مرمت بنای شکسته و در اصل به معنی طول عمر دادن است.

(دهخدا، ذیل «تعمیر»).

پی‌نوشت

۱. ر.ک: عبدالحمید نقره‌کار و محمدعلی رنجبر کرمانی (۱۳۹۲) روش پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در پرتو بینش اسلامی، مجموعه مقالات مشترک در حکمت هنر و معماری اسلامی، صص ۱۱-۳۴.
۲. معمور / محلی که آب و سبزه و سکنه بسیار دارد. معمور یعنی آباد کننده و جایی را مسکون نماینده (دهخدا، ذیل «معمور»).
۳. معمور / یعنی آباد، آبادان و مسکون و دارای جمعیت از مردمان، عمارت شده و تعمیر شده و

| سوره | آیات | عربی | ترجمه آیات |
|--------|----------|---|---|
| توبه ۱ | ۱۹ تا ۱۷ | <p>مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ﴿١٧﴾</p> <p>إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿١٨﴾</p> <p>أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٩﴾</p> | <p>۱۷- مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند در حالی که به کفر خویش گواهی می‌دهند! آنها اعمالشان نابود (و بی ارزش) شده؛ و در آتش (دوزخ)، جاودانه خواهند ماند!</p> <p>۱۸- مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد، و جز از خدا نترسد؛ امید است چنین گروهی از هدایت‌یافتگان باشند.</p> <p>۱۹- آیا سیراب کردن حجاج، و آباد ساختن مسجد الحرام را، همانند (عمل) کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده، و در راه او جهاد کرده است؟! (این دو)، نزد خدا مساوی نیستند! و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی‌کند!</p> |
| طور ۲ | ۴ | وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ﴿٤﴾ | و به آن خانه آباد (انصریان، ۱۳۹۱: ۵۲۳) |
| هود ۳ | ۶۱ | وَالِیُّ تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَعِفُّوهُ ثُمَّ تَوَبُّوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ ﴿٦١﴾ | <p>و بسوی قوم «ثمود»، برادرشان «صالح» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست! اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما واگذاشت! از او آمرزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید، که پروردگارم (به بندگان خود) نزدیک، و اجابت‌کننده (خواست‌های آنها) است!»</p> |
| روم ۴ | ۹ | أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضِ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٩﴾ | <p>آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! آنها نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را (برای زراعت و آبادی) بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند، و پیامبران‌شان با دلایل روشن به سراغشان آمدند (اما آنها انکار کردند و کفر خود را دیدند)؛ خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، آنها به خودشان ستم می‌کردند!</p> |

۶. ر.ک: به نقره‌کار ۱۳۸۷ و روان و علی‌تاجر ۱۳۹۷.

منابع

قرآن کریم

اکرمی، غلامرضا (۱۳۸۲) تعریف معماری، گام اول آموزش (چالش‌ها و تناقضات)، هنرهای زیبا (۱۶)، صص ۳۳-۴۸.

امین‌پور، احمد و علیرضا پیروزمند و عباس جهانبخش، (۱۳۹۷) روش‌شناسی نظریه‌پردازی هنر و معماری اسلامی، روش‌شناسی علوم انسانی، (۹۶)، صص ۷۱-۸۹.

ابراهیمی‌دینانی، غلامحسین (۱۳۹۴) از محسوس تا معقول، تهران، موسسه پژوهش حکمت و فلسفه ایران.

ابن سینا، حسین ابن عبدالله (۱۳۲۸) منطق المشرقیین، چاپ افست تهران، بی‌تا.

و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال سوم، شماره ۱ دوم، پاییز و زمستان، صص ۶۶-۴۵.

----- (۱۳۹۳) تحلیلی بر شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی، پژوهش‌های معماری اسلامی، (۳)، صص ۶۶-۴۵.

روان، علی و سعید علی‌تاجر (۱۳۹۷) ترسیم طرح‌واره‌ای جامع‌نگر از فرآیند طراحی معماری با تطبیق روش‌شناسی تأویلی شناخت طراحی، برسازواری کلی معرفتی در نظام حکمت متعالیه، پژوهش‌های معماری اسلامی (۲۱)، صص ۱۵-۳۵.

روزبهی، فضل‌الله (۱۳۹۶) نقش ابزارهای معرفتی (حس، عقل، قلب) در معرفت دینی، فصلنامه علمی اندیشه نوین علمی (۴۹)، صص ۱۳۵-۱۵۶.

رئیس سمیعی، محمد مهدی (۱۳۸۳) نظریه مراتب وجود تأویل آن در معماری، رساله دکتری رشته معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.

سامه، رضا و غلامرضا اکرمی (۱۳۹۳) تبیین مفهوم معماری به مثابه «امر معماری» از ماهیت تا کیفیت، چهارصفه (۱)، صص ۲۹-۳۷.

شقایق، پژمان (۱۳۹۰) درآمدی بر نظریه‌ی آبادی: امنیت و سکونتگاهی انسان در ایران، تهران، پژواک.

صفدریان، غزال (۱۳۹۶) تبیین تأثیرات پارادایم بر تغییرات فرم در معماری معاصر، هویت شهر (۳۱)، صص ۹۵-۱۰۴.

طباطبائی، سید محسن (علامه)، شرح کتاب نه‌ایه الحکمه، شرح و تحقیق حسین حقانی زنجانی، قم، شکوری.

علی‌آبادی، محمد (۱۳۹۱) جایگاه عقل در مفهوم پایداری شهر (نگاهی دیگر به مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی)، دو فصلنامه

انصاریان، حسین (۱۳۹۱) ترجمه قرآن، تهران، پیام عدالت.

ایمانی، نادیه (۱۳۸۴) نقد تلقی مورخان از معماری اسلامی، گلستان هنر (۱)، صص ۷۴-۸۰.

پایگاه اطلاع‌رسانی حدیث شیعه (۱۳۹۹) ذیل واژه عقل: <http://hadith.net>، تاریخ مراجعه: (۱۳۹۹/۰۱/۱۰).

تقوائی، ویدا (۱۳۸۹) از چیستی تا تعریف معماری، هویت شهر (۷)، صص ۷۵-۸۶.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰) تفسیر موضوعی قرآن کریم * معرفت‌شناسی در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء.

----- (۱۳۹۱) انتظار بشر از دین، قم، مرکز نشر اسراء.

----- (۱۳۹۲) دین‌شناسی، قم، مرکز نشر اسراء.

خوانساری، محمد (۱۳۷۶) فرهنگ اصطلاحات منطقی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

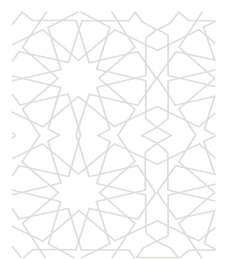
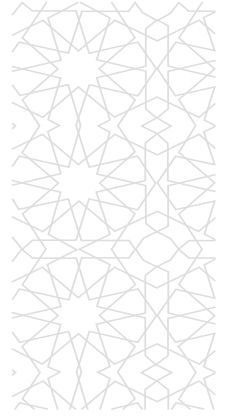
----- (۱۳۷۸) دوره مختصر منطق صوری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

دانشنامه جهان اسلام (۱۳۹۹) ذیل واژه تعریف <https://rch.ac.ir>، تاریخ مراجعه: (۱۳۹۹/۰۱/۱۰).

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۲۴) لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.

ذوالفقار زاده، حسن (۱۳۸۴) فقه و معماری، شیوه تفقه دینی و دانش معماری، رساله دکتری رشته معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.

----- (۱۳۹۱) زیبایی‌شناسی در جهان-بینی دینی و فلسفی و علمی، پژوهشنامه علم



معماری ایرانی (۱)، صص ۳۷-۲۵.

عمید، حسن (۱۳۹۳) فرهنگ عمید، تهران، فرهنگ اندیشمندان.

فلامکی، محمدمنصور (۱۳۹۰) ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری، تهران، فضا، وابسته به موسسه علمی و فرهنگی فضا.

فولادی، محمد و یوسفی، محمدرضا، جایگاه عقل و مراتب آن در مثنوی معنوی مولوی، پژوهش‌های فلسفی-کلامی (۲۲ و ۲۳)، صص ۸۱-۱۱۱.

قبادیان، وحید (۱۳۹۷) سبک‌شناسی مبانی نظری در معماری معاصر، تهران، علم معمار رویال.

قزائتی، محسن، بی‌تا، توحید، قم، موسسه درراه حق.

کاملنیا، حامد و مهدوی نژاد، محمدجواد (۱۳۹۱) آشنایی با معماری معاصر تهران، علم معمار رویال.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۷) آموزش فلسفه، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.

تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل. ----- (۱۳۹۲) آموزش عقائد،

مطهری، مرتضی (۱۳۹۰) مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (۲)، جهان‌بینی توحیدی، تهران، صدرا.

----- (۱۳۹۲) مسئله شناخت، تهران، صدرا.

معماریان، غلامحسین (۱۳۹۵) سیری در مبانی نظری معماری، تهران، غلامحسین معماریان.

معین، محمد (۱۳۷۵) فرهنگ فارسی، چ ۹. تهران، امیرکبیر.

مهدوی نژاد، محمدجواد (۱۳۸۳) حکمت معماری اسلامی، جستجو در ژرف‌ساخت‌های معنوی معماری اسلامی ایران، نشریه هنرهای زیبا (۱۹)، صص ۵۷-۶۶.

مهوش، محمد و ارغیانی، مصطفی (۱۳۹۹) معماری اسلامی از منظر علم دینی، اندیشه معماری (۷)، صص ۱-۱۳.

نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۸۷) درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی با همکاری مهدی حمزه‌نژاد، علی محمد رنجبر کرمانی، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی دفتر معماری و طراحی شهری: شرکت طرح و نشر پیام سیما.

----- (۱۳۸۹) مبانی نظری معماری، تهران، دانشگاه پیام‌نور.

----- (۱۳۹۴) برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری، تهران، کتاب فکر نو.

نقره‌کار، عبدالحمید و علی محمد رنجبرکرمانی (۱۳۹۲) روش پژوهش‌های میان رشته‌ای در پرتو بینش اسلامی، مجموعه مقالات مشترک در حکمت هنر و معماری اسلامی، ج ۲، قزوین، جهاددانشگاهی قزوین.

نقره‌کار، عبدالحمید و مهدی حمزه‌نژاد و علی محمد رنجبرکرمانی (۱۳۹۷) تبیین معماری و شهرسازی مبتنی بر هویت اسلامی-ایرانی، قزوین، جهاددانشگاهی قزوین.

تأثیر زنجیره تأمین پویا بر عملکرد خدمات الکترونیک شهری در بافت تاریخی شهر یزد

نجمه رضایی صدرآبادی*، حسین معین زاد**، محمدعلی کرامتی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۳

نوع مقاله: پژوهشی - ۱۱۸-۱۰۱

چکیده

شهرهای ایرانی اسلامی در گذر زمان شاهد تحولات و دگرگونی‌های متعددی بوده‌اند. در عصر حاضر، با پیشرفت روزافزون تکنولوژی، ضرورت ارائه خدمات الکترونیک شهری به عنوان راهکاری برای ارتقای کیفیت زندگی شهروندان بیش از پیش احساس می‌شود. در این راستا، شهر تاریخی یزد با سابقه درخشان در معماری و شهرسازی سنتی، گامی مهم در جهت ارائه خدمات الکترونیک شهری برداشته است. هدف اصلی تحقیق بررسی تأثیر زنجیره تأمین پویا بر عملکرد خدمات الکترونیک شهری در بافت تاریخی شهر یزد می‌باشد. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های اسنادی با ابزار کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده و جامعه آماری افراد آشنا به مبحث خدمات الکترونیک شهری و زنجیره تأمین پویا بوده و نمونه‌ای به حجم ۲۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار Smart-PLS انجام شده است. نتایج پژوهش نشان داد که زنجیره تأمین پویا نقشی کلیدی در ارتقای عملکرد خدمات الکترونیک شهری در بافت تاریخی شهر یزد ایفا می‌کند و شاخص‌های هزینه، قابلیت اطمینان، انعطاف‌پذیری، پاسخگویی، دارایی و چابکی به ترتیب مهمترین شاخص‌های زنجیره تأمین پویا هستند. با توجه به اهمیت این موضوع در سایر شهرهای ایرانی اسلامی، ضروری است که مطالعات مشابهی در این زمینه انجام شود تا الگویی جامع و کاربردی برای ارتقای کیفیت خدمات الکترونیک شهری در سراسر کشور ارائه شود.

واژه‌های کلیدی: بافت تاریخی شهر یزد، خدمات الکترونیک شهری، زنجیره تأمین پویا، شهر الکترونیک، مدل حداقل مربعات جزئی

Najmeh.rezaei.sadrabadi@gmail.com

Moinzad@iauctb.ac.ir

Mohammadalikeramati@yahoo.com

* دانش‌آموخته دکتری گروه مدیریت فناوری اطلاعات، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

** نویسنده مسئول: استادیار، گروه مدیریت صنعتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

*** دانشیار، گروه مدیریت صنعتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران



مقدمه

در شهرهای تاریخی ایرانی اسلامی مانند یزد، زنجیره تأمین نقشی حیاتی در پویایی و شکوفایی این مراکز داشته است. این شبکه پیچیده، کالاها را از تولیدکنندگان، بازرگانان، کاروانسراها و دیگر عوامل، از دورترین نقاط جهان به این شهرها می‌رساند و رونق اقتصادی و فرهنگی قابل توجهی را به ارمغان می‌آورد. زنجیره تأمین در این شهرها وظایف مهمی مانند تأمین آب، غذا، مصالح ساختمانی و کالاهای لوکس را بر عهده داشته است. این شبکه همچنین تبادل فرهنگ و ایده را تسهیل می‌کرد و به غنی شدن فرهنگ این شهرها کمک می‌کرد. حفظ و احیای این میراث ارزشمند، نه تنها به حفظ هویت و تاریخ این شهرها کمک می‌کند، بلکه می‌تواند فرصت‌های جدیدی را برای توسعه اقتصادی و گردشگری آنها نیز به ارمغان آورد.

در چند دهه معاصر توسعه شتابان شهرها ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و محیطی و... بشر را تحت تأثیر قرار داده است. امروزه رشد جمعیت و افزایش مهاجرت به شهرها، منجر به توسعه کنترل ناپذیر نواحی شهری، خلق سکونت‌گاه‌های جدید، کاهش سطح رفاه انسانی و بروز مشکلات فراوان برای مدیران شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه شده است (دل‌باز و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۹). بافت تاریخی شهرها بخشی از سرمایه‌های کشور هستند، که نه تنها به لحاظ زیباشناختی، تداوم خاطرات جمعی و هویت بخشی ارزشمند هستند، بلکه محل زندگی بخش قابل توجهی از جمعیت شهرها محسوب می‌شوند. در واقع تحولات جمعیت شهری جهان در دو دهه اخیر، چالش‌هایی را برای سیستم مدیریت شهری به وجود آورده است که تا قبل از این با این چالش‌ها مواجه نبوده است. رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و پیچیدگی ماهیت مسائل شهری موجب شده که تأکید و توجه مدیران و برنامه‌ریزان بیش از هر زمان دیگر به سطوح پایین‌تر و ابعاد مملوس زندگی شهروندان معطوف گردد. بر این اساس، امروزه یکی از ارکان اساسی برنامه‌ریزی در دنیای جدید، توجه به مشارکت آگاهانه و فعالانه افراد جامعه در تمامی ابعاد

توسعه است.

زنجیره تأمین واحد کلیدی رقابت در محیط کسب و کار امروز است. هدف این رویکرد بهبود عملکرد، سودآوری و رقابت شرکای تجاری زنجیره تأمین است. با این حال، زنجیره‌های تأمین معاصر در معرض خطرات مختلفی از جمله اختلال در عرضه، تاخیر عرضه و نوسانات تقاضا هستند (لین^۱ و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۳۹۹). به این ترتیب، سیستم‌های بلادرنگ و زنجیره‌های تأمین پاسخ سریع به استراتژی‌های کلیدی برای بقا و تداوم کسب و کار تبدیل شده‌اند (سعد آبادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳۰). قابلیت‌های پویا به عنوان توانایی یک شرکت برای ادغام و بازسازی منابع به منظور انطباق با تغییرات محیط خارجی است و توضیح می‌دهد که چگونه یک شرکت می‌تواند برای به‌دست آوردن و حفظ مزیت‌های رقابتی، تغییرات به‌سرعت در حال شتاب بازار را در محیط شناسایی و درک کند. این یک نیروی محرکه مهم برای شرکت‌ها برای انطباق با تغییرات در محیط تجاری سریع و پویا و درک فرصت‌ها و تهدیدهای جدید است (صادقی و قاسمی، ۱۴۰۰: ۱۲۵).

توسعه شهرهای الکترونیکی در جهان با سرعت به پیش می‌رود و فرصت‌های بسیاری را برای محیط‌های زندگی، کار و تفریح مردم به وجود آورده است. شهرهای الکترونیکی در یک جامعه اطلاعاتی، بستری را فراهم می‌کنند تا مردم وارد هزاره سوم شده و تجربیات جدیدی را در زندگی آغاز کنند. فراهم آوردن زیرساخت‌های ارتباطی، شبکه افزار، انسان افزار، زیرساخت‌های امنیتی و توسعه نهادهای اطلاعاتی از جمله پیش‌زمینه‌های ایجاد شهر الکترونیک است. ایجاد شهر الکترونیک و قدم گذاشتن به عصر فناوری اطلاعات یک فرصت انکارناپذیر است. مهمترین هدف شهر الکترونیک خدمت‌رسانی مطلوب به شهروندان و کسب رضایت آنان می‌باشد. از این رو هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر زنجیره تأمین پویا بر عملکرد خدمات الکترونیک شهری در بافت تاریخی شهر یزد می‌باشد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق شهر ایرانی - اسلامی

شهر اسلامی به شهرهایی اطلاق می شود که در سرزمین های دارای فرهنگ و اعتقادات نشأت گرفته از دین اسلام ایجاد شده یا رشد یافته اند (ر.ک: کونوا، ۲۰۰۵). به نظر «بمات نجم الدین» شهر اسلامی عبارت است از نمایش فضایی شکل و ساختمان اجتماعی، که بر اساس ایده آل های اسلامی، فرم های ارتباطی و عناصر تزئینی خود را نیز در آن وارد کرده است. اما فراتر از آن، اصل دیگری بر جامعه مسلمانان حاکم است و آن محدود نبودن به زمان و نداشتن جغرافیای خاص است که مفهوم امت اسلامی آن را تعریف می کند. شهر اسلامی متأثر از شهروندان مسلمانش، هویتی مستقل پیدا می کند. در شهر اسلامی، فرم (هویت کالبدی) به تبع معنا (هویت محتوایی) تعریف می شود و کالبد، هویت خود را از محتوا اخذ می کند و این متأثر از بنیان های نظری هنر معماری اسلامی است (ر.ک: بمات ۲، ۱۹۹۰). در نتیجه امروزه با ورود به هزاره سوم و شروع عصر مجازی و با قدم نهادن به حیطه نانو تکنولوژی و ظهور فناوری اطلاعات و ارتباطات، اکثر جوامع دستخوش تغییرات بنیادین و اساسی شده اند و در این مسیر شهر ایرانی - اسلامی راهی به جز ورود به این حیطه ندارد.

مفهوم سازی شهر الکترونیک

مهم ترین تعریف شهر الکترونیک عبارت است از شهری با «زیرساخت ارتباطی، سخت افزار، نرم افزار و منابع انسانی مناسب که قادر است در بیست و چهار ساعت شبانه روز بدون تعطیلی خدمات بخش های دولتی، نهادها، سازمان ها، شرکت ها، فروشگاه ها و سایر بخش های خصوصی یک شهر را به صورت امن و به روز در اختیار شهروندان قرار دهد» (بلانگ و کارتر ۲، ۲۰۱۶: ۱۷۴).

شهر الکترونیک در فضای سایبری شکل گرفته

و اطلاعات موجود در آن دیجیتالی است و امکان به روزرسانی خدمات شهری داده ها، اطلاعات و رویدادها می بایست به صورت دائمی وجود داشته باشد. این مهم از طریق مشارکت های شهروندی امکان پذیر است و باز خورد شهروندان باعث به روزرسانی مرتب و اصلاح اطلاعات در آن می شود. شهروند در یک شهر الکترونیک با مسئولان به صورت خودکار در تعامل بوده و در بسیاری از اموری که به او مربوط می شود، باید تأثیر پذیر و اثرگذار باشد (داتا و آیونا، ۲۰۲۰).

مفهوم زنجیره تأمین پویا

امروزه سازمان ها به دلیل بزرگتر شدن زنجیره تأمین و پیچیده تر شدن شرایطشان، نیازمند ابزارها و تکنیک های جدید و مناسبی برای مبادلات مالی و مدیریت سرمایه در گردش بنگاه و زنجیره خود هستند. با ورود به قرن ۲۱، با توجه به توسعه سریع جهانی شدن اقتصاد و تکنولوژی اطلاعات، رقابت بین شرکت ها شدیدتر شده است، همکاری های چند ملیتی و منطقه ای در حال افزایش و قوی تر شدن هستند. محیط پیرامونی تحت چنین شرایطی چالش جدیدی را پیش روی مدیریت زنجیره تأمین سنتی قرار می دهد، زنجیره تأمین سنتی نمی تواند با تغییرات سریع محیط بیرونی و درونی تطبیق یابد و تعداد شرکت های همکاری کننده را محدود می کند (گو و همکاران ۵، ۲۰۲۰)، در مقایسه با زنجیره تأمین سنتی، زنجیره تأمین چابک مبتنی بر خدمات، مزیت هایی چون معماری، پویایی، چابکی و توسعه شرکتی رضایت بخش را دارد. تغییر شرایط و نیازهای فنی و مشتری، تولیدکنندگان را بر این وامی دارد تا به منظور رقابتی بودن قابلیت ها و توانایی ها، زنجیره تأمین چابک را ارائه می دهند؛ بنابراین، تأکید شرکت ها، بر انعطاف پذیری و بهبود عملکرد است تا در برابر نیازهای منحصر به فرد مشتری ها و بازارها پاسخ سریع دهند (منگ و همکاران ۶، ۲۰۱۸: ۲۳۱). قابلیت های پویا به عنوان ظرفیت یک شرکت

4. Datta, & Ayona

5. Gu & et al.

6. Meng & et al

1. Cuneo

2. Bamat

3. Belanger & Carter

شرکت را از رقبای اصلی خود متمایز می‌کند. در نهایت باید گفت که زنجیره تأمین بر تمام فعالیت‌های مرتبط با جریان و تبدیل کالاها از مرحله ماده خام تا تحول به مصرف نهایی و نیز جریان‌های اطلاعاتی مرتبط با آنها مشتمل می‌شود. برای دستیابی به لیستی اولیه از شاخص‌های زنجیره تأمین پویا و خدمات الکترونیک شهری، سعی شده است تا با مرور مطالعات، شاخص‌های شناسایی شده و در جدول (۱) دسته‌بندی و ارائه گردیده است.

برای ادغام، ایجاد و پیکربندی مجدد منابع داخلی و خارجی با استفاده از فرآیندهای سازمانی برای پاسخ به تغییرات در محیط رقابتی و طراحی استراتژی‌های جدید ارزش‌آفرینی تعریف می‌شود. قابلیت‌های پویا و ویژگی‌های مشترکی را در بین شرکت‌ها نشان می‌دهند و ممکن است فقط در ویژگی‌های آن‌ها منحصر به فرد باشند، زیرا بهترین شیوه‌ها در داخل و بین صنایع گسترش می‌یابد. با این حال، منحصر به فرد بودن در روال‌های سازمانی، توانایی آن‌ها در به کارگیری منابع و بهره‌وری سایر منابع در اختیار

جدول (۱) شاخص‌های زنجیره تأمین پویا

| محققان | شاخص‌ها | زیر شاخص‌ها |
|--|----------------|---|
| تانبرگ و پرسون ^۱ (۲۰۱۴) هریس ^۲ (۲۰۰۶) ردریگو ^۳ (۲۰۱۸) | قابلیت اطمینان | به هنگام بودن سفارشات، مقدار مناسب سفارشات، کیفیت خوب سفارشات |
| منگ و همکاران ^۴ (۲۰۱۸) هریس (۲۰۱۸) | چابکی | واکنش سریع به تغییرات پویا و پیش‌بینی نشده، توانایی پاسخگویی بلادرنگ به تغییرات در نیازهای مشتریان |
| کوکائوگلو و همکاران ^۵ (۲۰۱۳) هریس (۲۰۱۸) | پاسخگویی | کاهش زمان پاسخگویی به نیاز مشتریان، سرعت در تصمیم‌گیری |
| کوکائوگلو و همکاران (۲۰۱۳) هریس (۲۰۱۸) هنری و همکاران ^۶ (۲۰۱۷) | انعطاف‌پذیری | توانایی در پاسخگویی به تغییرات و تأثیرات خارجی، توانایی برای تغییر |
| بای و همکاران ^۷ (۲۰۱۲) هریس (۲۰۱۸) ریکارو (۲۰۱۸) | هزینه | هزینه عملیاتی فرآیندها، هزینه‌های نیروی کار، هزینه‌های مواد اولیه، هزینه‌های حمل و نقل، هزینه کالای فروخته شده، هزینه مدیریت زنجیره تأمین |
| کوکائوگلو و همکاران (۲۰۱۳) هریس (۲۰۱۸) ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۲۰۱۸ | دارایی | کاهش موجودی، بازگشت دارایی‌های ثابت |

جدول (۲) شاخص‌های خدمات الکترونیک شهری

| محققان | شاخص‌ها | زیر شاخص‌ها |
|---|---------------|---------------------------------|
| باکیو و کاپوکو ^۸ (۲۰۱۲) بوی و همکاران ^۹ (۲۰۱۸) | عوامل انسانی | استعداد، نوآوری، خلاقیت، آموزش |
| منگ و همکاران (۲۰۱۸) هریس (۲۰۱۸) | عوامل اجتماعی | سنن، عادات، مذهب، نسبت خانوادگی |

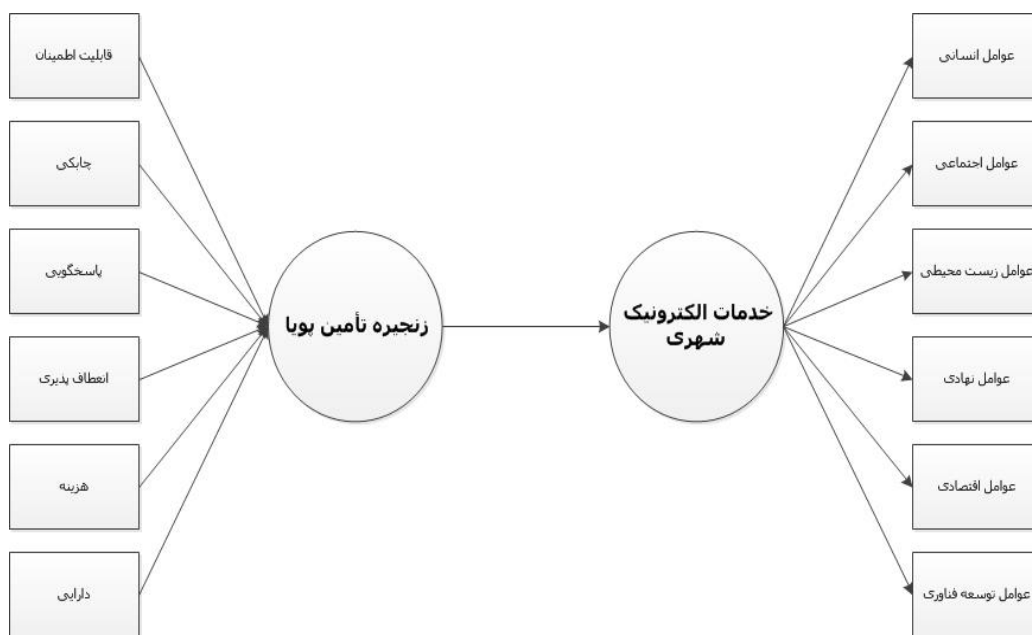
1. Thunberg & Persson
2. Harris
3. Rodrigo

4. Meng & et al
5. Kocaoğlu & et al
6. Henry & et al

7. Bai & et al
8. Bakiev & Kapucu
9. Boyi & et al

| محققان | شاخص‌ها | زیرشاخص‌ها |
|---|-----------------------|--|
| کوکانگولو و همکاران (2013) هریس (2018) | عوامل زیست‌محیطی | سیاست‌های انرژی، مدیریت آب و زباله، چشم‌انداز |
| کوکانگولو و همکاران (2013) هریس (2018) هنری و همکاران (2017) | عوامل نهادی | مدیریت شهری، مسئولان اداری، انتخابات |
| اریکسون و همکاران ¹ (2011) کوبیسک و آیچ هولزر ² (2016) | عوامل اقتصادی | نیروی انسانی و کارماهر، تسهیلات ارتباطی فناوری‌های برتر، اتصال شبکه‌های باز و فراوان، فعالیت‌های تجاری و خلاقانه |
| زوهو ³ (2016) سنگ بوم و ییگیت کانلار ⁴ (2022) ساهو ⁵ (2016) البوت ¹ و همکاران (2015) | عوامل توسعه فناوری | رتبه بندی زیرساخت دیجیتال، نسل چهارم LTE، سرعت اینترنت، مراکز اشتراک اینترنت بدون سیم، تسری گوشی‌های هوشمند |

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲



شکل (۱) مدل مفهومی پژوهش حاضر

در راستای مدل پژوهش، فرضیه‌های زیر مطرح شد:

۱- قابلیت اطمینان زنجیره تأمین پویا بر خدمات الکترونیک شهری در بافت تاریخی شهر یزد تأثیر مثبت و معناداری دارد.

۲- چابکی زنجیره تأمین پویا بر خدمات الکترونیک شهری در بافت تاریخی شهر یزد تأثیر مثبت و معناداری دارد.

1. Eriksson & et al
2. Kubicek & Aichholzer
3. Zhou
4. Seng Boom & Yigitcanlar
5. Sahu
6. Ellio & et al

۳- پاسخگویی زنجیره تأمین پویا بر خدمات الکترونیک شهری در بافت تاریخی شهر یزد تأثیر مثبت و معناداری دارد.

۴- انعطاف‌پذیری زنجیره تأمین پویا بر خدمات الکترونیک شهری در بافت تاریخی شهر یزد تأثیر مثبت و معناداری دارد.

۵- هزینه زنجیره تأمین پویا بر خدمات الکترونیک شهری در بافت تاریخی شهر یزد تأثیر مثبت و معناداری دارد.

۶- دارایی زنجیره تأمین پویا بر خدمات الکترونیک شهری در بافت تاریخی شهر یزد تأثیر مثبت و معناداری دارد.

۷- زنجیره تأمین پویا بر عملکرد خدمات الکترونیک شهری در بافت تاریخی شهر یزد تأثیر مثبت و معناداری دارد.

پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقات زیادی در رابطه با زنجیره تأمین و زنجیره تأمین پویا و خدمات الکترونیک شهری انجام شده ولی تأثیر زنجیره تأمین پویا بر خدمات الکترونیک شهری در بافت تاریخی شهر یزد سنجیده نشده است. در زیر فهرستی از مقالات انجام شده در این رابطه آورده شده است.

گروور و درسونر^۱ (۲۰۲۲) تحقیقی با موضوع یک مدل نظری در مورد اینکه چگونه شرکت‌ها می‌توانند از منابع سیاسی برای همسویی با استراتژی زنجیره تأمین برای مزیت رقابتی استفاده کنند انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که فراتر از تأثیرگذاری یا پیروی از محیط سیاسی، شرکت‌ها ممکن است محیط سیاسی را تعدیل کنند یا بی‌طرف بمانند.

ماستکا و چاپنسکیز^۲ (۲۰۱۵)، تحقیقی با موضوع قابلیت پویایی در مدیریت زنجیره تأمین انجام داده‌اند. هدف اصلی این مقاله قابلیت‌های پویا در مدیریت زنجیره تأمین، سیستم‌سازی و توصیف کامل دانش و اطلاعات در مورد قابلیت‌های پویا برای ارائه یک نمای کلی منسجم بر جنبه‌هایی از لجستیک مانند: زنجیره تأمین، مدیریت زنجیره عرضه است.

بادآهنگ و همکاران (۱۴۰۲)، پژوهشی با عنوان شناسایی و تبیین پیشران‌های کلیدی مؤثر بر کیفیت منظر در بافت‌های تاریخی شهرها انجام داده‌اند. نتایج پژوهش بیانگر آن است منظر شهری مطلوب، تأثیرات بسیاری بر کیفیت زندگی شهروندان و افزایش میزان رضایت مندی آنان از عملکرد مدیریت شهری دارد که به دنبال آن سبب ارتقاء مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری خواهد شد.

رضائیان و همکاران (۱۴۰۱)، در مطالعه خود با عنوان چارچوب مفهومی برای ارزیابی تاب‌آوری مکانی-فضایی در برابر سیلاب‌های شهری در شهر بابلسر انجام داده‌اند که نتایج حاکی از آن است که شهر بابلسر لازم است از پتانسیل‌ها و فرصت‌ها و منابع موجود در شهر در راستای بهبود تاب‌آوری در برابر سیلاب به درستی استفاده کند.

عاطفی و همکاران (۱۴۰۰)، تحقیقی با موضوع ارائه مدلی دینامیکی برای ارزیابی میزان لارج بودن عملکرد متوازن یک زنجیره تأمین انجام داده‌اند. با استفاده از مدل دینامیکی طراحی شده می‌توان اثر هر اقدام و تصمیم مدیریتی را بر رویکردهای چهارگانه لارج تعیین کرده و میزان تحقق اهداف استراتژیک را مشخص کرد.

ضرغام بروجنی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهش خود به تحلیل مضامین مؤثر بر خلق ارزش از طریق زنجیره تأمین یکپارچه الکترونیکی خدمات گردشگری در ایران، انجام داده‌اند. بر اساس یافته‌ها، شبکه مضامین مؤثر بر خلق ارزش زنجیره تأمین ترسیم گردیده و عوامل مؤثر بر یکپارچگی زنجیره تأمین شامل عوامل محرک و موانع یکپارچگی می‌باشند.

روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری بر اساس حداقل مربعات جزئی است که با نرم‌افزار Smart-PLS انجام شده است. علت انتخاب روش و نرم‌افزار مذکور این است که این نوع مدل‌یابی در شرایطی که تعداد نمونه‌ها و گویه‌ها، محدود و امکان توزیع

1. Grover & Dresner

2. Masteika & Cepinski

گرفتند. در تحلیل داده‌های به دست آمده تحقیق با به‌کارگیری قابلیت‌های نرم‌افزارهای SPSS, Excel و pls-Smart، از معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس با روش حداقل مربعات جزئی استفاده شد. در این تحقیق جهت آزمون پایایی متغیرها از ضریب آلفای کرونباخ و ضریب ترکیبی، از متوسط واریانس استخراج شده (AVE) برای محاسبه روایی متغیرها و همچنین بررسی روابط مسیرهای اثرگذاری تحقیق (مقدار آماره t و ضریب آلفای مسیر) از الگوریتم پی ال اس و بوت استراپ بهره گرفته شد. لازم به ذکر است که قلمرو این پژوهش در ابعاد زمانی و مکانی به زمستان ۱۴۰۲ (۲۰۲۴) در بافت تاریخی شهر یزد مربوط می‌باشد. همچنین برای سهولت کار شاخص‌ها و زیرشاخص‌های زنجیره تأمین پویا و خدمات الکترونیک شهری در جدول (۳) کدبندی شده‌اند.

غیرنرمال متغیرها وجود داشته باشد، به‌منزله روش قدرتمندی مطرح می‌شود (عاقلی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰). داده‌های مورد نیاز این تحقیق از طریق روش اسنادی با ابزار کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه) جمع‌آوری شده است. در این تحقیق ادبیات نظری و بررسی پیشینه تحقیقات گذشته براساس مطالعات کتابخانه‌ای شامل کتاب، مقالات و سایت‌های مرتبط صورت گرفت. جامعه آماری این تحقیق افراد آشنا به مبحث خدمات الکترونیک شهری و زنجیره تأمین پویا در بافت تاریخی شهر یزد می‌باشند که نمونه‌ای به حجم ۲۵۰ نفر از کارشناسان شرکت‌ها و سازمان‌های مستقر در پارک علم و فناوری یزد به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و بوسیله پرسشنامه طراحی شده که گویه‌های آن بر اساس طیف لیکرت از یک (خیلی کم) تا هفت (خیلی زیاد) بود، مورد بررسی قرار

جدول (۳) شاخص‌ها و زیرشاخص‌های کدبندی شده تحقیق

| شاخص‌ها | زیرشاخص‌ها | |
|------------------------|---|----------------------|
| قابلیت اطمینان (A) | به هنگام بودن سفارشات (A1)، مقدار مناسب سفارشات (A2)، کیفیت خوب سفارشات (A3) | زنجیره تأمین پویا |
| چابکی (B) | واکنش سریع به تغییرات پویا و پیش بینی نشده (B1)، توانایی پاسخگویی بلادرنگ به تغییرات در نیازهای مشتریان (B2) | |
| پاسخگویی (C) | کاهش زمان پاسخگویی به نیاز مشتریان (C1)، سرعت در تصمیم‌گیری (C2) | |
| انعطاف‌پذیری (D) | توانایی در پاسخگویی به تغییرات و تأثیرات خارجی (D1)، توانایی برای تغییر (D2) | |
| هزینه (E) | هزینه عملیاتی فرآیندها (E1)، هزینه‌های نیروی کار (E2)، هزینه‌های مواد اولیه (E3)، هزینه‌های حمل و نقل (E4)، هزینه کالای فروخته شده (E5)، هزینه مدیریت زنجیره تأمین (E6) | |
| دارایی (F) | کاهش موجودی (F1)، بازگشت داراییهای ثابت (F2) | |
| عوامل انسانی (G) | استعداد (G1)، نوآوری (G2)، خلاقیت (G3)، آموزش (G4) | خدمات الکترونیک شهری |
| عوامل اجتماعی (H) | سنن (H1)، عادات (H2)، مذهب (H3)، نسبت خانوادگی (H4) | |
| عوامل زیست‌محیطی (I) | سیاستهای انرژی (I1)، مدیریت آب و زباله (I2)، چشم‌انداز (I3) | |
| عوامل نهادی (J) | مدیریت شهری (J1)، مسئولان اداری (J2)، انتخابات (J3) | |
| عوامل اقتصادی (K) | نیروی انسانی و کار ماهر (K1)، تسهیلات ارتباطی فناوری‌های برتر (K2)، اتصال شبکه‌های باز و فراوان (K3)، فعالیت‌های تجاری و خلاقانه (K4) | |
| عوامل توسعه فناوری (L) | رتبه بندی زیرساخت دیجیتال (L1)، نسل چهارم (LTE) (L2)، سرعت اینترنت (L3)، مراکز اشتراک اینترنت بدون سیم (L4)، تسری گوشی‌های هوشمند (L5) | |

معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر یزد مرکز شهرستان یزد با وسعت ۹۹/۵ کیلومتر مربع در مرکز استان یزد و در مسیر راه اصفهان - کرمان در مختصات ۵۴ و ۳۱ عرض شمالی و ۲۳ و ۵۴ طول شرقی قرار گرفته و بین رشته کوه‌های شیرکوه و خرائق و در دشتی به نام یزد اردکان واقع شده است. شهر یزد در میان شهرهای تاریخی ایران با ۶۸۲ هکتار وسعت بافت تاریخی، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵، جمعیت ساکن در بافت تاریخی شهر یزد معادل ۵۴۲۷۸ نفر بوده که این میزان به ۴۲۸۵۱ نفر در سال ۱۳۸۵ و به ۴۴۰۱۶ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. به عبارت دیگر با وجود وسعت زیاد بافت تاریخی، تنها حدود ۱۰ درصد از جمعیت شهر در این بافت ساکن هستند. بافت تاریخی شهر یزد در منطقه ۵ واقع شده است. (طرح حفاظت جامع بافت تاریخی یزد، ۱۳۸۷ و شهرداری یزد، ۱۴۰۲). شهر یزد به عنوان نخستین شهر تاریخی ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده و یکی از قطب‌های پزشکی و فرهنگی ایران به شمار می‌آید. این شهر به سبب بافت معماری و بی نظیری که دارد، هر ساله پذیرای هزاران توریست می‌باشد. امروزه صنعت گردشگری و توریست به قدری در توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورها اهمیت دارد که اقتصاددانان آن را «صادرات نامرئی» می‌نامند. گردشگری به عنوان یک محصول نتیجه عوامل مختلفی می‌باشد که هر یک در جریان گردشگری تأثیر به‌سزایی دارد. زنجیره تأمین رویکردی نسبتاً

جامع برای درک، تجزیه و تحلیل، برنامه ریزی و پویایی خدمات الکترونیک در بافت تاریخی شهر یزد و برای گردشگران به وجود می‌آورد.

یافته‌های تحقیق

در روش مدل‌سازی معادلات ساختاری در Smart-PLS برای بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده می‌شود (عاقلی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹). هرچه مقدار بار عاملی یک شاخص در رابطه با یک سازه مشخص بیشتر باشد، آن شاخص سهم بیشتری در تبیین آن سازه دارد؛ همچنین اگر بار عاملی یک شاخص منفی باشد، نشان‌دهنده تأثیر منفی آن در تبیین آن سازه است؛ به بیان دیگر، سؤال مربوط به آن شاخص به صورت معکوس طراحی شده است (عاقلی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۵).

همان‌گونه که پیشتر توضیح داده شد، جهت بررسی تأثیر زنجیره تأمین پویا بر عملکرد خدمات الکترونیک شهری در شهر تاریخی یزد از مدل حداقل مجذورات جزئی در قالب نرم افزار Smart-PLS استفاده شده است. مدل مذکور مرحله‌ای دارد که در ادامه ارائه شده‌اند.

آزمون مدل‌های اندازه‌گیری

الف- آزمون پایایی

در روش حداقل مربعات/مجزورات جزئی لازم است تا پایایی شاخص‌ها محاسبه شود. در این خصوص از ضریب ترکیبی و ضریب آلفای کرونباخ استفاده می‌شود که حداقل ضریب قابل قبول آنها ۰/۷ است.

جدول (۴) خروجی الگوریتم PLS (آزمون پایایی مدل‌های اندازه‌گیری)

| شاخص‌ها | ضریب آلفای کرونباخ | پایایی ترکیبی / اشتراکی |
|----------------|--------------------|-------------------------|
| قابلیت اطمینان | ۰/۹۸۰ | ۰/۹۸۷ |
| چابکی | ۰/۹۶۳ | ۰/۹۸۲ |
| پاسخگویی | ۰/۹۵۴ | ۰/۹۷۸ |
| اعتطاف‌پذیری | ۰/۹۶۵ | ۰/۹۸۳ |
| هزینه | ۰/۹۷۵ | ۰/۹۸۰ |
| دارایی | ۰/۸۹۷ | ۰/۹۸۳ |
| عوامل انسانی | ۰/۹۴۸ | ۰/۹۶۳ |

| شاخص‌ها | ضریب آلفای کرونباخ | پایایی ترکیبی / اشتراکی |
|--------------------|--------------------|-------------------------|
| عوامل اجتماعی | ۰/۹۶۹ | ۰/۹۷۷ |
| عوامل زیست محیطی | ۰/۹۴۹ | ۰/۹۶۷ |
| عوامل نهادی | ۰/۹۲۷ | ۰/۹۵۴ |
| عوامل اقتصادی | ۰/۹۷۳ | ۰/۹۸۰ |
| عوامل توسعه فناوری | ۰/۹۵۸ | ۰/۹۶۸ |

نتایج جدول شماره ۴ بیانگر این امر است که تمامی شاخص‌ها، ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۸۹۷ و ضریب ترکیبی بالاتر از ۰/۹۵۴ کسب نموده‌اند که به معنی پایایی مناسب شاخص‌ها است.

ب-آزمون روایی

بررسی روایی همگرا و روایی افتراقی یکی دیگر از مراحل مهم این روش است که از متوسط واریانس استخراج شده (AVE) و شاخص (Rho-a)

برای محاسبه روایی افتراقی استفاده می‌شود. مقدار حداقلی متوسط واریانس استخراج شده (AVE) برای روایی همگرایی مناسب برای هر متغیر ۰/۵ و مقدار حداقلی شاخص (Rho-a) برای هر متغیر حداقل ۰/۷ می‌باشد. برای روایی افتراقی از ماتریس فورنل و لارکر استفاده شده است. این ماتریس زمانی حاصل می‌شود که مقدار جذر AVE سازه مکنون بزرگتر از مقدار همبستگی آن با دیگر متغیرهای پنهان در مدل pls باشد.

جدول (۵) روایی همگرایی شاخص‌ها (متوسط واریانس استخراج شده)

| شاخص‌ها | متوسط واریانس استخراج شده (AVE) | شاخص (Rho-a) |
|--------------------|---------------------------------|--------------|
| قابلیت اطمینان | ۰/۹۶۱ | ۰/۹۸۱ |
| چابکی | ۰/۹۶۵ | ۰/۹۶۴ |
| پاسخگویی | ۰/۹۵۶ | ۰/۹۵۴ |
| اتعطف پذیری | ۰/۹۶۶ | ۰/۹۶۵ |
| هزینه | ۰/۸۸۹ | ۰/۹۷۶ |
| دازایی | ۰/۹۰۷ | ۹۰۱ |
| عوامل انسانی | ۰/۸۶۸ | ۰/۹۵۲ |
| عوامل اجتماعی | ۰/۹۱۵ | ۰/۹۷۰ |
| عوامل زیست محیطی | ۰/۹۰۸ | ۰/۹۵۱ |
| عوامل نهادی | ۰/۸۷۲ | ۰/۹۳۰ |
| عوامل اقتصادی | ۰/۹۲۴ | ۰/۹۷۴ |
| عوامل توسعه فناوری | ۰/۸۵۶ | ۰/۹۵۹ |

با توجه به اینکه در این تحقیق شاخص میانگین واریانس استخراج شده برای تمامی متغیرهای تحقیق بالای ۰/۵ است، لذا روایی همگرایی سازه‌های مدل تأیید می‌شود. همچنین با توجه به اینکه شاخص (Rho-a) برای تمامی متغیرهای تحقیق بالای ۰/۷ است، لذا روایی افتراقی سازه‌های مدل نیز تأیید

می‌شود (جدول ۵).

برای روایی افتراقی از ماتریس فورنل و لارکر استفاده شده است. این ماتریس زمانی حاصل می‌شود که مقدار جذر AVE سازه مکنون بزرگتر از مقدار همبستگی آن با دیگر متغیرهای پنهان در مدل pls باشد.



جدول (۶) ماتریس فورنل و لارکر

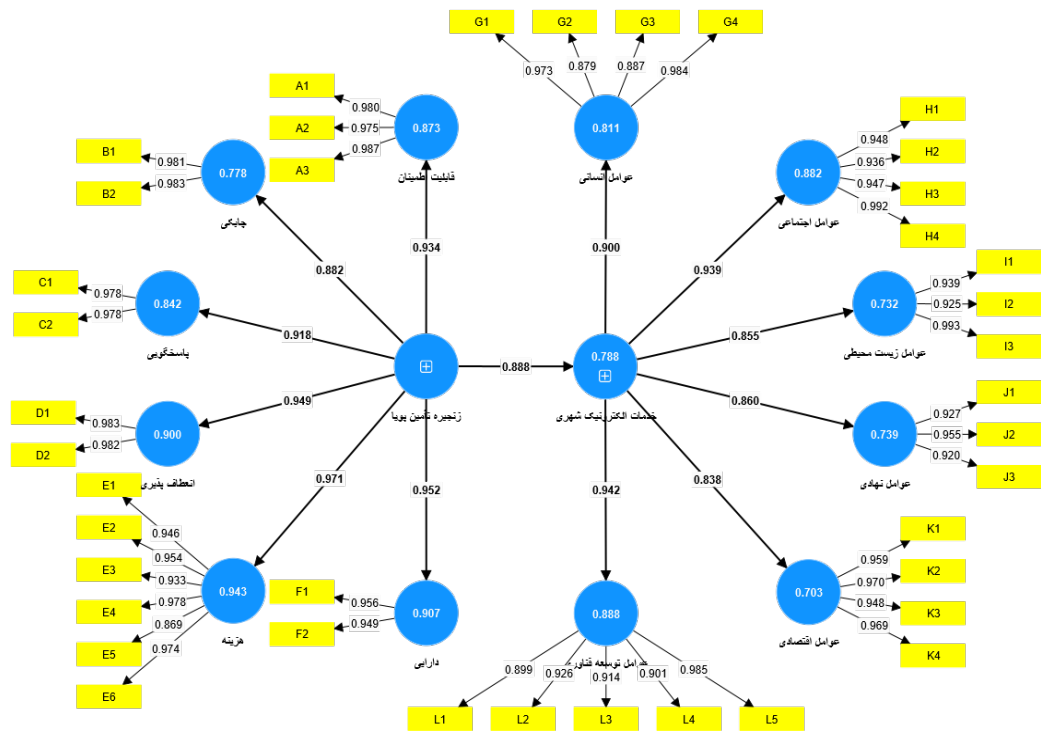
| چابکی | پاسخگویی | هزینه | قابلیت اطمینان | عوامل نهادی | عوامل زیست محیطی | عوامل توسعه فناوری | عوامل انسانی | عوامل اقتصادی | عوامل اجتماعی | دارایی | انعطاف پذیری |
|-------|----------|-------|----------------|-------------|------------------|--------------------|--------------|---------------|---------------|--------|--------------|
| ۰/۹۸۲ | ۰/۷۹۴ | ۰/۸۵۹ | ۰/۷۵۴ | ۰/۶۴۶ | ۰/۶۶۵ | ۰/۸۰۳ | ۰/۷۱۵ | ۰/۶۵۴ | ۰/۷۲۶ | ۰/۸۱۲ | ۰/۷۶۷ |
| ۰/۹۷۸ | ۰/۹۰۸ | ۰/۷۹۹ | ۰/۶۲۷ | ۰/۷۲۷ | ۰/۷۲۷ | ۰/۷۴۹ | ۰/۷۶۷ | ۰/۶۰۷ | ۰/۷۹۹ | ۰/۸۰۳ | ۰/۸۳۷ |
| ۰/۹۴۳ | ۰/۸۴۱ | ۰/۷۶۴ | ۰/۸۱۷ | ۰/۸۸۴ | ۰/۸۴۹ | ۰/۷۳۶ | ۰/۸۹۰ | ۰/۸۹۷ | ۰/۸۶۷ | ۰/۸۶۷ | ۰/۸۶۷ |
| ۰/۹۸۰ | ۰/۵۷۷ | ۰/۵۹۷ | ۰/۶۸۴ | ۰/۷۰۲ | ۰/۶۸۴ | ۰/۶۴۹ | ۰/۷۸۲ | ۰/۹۲۹ | ۰/۹۷۱ | ۰/۹۷۱ | ۰/۹۷۱ |
| ۰/۹۳۴ | ۰/۶۲۶ | ۰/۸۰۷ | ۰/۶۸۶ | ۰/۸۰۱ | ۰/۵۴۵ | ۰/۸۴۷ | ۰/۷۰۰ | ۰/۶۲۱ | ۰/۵۹۴ | ۰/۵۹۴ | ۰/۵۹۴ |
| ۰/۹۲۵ | ۰/۷۸۸ | ۰/۷۸۴ | ۰/۷۸۸ | ۰/۷۸۴ | ۰/۷۸۴ | ۰/۷۸۴ | ۰/۷۸۴ | ۰/۷۸۴ | ۰/۷۸۴ | ۰/۷۸۴ | ۰/۷۸۴ |
| ۰/۹۳۲ | ۰/۶۳۴ | ۰/۸۸۷ | ۰/۷۴۲ | ۰/۶۹۲ | ۰/۶۹۲ | ۰/۶۹۲ | ۰/۶۹۲ | ۰/۶۹۲ | ۰/۶۹۲ | ۰/۶۹۲ | ۰/۶۹۲ |
| ۰/۹۶۱ | ۰/۷۰۶ | ۰/۷۱۱ | ۰/۶۴۷ | ۰/۷۹۶ | ۰/۷۹۶ | ۰/۷۹۶ | ۰/۷۹۶ | ۰/۷۹۶ | ۰/۷۹۶ | ۰/۷۹۶ | ۰/۷۹۶ |
| ۰/۹۵۶ | ۰/۸۲۸ | ۰/۹۵۲ | ۰/۹۳۲ | ۰/۹۳۲ | ۰/۹۳۲ | ۰/۹۳۲ | ۰/۹۳۲ | ۰/۹۳۲ | ۰/۹۳۲ | ۰/۹۳۲ | ۰/۹۳۲ |
| ۰/۹۸۳ | ۰/۹۸۳ | ۰/۹۸۳ | ۰/۹۸۳ | ۰/۹۸۳ | ۰/۹۸۳ | ۰/۹۸۳ | ۰/۹۸۳ | ۰/۹۸۳ | ۰/۹۸۳ | ۰/۹۸۳ | ۰/۹۸۳ |

با توجه به اینکه در ماتریس بالا مقدار جذر AVE هر سازه بزرگتر از مقدار همبستگی آن با دیگر متغیرهای پنهان در مدل می باشد، بنابراین روایی افتراقی شاخص ها نیز تأیید می گردد (جدول ۶).

آزمون مدل ساختاری

مدل ساختاری مدلی است که در آن روابط بین شاخص های مستقل و وابسته مورد توجه قرار می گیرد. یک مدل معادلات ساختاری از چندین مدل اندازه گیری و فقط یک مدل ساختاری تشکیل می شود؛ در همین راستا شاخص ضریب تعیین (R^2)، شاخص های تحقیق و ضرایب مسیر (بتا) و

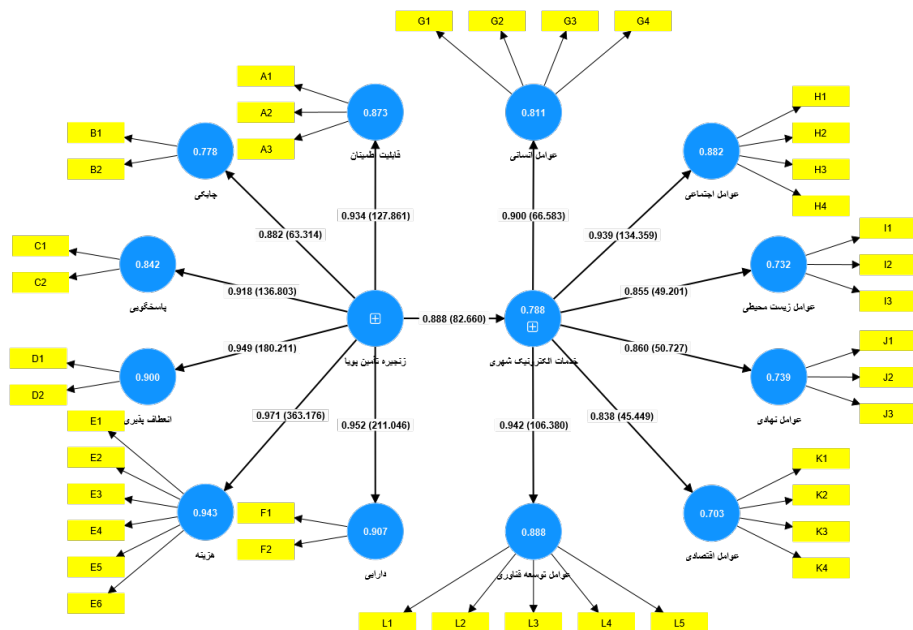
معناداری آنها بررسی می شود. در این بخش از تحقیق ضرایب استاندارد شده مسیرهای مربوط به شاخص ها مورد بررسی قرار می گیرد (اثرگذاری شاخص های مستقل بر شاخص وابسته). در واقع فرض بر این است که هر یک از شاخص های ۶ گانه زنجیره تأمین پویا بر خدمات الکترونیکی شهری تأثیرگذار است. برای محاسبه ضرایب استاندارد مسیر بین شاخص ها، باید از الگوریتم PLS استفاده نمود. ضرایب استاندارد شده بین شاخص مستقل و وابسته نشان می دهد که شاخص مستقل این میزان درصد از تغییرات شاخص وابسته را تبیین می کند.



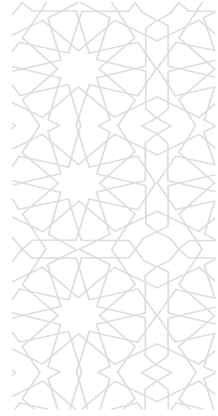
شکل (۲) مدل ساختاری پژوهش در حالت تخمین ضرایب استاندارد فرضیه‌های پژوهش

شکل شماره (۲) نشان می‌دهد که شاخص‌های ۶ گانه تحقیق، زنجیره تأمین پویا را و زنجیره تأمین پویا نیز، خدمات الکترونیک شهری را $0/788$ تبیین می‌کنند. در این شکل بیشترین ضریب مسیر به ترتیب برای هزینه ($0/971$) است و کمترین آن مربوط به چابکی ($0/882$) است. همچنین جهت بررسی معنی‌داری روابط بین شاخص‌ها، یعنی معنی‌دار بودن اثرگذاری

شاخص‌های ۶ گانه زنجیره تأمین پویا (به‌عنوان متغیرهای مستقل) بر خدمات الکترونیک شهری (به‌عنوان متغیر وابسته)، از مقدار آماره به دست آمده از خروجی مدل استفاده می‌شود. به‌گونه‌ای که مقدار آماره بزرگتر از $1/96$ برای معنی‌داری در سطح 95 درصد و مقدار آماره بزرگتر از $2/58$ برای معنی‌داری در سطح 99 درصد اطمینان مورد قبول می‌باشد.



شکل (۳) آزمون مدل ساختاری (ماره T بین شاخص‌های تحقیق)



شاخص‌های چابکی، قابلیت اطمینان و پاسخگویی به ترتیب کمترین آماره T را به خود اختصاص داده‌اند (شکل ۳).

مقدار آماره T در مدل تحقیق برای شاخص‌های زنجیره تأمین پویا نشان می‌دهد که شاخص‌های هزینه، دارایی و انعطاف پذیری به ترتیب بیشترین و

جدول (۷) آزمون مدل ساختاری (ضرایب مسیر، مقادیر تی، سطح معنی داری و نتیجه آزمون)

| فرضیه | ضریب اثرگذاری (Beta) | مقدار آماره T | معیار تصمیم (sig) | نتیجه آزمون مسیر |
|--|----------------------|---------------|-------------------|------------------|
| قابلیت اطمینان زنجیره تأمین پویا بر خدمات الکترونیک شهری تأثیر مثبت و معناداری دارد. | ۰/۹۳۴ | ۱۲۷/۸۶۱ | ۰/۰۰۰ | تأیید |
| چابکی زنجیره تأمین پویا بر خدمات الکترونیک شهری تأثیر مثبت و معناداری دارد | ۰/۸۸۲ | ۶۳/۳۱۴ | ۰/۰۰۰ | تأیید |
| پاسخگویی زنجیره تأمین پویا بر خدمات الکترونیک شهری تأثیر مثبت و معناداری دارد | ۰/۹۱۸ | ۱۳۶/۸۰۳ | ۰/۰۰۰ | تأیید |
| انعطاف‌پذیری زنجیره تأمین پویا بر خدمات الکترونیک شهری تأثیر مثبت و معناداری دارد | ۰/۹۴۹ | ۱۸۰/۲۱۱ | ۰/۰۰۰ | تأیید |
| هزینه زنجیره تأمین پویا بر خدمات الکترونیک شهری تأثیر مثبت و معناداری دارد | ۰/۹۷۱ | ۳۶۳/۱۷۶ | ۰/۰۰۰ | تأیید |
| دارایی زنجیره تأمین پویا بر خدمات الکترونیک شهری تأثیر مثبت و معناداری دارد | ۰/۹۵۲ | ۲۱۱/۰۴۶ | ۰/۰۰۰ | تأیید |
| زنجیره تأمین پویا بر عملکرد خدمات الکترونیک شهری تأثیر مثبت و معناداری دارد | ۰/۸۸۸ | ۸۲/۶۶۰ | ۰/۰۰۰ | تأیید |

برابر با ۰/۹۵۲، (انعطاف‌پذیری) بتای برابر با ۰/۹۴۹، (قابلیت اطمینان) بتای برابر با ۰/۹۳۴، (پاسخگویی) بتای برابر با ۰/۹۱۸، (چابکی) بتای برابر با ۰/۸۸۲ است. لازم به ذکر است که اثرگذاری زنجیره تأمین پویا بر عملکرد خدمات الکترونیک شهری با مقدار آماره ۸۲/۶۶۰ و Sig برابر با ۰/۰۰۰ در سطح آماری ۹۵ درصد معنادار است. این اثرگذاری با توجه به مقدار بتای برابر با ۰/۸۸۸ اثرگذاری از نوع قوی محسوب می‌شود.

برازش مدل کلی

مدل کلی، هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری را شامل می‌شود و با تأیید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می‌گردد. برای بررسی برازش مدل کلی تنها کافی است یک معیار به نام GOF سنجیده شود (نیک‌منش و همکاران، ۱۳۹۹).

در جدول شماره (۷) نتیجه اثرگذاری متغیرهای تحقیق ارائه داده شده است. نکته مهم این است که روابطی که در آن مقدار Sig کمتر از ۰/۰۵ باشد؛ تأیید می‌شوند و روابطی که مقدار Sig آنها بیشتر از ۰/۰۵ باشد مورد تأیید واقع نمی‌شوند. با توجه به جدول مربوطه تمامی شاخص‌های زنجیره تأمین پویا بر عملکرد خدمات الکترونیک شهری تأثیر دارند، چراکه مقدار آماره T آنها بزرگتر از ۱/۹۶ و مقدار Sig آنها کمتر از ۰/۰۵ است.

همچنین با توجه به مقدار ضرایب بتا که نشان‌دهنده شدت تأثیرگذاری هر یک از شاخص‌های زنجیره تأمین پویا بر خدمات الکترونیک شهری می‌باشد، می‌توان به این نتیجه رسید که مهمترین شاخص‌های زنجیره تأمین پویای مؤثر بر خدمات الکترونیک شهری (هزینه) بتای برابر با ۰/۹۷۱، (دارایی) بتای

تأمین پویا با به هنگام نگهداشتن سفارشات مشتریان و همچنین مقدار مناسب و کیفیت خوب سفارشات، رضایت مشتریان را به همراه خواهد داشت.

با توجه به معنادار بودن رابطه بین تأثیر انعطاف‌پذیری زنجیره تأمین پویا بر عملکرد خدمات الکترونیک شهری می‌توان نتیجه گرفت که زنجیره تأمین پویا با پاسخ سریع به تأثیرات خارجی و توانایی برای تغییر باعث بهبود در عملکرد خدمات الکترونیک شهری می‌گردد. تأثیرات خارجی شامل: افزایش یا کاهش در تقاضا، تأمین کنندگان یا شرکای خارج از کسب و کار، بلایای طبیعی، اقدامات وحشت‌زا، در دسترس بودن ابزارهای مالی، یا مباحث نیروی کار می‌باشد.

با توجه به معنادار بودن رابطه بین تأثیر پاسخ‌گویی زنجیره تأمین پویا بر عملکرد خدمات الکترونیک شهری می‌توان نتیجه گرفت که زنجیره تأمین پویا با داشتن سرعت در انجام وظایفی در بازه زمانی سفارش مشتری به بهبود عملکرد خدمات الکترونیکی منجر می‌گردد.

با توجه به معنادار بودن رابطه بین تأثیر دارایی زنجیره تأمین پویا بر عملکرد خدمات الکترونیک شهری می‌توان نتیجه گرفت که زنجیره تأمین پویا کاهش موجودی و درون‌کاری که مربوط به دوره زمانی نقدینگی و بازگشت دارایی‌های ثابت می‌باشد، خدمات الکترونیک شهری را بهبود می‌دهد.

با توجه به معنادار بودن رابطه بین تأثیر چابکی زنجیره تأمین پویا بر عملکرد خدمات الکترونیک شهری می‌توان نتیجه گرفت که زنجیره تأمین پویا با واکنش سریع به تغییرات موجود در بازار و نیازهای مشتریان است که عملکرد را بهبود می‌دهد، زیرا هر تغییر غیر قابل پیش‌بینی و برنامه‌ریزی نشده‌ای را محتمل می‌داند.

بی‌شک کاربرد زنجیره تأمین پویا در خدمات الکترونیک شهری جهت دستیابی به مدیریت بهتر باعث دستیابی به فرصت‌های رقابتی می‌شود. با توجه به نتایج به‌دست آمده، پیشنهادات ذیل (به ترتیب اولویت) ارائه شده است.

$$GOF = \sqrt{\text{Communalities} \times R^2}$$

معیار *Communalities* از میانگین مقادیر اشتراکی که در جدول شماره (۴) آمده است، به دست می‌آید. لذا مقدار معیار GOF برابر است با:

$$GOF = \sqrt{1/975 \times 0/817} = 0.797$$

با توجه به اینکه ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده‌اند، حصول مقدار ۰/۷۹۷ برای این معیار، نشان‌دهنده برآزش قوی مدل کلی تحقیق است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین زنجیره تأمین پویا و خدمات الکترونیک شهری در بافت تاریخی شهر یزد رابطه معنادار، هم‌جهت و قوی وجود دارد و خدمات الکترونیک شهری از طریق زنجیره تأمین پویا (شاخص‌های ۶ گانه آن) به میزان ۰/۷۸۸ قابل تبیین و پیش‌بینی است (اثرگذاری شاخص‌های تحقیق و تأیید فرضیه‌های مربوطه گواه بر این ادعا است). در این باره نتایج نشان داده (جدول شماره ۷) که به ترتیب شاخص‌های هزینه، قابلیت اطمینان، انعطاف‌پذیری، پاسخگویی، دارایی، چابکی به ترتیب مهمترین شاخص‌های زنجیره تأمین پویا هستند که بر خدمات الکترونیک شهری در بافت تاریخی شهر یزد اثر معنی‌داری و قوی دارند.

با توجه به معنادار بودن رابطه بین تأثیر هزینه زنجیره تأمین پویا بر عملکرد خدمات الکترونیک شهری می‌توان نتیجه گرفت که زنجیره تأمین پویا با فراهم آوردن اطلاعات به موقع و کم هزینه، منجر به تقویت و تسهیل ارتباطات داخلی زنجیره تأمین می‌گردد و سبب می‌گردد که هزینه‌های عملیاتی فرآیندها، هزینه‌های نیروی کار، هزینه‌های مواد اولیه، هزینه‌های حمل و نقل، هزینه کالای فروخته شده و به طور کلی هزینه مدیریت زنجیره تأمین هم کاهش پیدا می‌کند.

با توجه به معنادار بودن رابطه بین تأثیر قابلیت اطمینان زنجیره تأمین پویا بر عملکرد خدمات الکترونیک شهری می‌توان نتیجه گرفت که زنجیره

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

قرن بیست و یکم، عصر آگاهی و خرد، فرهنگ و دانایی و گذار از جوامع صنعتی و تخصصی به سوی جامعه اطلاعاتی با آگاهی عمومی و جهان‌شمول است. در این عصر، رقابت در ارائه محصولات و خدمات به مشتریان از اهمیت بالایی برخوردار است و مدیریت زنجیره تأمین نقشی کلیدی در این رقابت ایفا می‌کند. شهر تاریخی یزد، به عنوان یکی از نمونه‌های برجسته شهرهای ایرانی - اسلامی، در مسیر توسعه و نوآوری گام برمی‌دارد. امروزه، این شهر با چالش‌هایی مانند آلودگی هوا، ترافیک سنگین، اتلاف وقت در خیابان‌ها، افزایش فعالیت‌های اداری و تجاری شهروندان، تراکم جمعیت و عدم تناسب امکانات و خدمات با نیازهای شهروندان روبرو است. در پاسخ به این چالش‌ها، فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند نقش تسهیل‌گری در چشم‌انداز فرهنگی - هنری - کالبدی و سیمای محله‌ها به ویژه بافت تاریخی شهر یزد ایفا کند. توسعه شهر الکترونیک و ارائه خدمات الکترونیک شهری به عنوان راه‌حلی کارآمد و ضروری مطرح می‌شود. خدمات الکترونیک شهری می‌تواند به طور قابل توجهی در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان، کاهش هزینه‌ها، افزایش کارایی و حفظ محیط زیست یزد نقش داشته باشند. یکی از پرکاربردترین و محوری‌ترین نیازهای خدماتی الکترونیکی شهری، خدمات شهری بوده که با الکترونیکی‌شدن فعالیت‌های آن سهم مهمی در توسعه پایدار شهری دارد. مدیریت زنجیره تأمین پویا نقشی کلیدی در ارائه کارآمد و مؤثر این خدمات ایفا می‌کند. به همین منظور، مدل معادلات ساختاری پی ال اس با حداقل مربعات جزئی به دلیل مفروضات خاص آن و استفاده از نظرات کارشناسان اهل فن و روایی و پایایی مطلوب آن روش سودمندی است. به این دلیل که می‌تواند با کاهش پیچیدگی‌های موضوع، باعث درک قابل قبولی از موضوع مورد بررسی شده و با مشخص کردن عوامل اثرگذار ما را به سمت اخذ تصمیمات بهتری هدایت کند.

این پژوهش با هدف سنجش تأثیر زنجیره تأمین پویا بر عملکرد خدمات الکترونیک شهری در بافت تاریخی شهر یزد صورت گرفته است. در این پژوهش با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم افزار اسمارت پی ال اس عوامل و گویه‌های زنجیره تأمین پویا و خدمات الکترونیک شهری شناسایی شده مدل‌سازی شدند. نتایج تحقیق نشان داد که بین زنجیره تأمین پویا و خدمات الکترونیک شهری در بافت تاریخی شهر یزد رابطه معنادار، هم‌جهت و قوی وجود دارد و خدمات الکترونیک شهری از طریق زنجیره تأمین پویا (شاخص‌های ۶ گانه آن) به میزان ۰/۷۸۸ قابل تبیین و پیش‌بینی است (اثرگذاری شاخص‌های تحقیق و تأیید فرضیه‌های مربوطه گواه بر این ادعا است). در این باره نتایج نشان داده که به ترتیب شاخص‌های هزینه، قابلیت اطمینان، انعطاف‌پذیری، پاسخگویی، دارایی، چابکی به ترتیب مهمترین شاخص‌های زنجیره تأمین پویا هستند که بر خدمات الکترونیک شهری در بافت تاریخی شهر یزد اثر معنی‌داری و قوی دارند.

پیشنهادات عملیاتی:

- فرهنگ‌سازی و اجرای طرح‌هایی با مشارکت مردمی و خودجوش: پیشنهاد می‌گردد با افزایش حمایت‌های دولت و اختصاص هزینه‌های بیشتری برای منطقه تاریخی شهر یزد برای این‌گونه طرح‌ها با توجه به رشد چشمگیر فناوری اطلاعات، بسیاری از خدمات شهری به‌صورت الکترونیکی صورت گیرد و این خود نیز موجب بهره‌مندی دولت و مردم از مزایای ایجاد این‌گونه طرح‌ها خواهد بود.

- صرفه‌جویی در زمان، هزینه، انرژی و نیز امکان ارائه خدمات شهری به شهروندان در هر زمان و در هر مکان: برخی از مشکلات در بافت تاریخی شهر یزد مانند ضعف بهره‌مندی از افراد متخصص جوان و آشنا به مسائل روز الکترونیکی، ضعف آموزش کارکنان در زمینه آشنایی با سیستم‌های الکترونیکی و آنلاین،

شیوه‌ها برای مدیریت زنجیره تأمین پویا در شهرهای تاریخی: این تحقیقات باید بر نیازها و چالش‌های منحصر به فرد این شهرها تمرکز داشته باشد.

- توسعه مدل‌های نظری برای ارزیابی تأثیر زنجیره تأمین پویا بر عملکرد خدمات الکترونیک شهری: این مدل‌ها باید عوامل مختلفی مانند کارایی، شفافیت، انعطاف پذیری و رضایت مشتری را در نظر بگیرند.

- انجام مطالعات موردی برای بررسی تأثیر زنجیره تأمین پویا بر عملکرد خدمات الکترونیک شهری در شهرهای مختلف: این مطالعات موردی می‌تواند به درک بهتر چگونگی عملکرد زنجیره تأمین پویا در دنیای واقعی کمک کند.

- ایجاد یک انجمن تحقیقاتی برای ترویج تبادل دانش و همکاری بین دانشگاهیان، صنعت و دولت: این انجمن می‌تواند به پیشرفت دانش در زمینه زنجیره تأمین پویا و خدمات الکترونیک شهری کمک کند.

علاوه بر موارد فوق، موارد زیر نیز می‌تواند در این زمینه مفید باشد:

- جلب مشارکت ذینفعان مختلف در فرآیند تحقیق و توسعه: این امر به اطمینان از اینکه نتایج تحقیقات عملی و مرتبط با نیازهای واقعی ذینفعان است؛ کمک می‌کند.

- توجه به پایداری زنجیره تأمین: زنجیره تأمین پویا باید به گونه‌ای طراحی شود که از نظر زیست محیطی و اجتماعی پایدار باشد.

- در نظر گرفتن مسائل امنیتی: زنجیره تأمین پویا باید در برابر خطرات سایبری و سایر تهدیدات امنیتی مقاوم باشد.

منابع

Agheli, M; Karimi, E; Rashidi, H (2019) Investigating factors affecting the creation of shared value and its effect on the loyalty of tourists (Case study: foreign tourists in Damghan), Tourism

در برخی از مواقع عدم وجود مشتری‌مداری (ارباب‌رجوع) وجود دارد که باید در آینده با کاهش هزینه‌ها، دسترسی سریع به اطلاعات، هماهنگی بین سازمان‌های مختلف، افزایش سطح گردشگری، امکان ایجاد مدیریت متمرکز و کنترل نظارت بیشتر و در نتیجه کاهش فساد اداری، صرفه‌جویی در زمان، هزینه، انرژی، کاغذ و زمان و نیز امکان ارائه خدمات شهری به شهروندان در هر زمان و در هر مکان، برطرف گردد.

- ایجاد یک پلتفرم جامع برای مدیریت زنجیره تأمین: این پلتفرم باید اطلاعات مربوط به تمام ذینفعان زنجیره تأمین، از جمله تولیدکنندگان، تأمین‌کنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان را جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل کند. این امر به شناسایی نقاط قوت و ضعف زنجیره تأمین و ایجاد فرصت‌هایی برای بهبود آن کمک می‌کند.

- استفاده از فناوری‌های نو ظهور برای بهینه‌سازی زنجیره تأمین: این فناوری‌ها می‌تواند شامل هوش مصنوعی، بلاک چین و اینترنت اشیا باشد. این فناوری‌ها می‌توانند به بهبود شفافیت، کارایی و انعطاف پذیری زنجیره تأمین کمک کنند.

- آموزش و توانمندسازی ذینفعان زنجیره تأمین: ذینفعان زنجیره تأمین باید در مورد مزایای زنجیره تأمین پویا و نحوه مشارکت در آن آموزش ببینند. این امر به ایجاد یک فرهنگ همکاری و نوآوری در زنجیره تأمین کمک می‌کند.

- حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط: کسب و کارهای کوچک و متوسط نقش مهمی در زنجیره تأمین خدمات الکترونیک شهری دارند. این کسب و کارها باید از طریق ارائه تسهیلات مالی، آموزش و مشاوره مورد حمایت قرار گیرند.

پیشنهادات آکادمیک:

- انجام تحقیقات برای شناسایی بهترین

- Bakiev, E., Kapucu, N. (2012) The Role of Organizational Social Capital in Increasing Organizational Performance in Public Organizations: Evidence from Kyrgyz National Police (KNP). *International Journal of Public Administration*, 35(14), 976-988. <https://doi.org/10.1080/01900692.2012.701152>.
- Belanger, A. Carter, L; (2016) Trust and risk in e-government adoption; *Journal of Strategic Information Systems* 17, pp. 165-176. DOI:10.1016/j.jsis.2007.12.002.
- Boyi, X; Ling, L; Daiping, H; Bin, W; Congcong, Y ; Hongming, C(2018) Healthcare data analysis system for regional medical union in smart city. *Journal of Management Analytics*, 5(4), 334-349. <https://doi.org/10.1080/23270012.2018.1490211>.
- Cuneo, Paolo (2005) *History of Urban Planning in the Islamic World*, Translated by: Dr. Saeed Tiz Qalam Zonouzi, First Edition, Tehran: Ministry of Housing and Urban Development Publications, Civil and Urban Improvement Organization.
- Delbaze, H; Sadeh, E; Paqa, A (2021) Examining the pattern of sustainable competitive advantage based on technological entrepreneurship capabilities in dairy cooperatives in Mazandaran and Golestan provinces. *Kara'a Journal, Rainy in Agriculture*, 8(1), 85-104. [In Persian] Doi: 10.22069/JEAD.2021.19054.1473.
- Dutta, P., Choi, T. M., Somani, S., & Butala, R. (2020) Blockchain technology in supply chain operations: applications, challenges and research opportunities. *Transportation research part E: logistics and transportation review*, Elsevier, 142(C), DOI: 10.1016/j.tre.2020.102067.
- Elliot, E. A., Xiao, Y., & Wilson, E. (2015) A multicultural blend: Metaphors, cognitive social capital and and Development, 8(2), 23-47. [In Persian] Doi: 10.22034/JTD.2019.166709.1628.
- Agheli, M; Nikmanesh, SH; and Hashemnia, SH (2022) The Effect of Organizational Leadership Factors on Whistling Tendency (Case Study: Employees of Sima, Landscape and Urban Green Space of Karaj Municipality), *Management and Human Resources Development and Support*, 15(55), 1-35. [In Persian] Doi: 10.30479/JFAK.2022.16509.2948.
- Atefi, M.R; Radfar, R; and Asghari Zadeh, E (2021) A Dynamic Model for Evaluating the Balanced Performance of a Supply Chain. *Industrial Management Perspective*, 11(4), 253-290. [In Persian] Doi: 10.52547/JIMP.11.4.253.
- Badahang, A; Kalantari Khalilabad, H; Ziari, Keramatollah (2023) Identifying and Explaining the Key Drivers Affecting the Quality of Landscape in the Historical Contexts of Cities (Case Study: Sang-e-Siah Neighborhood of Shiraz), *JOURNAL OF IRANIAN-ISLAMIC CITY STUDIES*, 13(50), 37-50. [In Persian].
- Bai, C., Sarkis, J., Wei, X. and Koh, L. (2012), "Evaluating ecological sustainable performance measures for supply chain management". *Supply Chain Management*, Vol. 17 No. 1, pp. 78-92. <https://doi.org/10.1108/13598541211212221>.
- Bamat, Najm al-Din (1990) *Islamic City*, Translator: Mohammad Hossein Halimi and Manijeh Islambolchi, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications.
- Bari, N.; Chimhundu, R.; Chan, K.-C. (2022) Dynamic Capabilities to Achieve Corporate Sustainability: A Roadmap to Sustained Competitive Advantage. *Sustainability*, 14(3), 1531; <https://doi.org/10.3390/su14031531>.

- isj.12079.
- Kocaoğlu, B., Bahad r ,G; Mehmet,T (2013) A SCOR based approach for measuring a benchmarkable supply chain performance. *Journal of Intelligent Manufacturing* 24(1), 113–132. DOI:10.1007/s10845-011-0547-z.
- Herbert ,K ; Georg ,A (2016) Closing the Evaluation Gap in e-Participation Research and Practice. *Public Administration and Information Technology*, chapter 2, pages 11–45. DOI:10.1007/978-3-319-25403-6_2.
- Lin, Y., Yu, F. R., Li, X., Ji, H., & Leung, V. C. (2020) Blockchain and machine learning for communications and networking systems. *iee communications surveys & tutorials*, 22(2), 1392–1431. DOI:10.1109/COMST.2020.2975911.
- Masteika, I., Cepinsk, J. (2015) Dynamic Capabilities in Supply Chain Management, *ELSVIER*, 213, 830–835.
- Meng, A., Borg, V., & Clausen, TH (2018) Enhancing the social capital in industrial workplaces: Developing workplace interventions using intervention mapping. *Evaluation and program planning*, 72, 227–236. DOI: 10.1016/j.evalproplan.2018.11.007.
- Motamedi, M; Darvish Mutoli, M.H; Nowruzzadeh, A (2021) The effect of dynamic supply chain on the performance of pharmaceutical companies. *Operations Management Quarterly*, 1(2), 119–95.
- Miran Beigi, M; Moshiri, B (2012) Robust Production/ Distribution/Inventory Control in Dynamic Supply Chain. *Journal of Business Research*, 17(66), 1–20. [In Persian] Doi:20.1001.1.17350794.1392.17.6.1.5.
- Nikmanesh, SH; Rezazadeh, A; Agheli, M (2019) The Relationship between Organizational Prediction multiculturalism. *International Marketing Review*, 32(2), 200-218. <https://doi.org/10.1108/IMR-01-2014-0032>.
- Eriksson, M., Ng, N., Weinehall, L & Emmelin, M (2011) The Importance of Gender and Conceptualization for Understanding the Association Between Collective Social Capital and Health: A Multilevel Analysis from Northern Sweden. *Social Science & Medicine*, 73(2), 264–73. DOI:10.1016/j.socscimed.2011.05.013.
- Eling, M., Nuessle, D., & Staubli, J. (2021) The impact of artificial intelligence along the insurance value chain and on the insurability of risks. *The Geneva Papers on Risk and Insurance–Issues and Practice. Geneva Papers on Risk and Insurance – Issues and Practice*, 47(1), DOI: 10.1057/s41288-020-00201-7.
- Grover, A., Dresner, M. (2022) A theoretical model on how firms can leverage political resources to align with supply chain strategy for competitive advantage. *journal of Supply Chain Management*, 58(2), 48–65. DOI:10.1111/jscm.12284.
- Gu, Y; Wu, Y; Liu, J; Xu, M; & Zuo, T. (2020) Ecological civilization and government administrative system reform in China. *Resources Conservation and Recycling*, 155, 104654. <https://doi.org/10.1016/j.resconrec.2019.104654>.
- Harris R (2006) Embracing your demons: an overview of acceptance and commitment therapy, *Psychotherapy in Australia. Journal of Service Science and Management* ,7(3), 2–8.
- Henry, Q., Chen, X., Ou, C. X., Davison, R. M., & Hua, Z. J. I. S. J. (2017) Understanding buyers' loyalty to a C2C platform: the roles of social capital, satisfaction and perceived effectiveness of e-commerce institutional mechanisms. *Information Systems Journal*, 27(1), 91–119. <https://doi.org/10.1111/>

- Sadeghi, M.R; Ghasemi, B (2021) Investigating the role of strategic thinking and prioritizing supplier selection criteria in supply chain management with a focus on the large paradigm. *Strategic Management Research*, 27(82), 1–24.[In Persian] Doi:Dor: 20.1001.1.22285067.1400.27.82.4.7.
- Sahu, O (2016) Degradation of colour and chemical oxygen demand of sugar industry wastewater by thermo-chemical combined processes. *Environmental Nanotechnology, Monitoring & Management*. 6,194–205. DOI:10.1016/j.enmm.2016.11.001
- Seng Boom, L.; Yigitcanlar ,T (2022) Participatory Governance of Smart Cities: Insights from e-Participation of Putrajaya and Petaling Jaya, Malaysia. *Smart Cities* 5(1), 71-89. DOI:10.3390/smartcities5010005.
- Thunberg, M; Fredrik, P (2014) Using the SCOR model's performance measurements to improve construction logistics. *Production Planning & Control*.25(13–14), 1065–1078. DOI:10.1080/09537287.2013.808836.
- Zargham Borujeni, H; Taghavi Fard, M.T; Azizi, A (2020) Analysis of Themes Affecting Value Creation through Integrated Electronic Supply Chain of Tourism Services in Iran. *Tourism and Development*, 10(1), 321–335.[In Persian] Doi: 10.22034/JTD.2020.220663.1973.
- Zhou, T. (2016).Examining social capital on mobile SNS: the effect of social support. *Program electronic library and information systems* 50(4):367–379. DOI:10.1108/PROG-12-2015-0080.
- and Organizational Performance with the Mediating Role of Ambidexterity and the Moderating Role of Environmental Dynamics. *Resource Management in Law Enforcement Force*, 8(4), 219–254. [In Persian] Doi: DOR: 20.1001.1.23455888.1399.8.4.8.9.
- Rezaian Kalebashi, E; Kalantari Khalilabad, H,, Rezghi, M (2022) Explaining a Conceptual Framework for Evaluating Spatial-Spatial Resilience against Urban Floods and Its Application in Urban Planning Literature (Case Study: Babolsar City), *JOURNAL OF IRANIAN-ISLAMIC CITY STUDIES*, 12(48), 15–28. [In Persian] Doi:DOR:20.1001.1.2228639.1401.12.48.5.9.
- Rodrigo,A; García-Villaverde, P.M; Ruiz-Ortega, M.J; Parra-Requena, G (2018) From social capital to entrepreneurial orientation: The mediating role of dynamic capabilities. *European Management Journal*, Elsevier, 36(2), 195–209. DOI:10.1016/j.emj.2017.02.006.
- Roustaie, Sh; Pourmohammadi, M; Ghanbari, H (2018) Smart City Theory and Evaluation of its Infrastructure Components in Urban Management (Case Study: Tabriz Municipality), *Geography and Regional Urban Planning*, 8 (26), 197–216.[In Persian] Doi: 10.22111/GAII.2018.3634.
- Saadabadi, A.A; Bafafsfat, F; Kiaresh, F (2021) The Effect of Motivational Alignment and Information Sharing on Supply Chain Operating Performance: The Mediating Role of Absorption Capacity (SMEs), *Production and Operations Management*, 12(3), 119–134.[In Persian] Doi: 10.22108/JPOM.2021.128161.1363.

بررسی نقش حیاط در ارتقاء کارایی عملکردی مدارس ایران^۱ (مورد کاوی: مدرسه مروی، البرز، کمال و سلمان)

فرزانه نریمانی^{*}، ملیحه تقی پور^{**}، علی اکبر حیدری^{***}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵

نوع مقاله: پژوهشی - ۱۴۰-۱۱۹

چکیده

حیاط در ساختار فضایی معماری سنتی ایرانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و علاوه بر کاربردهای اقلیمی و جغرافیایی، از منظر طراحی معماری و عملکردی نیز حائز اهمیت بوده است. به این ترتیب که با قرارگیری آن در مرکز بنا و چینش سایر فضاها پیرامون آن، علاوه بر تأمین نور و منظر مناسب برای فضاهای اطراف خود، کیفیات دسترسی به آنها و همچنین نوع و میزان استفاده از آنها توسط کاربران را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. این عضو ضروری مدارس ایران در مدارس امروزی به دلیل کمبود زمین و باتوجه به تراکم ابنیه از ساختار کالبدی فضایی بسیاری از مدارس حذف و یا به لحاظ پیکره‌بندی مکان آن تغییر کرده است و نقش آن در تغییر کارکرد عملکردی بنا نادیده گرفته می‌شود. هدف، پژوهش حاضر را در راستای بررسی نقش حیاط بر کارایی عملکردی مدارس سوق داده است و عواملی چون نوع هندسه حیاط و موقعیت قرارگیری آن در پیکره بندی بنا، مورد سنجش قرار گرفته و پس از بررسی ادبیات پژوهش، شاخص‌های مرتبط با کارایی عملکردی فضا استخراج و معرفی می‌گردد و در مرحله بعد، به منظور تحلیل میزان کارایی عملکردی، از دو ابزار ترسیم گراف و همچنین نرم‌افزار *Depthmap* استفاده می‌شود. در مجموع، روش تحقیق کمی و کیفی خواهد بود و چهار مدرسه سنتی و معاصر به عنوان نمونه موردی انتخاب گردیده است. نتایج نشان می‌دهد که وجود حیاط با الگوی مرکزی و با هندسه مستطیل یا مربع، بیشترین مقدار کارایی عملکردی، انعطاف‌پذیری، یکپارچگی و نیز قابلیت دسترسی مناسب به فضاها را در مدارس ایجاد می‌کند.

واژه‌های کلیدی: چیدمان فضایی، حیاط، کارایی عملکردی، مدرسه، نحو فضا.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری «فرزانه نریمانی» با عنوان «تحلیل تحولات فضایی عملکردی مدارس در دوره گذار با تکیه بر مفهوم کارایی عملکردی (نمونه موردی مدارس دوره قاجار و پهلوی تهران)» است که به راهنمایی دکتر «ملیحه تقی پور» و مشاوره دکتر «علی اکبر حیدری» در دانشکده معماری دانشگاه شیراز در حال انجام است.

Narimani.farzane@gmail.com

* نویسنده مسئول: دکتری گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

malihetaghypour65@gmail.com

** دانشیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

aliakbarheidari.iust@gmail.com

*** دانشیار گروه معماری، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران



مقدمه

حیات از جمله عناصر اصلی موجود در مدارس است که از دیرباز نقشی مهم در عملکردهای اجتماعی و مذهبی داشته است عنصر حیات در ساختار فضایی مدرسه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است و علاوه بر کاربردهای اقلیمی از منظر عملکردی نیز حائز اهمیت فراوانی بوده است به این معنی که در ساخت مدرسه، در مواردی که قصد ساختن مدرسه حیاطدار در ذهن سازندگان وجود داشته است در ابتدا حیات را با یک شکل کاملاً منظم در پیکره‌بندی بنا مکان‌یابی نموده و سپس سایر عناصر از جمله حجره‌ها، ایوان‌ها و... را حول آن بر پا می‌نمودند (امین‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۲). حیات مرکزی، نشانی از احساس مسلمانان نسبت به فضا و به خصوص فضای معنوی به شمار می‌رفته و بعدها در فرهنگ معماری اسلامی از نظر کاربردی از لحاظ سمبلیک به اوج خود رسیده است بدیهی است که مرکزیت در اسلام، نمادی از وحدت است و اساس بازتاب کیفیتی است که در بطن آن وحدت نهفته است (جعفری و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۶). با این احتساب چنین به نظر می‌رسد که حیات مرکزی نه تنها در ساختار هندسی و فضایی بنای مدرسه مد نظر قرار داشته بلکه عاملی وحدت بخش و مکانی برای حضور و تعامل مردم به عنوان یک فضای شهری نیز به شمار می‌رفته است و این موضوع بر اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن نیز صحنه می‌گذارد (حیدری و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۲). به این معنی که زمانیکه فضایی در یک پیکره بندی خاص به گونه‌ای قرارگیرد که میزان نفوذ فعالیت‌های غیر مرتبط در آن کاهش و در مقابل امکان خدمات رسانی به فضاهای مجاور آن افزایش یابد، می‌تواند بهتر مورد استفاده کاربران قرار گیرد که در چنین حالتی فضا کارآمد تلقی شده و به تعبیری دارای کارایی عملکردی بالاتری است (Mustafa and Hasan, 2013: 69). این در حالی است که در مدارس

امروزی با توجه به تراکم ابنیه و مشکلات مربوط به زمین، در بسیاری از مدارس حیات از کالبد فضا حذف و یا به لحاظ پیکره‌بندی، مکان آن تغییر کرده است. به این معنی که در ساخت مدرسه، آنچه پس از ساخت بنا باقی می‌ماند، تحت عنوان حیات مورد استفاده قرار می‌گیرد (حیدری و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۲). لذا بدیهی است که در چنین حالتی حیات دیگر آن ماهیت وحدت‌بخش خود را نداشته و تنها به محلی برای عبور تبدیل شده است بر همین اساس پژوهش حاضر ضمن تحلیلی حیات در معماری گذشته و معاصر مدارس، نقش آن بر کارایی عملکردی بنا را مورد تحلیل قرار می‌دهد و با توجه به شاخص‌هایی چون موقعیت آن در پیکره بندی فضا و همچنین داشتن هندسه منظم یا نا منظم، به تحلیل این مهم می‌پردازد. با این توضیح سوالات تحقیق در قالب موارد زیر قابل بررسی است: حیات به‌عنوان یکی از عناصر اصلی در پیکره‌بندی مدارس چگونه می‌تواند بر ارتقای کارایی عملکردی آن تأثیرگذار باشد؟ با توجه به ضرورت حیات در ارتقای کارایی عملکردی مدارس، مناسب‌ترین ساختار هندسی حیات به چه شکل است؟ مکان‌یابی مناسب حیات در جهت ارتقای کارایی عملکردی مدارس چگونه است؟

پیشینه پژوهش

در رابطه با بررسی میزان کارایی عملکردی با استفاده از روش نحو فضا، پژوهش‌های متعددی به انجام رسیده است. به طور مثال در مقاله‌ای، خان به بررسی و تبیین شاخص‌های کارایی عملکردی در مدارس پرداخته است و نقش هر یک از مؤلفه‌های کارایی فضایی را در راستای بهینه‌سازی چیدمان فضای داخلی بناهای درمانی، طبق تعاریف مربوط به آن مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده است (Khan, 2012: 12). سمیع آذر در کتاب «تاریخ تحولات مدارس» در ایران به بررسی تاریخی

مدارس ایران پرداخته و تحولات کالبدی مدارس را در چهار بخش پیش از اسلام، دوران اسلامی، دوره صفوی، و دوران معاصر (پیدایش مدارس جدید)، از دریچه تحولات فرهنگی و نظام آموزشی مورد توجه و بررسی قرار داده است (سمیع آذر، ۱۳۷۶: ۴۹). نتایج تحقیق در مقاله (بازتعریف حیاط براساس بعد ساختاری خانه‌های سنتی یزد) بر این تأکید دارد که حیاط‌های امروزی در این روند رو به رشد جوامع امروزی، به عنوان فضایی برای پاسخ‌گویی به نیازهای مختلف جسمی، روحی و روانی ساکنان نیست و به پسماندهایی از ساخت‌وساز کالبدی بنا تبدیل شده است. آنها عواملی از جمله فرهنگ و ویژگی‌های جامعه‌شناختی (فردگرا بودن و جامعه‌گریز بودن افراد حاکی از روابط اجتماعی پایین و در نتیجه کاهش نقش حیاط در زندگی روزمره انسان امروز)، عامل اقتصاد (گرانی قیمت زمین)، عامل تکنولوژی، عامل سیاست (تیپولوژی مسکن)، را جزو عوامل گذر از حیاط سنتی می‌دانند (هاشم‌نژاد و شاهیده، ۱۳۹۰: ۱۸). عموماً در پژوهش‌های مذکور، از روش‌هایی چون استفاده از روابط ریاضی نحوی، که با استفاده از خروجی‌های نرم افزار Agraph نیز قابل بهره‌برداری است همچنین استفاده از نرم افزار Depthmap و ارزیابی با تئوری‌های نظری نحو فضا، به بررسی موضوع کارایی فضا پرداخته شده است. با این حال در پژوهش‌های داخلی، تاکنون در خصوص موضوع بررسی جایگاه حیاط در ساختار کالبدی مدرسه پژوهشی انجام نشده است. بر این اساس پس از بررسی ادبیات پژوهش، عواملی چون نوع هندسه حیاط و موقعیت قرارگیری آن در پیکره‌بندی بنا، مورد سنجش قرار گرفته و مفهوم کارایی عملکردی فضا و شاخص‌های مرتبط با آن استخراج و معرفی می‌گردد و عوامل مؤثر بر آن به عنوان یکی از ویژگی‌های محیطی تبیین می‌گردد.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم حیاط: حیاط در فرهنگ دهخدا، به معنی محوطه و هر جای دیوار بسته، سرا و خانه آمده است. واژه‌های دیگری مثل ساحت، صحن، میان سرا و صحن سرانیز به همین معنی است (معماریان، ۱۳۷۳: ۱۳۱). حیاط مرکزی نامی است که به طور معمول به انواع متنوعی از حیاط‌ها گفته می‌شود که در آن دست‌کم در یک سمت و دست بالا در چهار سمت آن فضای ساخته شده وجود دارد و تنها یا مهم‌ترین و اصلی‌ترین فضا برای تأمین نور، تهویه، ارتباط درونی و برخی کارکردهای دیگر است. جای گرفتن فضاهای ساخته شده پیرامون حیاط و به ویژه در حیاط خانه‌های بزرگ و بسته شدن این‌گونه حیاط‌ها در چهار سمت با اتاق‌ها یا با دیوار، سبب نام‌گرفتن آن به حیاط مرکزی شده است. در متون کهن آن را میان سرا خوانده‌اند (سمرقندی، ۱۳۴۳: ۵۲). بورکهارت در کتاب خود حیاط را از مظاهر خانه‌های مسلمانان به شمار آورده است. او در این مورد چنین نوشته است: «خانه‌های مسلمانان از حیاط‌هایی درون خویش روشنایی و هوا می‌گیرند، نه از خیابان. هرگاه به نقشه شهرهای اسلامی بنگرید می‌بینید که در کنار خیابان‌های عمده سراسری رشته بن‌بست‌ها و کوچه‌های پیچ‌درپیچ قرار گرفته‌اند که راه آمدو شد خانه‌های انبوه و پرشماری هستند» (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۲۶)؛ بنابراین حیاط فضای با اهمیتی در مدرسه تلقی می‌گردد که حیات فضاهای پیرامون تحت تأثیر کارکردهای این کالبد روباز است. در این بخش، ابتدا به بررسی نقش حیاط (با تأکید بر هندسه و مکان‌یابی آن) پرداخته می‌شود سپس با توجه به موضوع پژوهش، دیدگاه تئوریک‌های نحو فضا در ارتباط با کارایی عملکردی فضا و عوامل مؤثر بر آن مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت به ارائه چارچوب نظری در این خصوص پرداخته می‌شود.

انواع الگوهای حیاط در پیکره‌بندی مدارس

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که حیاط در مدرسه از ابتدا یکی از بخش‌های اصلی پیکره‌بندی فضایی به شمار می‌رفته است به نحوی که از نخستین مدارس تا دوران معاصر، فضای باز یا به تعبیری حیاط، حضوری چشمگیر داشته است. با تعمیق در نمونه‌های تاریخی این موضوع برداشت می‌شود که حیاط در مدرسه، چیزی بیش از یک فضای تقسیم و یا صرفاً تنوع معمارانه است. از منظر اسلام، برخی از عبادات باید حتماً در فضای باز انجام گیرد که از جمله آنها می‌توان به نمازهای اعیاد فطر و قربان، نماز روز عرفه و مواردی از این دست اشاره نمود (قمی، ۱۳۶۱: ۲۸). این موضوع بر لزوم وجود حیاط در ساختار پیکره بندی مدرسه نیز صحنه می‌گذارد. این در حالی است که در دوران معاصر، بنا به دلایل مختلف بسیاری از مدارس فاقد حیاط بوده و یا بخش کوچکی از زمین که بصورت غیر مسقف در نظر گرفته می‌شود را به عنوان حیاط در نظر می‌گیرند. این در حالیست که از این فضا صرفاً به منظور عبور و مرور استفاده می‌شود (امین‌زاده، ۱۳۷۸: ۳۴). چگونگی ترکیب فضاهای سرپوشیده با فضاهای باز، یکی از موضوعات مهم در طراحی و ساخت فضاهای مختلف معماری است در همین ارتباط، عوامل و پدیده‌های گوناگونی بر نحوه شکل‌گیری فضاهای باز و چگونگی ترکیب آنها با فضاهای بسته نقش دارند که از جمله آنها می‌توان به نوع کارکرد آن در ساختار بنای مورد نظر اشاره نمود (سلطان‌زاده، ۱۳۹۰: ۷۰). حیاط در مدارس سنتی بیشتر به شکل مستطیل و یا مربع ساخته می‌شده است که در قالب الگوهای مختلف چون چهار طرف محصور می‌یافته است (Meir, Pearlmutter, and Etzion, 1995: 566). این در حالی است که باگذشت زمان و به واسطه عوامل مختلفی چون محدودیت توپوگرافی، سایت، جهت

ساختمان و... اشکال جدیدی چون L, U, T و یا حتی Y شکل نیز در طرح هندسی حیاط ظاهر شده است (Ibrahim, 2013: 44).

معرفی الگوها

الگوهای حیاط را می‌توان به دو دسته هندسی و بدون هندسی تفکیک نمود: الگوهای هندسی: در این الگو، هندسه حیاط مشخص‌کننده هندسه بناست حتی در زمین‌های با مرزهای بدون هندسه، الگوهای حیاط تأثیر زیادی دارند و نوع سکونت، حرکت، مکث، استراحت و ارتباطات فضایی را در بنا شکل می‌دهند. مهم‌ترین ویژگی‌های الگوهای هندسی، محوربندی حیاط است که سبب تنوع فضاها می‌گردد. دو الگوی مربع و مستطیل از اصلی‌ترین الگوها به شمار می‌روند و سایر الگوهای هندسی مانند دوزنقه، چندضلعی‌ها (هشت‌ضلعی) و حیاط‌های ترکیبی (از ترکیب و کنار هم قرار گرفتن دو الگوی هندسی یکسان یا متفاوت) از الگوهای ثانویه محسوب می‌شوند (مهدوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۸).

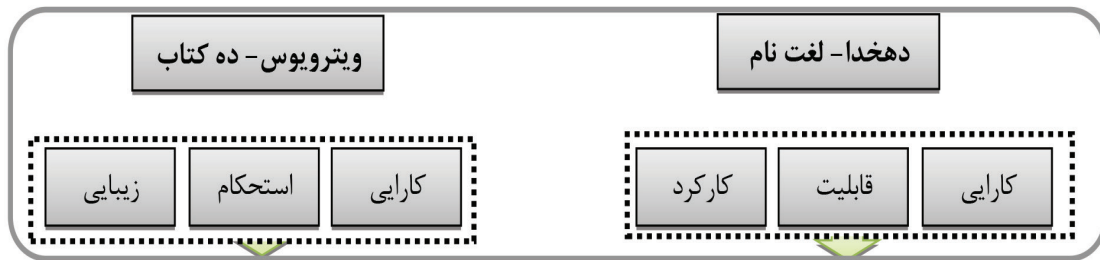
الگوهای بدون هندسه: این دسته از الگوها که با استفاده از هندسه حیاط سایر فضاها را پرورش می‌دادند، در طبقه همکف بسیار محدود هستند و کاربرد آن بیشتر در حیاط طبقات این الگوها از تطابق با محدوده بالاتر (مهتابی) دیده می‌شود. معمولاً این الگوها از تطابق با محدوده زمین به وجود می‌آیند از یک یا دو سمت به واسطه دیوار بلند، از آن کوچه و فضاهای عمومی جدا می‌شوند. از آن جایی که تقریباً از محوربندی الگوی هندسی در این نوع وجود ندارد، برخی از فضاهای اصلی نشیمن، که قبلاً در مرکز اضلاع در راستای محور قرار می‌گرفتند، در گوشه‌های حیاط جا یافته‌اند. هم‌چنین تأکید می‌شود که به وسیله محورها بر این‌گونه فضاها می‌شد کم‌رنگ‌تر گردیده و حتی نوع معماری این فضاها از عظمت فضاهای هندسه‌گرا فاصله

گرفته و کم‌ارزش‌تر شده‌اند (مهدوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۹).

کارایی عملکردی

مفهوم کارایی در لغت‌نامه فارسی به معانی همچون راندمان، کارکرد، قابلیت و... تعبیر شده است. این واژه در قالب مفهوم کارایی نخستین بار در نظریات ویتروویس مطرح گردید. وی سه عامل استحکام، کارایی و زیبایی را اساسی‌ترین و ضروری‌ترین شاخص‌های یک بناهای مطلوب تعریف کرد (Vitruvius, 1960: 89) (شکل ۱). بنا به این تفسیر از فضا، طراحان باید با هدف پدیدآوردن شرایطی مطلوب و مناسب، محیط را به‌گونه‌ای طراحی و سازمان‌دهی می‌کردند که

علاوه بر داشتن استحکام و زیبایی لازم، قابلیت تأمین بیشترین سطح از نیازهای استفاده‌کنندگان از فضا را نیز داشته باشد. در همین خصوص، یکی از مهم‌ترین مقاصد بشر در راستای بهبود زندگی فردی و اجتماعی، دستیابی به عملکرد مناسب و کارآمد بنا است. یک محصول زمانی که دارای هدف و معنی مشخص باشد و در جایگاهی درست از آن استفاده شود، دارای عملکرد مطلوبی خواهد بود که یکی از جنبه‌های قابلیت‌های فضا در راستای عملکرد مطلوب آن، داشتن چند عملکرد بالقوه به‌جای یک عملکرد ثابت و بالفعل است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۳).



شکل ۱: مفهوم لغوی کارایی

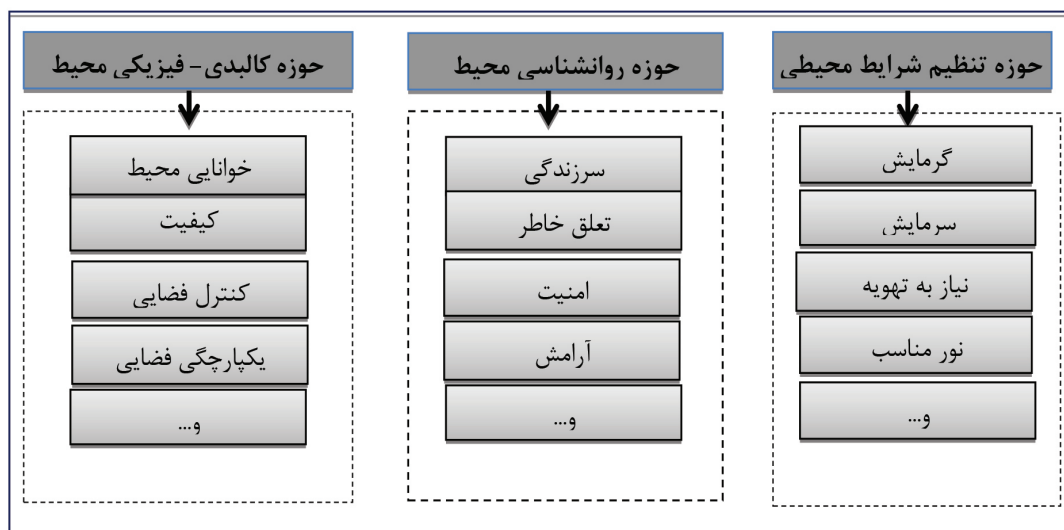
ادبیات کارایی در شاخه‌های گوناگون معماری

مفهوم کارایی در ادبیات مرتبط با فضای معماری، از سه دیدگاه قابل بررسی است (شکل ۲). دیدگاه اول کارایی عملکردی یک فضا را در میزان تأمین شرایط آسایشی افراد استفاده‌کنندگان از آن فضا، از جمله شرایط مربوط به گرمایش، سرمایش، تأمین نور، تهویه و مواردی از این قبیل تعریف می‌کند. در این رویکرد، هر چقدر که یک فضا، شرایط تأمین آسایش انسان را در ارتباط با متغیرهای مذکور فراهم آورد، دارای کارایی بالاتری خواهد بود (Mustafa and Hassan, 2013: 23). رویکرد دوم مفهوم کارایی عملکردی را در علوم رفتاری و در حوزه روان‌شناسی محیط مورد بررسی قرار می‌دهد. در این رویکرد منظور از

کارایی عملکردی یک محیط، میزان توانایی آن محیط در پاسخگویی به نیازهای مختلف جسمی و روانی استفاده‌کنندگان از آن است که از جمله این نیازها می‌توان به مواردی چون امنیت، آرامش، سرزندگی، تعلق خاطر و مواردی از این قبیل اشاره نمود (Lang, 1987: 54). سومین رویکردی که به بررسی مفهوم کارایی عملکردی یک محیط می‌پردازد، رویکرد نحو فضا است (Mustafa and Hassan, 2013: 24). این روش، میزان کارایی یک ریز فضا در یک نظام پیکره‌بندی فضایی، در میزان استفاده‌پذیری آن توسط کاربران معرفی می‌نماید. در این ارتباط شاخص‌هایی چون موقعیت استقرار فضای مورد نظر در ساختار کلی بنا، میزان پیوند و ارتباط آن با فضاهای مجاور خود، میزان دسترسی به فضای مذکور،

میزان عمق فضای مورد نظر نسبت به ورودی و مواردی از این دست، در میزان کارایی آن فضا تأثیرگذار هستند (Van Manen, 2006: 716). بر این اساس با توجه به اهداف پژوهش که بررسی کارایی عملکردی فضا در قالب کالبد

فضاهای آموزشی تعریف شده است و از دریچه روابط کالبدی- عملکردی به فضا می‌نگرد، از رویکرد سوم به منظور بررسی ساختار فضا در راستای کشف مؤلفه‌های کارایی عملکردی در مدرسه می‌پردازد.



شکل ۲: عوامل مؤثر بر کارایی عملکردی فضا در قلمرو معماری.

حوزه کالبدی - فیزیکی محیط

پیشرفت‌های حاصل شده در علم معماری بیانگر این مهم است که بسیاری از محدودیت‌های ساختمان نظیر فن ساختمان‌سازی، محدودیت‌های اقلیمی، استفاده از مصالح بومی و... نمی‌تواند مانعی در جهت ساخت فضاهای انسانی شود. اما اهمیت روابط عملکردی موضوعی متفاوتی است که بر این اساس به‌طور قطع تا زمانی که انسان در چنین کالبد‌هایی زندگی کند، در فضاهایی که به لحاظ عملکردی و روابط فیزیکی دچار مشکل است، قادر به زندگی نخواهد بود و یا کاربر فضا در آنها با مسائلی روبه‌رو است که ممکن است پس از مدتی با مشکلات یا تغییرات رفتاری مواجه شود؛ لذا روابط مطلوب عملکردی فضا از جایگاه ویژه‌ای در پیکره‌بندی فضا برخوردار است، درحالی‌که به نظر می‌رسد کمتر به بررسی اهمیت آن پرداخته شده است.

یکی از روش‌هایی که به ارزیابی کالبد فضا از منظر مطلوبیت عملکردی آن می‌پردازد تکنیک نحو فضا است. این رویکرد که بیش از هر چیز امکان این را دارد که اطلاعاتی را جهت بررسی ساختار چیدمان فضا ارائه نماید، میزان کارایی یک بنا را در میزان استفاده‌پذیری آن توسط کاربران معرفی می‌کند. در این ارتباط شاخص‌هایی چون موقعیت استقرار فضای موردنظر در ساختار کلی بنا، میزان پیوند و ارتباط آن با فضاهای مجاور خود، میزان دسترسی به فضای مذکور و مواردی از این دست در میزان راندمان فضای موردنظر تأثیرگذار هستند. تحقیقات حوزه نحو فضا به ارائه روش‌هایی کمی جهت تحلیل فضا پرداخته است که به درک چگونگی عملکرد فضا کمک می‌کند. این تجزیه و تحلیل‌ها به بررسی چگونگی توزیع فضایی، الگوی حرکت و حضورپذیری در فضا می‌پردازد (Hillier and Hanson, 1984: 104).

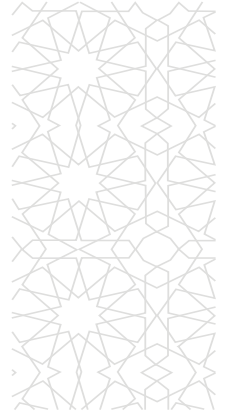
بیل هیلیر در کتاب «فضا ماشین است» تعریف کارایی عملکردی را این‌گونه بیان می‌کند که «بهره‌وری به معنی به‌حداقل رساندن میزان نفوذ گروه‌های نامربوط به یکدیگر و سازماندهی مناسب فضاهای مرتبط در کنار هم است به نحوی که کارایی آنها در گروه خدمات‌رسانی مناسب به یکدیگر باشد (Hillier, 2007: 106). این نوع سازماندهی فضایی منجر به شکل‌گیری روابط کارآمد اجتماعی می‌شود». براین اساس به کمک برخی از شاخص‌های آن نظیر عمق، اتصال، هم‌پیوندی، انواع دسترسی‌ها و... می‌توان به بیان برخی از قابلیت‌های فضا پرداخت. این روش، اطلاعاتی جهت توصیف پیکره‌بندی فضا و درک چگونگی روابط فضایی به پژوهشگران ارائه می‌کند. همچنین این تکنیک قادر به پیش‌بینی رفتار انسان در چارچوب محیط انسان‌ساخت نیز است (Peponis and et. Al, 1984: 97). به طور مثال عمیق بودن زیاد فضاها در برخی از عملکردهای جمعی موجب افزایش جرم‌پذیری محیط و نبود احتمال استفاده مناسب از آن می‌شود. این در حالی است که ایجاد عمق و فضاهای تودرتو، بخصوص در مدارس سنتی موجب خلق کیفیتی می‌گردد که در صورت فقدان آن به نوعی عملکرد فضا دچار اغتشاش و آشفتگی و در نتیجه آن بخشی از فضا ناکارآمد می‌گردد. طبق تعریف کارایی بهینه فضا که با شاخص‌های نحوی قابل بررسی و اثبات است، کارایی بهینه فضا به معنی به‌حداقل رساندن میزان نفوذ فعالیت‌های غیرمرتبط بر یکدیگر و همچنین سازمان‌دهی فضایی فعالیت‌های مرتبط در کنار یکدیگر است، به طوری که بهره‌وری مناسب آن‌ها در گروه خدمات‌رسانی بهینه به یکدیگر است. این نوع از سازمان فضایی، در کنار افزایش کارایی عملکردی، منجر به شکل‌گیری روابط اجتماعی کارآمد نیز می‌گردد: (Hillier, 1993: 216). از طرفی فضاهای خدمات‌دهنده، مانند

فضاهای ارتباطی و یا ورودی در مدرسه، نقش مهمی در چگونگی این مهم دارند، زیرا کارکرد مناسب و بهینه موجب عملکرد بهتر کل فضا می‌شود و گردش فضایی و فعالیت‌های روزمره را سامان‌دهی می‌کند.

بررسی شاخص‌های کارایی عملکردی

همان‌گونه که عنوان گردید، در تکنیک نحو فضا، ابزارهایی برای سنجش کارایی عملکردی مورد استفاده قرار می‌گیرد که در ذیل به معرفی این موارد پرداخته می‌شود. **عمق:** این شاخص به وسیله «مرحله عمق» و «عمق متریک» در نرم‌افزار بررسی می‌شود. طبق تعریف کارایی عملکردی، هر چه عمق فضا کمتر شود، تفکیک و جداسازی فضایی کاهش یافته و در نتیجه فضا یکپارچه‌تر می‌گردد. این موضوع نشان‌دهنده ارزش ادغام بالاتر و در دسترس‌تر بودن فضا است که این امر در نهایت موجب تسهیل در عملکرد فضا می‌شود (Haq, 1985: 83). زمانی که تعداد مراحل سینتیک یا جنبشی - بصری بین فضاهای موجود در کل بنا افزایش یابد، ارتباط عملکردی بین آن فضاها تضعیف می‌گردد. این پدیده توسط رابطه معکوس بین تفکیک و جداسازی و کارایی کاربردی ایجاد می‌شود (جدول ۱) (Hanson and Hillier, 2007: 56). به طور عام این تعریف از تأثیر میزان عمق بر کارایی عملکردی، برای فضاهایی با کاربری‌های تجمعی و عمومی به کار می‌رود؛ زیرا موجب کاهش طول سفر و زمان صرف شده می‌گردد (Khan, 2012: 5).

هم‌پیوندی: هم‌پیوندی در ارتباط با مقادیر عمق فضا است. به این صورت که فضایی هم‌پیوند خوانده می‌شود که تمامی دیگر فضاهای محیط در عمق نسبتاً کم از آن قرار داشته باشند. به این ترتیب برای حرکت از یک فضا با مقدار سیستم، تغییرات کمتری در جهت لازم است (Peponis and Penn, 1999: 45). نتایج تحقیقی در این خصوص نشان



می‌دهد که قرار گرفتن هم‌پیوندی‌ترین هم‌پیوندی بالا به تمام فضاهای دیگر در فضاها در عمق میانه، تسهیل در حرکت را موجب می‌شود (جدول ۱) (Hillier, 2008: 103).

لذا هر چه مقدار هم‌پیوندی یک فضا بیشتر باشد عمق آن کمتر شده و این امر موجب یکپارچگی بیشتر فضا و افزایش میزان نفوذپذیری آن می‌شود و در نتیجه افزایش کارایی عملکردی فضایی را به همراه دارد. پس هر چه فضا دارای هم‌پیوندی بیشتری باشد دارای عملکرد مناسب‌تری نیز خواهد بود (Hillier, 2007: 361 و Peponis, 1985: 121). هم‌پیوندترین فضاها در مدارس سنتی کشور، همواره حیاط‌ها (اعم از اندرونی و بیرونی) بوده‌اند. در این مدارس حیاط هم نقش فضای توزیع‌کننده و خدمات‌دهنده را داشته‌اند؛ چراکه فضایی مانند حیاط هم به لحاظ عملکردی (افزایش کارایی فضایی) و هم به دلایل فرهنگی و اجتماعی جزء هم‌پیوندترین فضاها در مدارس ایرانی به

شمار می‌رود. **اتصال (ارتباط):** اتصال، به‌عنوان تعداد مکان‌هایی تعریف می‌شود که به طور مستقیم با نقاط دیگر ارتباط پیدا می‌کند (Klarqvist, 1993: 48). اتصال فضاها به یکدیگر موجب شناخت فضایی مناسب و همچنین تسهیل در گردش فضا می‌شود (Young and et. Al, 2015: 97). نتایج پژوهشی در این خصوص نشان می‌دهد که اتصالات ضعیف فضاهایی مانند کاربری‌های تجاری به سایر فضاهای پر رفت‌وآمد شهری، اثرات منفی بسیاری بر میزان فعال‌بودن فضا و صرفه‌های اقتصادی تأثیر آن دارد (Young and et. Al, 2015: 97)؛ لذا میزان یکپارچگی فضا تأثیر مستقیمی بر عملکرد مناسب آن دارد. در فضایی مانند مدرسه، به‌خصوص از نوع سنتی آن، برخی از ارتباطات فضایی که بین بخش‌های مختلف وجود دارد که باعث افزایش یکپارچگی فضا و انعطاف‌پذیری آن می‌گردد (جدول ۱).

جدول ۱: شاخص‌های شاخص‌های کارایی عملکردی با استفاده از تکنیک نحو فضا (حیدری، ۱۳۹۶)

| معیارها | توضیحات | آنالیز مربوطه |
|----------------|---|---------------------------|
| عمق | در تئوری نحو فضا، عمق به معنی تعداد مراحل است که فرد برای رسیدن به یک فضا باید طی نماید؛ در نتیجه در یک پیکره‌بندی فضایی، هر چه عمق فضایی بیشتر شود، درجه خصوصی بودن فضا نیز افزایش می‌یابد (Hassan & Mustafa, 2013). | استپ متریک (step metric) |
| اتصال (ارتباط) | مفهوم اتصال یا به تعبیری دیگر ارتباط، به معنی تعداد پیوندهایی است که بین هر فضا با فضاهای دیگر ایجاد می‌شود (Klarqvist, 1993). | ایزو ویست (isovist) |
| هم‌پیوندی | مفهوم هم‌پیوندی به‌نوعی با مفهوم عمق ارتباط دارد؛ به این معنی که فضایی هم‌پیوند خوانده می‌شود که دیگر فضاهای محیط در عمق نسبتاً کمی از آن قرار داشته باشند. به این ترتیب، برای حرکت از هر فضا با مقدار هم‌پیوندی بالا به تمام فضاهای دیگر در سیستم، تغییرات کمتری در جهت‌گیری فرد شکل می‌گیرد (Peponis, Zimring, C, Choi, Y, 1990). | کانکتیویتی (connectivity) |

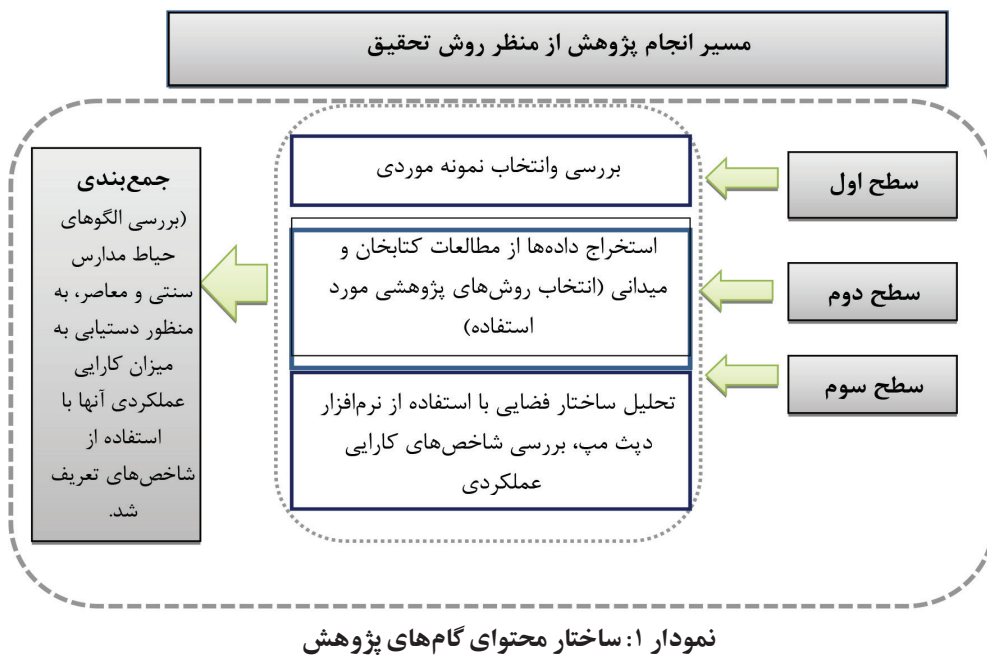
عملکردی مدارس سنتی و معاصر ایران است. به این منظور، دو متغیر «مکان‌یابی» و «طرح هندسی یا موقعیت حیاط» در نظام فضایی مدرسه متغیر مستقل و کارایی عملکردی

روش تحقیق

همان‌گونه که در بخش مقدمه نیز اشاره شد، هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر، تحلیل و بررسی نقش حیاط در ارتقای کارایی

حیاط متغیر وابسته معرفی گردیدند. براین اساس پیش از هر چیز، می‌بایست مجموعه شاخص‌هایی استخراج شوند که بر میزان کارایی عملکردی يك محیط، به‌ویژه محیط‌های آموزشی، تأثیرگذار هستند؛ بنابراین در مرحله نخست این تحقیق، پس از بیان تعاریف مختلف از این مفهوم، به معرفی مجموعه عواملی پرداخته شد که بر ارتقای آن تأثیرگذار هستند. این امر در نهایت منجر به استخراج چارچوب نظری شد که در آن شاخص‌هایی معرفی گردیدند لذا به‌منظور بررسی شاخص‌ها در این خصوص از تحلیل گراف‌های مربوط به هر کدام از نمونه‌های موردی استخراج شد. شاخص‌های «هم‌پیوندی» و «ارتباط»، «عمق»، «میزان تقعر و تحدب فضا» و «فضای محوری»، با استفاده از نرم‌افزار Depthmap قابل استخراج است نحو فضا، تئوری و ابزار برای تحلیل

در معماری و شهرسازی است. شروع این نگرش توسط استدمن و در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ در لندن پایه‌ریزی شده است. نحو فضا تلاشی است به‌منظور اینکه وضعیت پیکره‌بندی فضایی، چگونه یک معنی اجتماعی یا فرهنگی را بیان می‌کند (Hillier and Hanson, 1984: 125). با این توصیف، روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و همچنین استدلال منطقی با استفاده از قیاس تطبیقی است که در این خصوص از دو استراتژی کمی و کیفی به‌منظور استخراج و تحلیل یافته‌ها استفاده می‌شود. شیوه گردآوری اطلاعات نیز به‌صورت مطالعات کتابخانه‌ای و برداشت‌های میدانی انجام گرفته است. مسیر انجام پژوهش را می‌توان در سه سطح کلی تدوین کرد (نمودار ۱).



مرحله اول

تبیین ساختار فضایی با استفاده از نمودارهای توجیهی گراف‌ها یا نمودارهای توجیهی، شامل دیاگرام‌هایی هستند که به‌منظور نمایش فضاها و نیز نحوه ارتباطات میان آنها استفاده می‌شوند. از تجزیه

و تحلیل این نمودارها، اطلاعاتی همچون ساختار چیدمان فضاها، میزان عمق فضاها، میزان توزیع آنها و همچنین نحوه ارتباط میان آنها قابل استخراج است. نتایج بدست آمده در این گام، اطلاعات لازم جهت استفاده در گام دوم را فراهم می‌نماید.

مرحله دوم

این مرحله شامل معرفی نمونه‌های موردی تحقیق بود که در این خصوص چهار مدرسه، از میان مدارس سنتی و معاصر انتخاب گردید. نمونه‌های انتخاب شده علاوه بر اینکه بر اساس تعداد حیاط با یکدیگر متفاوت بودند، از منظر موقعیت قرارگیری حیاط نیز تفاوت داشتند، به طوری که از این چهار مورد، در دو مورد حیاط در مرکز هندسی و در دو مورد حیاط (حداقل یکی از حیاط‌ها) در مجاورت دیوار معبر و یا همسایه قرار گرفته بود. در ادامه فرایند تحقیق، به منظور بررسی نقش حیاط بر کارایی عملکردی بنا، چهار نمونه مدرسه شامل دو نمونه سنتی و دو نمونه معاصر که از این چهار نمونه، یک نمونه دارای طرح سنتی و سه نمونه دارای طراحی نوآورانه بودند، به عنوان نمونه‌های موردی تحقیق انتخاب شد.

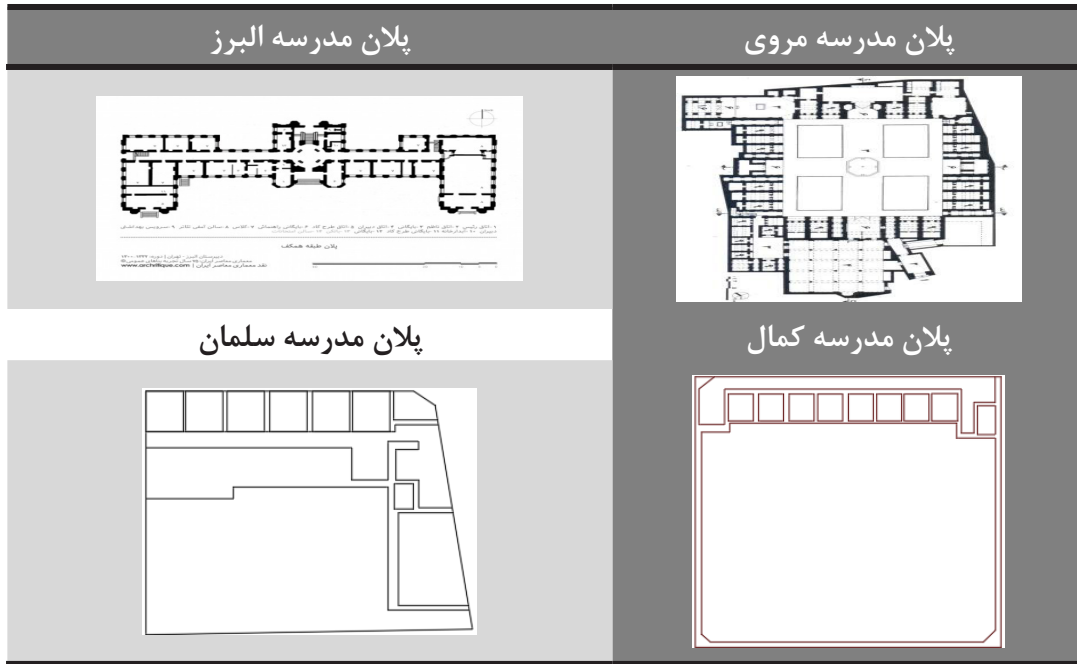
در این پژوهش در سه لایه، انتخاب هدفمند نمونه صورت گرفته است. اول در سطح مطالعاتی و کلی که در عنوان به آن اشاره شده است که منظور مدارس نوین است. در لایه دوم و در میان دوره‌های تاریخی به دلیل تحولات صورت گرفته در این دوره مدارس مربوط به دوره قاجار و پهلوی انتخاب گردید. در لایه سوم، به دلیل مقتضیات زمانی و محدودیت‌هایی نظیر تخریب مدارس و یا عدم اطلاعات و منابع مورد لزوم، امکان بررسی کامل جامعه آماری وجود ندارد؛ لذا در نمونه‌گیری از میان مدارس متعدد این دوره، سعی شده است تا مدرسی که مصداق تحولات خاصی بوده‌اند انتخاب گردد و از معرفی و یا توصیف تمامی آن دوره اجتناب شده است. در نهایت از طریق تعمیم، اطلاعات به دست آمده از

این نمونه‌ها را به جامعه اصلی منتسب می‌نمایند (خاکی، ۱۳۸۶: ۵۲). در این مقاله، انتخاب مدارس بر اساس متفاوت بودن از مدارس سنتی و علوم دینی و در بازه زمانی مورد نظر و از شهر تهران صورت گرفته است. در عین حال نمونه‌ای از مدارس سنتی قاجار برای غنای بررسی انتخاب شده‌اند (جدول ۲).

مدرسه مروی (۱۲۰۱ ه.ش) از مهم‌ترین مدارس تهران در دوره قاجاریه بود، که محمد حسین خان مروی، از مقربان دربار فتحعلی شاه، آن را در دوره‌ای ساخت، که با افزایش نفوذ علمای مذهبی بر اهمیت مدارس در نقش نهادی آموزشی و مذهبی افزوده شد.

در دو دهه ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ه.ش، در تمام شهرهای بزرگ، مدارس مختلفی ساخته شدند و آموزش، همگانی گردید. مدارس معاصر تکامل یافته و پس از آن، الگوی آنها تکرار گردیدند. در میان مدارس به منظور تربیت عامه مردم، مدارس خارجیان، از آنجا که تأثیر فراوانی بر شکل‌گیری و سازماندهی فضایی مدارس معاصر داشتند، دبیرستان البرز (۱۳۰۴ ه.ش) انتخاب شد. زیرا به شکل بارزی دگرگونی‌های معماری مدارس جدید را در خورد نمایان ساخته و مدارس متعددی با شیوه، عملکرد و ترکیب فضایی مشابه آن، در شهرهای مختلف ایران ساخته شدند. لذا می‌تواند «کلید مطمئنی برای فهم تغییر شکل مدارس معاصر ایران محسوب گردد» (دانیل، ۱۳۸۲: ۱۸). مدارس دوران پهلوی دوم (دبیرستان کمال ۱۳۳۷ ه.ش، دبیرستان سلمان ۱۳۴۵ ه.ش). از آنجا که تحت تأثیر ویژگی‌های مدارس دوران پهلوی اول بودند، سعی شد با توجه به حداکثر تفاوت، انتخاب شوند تا بررسی جامعی صورت پذیرد.

جدول ۲: پلان نمونه‌های مورد مطالعه دو دوره



مدرسه کمال و سلمان به عنوان نمونه‌ای که در آن حیاط در بخش جلویی و پشت بنا قرار گرفته است و در نهایت مدرسه البرز به عنوان مدرسه‌ای که حیاط آن پیرامون قرار گرفته است، به عنوان نمونه موردی انتخاب گردید. در جدول ۳ نمونه‌های موردی معرفی شده و مکان‌یابی و ساختار هندسی آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

یکی دیگر از معیار انتخاب نمونه‌های فوق‌الذکر، نقش حیاط در پیکره‌بندی بنا بود که بنا به این توضیح، دو مورد دارای حیاط با طرح هندسی منظم (مستطیل‌شکل واقع در مرکز بنا) یک مورد حیاط مستطیل‌شکل و خارج از محور مرکزی بنا و در نهایت در یک مورد نیز حیاط پیرامون بنا قرار گرفته است. در همین ارتباط مدرسه مروی به عنوان نمونه‌های حیاط مرکزی انتخاب شدند؛

جدول ۳. معرفی نمونه‌های موردی و بررسی مکان‌یابی و ساختار هندسی حیاط در آنها

| پلان مدرسه | مکان‌یابی حیاط | ساختار هندسی حیاط |
|-------------|----------------|-------------------|
| مدرسه مروی | | |
| مدرسه البرز | | |
| مدرسه کمال | | |
| مدرسه سلمان | | |

مرحله سوم

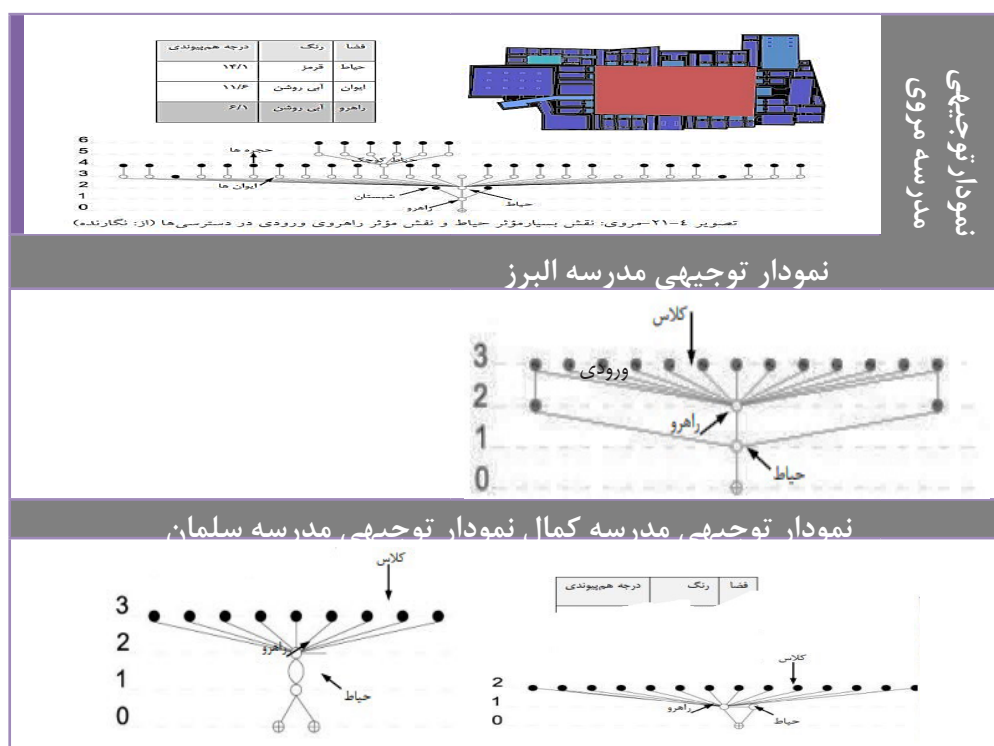
در این مرحله با تحلیل ساختار فضایی با استفاده از نرم افزار Depthmap که پیش تر به منظور ارزیابی هرکدام از شاخص‌ها معرفی شده بود، پرداخته می‌شود و نتایج کمی به دست آمده برای هر مدرسه در جداول مربوط ثبت و با یکدیگر مقایسه شد. هدف اصلی این نظریه تحلیل نحوه ترکیب چیدمان فضاهای موجود در یک ساختار فضایی است. روش نحو فضا بر مبنای مفهوم پیکره بندی فضایی است که در قالب ارتباط بین فضاهای داخلی معماری و با تأکید بر ارتباط میان سیستم‌های فضایی - اجتماعی

شکل گرفته است. این روش نشان می‌دهد که روابط اجتماعی نه تنها در شکل گیری تعاملات مورد نظر تأثیرگذار هستند، بلکه در بطن سیستم‌های فضایی نیز جای گرفته است. در روش نحو فضا به توصیف عملکردهای موجود در فضا می‌پردازند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۲).

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

اولین گام، گراف‌های مربوط به هر مدرسه نسبت به هر کدام از ورودی‌های آن ترسیم می‌گردد که در جدول ۴ ارائه شده است:

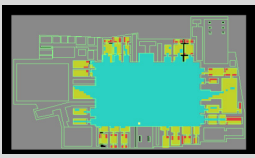
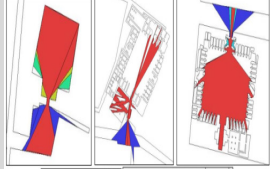
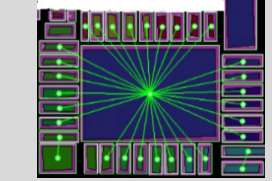
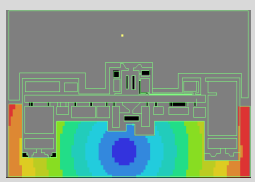
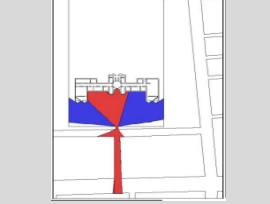
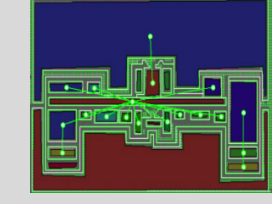
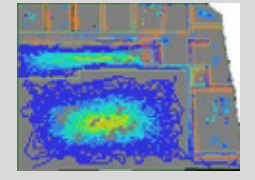
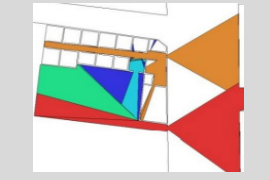
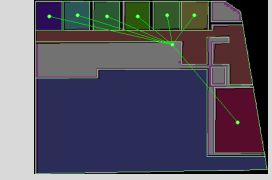
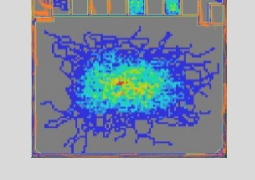
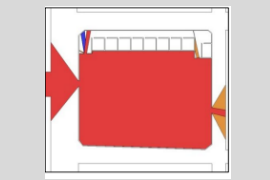

جدول ۴: بررسی مدارس قاجار و پهلوی؛ ورودی اصلی، به عنوان فضای ریشه در عمق صفر در نظر گرفته شده است



این بخش نیز در جدول ۵ ارائه شده است. در این ارتباط نیز از شاخص‌های ارتباط و عمق به منظور تحلیل مکان‌یابی حیاط و از شاخص‌های تحدب و تقعر و فضای هندسی به منظور تحلیل هندسه حیاط استفاده می‌شود.

پس از ترسیم نمودارهای توجیهی، در گام دوم به منظور بررسی شاخص انتخاب از دیاگرام‌های فضایی و به منظور بررسی شاخص‌های عمق، مکان‌یابی، تحدب و تقعر فضا و فضای محوری، از نرم افزار Depthmap استفاده شده است که نتایج

جدول ۵: بررسی الگوی حیاط در مدارس (شاخص‌های عمق، فضای محدب، فضای محذب، فضای محوری)

| عمق | فضای محوری isovist | فضای محدب | مکان‌یابی |
|---|---|--|-------------|
|  |  |  | مدرسه مهر |
|  |  |  | مدرسه البرز |
|  |  |  | مدرسه سلمان |
|  |  |  | مدرسه کمال |

علاوه‌برآن، از نگاهی دیگر، به افزایش یکپارچگی فضا و در نتیجه ایجاد فضاهایی می‌گردد که به گردش فضایی مناسب و بهینه کمک می‌کنند. پس وجود فضاهایی، که شمار زیادی از کوتاه‌ترین مسیره‌های ارتباط‌دهنده با یک فضا را دارند، به عملکرد بهینه فضا کمک می‌کند. حیاط یکی از این فضاها است که هرچه با فضاهای دیگر در پی‌کره‌بندی طرح بیشتر در تماس باشد، گردش فضایی بهبود می‌یابد و در نتیجه افزایش بازده عملکردی را در پی دارد. در کالبد مدارس سنتی حیاط قلب مدرسه است که بعضاً به شکل مستطیلی متناسب در امتداد محور شمالی-جنوبی متمایل به شرق است. بسیاری از جنبه‌های زیست محیطی مانند

باتوجه به نتایج مستخرج از جدول ۵، به تحلیل کارایی عملکردی در انواع الگوهای مورد بررسی پرداخته می‌شود. در همین ارتباط ابتدا نقش مکان‌یابی مناسب حیاط در ساختار فضایی در جهت ارتقای کارایی عملکردی مدارس می‌پردازد و سپس نقش ساختار هندسی حیاط در ارتقای کارایی عملکردی بنا مورد بررسی قرار می‌گیرد. همان‌گونه که عنوان گردید در تکنیک نحو فضا، ابزارهایی برای سنجش کارایی عملکردی مورد استفاده قرار می‌گیرد که در ذیل به معرفی این موارد پرداخته می‌شود.

ارتباط: تنوع میزان ارتباط نسبت به انواع فضاها در مدرسه بیانگر نحوه ایجاد روابط فرهنگی و اجتماعی در مدارس است.

توپوگرافی، سایت، جهت ساختمان، و...، دلیلی برای ایجاد اشکال جدید از حیاط مانند U, L, T و یا Y است. همچنین در برخی موارد اقلیم، شرایط جغرافیایی و... در محل قرارگیری و هندسه حیاط مؤثر است. اما کلی در دسته‌بندی فضای حیاط بر اساس جانمایی و تعداد آن در این بخش، باتوجه به رویکرد پژوهش که بررسی «هندسه» و «مکان‌یابی» بهینه حیاط است و باتوجه به شاخص‌های کارایی عملکردی است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۳). این روش چهار مدرسه سنتی و معاصر، شناسایی، برداشت، طبقه‌بندی و در برخی موارد باز ترسیم و اصلاح شدند. در دسته‌بندی مدارس در پژوهش حاضر، در نمونه‌هایی از این مدارس فضای حیاط (ها) در مرکز مدرسه قرار دارد (به صورت حیاط مرکزی) و در نمونه دیگری پیرامون مدرسه و در دیگری حیاط در جلو و پشت بنا واقع شده است.

باتوجه به نتایج جدول ۶، بیشترین میزان استفاده‌پذیری از فضا در مدرسه مروی در بالاترین میزان است لذا به دلیل میزان ارتباطات بالا و در نتیجه گردش فضایی و

نفوذپذیری مناسب، از منظر کارایی عملکردی در شرایط مطلوب‌تری نسبت به سایر نمونه‌ها قرار دارد. پس از مدرسه مروی به ترتیب البرز، کمال و سلمان دارای بیشترین میزان ارتباط هستند. ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که در مدارس سنتی، «گردش فضایی» از میزان بالایی برخوردار است و به دلیل میزان ارتباطات فضایی زیاد، شاخص ارتباط در سطح بالاتری حتی در مقایسه با نمونه‌های حیاط دار معاصر قرار دارد. این در حالی است که چنین فاکتوری (گردش فضایی گسترده) در طراحی فضاهای معاصر در اولویت قرار ندارد. از سویی دیگر، شاخص ارتباطات فضایی که به ایجاد حلقه‌های فضایی گسترده منجر می‌شود، در مدرسه مروی پررنگ‌تر از سایر مدارس معاصر است. وجود حیاط پیرامون مدرسه، شرایط عملکردی - کارایی آنها را به نسبت مدارس سنتی حیاط مرکزی دارای تفاوت چشمگیری کرده است با توجه به تأثیر این موضوع بر استفاده‌پذیری از فضاهای عمومی، چنین به نظر می‌رسد که این عامل، کارایی عملکردی مدارس مذکور را نسبت به دو مورد بسیار کاهش داده است.

جدول ۶: فضاهای ارتباط دهنده و میزان شاخص ارتباط هر یک

| مدارس | نام فضای ارتباط دهنده و میزان شاخص ارتباط هر یک | | |
|-------|---|-------|-------|
| | حیاط | راهرو | ایوان |
| مروی | ۲۷ | ۳ | ۱ |
| البرز | ۳ | ۱۳ | ۱ |
| کمال | ۱ | ۹ | - |
| سلمان | ۱ | ۱۲ | - |

باتوجه به جدول ۶ بر اساس اعداد شاخص «ارتباط»، بیشترین نقش سامان‌دهی دسترسی‌ها توسط حیاط در مدرسه مروی دیده می‌شود و کمترین میزان در مدارس نوین مثل کمال و سلمان دیده می‌شود. یا مقایسه شاخص ارتباط در مورد راهروها،

البرز بالاترین عدد را به خود اختصاص داده و سلمان و کمال در جایگاه بعدی است. بالاترین شاخص ارتباط در مورد ایوان‌ها و فضاهای نیمه‌باز مربوط به مروی است. باتوجه به تحلیل صورت‌گرفته به وسیله نرم‌افزار تحلیلی نحو فضا، فضای باز و

کردن مجموعه فضاهای داخلی آن هستیم با این وجود با افزایش عمق فضا، از منظر ملاحظات تهویه و نور، محدودیت‌هایی به وجود می‌آید.

همچنین هر چه فضا عمیق‌تر شود میزان مسافت طی شده توسط کاربر افزایش خواهد یافت (Bustard, 1997: 23). پس هر چه عمق فضا کمتر شود، میزان کارایی عملکردی در رابطه با شاخص عمق افزایش خواهد یافت.

شاخص عمق با استفاده از نرم‌افزار مورد بررسی قرار گرفته است در همه مدارس مورد بررسی، این شاخص از ورودی مدارس مورد سنجش قرار گرفته است. رنگ‌های آبی و سبز نشان دهنده کمترین میزان عمق و رنگ‌های زرد و قرمز به معنی بیشترین اندازه مرحله عمق است. نتایج به دست آمده در این خصوص نشان می‌دهند که در مدارس مروی مرحله عمق فضایی کمی وجود دارد. این در حالیست که در مدارس مروی، البرز، کمال و سلمان به ترتیب کمترین تا بیشترین میزان عمق فضایی به دست آمده است و این موضوع نشان از کاهش کارایی عملکردی در مدارس ذکر شده به ترتیب عنوان شده دارد. با این حال چنین به نظر می‌رسد که موقعیت حیاط نسبت به ورودی و کلاس‌ها در این مدارس و تأثیر این مهم بر شکل‌گیری سلسله مراتب فضایی در آنها، علت این پدیده باشد؛ به این ترتیب که در مدارس که حیاط در مرکز بنا قرار گرفته است، دسترسی به آن از طریق یک هشتی امکان پذیر بوده و از آنجا امکان دستیابی بلافاصله به کلاس‌ها فراهم است. این در حالی است که در مدارس البرز و کمال و سلمان که فاقد حیاط مرکزی هستند، به دلیل عدم وجود فضای توزیع کننده، دسترسی به کلاس‌ها به صورت خطی و در گرو عبور از راهروهای مختلف امکان‌پذیر است که همین هندسه خطی در طرح پلان

نیمه‌باز در مدارس سنتی نسبت به مدارس معاصر از میزان درجه هم‌پیوندی و ارتباط بیشتری برخوردار است. یکی از موارد تأثیرگذار در امر ارتباط را می‌توان میزان بالای دسترسی به آن دانست. در بررسی ارتباط، بین محل آموزش و فضای باز و در نتیجه انعطاف‌پذیری آن دیده شد محل‌های آموزش در مدارس سنتی در ارتباط با فضای باز و حیاط و قابل‌گسترش و انعطاف‌پذیر هستند و اما کلاس‌ها در مدارس معاصر، دارای کمترین میزان ارتباط با فضای باز هستند و امکان گسترش و انعطاف‌پذیری ندارند. از سوی دیگر، تجزیه‌شدن دروس در نظام آموزشی نوین و تدریس هر موضوع توسط معلم مخصوص به خود، فضای مدرسه را به اتاق‌های متعددی برای تدریس دروس مختلف تبدیل نمود. این تحول، ساماندهی فضایی مدرسه را تحت‌تأثیر قرارداد و برای ارتباط کلاس‌ها با یکدیگر، نقش راهرو مورد تأکید قرار گرفت و راهرو که فضایی صرفاً عبوری و بدون تعاملات اجتماعی و نقش آموزشی بود، در جهت کاهش نقش آموزشی و اجتماعی مدرسه عمل کرد. به این ترتیب می‌توان کاهش اهمیت و نقش فضاهای باز و نیمه‌باز را در مدارس سنتی و نوین به وضوح مشاهده نمود.

عمق: عمق هر فضا، مرحله یا مرتبه آن فضا در ساختار کلی بنا است. هر چه عمق فضا کمتر باشد، دسترسی به آن آسان‌تر صورت می‌گیرد. همچنین این سهولت دسترسی فضا از طریق وجود یا عدم وجود مسیرهای در فضا مشخص می‌شود (Campos, 2003: 35). در فضاهایی که توالی قسمت‌های مختلف فضا ممکن است و همچنین نظارت، کنترل و دسترسی به انواع فضاهای یک کاربری به دلیل محدود بودن و یا ثابت بودن تعداد کاربران به سهولت ممکن است (مانند مدرسه)، مجاز به «عمیق»

مدرسه، منجر به افزایش عمق آن و در نتیجه کاهش کارایی عملکردی در آن شده است. از سویی دیگر، مدرسه مروی در مجموع کمترین مرحله عمق فضایی را دارد. این بدان معنی است که حیاط در این مدارس کمترین فاصله را نسبت به ورودی و سایر فضاهای اطراف خودش دارا است. از طرفی طبق تعریف شاخص عمق در بررسی کارایی عملکردی، «هرچه میزان عمق فضایی کمتر باشد، میزان یکپارچگی (پیوستگی و عدم جدا افتادگی) آن با سایر فضاهای مجاور بیشتر شده و این باعث افزایش نفوذپذیری آن به فضاهای مجاورش می‌شود. این موضوع منجر به افزایش ارتباط عملکردی و بصری فضاهای اطراف حیاط نسبت به آن می‌شود. طبق تعریف کارایی عملکردی در ارتباط با مؤلفه هم‌پیوندی، وجود فضاهای خدماتی به عنوان هم‌پیوندترین فضاها، موجب تسهیل در روابط عملکردی فضاها می‌شود. منطبق با این تعریف و نتایج حاصل از بررسی‌های نرم افزاری، مشخص است که بخش ورودی‌های فضاها و حیاط به عنوان اصلی‌ترین فضای خدماتی، جزء هم‌پیوندترین فضاها به شمار می‌روند؛ زیرا در حداقل عمق قرار دارند و میزان پیوند مناسبی با سایر اجزا برقرار نموده‌اند.

تحدب و تقعر فضا: این شاخص نیز با استفاده از نرم‌افزار بررسی شده است. همان‌طور که از تحلیل‌های تصویری پیداست، بیشترین میزان فضای محدب در مدرسه مروی شکل گرفته است. از میان نمونه‌های انتخاب شده، پس از مدرسه البرز، مدرسه کمال و سلمان دارای کمترین میزان فضای محدب به تعبیری بیشترین فضای مقعر است. علت این موضوع در ارتباط با طرح هندسی حیاط این مدرسه است؛ به این معنی که در این مدرسه، به علت چرخش حیاط پیرامون فضا، فضا از حالت تحدب خارج شده و نقاط کور از نظر بصری در آن زیاد پیش می‌آید و این امر در کاهش کارایی

عملکردی در این مدارس مؤثر است. کاهش فضای محدب در مدرسه مروی باعث افزایش خوانایی و در نتیجه مسیریابی بهتر در فضا می‌شود ضمن اینکه استفاده از فضای محدب برای حیاط به‌عنوان یک مکان تجمع عمومی، از به‌وجود آمدن گوشه‌های دنج و خارج از دید عموم جلوگیری کرده که مجموعه این عوامل باعث افزایش استفاده‌پذیری از فضا و در نتیجه افزایش کارایی عملکردی در فضا می‌شود. این در حالی است که در مدرسه البرز، علی‌رغم وجود حیاط، به دلیل هندسه مقعر آن، امکان درک تمامیت فضا برای کاربر مهیا نبوده و این موضوع علاوه بر ایجاد ابهام، دسترسی به فضاهای سرویس‌دهنده را نیز مختل می‌کند؛ لذا همین امر باعث نزول کارایی عملکردی مدارس موردنظر از باب هندسه حیاط شده است. در نتیجه علاوه بر کاهش مراتب فضا (سلسله‌مراتب فضایی)، میزان استفاده‌پذیری از فضاهایی که در بخش‌ها محدب و محوری قرار ندارند را نیز تحت الشعاع قرار داده است.

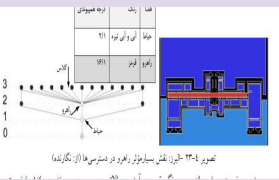
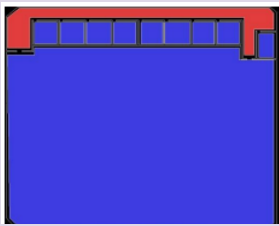
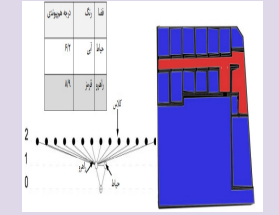
فضای محوری: در ارتباط با فضای محوری که با استفاده از نرم‌افزار انجام گرفته است و با توجه به داده‌ها، مشاهده می‌شود که در مدرسه مروی به دلیل هندسه منظم و مستطیل شکل حیاط، بیشترین میزان دید به اطراف فضا از ناحیه حیاط وجود دارد. در این مدارس، حیاط به عنوان یک بخش مستقل در ساختار بنا شناخته می‌شود و با استقرار آن در بخش مرکزی بنا، در شفافیت فضایی، نقش بسزایی دارد (این حالت برای مدرسه مروی وضوح بیشتری دارد). در واقع در مدرسه مروی ساختار حیاط مرکزی، نقش حیاط در بالابردن میزان وضوح و شفافیت فضا بسیار پررنگ است که این موضوع بر کارایی عملکردی آن تأثیر بسزایی دارد در رابطه با مدارس دیگر نیز به دلیل هندسه نامناسب حیاط، دید محوری مناسبی وجود ندارد و خود حیاط به جای ایجاد وضوح و شفافیت فضایی، به واسطه پیچشی که در طرح هندسی آن وجود دارد، به

است، بیشترین تعداد پیوند در اطراف آن حیاط شکل گرفته است که این امر موجب افزایش هم‌پیوندی مجموع فضاها شده است که این امر موجب به یکپارچگی بیشتر کل مجموعه و در نهایت افزایش عملکردی فضایی حیاط می‌شود نتیجه دارای بالاترین میزان کارایی عملکردی در رابطه با شاخص هم‌پیوندی در بین مدارس ذکر شده است. پس از آن مدرسه البرز و بعد از آن کمال و سلمان (به دلیل جانمایی بد حیاط جهت پیوند مناسب با سایر اجزا در پیکره‌بندی طرح، عملاً هم‌پیوندی مناسبی بین فضاها شکل نگرفته و این موضوع منجر به کاهش کارایی عملکردی در این مدارس شده است)، از نظر شاخص فضا- پیوند، در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

فضایی ابهام‌آور تبدیل شده است لذا چنین به نظر می‌رسد که در این مدارس، وجود حیاط نه تنها به افزایش کارایی عملکردی کمکی نکرده است، بلکه به واسطه هندسه پیچشی آن، فضایی غیرشفاف و ناخوانا را در پیکره بندی فضا به وجود آورده است.

هم‌پیوندی: همان‌گونه که پیش‌ازاین نیز مطرح شد، شاخص هم‌پیوندی با استفاده از روابط ریاضی نحوفضا مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که نتایج آن در جدول ۷ آورده شده است. از تعریف نظری شاخص هم‌پیوندی و همچنین نتایج جدول پیداست که مدرسه مروی که به‌صورت حیاط مرکزی است، دارای بالاترین میزان پیوند در مدرسه مروی (۱۴/۱) در مدرسی که فضای حیاط اصلی آن در عمق بنا

جدول ۷: بررسی شاخص هم‌پیوندی و تدوین مشخصات عددی نرم افزار Depthmap در رابطه با شاخص هم‌پیوندی

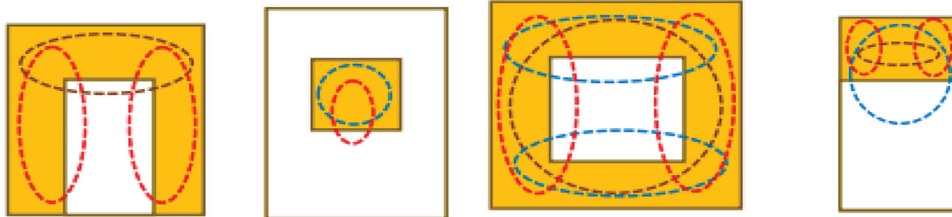
| مدرسه | فضا | رنگ | درجه هم‌پیوندی | پلان |
|-------|-------|----------|----------------|---|
| مروى | ايوان | آبی روشن | ۱۱/۶ |  |
| | راهرو | آبی تیره | ۶/۱ | |
| | حیاط | قرمز | ۱۴/۱ | |
| البرز | حیاط | آبی تیره | ۲/۱ |  |
| | راهرو | قرمز | ۱۶/۱ | |
| کمال | حیاط | آبی تیره | ۶/۲ |  |
| | راهرو | قرمز | ۸/۹ | |
| سلمان | حیاط | آبی تیره | ۶/۲ |  |
| | راهرو | قرمز | ۸/۱ | |

بحث

یافته‌های تحقیق در نهایت پیرامون شاخص‌های مختلف مورد بررسی نشان می‌دهد که بهترین نوع جانمایی برای حصول حداکثر میزان کارایی عملکردی، استفاده از الگوی حیاط مرکزی (در مرکز هندسی بنا) است چرا که در این حالت، بیشترین میزان ارتباط و دسترسی با فضای سرپوشیده فراهم آمده و در نتیجه حداکثر میزان گردش فضایی در کل مجموعه به وجود می‌آید. لذا قرارگیری آن در مرکز هندسی بنا بیشترین میزان بهره‌وری و کارایی عملکردی را برای فضا به همراه دارد.

وجود حیاط در راستای کارایی عملکردی مدارس ضروری است و مدارس منظم و ریز فضاهای موجود در ساختار مدرسه پیرامون آن هستند دارای کارایی عملکردی بهتری هستند. همچنین در الگوی این مدارس مشاهده شد که حیاط مرکزی با شکل هندسی مستطیل، کمترین میزان فضای مقعر و بیشترین میزان فضای محوری وجود دارد. این موضوع باعث افزایش خوانایی و در نتیجه مسیریابی بهتر در فضا می‌شود ضمن اینکه استفاده از فضای محدب برای حیاط به‌عنوان یک مکان تجمع عمومی، از به‌وجود آمدن گوشه‌های دنج و خارج از دید عموم جلوگیری کرده که مجموعه این عوامل باعث افزایش استفاده‌پذیری از فضا و در نتیجه افزایش کارایی عملکردی در فضا می‌شود. این در حالی است که در مدارس البرز و سلمان و کمال، علی‌رغم وجود حیاط، به دلیل هندسه مقعر آن، امکان درک تمامیت فضا برای کاربر مهیا نبوده و این موضوع علاوه بر ایجاد ابهام، دسترسی به فضاهای سرویس‌دهنده را نیز

مختل می‌کند در این مدارس حیاط نقش خود را به‌عنوان ارتباط‌دهنده مثل راهروها و ارائه‌دهنده سرویس به آنها از دست داد و با خارج‌شدن از نظام حلقه‌های فضایی، تنها به فضایی جهت عبور تقلیل یافت. در این مدارس عرصه‌بندی فضایی در داخل مدرسه شکل می‌گرفت که البته این عرصه‌بندی به دلیل عدم وجود فضای مرکزی، در بسیاری موارد به تداخل عملکردی منجر می‌شد. با این حال استفاده از الگوی عرصه‌بندی عمودی در نظام فضایی این مدارس تا حد زیادی از این موضوع ممانعت به عمل آورد. در نمودارهای توجیهی، نقش هر یک از عناصر ارتباط‌دهنده در ایجاد ارتباط بین فضاهای مختلف به روشنی خواننده می‌شود (معماریان، ۱۳۸۴: ۵۴)؛ لذا همین امر باعث نزول کارایی عملکردی مدارس موردنظر از باب هندسه حیاط شده است و حیاط تأثیر قابل توجهی تنها بر ارتباطات فضایی میان فضای باز و بسته نداشته و عملاً به فضایی برای عبور از بیرون به داخل تبدیل شده و در نتیجه علاوه بر کاهش مراتب فضا (سلسله‌مراتب فضایی) و دسترسی متناسب با کارکرد فضا، میزان استفاده‌پذیری از فضاهایی که در بخش‌ها محدب و محوری قرار ندارند را نیز تحت الشعاع قرار داده است بوده و همین امر باعث کاهش نفوذپذیری به بنا نسبت به نمونه‌های حیاط مرکزی و در نتیجه کاهش کارایی عملکردی آن نسبت به نمونه‌های مذکور شده است؛ با توجه به شکل ۳ چنین به نظر می‌رسد که موقعیت قرارگیری حیاط نسبت به بنا و نوع هندسه آن و کاهش فضاهای مقعر و افزایش فضای محوری می‌تواند در افزایش خوانایی و کارایی عملکردی بنا تأثیرگذار باشد.



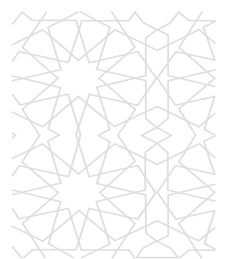
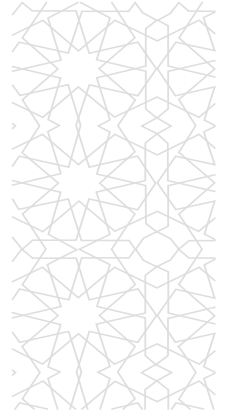
شکل (۳): انواع گردش فضایی در الگوهای مدارس سنتی، معاصر
 راهنما از سمت راست: الگوی حیاط مرکزی در مدارس سنتی مروی، الگوی ساختمان در مرکز در مدارس معاصر مانند البرز و کمال، الگوی U مدارس معاصر مانند دارالفنون، الگوی یک طرفه مدارس نوین مانند کمال و سلمان

نتیجه‌گیری

هدف اصلی در پژوهش حاضر، بررسی نقش حیاط در ارتقای کارایی عملکردی مدارس است. یافته‌ها نشان داد که در شرایطی که مدارس سنتی دارای الگوی حیاط مرکزی با حجره‌های پیرامون بوده، نفوذپذیری بیشتر به فضای مدرسه و افزایش یکپارچگی فضایی، کنترل و اتصال را ایجاد کرده بود. این امر زمینه استفاده بیشتر از حیاط به‌عنوان یکی از فضاهای اصلی مدرسه و نیز امکان عرصه‌بندی فضایی در قالب یک نظام سلسله‌مراتبی، ارتباط با بافت محله را فراهم آورده بود که در ارتقا تعاملات شهری نیز مؤثر عمل نماید و کیفیت تعاملات را بالا برده و مدرسه را از فضایی صرفاً آموزشی به کانون تحولات اجتماعی سوق دهد این در حالی است که در مدارس معاصر و نوین کاهش ارتباط با شهر و محله، کاهش ارتباط فضای باز و بسته، کاهش اهمیت و حذف فضای نیمه‌باز، کاهش اهمیت فضای باز و سازمان‌دهی فضای باز و سازماندهی فضای داخلی با محوریت راهرو همچنین ساختمان آنها به تدریج برون‌گراتر و بیشتر در ارتباط دیداری با بدنه خیابان شکل گرفته‌اند اما از نظر تعاملات اجتماعی، جدا از ساکنین محله است و نشان از کاهش نقش اجتماعی مدارس است. یکپارچگی فضایی میان حیاط و فضای مدرسه به شدت رو به کاهش نهاد و دسترسی فیزیکی و (گاهی بصری) فضاها

به حیاط کاملاً محدود شد. این امر زمینه حذف عملکردی حیاط از نظام فضایی مدرسه و تبدیل آن به یک فضای صرفاً عبوری برای رسیدن به فضای مدرسه را ایجاد کرد که این موضوع کارایی عملکردی این مدارس را به شدت تقلیل می‌داد.

در انتها ذکر این نکته ضروری است که پژوهش حاضر این ادعا را ندارد که گونه حیاط مرکزی در مدارس سنتی همواره بهترین مقادیر را در ارتباط با شاخص‌های کارایی عملکردی از جمله هم‌پیوندی، ارتباط و عمق و.. ایجاد می‌کند. این در حالی است که به جز موقعیت قرارگیری حیاط در پیکره‌بندی کلی بنا، متغیرهای دیگری نیز وجود دارند که بر شاخص‌های مذکور تأثیرگذار بوده و مقادیر آنها را تغییر می‌دهند؛ کما اینکه در میان مدارس با حیاط مرکزی (استقرار حیاط در مرکز هندسی بنا)، همواره مدارس وجود دارند که بنا به عوامل مختلف، مقادیر متفاوتی برای شاخص‌های فوق در آنها شکل می‌گیرد که از جمله این عوامل می‌توان به تعداد حجره‌های پیرامون حیاط، تعداد بازشوها از این فضاها به حیاط و همچنین عملکرد توزیع‌پذیری و دسترسی متناسب با کارکرد فضا و.. را اشاره نمود. از مقادیر به‌دست‌آمده از این شاخص‌ها این موضوع اثبات شده است که مدارس سنتی با گونه حیاط مرکزی (مرکز هندسی بنا) نسبت به مدارس که حیاط در یک سمت و پیکره



فضا در ضلع دیگر واقع شده است، از منظر شاخص‌های کارایی عملکردی در وضعیت بهتری قرار دارند.

در نهایت تغییرات صورت گرفته در مدارس به صورت جزئی را می‌توان در جدول ۸ مشاهده کرد:

جدول ۸: بررسی ویژگی‌های مدرسه

| شاخص | مدارس سنتی (مدرسه مروی) | مدارس معاصر (البرز) | مدارس نوین (کمال و سلمان) |
|--------|---|--|---|
| ارتباط | ارتباط با بستر شهری، توجه به عابران، فضای فعال شهری، فضای چند عملکردی، سلسله مراتب، دسترسی، ورودی هماهنگ و پذیرای ساکنین محله | کاهش ارتباط با بستر پیرامون کاهش ارتباط با شهر کاهش فعالیت افراد | کنترل رفت و آمد ایجاد مسیر گذر فضای مرده شهری |
| دسترسی | ورود به تدریج، با طمانینه، دعوت‌کنندگی، تجمع افراد در فضا، تعامل اجتماعی، حفظ حریم | حفظ حریم، تجمع کوچکی فرد در فضا | محدودیت ورود ملزم به رعایت قوانین |
| نشانه | کاشی‌کاری، کتیبه نگاری، مقرنس‌کاری، آجرکاری | کاشی‌کاری، کتیبه نگاری، مقرنس‌کاری، آجرکاری | آجرکاری، نقاشی، کاشی‌کاری |
| کاربرد | درب‌ها در محور تقارن | درب در محور تقارن | درب در محور تقارن |

منابع

- امین‌زاده گوهرریزی، بهناز (۱۳۷۸) حیاط مسجد: بررسی سیر تاریخی و تحول، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد در گذشته، حال، آینده، جلد ۱، دانشگاه هنر، تهران.
- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۴) آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین: غلامحسین معماریان، چاپ دهم، تهران، انتشارات سروش دانش.
- پیوسته‌گر، یعقوب و علی اکبر حیدری و مریم کیایی (۱۳۹۵) ارزیابی نقش حیاط در ارتقای راندمان عملکردی «خانه»، نشریه صفا، دوره ۲۶، شماره ۷۳.
- جعفری، عاطفه و حامد ایمان‌طلب (۱۳۹۵) بررسی و تحلیل عناصر و الگوهای تاریخی معماری مدارس سنتی ایران، نشریه مطالعات جغرافیا، عمران و مدیریت شهری: دوره دوم، شماره ۴.
- حیدری، علی اکبر و یعقوب پیوسته‌گر و مریم کیایی (۱۳۹۵) تحلیل دانه‌بندی بلوک‌های مسکونی از منظر جرم‌شناسی با استفاده از تکنیک نحو
- فضا، هنرهای زیبا، دوره ۲۱، شماره ۳.
- رجبی، پرویز (۱۳۵۵) معماری ایران در عصر پهلوی، تهران، دانشگاه ملی ایران.
- سمیع آذر، علیرضا (۱۳۷۶) تاریخ تحولات مدارس در ایران، تهران، سازمان نوسازی و تجهیز مدارس.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۰) نقش جغرافیا در شکل‌گیری انواع حیاط در خانه‌های سنتی ایران، در فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۷۵.
- سمرقندی، ابوظاهر (۱۳۴۳) سامریه، ترجمه ایرج افشار، تهران، فرهنگ ایران زمین.
- ظاهر سیما، سارا و هما ایرانی بهبهانی و کاوه بذرافکن (۱۳۹۴) تبیین نقش آموزشی فضای باز در مدارس ایران با مطالعه تطبیقی مدارس سنتی تا معاصر (نمونه‌های موردی: مدرسه‌های چهارباغ، دارالفنون و البرز)، دوره ۶۷.
- معماریان، غلام حسین (۱۳۷۳) آشنایی با معماری مسکونی ایرانی گونه‌شناسی درونگرا، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.

- (1993) *The Common Language of Space: a way of looking at the social, economic and environmental functioning of cities on a common basis.*
- (2007) "Space is the Machine", Cambridge, Cambridge University Press.
- (2008) *Space and spatiality what the built environment needs from social theory*, Building Research & Information, 26.
- Hillier, Bill & Hanson, J. (1984) *The social logic of space*, Cambridge, Cambridge University
- Ibrahim .N. & J. Yahya & S. Ahmad & A. Almhafdy. (2013) "Analysis of the Courtyard Functions and its Design Variants in the Malaysian Hospitals", in *Procedia- Social and Behavioral Sciences*, No. 105.
- Khan, N. (2012) "Analyzing patient flow: reviewing literature to understand the contribution of space syntax to improve operational efficiency in healthcare settings". *Proceedings: 8 th International Space Syntax Symposium*, Santiago de Chile.
- Klarqvist, B. (1993) *A space syntax glossary*, nordisk arkitektur for skning, (2).
- Lang, J. T. (1987). *Creating architectural theory: The role of the behavioral sciences in environmental design*. New York: Van Nostrand Reinhold Company Inc
- Manum . BILL (2009) *A- graph complementary software for axial- line Analysis* In: *Proceeding of the 7th International Space Syntax Symposium*, Stockholm, Sweden, 070.
- Meir, I, A, Pearlmuter, D & Etzion, Y, (1995), *On the microclimatic behavior of two semi-enclosed attached courtyards in a hot dry region*, *Building and Environment*, 30(4).
- مهدوی نژاد، محمد جواد (۱۳۸۱) *هنر اسلامی در چالش با مفاهیم معاصر و افق‌های جدید*، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۲.
- مهدوی نژاد، محمد جواد و مجید منصورپور و محمد هادیان‌پور (۱۳۹۳) *نقش حیاط در معماری معاصر ایران، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی*، شماره ۱۵.
- قمی، عباس (۱۳۸۰) *کلیات مفاتیح الجنان*، ترجمه صبا، تهران.
- هاشم نژاد، هاشم و شیرین شاهیده (۱۳۹۰) *مفهوم فضای باز و بررسی چگونگی کالبد حیاط در مسکن به منظور افزایش آسایش و ترفیع نیازهای انسان در عصر حاضر*، ماهنامه علمی تخصصی- پژوهشی پیام مهندس، شماره ۵۵.
- Bustard, W, (1999) *Space, evolution, and function in the houses of Chaco Canyon*. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 26 (2).
- Campos, M. Lemlij, M. and Manning, S. (2007) *The Role of the Building Layout in the Delivery of Social Work Services*. *Proceedings of the 6th International Space Syntax Symposium*, Istanbul
- Haq, S. (1999) "Can Space syntax Predict Environmental Cognition", *Proceedings: 2th International Space Syntax Symposium*.
- Hillier, Bill (1985) *The Nature of the Artificial: the Contingent and the Necessary in Spatial Form in Architecture*, *Geoforum* 16 (2).
- (1993) *Specifically Architectural Theory: A Partial Account of the Ascent from Building as Cultural Transmission to Architecture as Theoretical Concretion*. Harvard Architectural Review, Rizzoli International Publications, Inc., Volume 9.

- Peponis ,J., Zimring, C.,Choi, Y. K. (1990). Finding the building in wayfinding. Environment and Behavior 22.
- Van Manen. M, (2006), Writing qualitatively, or the demands of writing, Qualitative Health Research: An International, Interdisciplinary Journal 16(5): .722-713.
- Vitruvius, (1960). The Ten Books on Architecture (M. H. Morgan, Trans.).New York:Dover Publication,p. 168.
- Young. K, J. Chung, E. Kong, H. Shin, J. Heo. (2015), A study on the design methodologies for activating large-scale underground commercial complexes, Proceedings of the 10th International Space Syntax Symposium
- Mostafa, A & F, Hassan (2013) Mosque layout design, An ana-lytical study of mosque layouts in the early ottoman period, Frontiers of Architectural Research.
- Mustafa, A & F, Hassan (2013) Mosque layout design, An ana-lytical study of mosque layouts in the early ottoman period, Frontiers of Architectural Research.
- Penn. A, Desyllas. J, Vaughan. L, (1999) The Space Of innovative: interaction and Communication in the Work Environment , Environment and planning B : planning and design, 26.
- Peponis. J, (1985) The spatial culture offactories. Human Relations, 38.